

سیاست بین‌المللی در برابر یک تصمیم:

«مداخله بشر دوستانه» در ایران؟!!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

www.kayhanlife.com

سال چهل و سوم

کیهان شماره ۲۰۴۳ (۵۷۷)

۶ تا ۱۲ شهریور ۱۴۰۵

۲۸ اوت تا ۳ سپتامبر ۲۰۲۶

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کیهان

KAYHANLONDON

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوره: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. عالمان می‌توانند این کتاب را مستقلاً از طریق فایس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: www.pirnia.com



Email: pirnia@pirnia.com



کیهان

فهرست مطالب

۴	سرمقاله- در کشاکش سقوط اروشنگ آسترکی
۴-۵	تیر هفته- سیاست بین المللی در برابر یک تصمیم: «مداخله بشر دوستانه» در ایران؟! / ...
۵	شاهزاده رضا پهلوی درباره بحران سوخت و...: خود جمهوری اسلامی ریشه ی این ناسامانی هاست! / ...
۶	همزمان با آغاز کارزار «ID-اقتصادی» ۷۸ فرد، نهاد، شرکت و کشتی مرتبط با جمهوری اسلامی / ...
۶-۷	توضیحات وزیر خزانهداری آمریکادر باره «عملیات اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی / ...
۷	وزیر خزانهداری آمریکادر اقتصاد حکومت آدمکش جمهوری اسلامی را به فروپاشی خواهیم رساند / ...
۸-۹	تلگراف: هکرهای جمهوری اسلامی یک نیروگاه بریتانیا را چهار روز از کار انداختند / ...
۹	وزیر خزانهداری آمریکادر عملیات «طرد اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی را آغاز کردیم / ...
۱۰-۱۱	سیاست تهاجمی رژیم ایران و مخالفت با خلع سلاح شبه نظامیان نیابتی / ... ارفیق خوری (ایندپندنت عربی)
۱۱	شما بل ممنوع شد / ... / خیر اندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	گذار از طوفان- خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی / بخش (۸) / ...
۱۴	جمهوری اسلامی خودش یک «عامل خارجی» در کشورهای منطقه است! / ... عمرو الشوبکی (الشرق الاوسط)
۱۵	افول نقش رژیم ایران و شبه نظامیان در منطقه / ... / امجد کیالی (روزنامه لبنانی النهار)
۱۶-۱۷	فروپاشی و ناکامی پروژه های جمهوری اسلامی / ... / محمد المریخی (الشرق الاوسط)
۱۷	آژانس اطلاعاتی آلمان برای پناهندگان ایرانی، روسی و چینی خط ویژه کمک راه اندازی کرد / ...
۱۸	از بغداد تا بیروت: سفر قالیباف به عراق برای تداوم محاصره دو کشور با سلاح / ... / مصطفی فحمص (الشرق الاوسط)
۱۹	الشرق الاوسط: جنگ معیشت مردم ایران را نابود کرده و بسیاری دیگر هیچ در آمدی ندارند / ...
۲۰	سناریوی تکراری «کشته سازی از نیروهای خودی» / ... / فیروزه نور دستروم
۲۱	بنزین متانولی سپاه مو تور را می خورد؟ / ... / فرید خلیفی
۲۱	پایان مهلت تفاهم نامه اسلام آباد / ... / بهنام محمدی
۲۲-۲۳	توفیق ممتاز: یاری اعدا و ماندگار «کیهان لندن» و میهن دوستی فراتر از مرز بندی های سیاسی / ... / امیر طاهری
۲۳	توقف صادرات نفت ایران: نشست اعضای ناتو برای مشارکت احتمالی در بازگشایی تنگه هرمز / ...
۲۴-۲۵	پیامدها و چالش های تحریم جدید آمریکادر / ... / دیوید اعتباری
۲۵	درست ترین نامعاده ای این روزها! / ... / بهنام محمدی
۲۶	تهدید به حملات نظامی از سوی جمهوری اسلامی در مقابل فشارهای اقتصادی آمریکادر / ...
۲۶	ادعای تبلیغاتی جمهوری اسلامی: فشارهای آمریکادر «حاکمیت فراسرزمینی» است! / ...
۲۷	رنسانس یک فرهنگ برای جهان: ماملت کبیریم، ایران را پس می گیریم / ... / سروس کنگرلو
۲۸-۲۹	«قض مقابل»؛ سپردفاعی ابوظبی در برابر پهلادهای جمهوری اسلامی / ...
۳۰	تورویسم بدون مرز جمهوری اسلامی به دنبال فرزندان نتانیاهو و ترامپ / ...
۳۱	عراق: الگوی آمریکادر برای فشار بر شرکای تجاری جمهوری اسلامی / ...
۳۲-۳۳	رافائل گروسی: تا وضعیت «تنگه هرمز» روشن نشود، مسئله اتمی اولویت نیست! / ...
۳۳	سفری سروصدای رئیس سی آی ای به مسکو: منابع حکومتی: «آمریکادر طریق روسیه به ایران پیام داد» / ...
۳۴	یک عضو «کمیسیون امنیتی ملی» مجلس شورای اسلامی: قالیباف برای طلب ۱۲ میلیارد دلاری و... / ...
۳۴-۳۵	جمهوری اسلامی مجید آدینه، شهر و نند بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴، را اعدام کرد / ...
۳۵	تداوم کمبود بنزین: تعطیلی شماری از پمپ بنزین هادر تهران / ...
۳۶-۳۷	محسن رضایی همسایگان ایران را تهدید کرد: منافع هر کشوری را که در تحریم هادر مشارکت کند / ...
۳۷	هشدار درباره بروز «اعتراضات سراسری» در نیمه دوم سال / ...
۳۸	بحرانی تر شدن وضعیت خشکسالی در ایران / ...
۳۹	افزایش تکان دهنده ۵۰۰۸۵۰۰ درصدی قیمت برنج در ایران / ...
۴۰-۴۱	زنگ خطر در بخش صنعت ایران: تورم تولید کننده در بهار امسال ۱۰۹ درصد شد / ...
۴۱-۴۲	گسترش اعتراضات صنفی کارگران و بازنشستگان با تشدید بحران های اقتصادی / ...
۴۲-۴۳	دکتر اسدالله نصر اصفهانی، وزیر کشور دولت جمشید آموزگار، در کالیفرنیا در گذشت / ...
۴۴	تحلیل فشار تورمی ناشی از افزایش قیمت بنزین بر مردم «قطعی» اعلام شد / ...
۴۵	پیامدهای توقف مبادلات تجاری امارات با ایران: هشدار کارشناسان درباره تشدید فشارهای اقتصادی / ...
۴۶-۴۷	حکایت تکان دهنده گرانی افسار گسیخته و سقوط قدرت خرید خانوار هادر ایران / ...
۴۷-۴۸	برگزاری «رالی جاوید نامان» در لندن / ...
۴۸	تشدید فشار اقتصادی آمریکادر ناکارآمدی های یک حکومت! / ...
۴۹	رکوردد تاریخی قیمت طلا و ارز در ایران: دلار از مرز ۲۰ هزار تومان عبور کرد / ...
۵۰-۵۱	اعتصاب غذای ترکی میادادی، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، در زندان اوین / ...
۵۱	وضعیت بحرانی کارگران در پروژه های صنعت نفت / ...
۵۲	مسابقه نمایشنامه نویسی «زن، زندگی، آزادی» با موضوع اعتراضات دی ۴۰۴ برگزار می شود / ... / کایون حلاجان
۵۳	گزارش مرکز پژوهش های مجلس درباره توزیع: بحرانی که محصول عملکرد جمهوری اسلامی است / ...
۵۴-۵۵	جنگ روایت ها: مهمترین میدان نبرد در ایران، از ۵۷ تا امروز / ... / پائولا متکی
۵۵-۵۶	وقتی در ایران ارانه آمار فقر هم «منع امنیتی» دارد / ...
۵۶-۵۷	خبرهای کوتاه / ...
۵۸-۵۹	پشت جلد- عکس هفته / معمار ایران نوین
۶۰	



بازنشر
بازنشر

سرمقاله

در کشاکش سقوط

در هفته جاری عملیات «روز دی اقتصادی» (Economic D-Day) ایالات متحده با هدف تشدید فشار حداکثری تحریم‌ها و انزوای اقتصادی جمهوری اسلامی آغاز شد؛ کارزاری که می‌تواند به عنوان قطعه تکمیلی پازل ایالات متحده برای فروپاشی حکومت ایران عمل کند.

پیش‌لرزه‌های این کارزار با صعود قیمت دلار به مرز ۲۰۶ هزار تومان نمایان شد و تلاش‌های پیگیر بانک مرکزی نتوانست قیمت دلار را به زیر ۲۰۰ هزار تومان کاهش دهد. اگرچه دلار حکم دماسنج اقتصاد ایران را دارد و ثبت رکوردهای بی‌سابقه‌ی گرانی گویای هزینه‌های عملیات اقتصادی آمریکا علیه حکومت است، اما ابعاد دیگری از هزینه‌های این کارزار با کاهش صادرات نفت ایران به چین و افزایش قیمت‌ها در بازارهای مختلف از جمله بازار اتومبیل در کمتر از یک هفته چشمگیر است.

فشارهای جدید اقتصادی سه نقطه کلیدی را هدف قرار می‌دهد: «کاهش صادرات ایران به ویژه نفت و پرهزینه‌تر شدن عملیات فروش به دلیل پرداخت حق دلالتی و تخفیفات بیشتر برای نفت تحریمی کشور»؛

«سخت‌تر شدن بازگشت ارز»؛

«افزایش هزینه واردات کالاهای واسطه‌ای و اساسی».

پیامدهای این سه محور از جمله عبارتند از: افزایش نرخ ارز، افزایش نرخ تورم و تسریع گرانی، تشدید رکود، افزایش نرخ بیکاری و سقوط بیش از پیش قدرت خرید خانوارها.

برخی ناظران این شیوه فشار اقتصادی را با تحریم‌های سال‌های گذشته مقایسه کرده و معتقدند جمهوری اسلامی روش‌های حیات در شرایط تحریم‌های کنونی را نیز خواهد یافت. این دور از تحریم‌ها اما در زمان و شرایط کاملاً متفاوتی رخ می‌دهد. جمهوری اسلامی امروز با جنگ و آسیب‌های روانی و اقتصادی ناشی از آن روبروست؛ ساختار حکومت با حذف بخش گسترده‌ای از مقامات رده اول و دوم و حتی سوم، به شدت مشتت و متزلزل است؛ شریان‌های اقتصاد کشور دست‌کم نزدیک به دو دهه است که از تحریم‌ها متأثر شده و نزدیک به نیم قرن است که ساختار اقتصادی ایران هزینه‌های نجومی و گاه جبران‌ناپذیر ناکارآمدی و تباهکاری حکومت را پرداخت کرده و به شدت تضعیف شده است.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی آنچه را در چننه داشته، برای ساختن شبکه‌ها و سازوکارهای دور زدن تحریم‌های پیشین به کار گرفته و اکنون با موجی از فشار مضاعف روبروست که بعید است بتواند شبکه‌های جدیدی برای دور زدن تحریم‌ها ایجاد کند.

جنگ و تشدید فشارهای اقتصادی ایالات متحده به گسترش دامنه بحران‌های ناشی از سیاست‌ها و عملکرد جمهوری اسلامی سرعت بخشیده و اقتصاد ایران را در شکننده‌ترین وضعیت خود در تاریخ معاصر قرار داده است.

در آنسو، تکانه‌های شدید اقتصاد در ماه‌های گذشته نشان داده آنچه سال‌ها تحت عنوان دروغین و غیرحرفه‌ای «اقتصاد مقاومتی» مطرح می‌شد، لافی بیش نبوده و اساساً هیچ «مقاومتی» در هیچ «اقتصادی» وجود ندارد و قوانین این عرصه از فعالیت‌های جوامع بشری، سرانجام خود را به حکومت‌ها تحمیل می‌کند. به بیان دیگر، جمهوری اسلامی نیز، آنهم در شرایط جنگی، همراه با کاهش منابع مالی، فشار بر تجارت خارجی و فرسایش توان معیشتی مردم، نمی‌تواند به «تاب‌آوری» و «مقاومت» امید ببندد! اصلی‌ترین تهدید فشار اقتصادی اخیر آمریکا علیه رژیم نیز در نقطه‌ای پدیدار می‌شود که پیامدهای فشارهای «روز D» از شاخص‌های اقتصادی، به سرنوشت و زندگی روزانه مردم روانه شود؛ مردمی که بیشتر آنها با سرریز کردن فقر و فلاکت در زندگی روبرو هستند و توانی برای کشیدن بار بیشتر مشکلات اقتصادی ندارند. انباشت خشم و نارضایتی مردم در چنین شرایطی بطور مستقیم حکومتی را نشانه خواهد گرفت که بیش از نیم قرن است زیر سایه ایدئولوژی ضدملی و ضدتوسعه به دنبال تنش‌زایی و جنگ‌افروزی است و مجرم ردیف اول مسیر قهقرایی و اضمحلال ایران در همه عرصه‌هاست.

به این ترتیب، عملیات اقتصادی «روز D» برای جمهوری اسلامی هزینه و پیامدهایی بالاتر از تحریم و اقتصاد در پی خواهد داشت و به همین دلیل نیز بخشی از حکومت را بر سر دوراهی «یا تسلیم یا فروپاشی» قرار داده است؛ دوراهی‌ای که به نظرمی‌رسد در پیش گرفتن هر یک از آنها، در هر حال، شکست محتوم و تاریخی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد.

تیر هفته

سیاست بین‌المللی در برابر یک تصمیم: «مداخله بشردوستانه» در ایران؟!



● یک منبع امنیتی به «کیهان لندن» می‌گوید، معاونت عملیات نیروی انتظامی در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۴۰۵، در نامه‌ای با قید «آنی» خطاب به یگان‌های تابع اعلام کرده است که با توجه به «وضعیت نابسامان امنیت کالاهای اساسی و مصرفی مردم، شبکه‌های بانکی، قطع برق در گرما و شایعات افزایش بنزین»، از سر گرفته شدن جنگ و «وقوع آشوب» محتمل است.

از قایق‌های تندرو و در پوشش قایق‌های ماهیگیری و همچنین استفاده از پهپاد، شهپاد و موشک‌های کروژ، بخشی از اقداماتی بود که برای هدف قرار دادن کشتی‌های تجاری در مسیر جنوبی تنگه هرمز صورت گرفت؛ با این هدف که قیمت نفت به بشکه‌ای ۲۰۰ دلار برسد و فشار ناشی از افزایش قیمت انرژی و اختلال در چرخه اقتصاد جهانی، دولت ترامپ را به عقب‌نشینی وادار کند.

از دست رفتن اعتبار تنگه هرمز

اهرم تنگه هرمز اما خیلی زود از دست جمهوری اسلامی خارج شد. آمریکا پس از دو هفته حمله به مواضع کلیدی در جنوب ایران، توان نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را کاهش داد و پس از آن، اسکورت کشتی‌ها در مسیر جنوبی تنگه در قلمرو کشور عمان را در دستور کار قرار داد.

با اجرای این استراتژی، اکنون روزانه حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می‌کند، اما نفت ایران در میان آنها نیست! درواقع، جمهوری اسلامی نه‌تنها نتوانست از تنگه هرمز به عنوان یک اهرم مؤثر علیه آمریکا استفاده کند، بلکه با اقدامات خود به اعتبار این گذرگاه حیاتی لطمه زد و حلقه‌ی انزوا و محاصره اقتصادی ایران را تنگ‌تر کرد!

در ایران، قیمت انواع کالا به ویژه مواد غذایی به شدت افزایش یافته. صدها شهروند هر روز در شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام، ویدیوهایی از وضعیت زندگی و معیشت خود منتشر ساخته و به مقامات جمهوری اسلامی اعتراض کرده و می‌گویند که «به آخر خط رسیده‌اند»

یک هفته پس از آغاز عملیات شدید اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی، موسوم به «دی دی اقتصادی» (Economic D-Day)، قیمت دلار در ایران به حدود ۲۰۵ هزار تومان رسید.

بر اساس گزارش‌های میدانی، همزمان با افزایش نگرانی‌ها از احتمال از سر گرفته شدن اعتراضات در میان کسبه بازار تهران، شمار قابل توجهی از مأموران نیروی انتظامی و نیروهای لباس‌شخصی در ساعات مختلف روز در محدوده بازار حضور دارند و با گشت و پرسه تلاش می‌کنند اوضاع را زیر کنترل داشته باشند.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، در مصاحبه با شبکه «سی‌ان‌بی‌سی» به صراحت اعلام کرد که دولت دونالد ترامپ قصد دارد با ایجاد گسترده‌ترین کارزار هماهنگ انزوای اقتصادی در جهان و اجرای «سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ که تا کنون کشوری به خود دیده»، اقتصاد جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهد و زمینه را برای فروپاشی حکومت فراهم کند.

در واکنش به این اظهارات، احمدرضا رادان، فرمانده نیروی انتظامی، هشدار داد: «دشمن از ما دست برنداشته و به دنبال ایجاد آشوب در یک نقطه یا سراسر کشور است.» او تأکید کرد که «موضوعاتی مانند مسائل معیشتی، بنزین، اقتصاد و بیکاری می‌تواند بهانه‌ای برای این اقدامات باشد.» پس از آتش‌بس موقت میان جمهوری اسلامی و آمریکا در ماه ژوئن، حکومت ایران تلاش کرد با اتکا به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش، تنگه هرمز را مسدود کند. مین‌پاشی در دریا، شلیک موشک‌های آرپی‌جی به کشتی‌ها با استفاده

متن کامل این پیام به شرح زیر است:

هم‌میهنان عزیز،
تلاش جمهوری اسلامی برای افزایش قیمت بنزین، بار دیگر بی‌کفایتی و نابسامانی ساختاری بازار انرژی ایران تحت سلطه این رژیم را آشکار کرده است.
در شرایطی که جمهوری اسلامی منابع کشور را صرف تروریست‌های خارجی و سرکوبگران داخلی می‌کند، مقامات نظام و نزدیکانشان در غارت اموال ملی با یکدیگر رقابت می‌کنند و بی‌کفایتی رژیم در اداره کشور کمر خانوارها را شکسته و ایرانیان را فقیر کرده است. تحمیل افزایش قیمت سوخت به مردم، اشتباهی نابخشودنی و خیانتی بزرگ است. نمی‌توان بهای سوخت را با کشورهای دیگر مقایسه کرد، در حالی که درآمد ایرانیان به ریال و زیر خط فقر است.
مسئله سوخت و انرژی در تقریباً همه کشورهای جهان، حتی بسیاری از کشورهایی که منابعی بسیار کمتر از ایران دارند، بطور روزمره و بدون بحران مدیریت می‌شود.
از یکسو، مافیای قاچاق سپاه روزانه ده‌ها میلیون لیتر

شاهزاده رضا پهلوی درباره بحران سوخت و ضرورت استقرار یک دولت ملی و کارآمد در ایران: خود جمهوری اسلامی ریشه‌ی این نابسامانی‌هاست!



طرح از کیهان لندن ©KayhanLondon

سرمایه ایران را از طریق تانکر، خط لوله و اسکله قاچاق می‌کند و از سوی دیگر، مافیای خودرو، خودروهای بی‌کیفیت و پرمصرف را به ملت تحمیل می‌کند. این فرقه تبهکار که قادر به حل مشکل نیست، از طریق دستگاه پروپاگاندای خود بار کمبود سوخت را بر دوش مردم می‌گذرد و آنها را عامل افزایش مصرف و قاچاق سوخت معرفی می‌کند.

جمهوری اسلامی، رژیمی بی‌کفایت، فاسد و ضدایرانی است که خود ریشه این نابسامانی‌هاست و هرگز قادر به حل آنها نخواهد بود.

تنها راه نجات ایران و پایان این چرخه ویرانگر، برانداختن کامل این رژیم و استقرار دولتی ملی و کارآمد است. «پروژه شکوفایی ایران» برنامه‌های روشنی برای ایجاد توازن میان تولید و مصرف سوخت تدوین کرده است. این برنامه‌ها بر پایه بهترین شیوه‌های آزموده‌شده جهانی و تجربه ملی ایران در مدیریت منابع انرژی استوارند و پس از سقوط این رژیم، در دوران گذار، اجرایی خواهند شد.

پاینده ایران،
رضا پهلوی

شاهزاده رضا پهلوی رهبر انقلاب ملی شیروخورشید و دوران گذار در پیامی که شنبه ۳۱ امرداد (۲۲ اوت) منتشر شد، با اشاره به بحران سوخت و ترفندهای جمهوری اسلامی برای گران کردن قیمت بنزین گفت: «در شرایطی که جمهوری اسلامی منابع کشور را صرف تروریست‌های خارجی و سرکوبگران داخلی می‌کند، مقامات نظام و نزدیکانشان در غارت اموال ملی با یکدیگر رقابت می‌کنند و بی‌کفایتی رژیم در اداره کشور کمر خانوارها را شکسته و ایرانیان را فقیر کرده است. تحمیل افزایش قیمت سوخت به مردم، اشتباهی نابخشودنی و خیانتی بزرگ است. نمی‌توان بهای سوخت را با کشورهای دیگر مقایسه کرد، در حالی که درآمد ایرانیان به ریال و زیر خط فقر است.»

در این پیام همچنین با تأکید بر بی‌کفایتی رژیم و با اشاره به «پروژه شکوفایی ایران» آمده است: «جمهوری اسلامی، رژیمی بی‌کفایت، فاسد و ضدایرانی است که خود ریشه این نابسامانی‌هاست و هرگز قادر به حل آنها نخواهد بود. تنها راه نجات ایران و پایان این چرخه ویرانگر، برانداختن کامل این رژیم و استقرار دولتی ملی و کارآمد است. «پروژه شکوفایی ایران» برنامه‌های روشنی برای ایجاد توازن میان تولید و مصرف سوخت تدوین کرده است.»

و دیگر چیزی برای دست دادن ندارند.
یک منبع امنیتی به «کیهان لندن» می‌گوید، معاونت عملیات نیروی انتظامی در تاریخ ۲۶ امرداد ۱۴۰۵، در نامه‌ای با قید «آنی» خطاب به یگان‌های تابع اعلام کرده است که با توجه به «وضعیت نابسامان امنیت کالاهای اساسی و مصرفی مردم، شبکه‌های بانکی، قطع برق در گرما و شایعات افزایش بنزین»، از سر گرفته شدن جنگ و «وقوع آشوب» محتمل است.

در همین نامه تأکید شده است که این اعتراضات، با «ضرب تیپ‌ج‌کنندگی فضای مجازی» و «با محوریت ایجاد خشم و نفرت در مردم»، به ویژه در تهران، کرمانشاه، اصفهان، شیراز و اهواز، «از سوی دشمنان» برنامه‌ریزی شده است.
در بالاترین سطوح حکومت، بدون توجه به خواست‌های انباشته اجتماعی و اقتصادی مردم، همچنان ادعا می‌شود که «موساد» در حال برنامه‌ریزی برای آشوب و تظاهرات در ایران است؛ حال آنکه در همین نامه نیروی انتظامی نیز تصریح شده که گرانی و وضعیت نابسامان کالاهای اساسی، از عوامل محتمل وقوع اعتراضات است!

نیروهای مسلح نظام در تیرس عملیات اقتصادی آمریکا
وزیر خزانه‌داری آمریکا در یک سخنرانی رسمی، پس از اعلام آغاز کارزار «D-Day» علیه رژیم ایران، گفت: «دیوار برلین زمانی سقوط کرد که سربازان عادی تصمیم گرفتند دیگر به مردم عادی، به شهروندان خودشان، شلیک نکنند.» به این ترتیب، به نظر می‌رسد که دولت آمریکا در طراحی تشدید فشار و عملیات اقتصادی، نیروهای مسلح و ماشین سرکوب حکومت را نیز در شمار اهداف و اولویت‌های اصلی خود قرار داده است.

دونالد ترامپ نیز سوم شهریور ۱۴۰۵، در پیامی که در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» منتشر شد، گفت که حکومت ایران حقوق بخش‌های بزرگی از نیروهای مسلح خود را پرداخت نمی‌کند و افزود که کشور با یک بحران انسانی عظیم روبروست.

ترامپ نوشت: «جمهوری اسلامی رو به زوال ایران حقوق بخش‌های بزرگی از نیروهای نظامی خود را پرداخت نمی‌کند، در حالی که همزمان معترضان را، حتی زمانی که اعتراض می‌کنند، در ابعادی که قبلاً دیده نشده، می‌کشد. این یک بحران انسانی در بُعدی عظیم است و باید متوقف شود؛ آنهم فوری!»

در چنین شرایطی، ادامه کارزار فشار اقتصادی، در صورت تداوم سقوط ارزش پول ملی، افزایش قیمت کالاهای اساسی و تشدید بحران معیشتی، می‌تواند زمینه‌ساز به راه افتادن موج تازه‌ای از اعتراضات در کشور شود. تجربه جمهوری اسلامی نشان داده است که حکومت در مواجهه با اعتراضات گسترده، بجای پذیرش خواست‌های جامعه و ناکارآمدی‌های خود، به استفاده از ابزارهای امنیتی و سرکوب متوسل می‌شود.

به این ترتیب، تداوم این روند صرفاً یک بحران اقتصادی نخواهد بود. اگر فشار اقتصادی به فروپاشی بیشتر مناسبات زندگی روزانه و تأمین نیازمندی‌های ضروری و عمومی و سپس اعتراضات گسترده اجتماعی منجر شود، ایران می‌تواند وارد مرحله‌ای شود که این بحران ابعاد جدید و جدی‌تری پیدا کند؛ مرحله‌ای که چه بسا جامعه بین‌المللی ناگزیر خواهد شد درباره اشکال و دامنه‌ی یک «مداخله بشردوستانه» برای حفاظت از شهروندان غیرنظامی و پایان دادن به شرایط موجود و یک فاجعه‌ی تشدیدشونده تصمیم بگیرد. بحرانی که همزمان می‌تواند با فرصت‌هایی برای پایان دادن به عمر یک حکومت ضدبشری و سرکوبگر در ایران همراه باشد.

توضیحات وزیر خزانهداری آمریکا درباره «عملیات اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی؛ «بزرگترین تهاجم مالی علیه یک کشور خواهد بود»

● اسکات بسنت وزیر خزانهداری آمریکا روز یکشنبه ۲۳ اوت (اول شهریور) در مقاله‌ای که در «فایننشال تایمز» منتشر شد، جزئیاتی از «کارزار اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی موسوم به «D-Day» را بیان کرد.

● او در بخشی دیگر از مقاله خود به برهان «شرطبندی پاسکال» اشاره کرد و نوشت: «او دریافته بود که عدم قطعیت، انسان‌ها یا ملت‌ها را از داوری الهی مبرا نمی‌کند؛ بلکه برعکس، آنها را ملزم می‌کند خطرها را سختگیرانه‌تر ارزیابی کنند و بهای سنگین‌تری برای خطا بپردازند.»

اسکات بسنت وزیر خزانهداری آمریکا روز یکشنبه ۲۳ اوت (اول شهریور) در مقاله‌ای که در «فایننشال تایمز» منتشر شد جزئیاتی از «کارزار اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی موسوم به «دی دی اقتصادی» «D-Day» را بیان کرد.

وزیر خزانهداری آمریکا تأکید کرد که هدف این کارزار «قطع تمامی شریان‌های اقتصادی حامی جمهوری اسلامی است تا جایی که تهران کاملاً تنها بماند.»

بسنت در این مقاله به توضیح مختصری درباره علت نامگذاری این کارزار به «D-Day» پرداخت. «روز دی» به نبرد مشهور نرماندی در جنگ جهانی دوم اشاره دارد. در این نبرد نیروهای متفقین در ششم ژوئن سال ۱۹۴۴ در سواحل نرماندی فرانسه پیاده شدند. آن زمان فرانسه در اشغال آلمان نازی بود. این نبرد که بزرگترین عملیات آبی‌خاکی تاریخ محسوب می‌شود، در نهایت به شکست آلمان نازی در جبهه نرماندی انجامید. این مقام آمریکایی توضیح داد که رهبران متفقین در جریان کنفرانس تهران درباره اجرای این عملیات تصمیم گرفتند. به گفته بسنت، مسئله رهبران متفقین در آن زمان این بوده است که چگونه می‌توانند بیشترین فشار را به دشمن وارد کنند. بسنت نوشت: «اکنون تاریخ همین پرسش را بار دیگر به تهران بازگردانده و زمان آن فرا رسیده است که با تمام قدرت و عزم آمریکا به آن پاسخ داده شود.»

او گفت که حملات نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی «بخش چشمگیری از قابلیت‌های نظامی آن را از بین برده و برنامه هسته‌ای ایران را تضعیف کرده است.»

بسنت نوشت: «اکنون وارد مرحله نهایی می‌شویم. از سپیده‌دم، «روز دی» اقتصادی، یعنی بزرگ‌ترین تهاجم مالی که تا کنون علیه یک دشمن تدارک دیده شده است، آغاز می‌شود.»

دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانهداری (OFAC)، در بیانیه‌ای که روز دوشنبه ۲۴ اوت (دوم شهریور) صادر شد، اعلام کرد که ۷۸ فرد، نهاد، شرکت و کشتی مرتبط با جمهوری اسلامی به فهرست تحریم‌های این کشور علیه جمهوری اسلامی اضافه شده‌اند. وزارت خارجه آمریکا نیز شماری از فرماندهان ارشد نظامی حکومت را تحریم کرد.

بر اساس اطلاعیه وزارت خارجه آمریکا، امیر حاتم فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی، محمدباقر ذوالقدر مشاور سیاسی مجتبی خامنه‌ای و رضا طلایی نیک سخنگو و معاون وزارت دفاع جمهوری اسلامی تحریم شدند.

همچنین صابر شهبازی بالوجه، کیوان فیاض قره‌بلاغ، محسن فراهی، مجتبی قلعه‌کوهی، محمدرضا کدخدایی، آرمان کهزادیان و محمدحسین اصلانی مقدم در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. اینها کسانی هستند که به تأمین و تسهیل مالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی کمک می‌کنند. ۱۴ فرد دیگر از اتباع چین، هند، یونان، ترکیه، سنگاپور، سوریه، اوکراین و جمهوری آذربایجان که به گفته آمریکا، در شبکه‌های تأمین فناوری، حمل و نقل و صادرات نفت جمهوری اسلامی نقش دارند. وزارت خزانهداری آمریکا همچنین اطلاعات و مبانی



وزارت خزانهداری آمریکا

تحریمی مربوط به علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، احمد وحیدی فرمانده کل سپاه پاسداران و مجید موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه را در فهرست تحریم‌های جدید قرار داد. این سه نفر پیشتر در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار داشتند و جزو ۲۴ فرد تازه تحریم شده محسوب می‌شوند.

دو شرکت ایرانی «آمیزه‌های پلیمری ابهر» و «شرکت نوآوران اکسیس» نیز به فهرست تحریم‌ها اضافه شدند. از میان ۴۸ شرکت و نهاد تازه تحریم شده، ۲۲ مورد در چین و هنگ‌کنگ، هشت مورد در امارات متحده عربی، چهار مورد در هند، چهار مورد در ترکیه، سه مورد در سنگاپور و دو مورد در ایران ثبت شده‌اند. پنج شرکت دیگر در بریتانیا، فرانسه، مالزی، جزایر مارشال و سوویس قرار دارند. این شرکت‌ها با وزارت دفاع جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران، نیروی قدس، شرکت ملی نفت ایران، کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه صنعتی «مالک اشتر» و شبکه‌های حمل و نقل، صادرات نفت و تأمین فناوری ایران ارتباط دارند. شش کشتی با نام‌های تلا، استار پیون، سیفرا، کوانتوم هپ، جی سیلور و وُیاژ اِلِیت نیز به دلیل نقش داشتن در شبکه‌های دریایی و انتقال محموله‌های مرتبط با جمهوری اسلامی تحریم شدند.

همزمان با آغاز کارزار «D-Day» اقتصادی «۷۸ فرد، نهاد، شرکت و کشتی مرتبط با جمهوری اسلامی تحریم شدند

● بر اساس اطلاعیه وزارت خارجه آمریکا، امیر حاتم فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی، محمدباقر ذوالقدر مشاور سیاسی مجتبی خامنه‌ای و رضا طلایی نیک سخنگو و معاون وزارت دفاع جمهوری اسلامی تحریم شدند.

● همچنین صابر شهبازی بالوجه، کیوان فیاض قره‌بلاغ، محسن فراهی، مجتبی قلعه‌کوهی، محمدرضا کدخدایی، آرمان کهزادیان و محمدحسین اصلانی مقدم نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. اینها کسانی هستند که به تأمین و تسهیل مالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی کمک می‌کرده‌اند.

● ۱۴ فرد دیگر از اتباع چین، هند، یونان، ترکیه، سنگاپور، سوریه، اوکراین و جمهوری آذربایجان که به گفته آمریکا، در شبکه‌های تأمین فناوری، حمل و نقل و صادرات نفت جمهوری اسلامی نقش دارند.

● وزارت خزانهداری آمریکا همچنین اطلاعات و مبانی تحریمی مربوط به علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، احمد وحیدی فرمانده کل سپاه پاسداران و مجید موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه را در فهرست تحریم‌های جدید قرار داد. این سه نفر پیشتر در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار داشتند و جزو ۲۴ فرد تازه تحریم شده محسوب می‌شوند.

وزیر خزانه‌داری آمریکا: اقتصاد حکومت آدمکش جمهوری اسلامی را به فروپاشی خواهیم رساند

اختیار ترامپ خواهد بود.

وزیر خزانه‌داری آمریکا همچنین گفت، واشنگتن کنترل تنگه هرمز را در دست دارد و مقادیر زیادی انرژی از این آبراه خارج می‌شود. او افزود، عبور محموله‌های انرژی از مسیر جنوبی تنگه می‌تواند ادامه یابد و بازار نفت برداشت درستی از معنای فشار اقتصادی تازه ندارد.

بسنت در پاسخ به این پرسش که آیا اقدامات تازه شامل چین، بزرگترین شریک اقتصادی جمهوری اسلامی نیز



اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا

خواهد شد، از پاسخ مستقیم خودداری کرد و گفت بسیاری از گفتگوها بهتر است خصوصی مانند. او افزود چین ۵۰ درصد انرژی خود را از خلیج فارس تأمین می‌کند و همراهی با برنامه آمریکا برای بازگشایی تنگه هرمز و کاهش بهای انرژی، «خدمت بزرگی» به پکن خواهد بود.

او همچنین اعلام کرد روز دوشنبه یکم شهریور جزئیات اقدامات تازه را در یک نشست خبری با رسانه‌ها در میان خواهد گذاشت.

کشورهای چین، عراق، ترکیه، روسیه، هند و امارات متحده عربی که بیشترین روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی داشته‌اند، هدف مستقیم تحریم‌های ثانویه ایالات متحده هستند.

همزمان با سخنان وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، در جبهه نظامی نیز ناو هواپیمابر یواس جرج واشنگتن وارد دریای عرب شد و ناو آبراهام لینکلن پس از طولانی‌ترین استقرار پس از «جنگ سرد»، از منطقه خارج شد. در حال حاضر نیروی دریایی آمریکا حدود ۲۰ کشتی جنگی در خاورمیانه دارد؛ گروه‌های ضربتی ناو هواپیمابر مانند «یواس جرج بوش»، ناوشکن‌ها و گروه آمادگی آبی-خشکی «یواس باکسر» از جمله آنان هستند. این نیروها هم قدرت‌هایی می‌کنند و هم در اجرای محاصره دریایی جمهوری اسلامی مشارکت دارند؛ محاصره‌ای که اسکات بسنت آن را بخشی از استراتژی جدید آمریکا می‌داند.

ترکیب دو رویداد ورود ناو جرج واشنگتن و تحریم‌های سختگیرانه نشان‌دهنده رویکرد چندلایه‌ای دولت ترامپ است که فشار اقتصادی حداکثری برای فروپاشی رژیم تهران از یکسو، و حفظ حضور نظامی قوی اما، با مدیریت منابع انسانی و لجستیک از سوی دیگر، دو محور مهم آن به شمار می‌روند.

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در مصاحبه با شبکه CNBC با تشریح کارزار «عملیات اقتصادی D-Day» علیه جمهوری اسلامی، هشدار داد کشورها و شرکت‌هایی که تحریم‌ها را دور بزنند و همچنان با جمهوری اسلامی ایران تجارت کنند، مجازات خواهند شد.

● وی به متحدان آمریکا و دیگر کشورهای جهان خواهد گفت که باید میان همراهی با واشنگتن و ادامه همکاری با جمهوری اسلامی یکی را انتخاب کنند و تهدید کرد: «اگر اصرار دارید با آنها تجارت کنید، خزانه‌داری آمریکا و دولت ایالات متحده تمام قدرت خود را علیه شما به کار خواهند گرفت.»

● وزیر خزانه‌داری آمریکا افزود، ترکیب محاصره دریایی و «سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ» توانایی جمهوری اسلامی برای حمایت مالی از نیروهای نیابتی و پرداخت هزینه نیروهای نظامی آن را محدود خواهد کرد. او گفت: «اقتصاد این حکومت آدمکش را درهم خواهیم شکست» و افزود: «این حکومت را به فروپاشی خواهیم رساند.»

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در مصاحبه با شبکه CNBC با تشریح کارزار «عملیات اقتصادی D-Day» علیه جمهوری اسلامی، هشدار داد کشورها و شرکت‌هایی که تحریم‌ها را دور بزنند و همچنان با جمهوری اسلامی ایران تجارت کنند، مجازات خواهند شد.

وزیر خزانه‌داری آمریکا به متحدان ایالات متحده و رهبران دیگر کشورهای جهان گفت باید میان همراهی با واشنگتن و ادامه همکاری با جمهوری اسلامی یکی را انتخاب کنند. وی تهدید کرد: «اگر اصرار دارید با آنها تجارت کنید، خزانه‌داری آمریکا و دولت ایالات متحده تمام قدرت خود را علیه شما به کار خواهند گرفت.»

او افزود: «وقت آن رسیده که متحدان ما و بقیه جهان تصمیم خود را بگیرند.»

بسنت در بخش دیگری از این مصاحبه هشدار داد، اگر کشورها به انتقال پول، خرید نفت یا حمل و نقل دریایی برای جمهوری اسلامی ادامه دهند، وزارت خزانه‌داری و دولت آمریکا «تمام توان و قدرت خود» را برای برخورد با آنها به کار خواهند گرفت.

وزیر خزانه‌داری آمریکا افزود، ترکیب محاصره دریایی و «سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ» توانایی جمهوری اسلامی برای حمایت مالی از نیروهای نیابتی و پرداخت هزینه نیروهای نظامی آن را محدود خواهد کرد. او گفت: «اقتصاد این حکومت آدمکش را درهم خواهیم شکست» و افزود: «این حکومت را به فروپاشی خواهیم رساند.»

اسکات بسنت با اشاره به تورم مواد غذایی و تورم عمومی در ایران گفت، برخلاف ارزیابی‌هایی که تحریم را بی‌نتیجه می‌دانند، ترکیب محاصره و فشار اقتصادی مؤثر خواهد بود. او گفت، این سیاست پس از اعمال محاصره در ونزوئلا نتیجه داد، اکنون در کوبا مؤثر است و در ایران نیز نتیجه خواهد داد.

بسنت ادامه داد، اعمال فشار حداکثری اقتصادی احتمالا به معنای آن است که عملیات نظامی گسترده علیه حکومت ایران از سر گرفته نخواهد شد، اما تأکید کرد این وضعیت فقط «فعلا» برقرار است و تصمیم نهایی در این زمینه در

او همچنین با هشدار به کشورهای که با حکومت ایران تجارت دارند، نوشت: «این کشورها محاسبه کرده‌اند که مداخلات با رژیم گزینه‌ای امن‌تر است، اما بهتر است پیامدهای سرپا نگه‌داشتن آن را نیز در نظر بگیرند.»

او در بخشی دیگر از مقاله خود، به برهان «شرطبندی پاسکال» اشاره کرد و نوشت: «او دریافته بود که عدم قطعیت، انسان‌ها یا ملت‌ها را از داوری الهی مبرا نمی‌کند؛ بلکه برعکس، آنها را ملزم می‌کند خطرها را سختگیرانه‌تر ارزیابی کنند و بهای سنگین‌تری برای خطا بپردازند.»

«شرطبندی پاسکال» به برهان مطرح‌شده از سوی بلز پاسکال، ریاضیدان و فیلسوف مشهور فرانسوی اشاره دارد. او در این برهان می‌گوید که هرچند وجود خدا اثبات نشده، اما «فرد عاقل باید طوری زندگی کند که گویا خدا وجود دارد.»

بسنت در این مقاله «شرطبندی پاسکال» را به شریان‌های



اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا / رویترز

حیاتی اقتصادی برای رژیم ایران تعمیم داد و نوشت: «کشورهایی که برای در امان ماندن از تهران همچنان همان رژیم را تقویت می‌کنند که می‌خواهند از گزندش در امان مانند، اکنون از مرزهای تحمل آمریکا عبور کرده‌اند.»

او استدلال کرد که انزوای کامل مالی حکومت ایران می‌تواند ضمن گسترش دامنه آزادی برای متحدان واشنگتن «نیاز به استفاده از نیروی نظامی آمریکا را برطرف کند.»

بسنت در ادامه نوشت: «کشورهایی که باقیمانده‌ی ارتباطات مالی و تجاری ایران را قطع کنند، ارتباطات اقتصادی خودشان را تقویت خواهند کرد. آنها دسترسی خود به سرمایه جهانی را گسترش می‌دهند، اعتماد به بازارهایشان را تقویت می‌کنند و به جایگاهی که در اقتصاد جهانی در پی آن هستند دست خواهند یافت.»

او افزود: «گزینه دیگر برای کشورهایی که خود را به تهران گره می‌زنند، بسته شدن تمامی راه‌های دستیابی به رفاه پایدار است.» بسنت هشدار داد: «هر کشوری که به عنوان شریان مالی رژیمی رو به زوال عمل کند، باید انتظار داشته باشد در انزوای آن نیز شریک شود. از دید ایالات متحده تبدیل شدن به پناهگاه تروریسم، به معنای تبدیل شدن به کشوری مطرود در جهان است.»

او همچنین گفت: «هرگونه ارتباط باقی‌مانده با تهران، انزوای اقتصادی کشورها و نهادها را تسریع خواهد کرد؛ چه این ارتباط عامدانه برقرار شده باشد و چه آگاهانه نادیده گرفته شود.» بسنت در ادامه تهدید کرد که اگر جمهوری اسلامی ایران علیه نیروهای آمریکایی یا کشورهای حاشیه خلیج فارس دست به اقدامات نظامی بزند، با واکنش «سریع و قاطعانه» آمریکا مواجه خواهد شد.

وزیر خزانه‌داری آمریکا تأکید کرد: «هدف ما قطع تمامی شریان‌های اقتصادی حامی این رژیم استبدادی است تا زمانی که تهران کاملاً تنها بماند.»

تلگراف: هک‌های جمهوری اسلامی یک نیروگاه بریتانیا را چهار روز از کار انداختند



یک نیروگاه برق در بریتانیا

● روزنامه بریتانیایی «تلگراف» ۲۲ اوت (۳۱ ارداد) گزارش داد، هک‌های وابسته به حکومت ایران در حمله سایبری بی‌سابقه یک نیروگاه را در بریتانیا برای چهار روز از کار انداختند.

● بر اساس این گزارش، احتمالاً نخستین بار است که این هک‌ها موفق به از کار انداختن بخشی از تأسیسات این نیروگاه شده‌اند و ظاهراً موفق‌ترین عملیات سایبری در نوع خود بوده است.

● گروه‌های هکری خارجی همچنین اطلاعات مشتریان کسب و کارهای کوچک و اطلاعات رای‌دهندگان در کمپسین انتخابات بریتانیا را سرقت کرده‌اند. با این حال، تصور نمی‌شود هیچ هکری تا کنون توانسته باشد یک نیروگاه بریتانیایی را بطور کامل از کار بپندازد.

روزنامه بریتانیایی «تلگراف» ۲۲ اوت (۳۱ ارداد) گزارش داد، هک‌های وابسته به حکومت ایران در حمله سایبری بی‌سابقه یک نیروگاه را در بریتانیا برای چهار روز از کار انداختند.

بر اساس این گزارش، احتمالاً نخستین بار است که این هک‌ها موفق به از کار انداختن بخشی از تأسیسات این نیروگاه شده‌اند و ظاهراً موفق‌ترین عملیات سایبری در نوع خود بوده است.

گفته می‌شود که نیروگاه هدفی نسبتاً کوچک بوده و خاموشی آن تأثیری بر شبکه سراسری برق یا تولید انرژی بریتانیا نداشته است.

در گزارش تلگراف به نام نیروگاه اشاره‌ای نشده است. این حمله ماه گذشته و همزمان با مجموعه‌ای از حملات سایبری به زیرساخت‌های آب در آمریکا رخ داد. این حملات ۱۲ ایالت را تحت تأثیر قرار داد و نگرانی کاخ سفید را

آمریکا برای اطلاعات درباره فرماندهان زنده و کشته‌شده سپاه ۱۰ میلیون دلار جایزه تعیین کرد

REWARD UP TO \$10 MILLION FOR INFORMATION ON IRGC KEY LEADERS

These individuals command and direct various elements of Iran's Islamic Revolutionary Guard Corps (IRGC), which plans, organizes, and executes terrorism around the world.

If you have information on these or other key IRGC leaders or its component branches, send it to us via our Tor-based tipline or Signal. Your information could make you eligible for relocation and a reward.

 AHMAD VAHIDI COMMANDER OF THE ISLAMIC REVOLUTIONARY GUARD CORPS (IRGC)	 ALI ABDOLLAHI CHIEF OF KHATAMOLANBIA CENTRAL HEADQUARTERS (KCHQ)	 SAKIT AGHAJANI IRGC AEROSPACE FORCE UAV COMMANDER	 HAMIDREZA LASHGARIAN IRGC CYBER ELECTRONIC COMMAND CHIEF	 MAJID KHADEMI IRGC INTELLIGENCE OFFICE COMMANDER
--	---	--	---	---

Tor Link: he5dybnt7sr6cm32xt77pazmtm65flqy6irivtflruqfc5ep7eiodiad.onion

 U.S. Department of State
Diplomatic Security Service
Rewards for Justice

 +1-202-702-7843
 @RFI_USA

تصویر فرماندهان ارشد سپاه پاسداران تحت تحریم‌های آمریکا

کشور، احمد وحیدی فرمانده سپاه پاسداران، علی عبداللہی فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا و حمیدرضا لشگریان فرمانده بخش جنگ الکترونیک و سایبری سپاه، دیده می‌شود. از دیگر افراد این لیست، سعید آقاجانی فرمانده



پیشین یگان پهبادی نیروی هوافضای سپاه، و مجید خادمی فرمانده پیشین سازمان اطلاعات سپاه (ساس) هستند که هر دو در جنگ اخیر کشته شده‌اند. مشخص نیست چرا نام آنها در این فهرست قرار گرفته است.

پنج مقام دیگر بدون ذکر نام و تنها با عنوان دبیر شورای دفاع، مشاور رهبر جمهوری اسلامی، رئیس دفتر نظامی رهبر، دبیر شورای عالی امنیت ملی و وزیر اطلاعات معرفی شده‌اند. وزارت خارجه آمریکا پیش از این برای اطلاعات درباره پنج تبعه ایرانی متهم به انجام حملات سایبری علیه زیرساخت‌های ایالات متحده پاداشی تا سقف ۱۰ میلیون دلار اعلام کرده بود. پلیس فدرال آمریکا نیز پیشتر علیه هشت تبعه ایرانی به اتهام مشارکت در یک کارزار هکری اعلام جرم کرده بود. به گفته اف‌بی‌آی، این حملات شرکت‌های انرژی، پیمانکاران صنایع دفاعی، مراکز درمانی و نهادهای دولتی آمریکا را هدف قرار داده بودند.

اقدام اخیر وزارت خارجه ایالات متحده همزمان با گسترش تحریم‌های آمریکا علیه شبکه‌های نظامی، سایبری، تسلیحاتی و مالی جمهوری اسلامی انجام شده است.

● وزارت خارجه آمریکا در برنامه «پاداش برای عدالت» برای دریافت اطلاعات درباره شماری از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جایزه‌ای تا سقف ۱۰ میلیون دلار تعیین کرده است. دو نفر از افرادی که اسامی آنها اعلام شده، در جنگ اخیر کشته شده‌اند!

● حساب رسمی برنامه «پاداش برای عدالت» وابسته به وزارت خارجه آمریکا دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ اعلام کرده که این افراد فرماندهی یگان‌هایی را بر عهده داشته‌اند که نیروهای آمریکایی را هدف حملات مسلحانه قرار داده یا در عملیات سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی ایالات متحده نقش داشته‌اند.

● در فهرست منتشر شده نام مجتبی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، علی‌اصغر حجازی معاون دفتر رهبر، یحیی رحیم صفوی مشاور نظامی دفتر خامنه‌ای، اسکندر مومنی وزیر کشور، احمد وحیدی فرمانده سپاه پاسداران، علی عبداللہی فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا و حمیدرضا لشگریان فرمانده بخش جنگ الکترونیک و سایبری سپاه، دیده می‌شود.

وزارت خارجه آمریکا در برنامه «پاداش برای عدالت» برای دریافت اطلاعات درباره شماری از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جایزه‌ای تا سقف ۱۰ میلیون دلار تعیین کرده است. دو نفر از اسامی اعلام شده پیشتر در جنگ کشته شده‌اند!

حساب رسمی برنامه «پاداش برای عدالت» وابسته به وزارت خارجه آمریکا دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ اعلام کرده است این افراد فرماندهی یگان‌هایی را بر عهده داشته‌اند که نیروهای آمریکایی را هدف حملات مسلحانه قرار داده یا در عملیات سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی ایالات متحده نقش داشته‌اند.

در فهرست منتشر شده نام مجتبی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، علی‌اصغر حجازی معاون دفتر رهبر، یحیی رحیم صفوی مشاور نظامی دفتر خامنه‌ای اسکندر مومنی وزیر

➔ برانگیخت.

وزیر خزانه داری آمریکا: عملیات «طرد اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی را آغاز کردیم

بخش فناوری و تکنولوژی، طلا و فلزات گرانبها، صنعت هوانوردی و کشتیرانی و حمل و نقل دریایی را هدف قرار داده است.

اسکات بسنت در بخش دیگری از این سخنرانی تأکید کرد: «هر منبع درآمد احتمالی را که به تأمین مالی سپاه پاسداران و حکومت ایران کمک می‌کند، مسدود خواهیم کرد.» وزیر خزانه داری آمریکا در پاسخ به پرسشی درباره احتمال تحریم‌های ثانویه علیه بانک‌ها و موسسات مالی چین که ترانکس‌های مرتبط با ایران را تسهیل می‌کنند، گفت: «هیچکس خارج از دسترس تحریم‌های آمریکا نیست.»

بسنت همچنین گفت، هدف واشینگتن «خفه کردن اقتصادی حکومت ایران» است و افزود به زودی موجی از تحریم‌ها اعلام خواهد شد و این روند ادامه خواهد یافت. او گفت انتظار دارد تا پایان هفته تحریم یک موسسه مالی

● اسکات بسنت وزیر خزانه داری آمریکا روز دوشنبه ۲۴ اوت (دوم شهریور) در جریان یک کنفرانس خبری درباره کارزار جدید فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی متعهد شد که اقتصاد جمهوری اسلامی را فلج خواهد کرد.

● او هشدار داد کشورهایی که مسیر پولشویی را برای رژیم ایران هموار کنند، «از سیستم دلار آمریکا حذف خواهند شد» و کشورهایی که به این کارزار تحریمی نپیوندند، «در انزوای تهران سهیم خواهند شد.»

● وزیر خزانه داری آمریکا همچنین گفت، در کارزار «عملیات طرد اقتصادی» واشنگتن با «گسترش چشمگیر دامنه تحریم‌های ثانویه» خود، پنج بخش حیاتی اقتصاد ایران شامل دارایی‌های دیجیتال (رمزارها)، بخش فناوری و تکنولوژی، طلا و فلزات گرانبها، صنعت هوانوردی و کشتیرانی و حمل و نقل دریایی را هدف قرار داده است.



اسکات بسنت وزیر خزانه داری آمریکا

مهم نیز اعلام شود. وزیر خزانه داری آمریکا در واکنش به تصمیم امارات متحده عربی برای قطع معاملات تجاری با جمهوری اسلامی، این کشور را «شریک بسیار خوبی» خواند و گفت: «مماشات با این حکومت جواب نمی‌دهد.» منابع آمریکایی گزارش دادند، دونالد ترامپ با رهبران جهان در تماس است تا تجارت خود را با جمهوری اسلامی ایران قطع کنند.

همزمان با آغاز کارزار طرد اقتصادی جمهوری اسلامی موسوم به عملیات «D-Day اقتصادی»، قیمت دلار در بازار تهران به ۲۰۳ الی ۲۰۴ هزار تومان رسید. همزمان احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در جمع فرماندهان و مسئولان انتظامی استان مازندران هشدار داد: «دشمن به بهانه معیشت، بنزین، اقتصاد و... دنبال ایجاد آشوب در تمام کشور است.»

اسکات بسنت وزیر خزانه داری آمریکا روز دوشنبه ۲۴ اوت (دوم شهریور) در جریان یک کنفرانس خبری درباره کارزار جدید فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی متعهد شد که اقتصاد جمهوری اسلامی را فلج خواهد کرد.

بسنت تأکید کرد: «هدف ما در سراسر جهان این است که هر شریان اقتصادی را که به بقای این حکومت کمک می‌کند قطع کنیم تا تهران کاملاً تنها بماند.»

او هشدار داد، کشورهایی که مسیر پولشویی را برای رژیم ایران هموار کنند، «از سیستم دلار آمریکا حذف خواهند شد» و کشورهایی که به این کارزار تحریمی نپیوندند، «در انزوای تهران سهیم خواهند شد.»

وزیر خزانه داری آمریکا همچنین گفت که در کارزار «عملیات طرد اقتصادی» واشنگتن با «گسترش چشمگیر دامنه تحریم‌های ثانویه» خود، پنج بخش حیاتی اقتصاد ایران شامل دارایی‌های دیجیتال (رمزارها)،

مقامات بریتانیایی با توجه به ملاحظات امنیتی حاضر نشدند نام نیروگاه هدف قرارگرفته را اعلام کنند، اما گفته می‌شود این تأسیسات چهار روز از کار افتاد و کارکنان در این مدت برای بازگرداندن آن به مدار تلاش کردند.

دولت بریتانیا در واکنش به این حادثه، مدیران عامل شرکت‌های برق را در جریان موضوع قرار داد و در نامه‌ای به کسب و کارهای مرتبط، توصیه‌ها، دستورالعمل‌ها و گام‌های بعدی را تشریح کرد.

سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا و آمریکا بارها درباره خطر هکرهای وابسته به رژیم‌های روسیه، چین، ایران و کره شمالی هشدار داده‌اند. این هکرها روزانه زیرساخت‌های حیاتی و نهادهای دولتی را هدف حملات خود قرار می‌دهند.

پیشتر حملات سایبری بزرگی سامانه‌های خدمات بهداشت ملی بریتانیا، مدارس و تأسیسات تولیدی تجاری از جمله خطوط تولید «جگوار» و «لندرور» را از کار انداخته بودند. گروه‌های هکری خارجی همچنین اطلاعات مشتریان کسب و کارهای کوچک و نیز اطلاعات رای‌دهندگان در کمیسیون انتخابات بریتانیا را سرقت کرده‌اند. با این حال، تصور نمی‌شود هیچ هکری تارکون توانسته باشد یک نیروگاه بریتانیایی را بطور کامل از کار ببنداند.

روزنامه تلگراف می‌نویسد، بعید است هدف حمله به نیروگاه بریتانیایی وارد کردن آسیب واقعی به غیرنظامیان باشد و ظاهراً افکار عمومی نیز بطور گسترده متوجه وقوع آن نشده است. با این حال، ممکن است هدف از این عملیات اثبات این موضوع باشد که هکرهای مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌توانند با نفوذ به سامانه‌های بریتانیا فعالیت تأسیسات زیرساختی حساس را در این کشور متوقف کنند.

ده‌ها نیروگاه کوچک در سراسر بریتانیا به شبکه برق متصل‌اند. بسیاری از آنها با گاز کار می‌کنند و تنها چند ساعت در هفته، برای مثال هنگام کاهش سرعت باد و افزایش نیاز به انرژی، به کار گرفته می‌شوند.

در بخش دیگری از گزارش تلگراف مجدد تأکید شده: «از کار افتادن چهار روزه چنین تأسیساتی تأثیری بر شبکه گسترده‌تر برق ندارد» و برخی کارخانه‌ها و مراکز دیگر، از جمله بیمارستان‌ها، نیز مولدهای برق جداگانه دارند.

به گزارش تلگراف، جمهوری اسلامی ایران در پی درگیری‌های خاورمیانه و به ویژه از زمان آغاز حملات هوایی آمریکا و اسرائیل در ماه فوریه، حملات سایبری خود علیه کشورهای غربی را به شدت افزایش داده است.

مواردی از حملات منتسب به حکومت ایران در آلمان، لهستان، فنلاند، بلژیک و آلبانی گزارش شده است. با این حال، اسرائیل و دیگر کشورهای خاورمیانه بیش از سایر نقاط هدف این حملات قرار می‌گیرند.

مرکز ملی امنیت سایبری بریتانیا در ماه مارس (اسفند-فروردین) به سازمان‌های این کشور توصیه کرد با توجه به درگیری‌ها، رویکردهای امنیتی خود را بازبینی کنند. ریچارد هورن، رئیس این نهاد، نیز در ماه ژوئن گفت این مرکز طی یک سال گذشته با بیش از ۲۰۰ حمله به زیرساخت‌های حیاتی ملی مقابله کرده است.

کارشناسان مدت‌هاست هشدار می‌دهند که بریتانیا آمادگی مقابله با تهدید گسترده حملات سایبری مخرب از سوی دشمنان خارجی را ندارد. با این حال، کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا که بر فعالیت نهادهای اطلاعاتی نظارت دارد، سال گذشته احتمال حمله سایبری رژیم ایران به زیرساخت‌های این کشور را بعید ارزیابی کرده بود.

سیاست تهاجمی رژیم ایران و مخالفت با خلع سلاح شبه‌نظامیان نیابتی



شبه‌نظامیان جمهوری اسلامی با پرچم جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان و حشدالشعبی عراق و فاطمیون افغانستانی در «روز قدس» ۱۴۰۲ / تهران / ۱۴ آوریل ۲۰۲۳

تا زمانی که سیاست تهاجمی جمهوری اسلامی، انتقال «نبرد به سرزمین دشمن» باشد، پاسخ ایران به حمله آمریکا و اسرائیل نیز سرزمین دشمن را مشخص کرده است. این دشمن از نگاه رژیم تهران: اسرائیل، کشورهای خلیج فارس و اردن هستند با این استدلال که حملات، پایگاه‌های نظامی آمریکا را هدف قرار می‌دهند. حتی می‌توان گفت که دشمن از نگاه جمهوری اسلامی که با بستن تنگه هرمز تعریف شده، یعنی تمام «جهان» است! آنچه حزب‌الله در جنگ حمایت از غزه و جنگ حمایت از رژیم ایران انجام داده، و همچنین آنچه «حشدالشعبی» در عراق و حوثی‌ها در یمن انجام داده‌اند، شامل حمله به اسرائیل و برخی کشورهای خلیج فارس و بستن باب‌المندب به روی کشتی‌های نفتی و تجاری سعودی و غیره بوده است.

همچنین بی‌معنا نیست که فرمانده نیروی قدس، اسماعیل قاتانی، به بغداد بیاید و خواستار توقف روند خلع سلاح گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به رژیم ایران شود که همگی زیر چتر حشد الشعبی هستند. قاتانی خلع سلاح آنها را خنجر از پشت به جمهوری اسلامی ایران می‌داند؛ آنهم در زمانی که دولت علی‌الزیدی مهلت پایان دو رویداد را تعیین کرده است: خروج تمامی نیروهای مشترک خارجی از عراق و تحویل سلاح گروه‌های شبه‌نظامی که تا کنون در خارج از کنترل دولت عمل می‌کنند.

حزب‌الله گروه نیابتی رژیم ایران در لبنان نیز بر مخالفت خود با مذاکرات مستقیم میان دولت لبنان و اسرائیل تأکید می‌کند و دبیرکل آن، شیخ نعیم قاسم، اعلام می‌کند که «مقاومت قادر است معادله را تغییر دهد». او از مخاطبان و هواداران مقاومت می‌خواهد «خشم خود را در

رفیق خوری (ایندیپندنت عربی) - هیچکس نمی‌داند دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا تا چه اندازه می‌خواهد یا می‌تواند اسرائیل را برای عقب‌نشینی، حتی از مناطقی از سرزمین‌های عربی که به اشغال خود افزوده، تحت فشار قرار دهد. اما موضع اعلام‌شده بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و یسرائیل کاتز وزیر دفاع این کشور، اصرار بر باقی ماندن در بخش‌هایی از لبنان، غزه و سوریه است؛ موضعی که با «صلح ترامپ» در غزه، توافق چارچوب سه‌جانبه میان لبنان و اسرائیل با میانجیگری آمریکا، و محاسبات استراتژیک واشنگتن در سوریه جدید در تضاد است و مانع آنها می‌شود. اگر بیروت از بیانیه وزارت خارجه آمریکا که بر پایبندی به حاکمیت لبنان تأکید کرده و حضور اسرائیل در هر بخشی از خاک لبنان را نقض توافق چارچوب دانسته است، آسوده‌خاطر شده باشد، پاسخ تل‌آویو افزایش حملات هوایی، تخریب، کشتار و نابودی زیرساخت‌های لبنان به بهانه سلاح حزب‌الله خواهد بود.

اکنون برای همه مشخص است که رژیم ایران در حال اجرای انتقال دکترین نظامی خود «از دفاع به حمله» است؛ تصمیمی که به گفته مشاور «مجتبی خامنه‌ای رهبر جدید رژیم ایران»، موازنه قدرت در جهان را تغییر خواهد داد. البته این موضوع تازه‌ای نیست؛ این روند از زمان صدور انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ که بر اساس قانون اساسی روح‌الله خمینی بر عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گذاشته شد، آغاز شد و در پی آن، گروه‌های مسلح ایدئولوژیک و فرقه‌ای وابسته به «نیروی قدس» در عراق، سوریه و لبنان، علاوه بر مسلح کردن حوثی‌ها در یمن و «حماس» و «جهاد اسلامی» در غزه، شکل گرفتند.

● تا زمانی که سیاست تهاجمی جمهوری اسلامی، انتقال «نبرد به سرزمین دشمن» باشد، پاسخ ایران به حمله آمریکا و اسرائیل نیز سرزمین دشمن را مشخص کرده است. این دشمن از نگاه رژیم تهران: اسرائیل، کشورهای خلیج فارس و اردن هستند با این استدلال که حملات، پایگاه‌های نظامی آمریکا را هدف قرار می‌دهند. حتی می‌توان گفت که دشمن از نگاه جمهوری اسلامی که با بستن تنگه هرمز تعریف شده، یعنی تمام «جهان» است!

● خلع سلاح گروه‌های وابسته به رژیم ایران در عراق، یک موقعیت مهم دیگر را نیز پس از سوریه از تهران می‌گیرد و پروژه منطقه‌ای آن را در هوا معلق می‌کند؛ پروژه‌ای که برای رسیدن به لبنان مصمم به خلع سلاح مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نفوذ آن، به یک پل هوایی نیاز خواهد داشت. از نگاه جمهوری اسلامی که با بستن تنگه هرمز تعریف شده، یعنی تمام «جهان» است!

● حفظ سلاحی که رژیم ایران تلاش می‌کند حزب‌الله آن را نگه دارد، با این استدلال که این سلاح «سلاح ارتش امام مهدی غایب» است، به معنای تداوم اشغال اسرائیل و آمادگی برای دوره‌های جدید درگیریست؛ دوره‌هایی که به اشغال بیشتر و فروپاشی مالی، اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شوند. خلع سلاح نیز به معنای پایان پروژه منطقه‌ای رژیم ایران است، صرف نظر از اینکه آیا این امر به صلحی پایدار منجر شود یا نه؛ و در عین حال آغاز احیای لبنان در چارچوب دولت ملی دارای حاکمیت به شمار می‌رود؛ دولتی که مانند هر کشور مستقل دیگری، اختیار جنگ و صلح را در دست خودش داشته باشد.

بازنشر

شمایل ممنوع شد

خیراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۳۳۸ - دی ماه ۱۳۸۷)



این تصویر، مردی را با لباس رزم - و نه عبا و عمامه - هیکل زمخت، چهره عبوس و نه چندان دلپسند، در حالت نشسته و شمشیر به دست نشان می‌داد که شهرت داشت اصل آن در موزه واتیکان نگهداری می‌شود و کار یک نقاش فرنگی معاصر حضرت علی است.

یکی از دوستان، این شمایل را قاب گرفته و در منزل نوسازش به دیوار آویخته بود. وقتی مادرش به خانه او می‌رود و تصویری را که کمترین اثری از زیبایی در آن نبود بر دیوار می‌بیند تعجب می‌کند و می‌پرسد «این یارو کیه؟» پسر می‌گوید حضرت علی است. مادر چهره در هم می‌کشد و می‌گوید «برو پی کارت، این عبوساً قمطریا عمره نه علی!» در عهد ناصرالدین شاه که دوران رواج و رونق تظاهرات مذهبی بود تصویرگری نیز بازاری گرم داشت. پرده‌های بزرگ و کوچک نقاشی از سوی نقاشان تهیه و عرضه می‌شد که هر کدام، صورت پیامبر یا ائمه طاهرين را مطابق ذوق خود تصویر می‌کردند. ناصرالدین شاه این آشفتگی را مناسب شؤن مذهبی نمی‌یافت، مخصوصاً درباره شمایل حضرت رسول الله.

نقاشباشی دربار «مزين الدوله» که از مکنون ضمير شاهانه آگاه بود، شبی خوابنا شد و رسول خدا را در خواب دید که به وی تکلیف کرد چهره مبارک او را به‌خاطر بسپارد و بر اساس آن تصویری بسازد که جلوه‌گر حقیقت باشد. نقاشباشی به تکلیف عمل کرد و قضیه را معروض و تابلو را به شاه تقدیم داشت. فرمان مبارک صادر شد که پس از این هر کس خواسته باشد شمایل مبارک رسول اکرم را بسازد باید اقتباس از اثر مزين الدوله باشد. این تابلو، در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم نصب بود و لابد هنوز هم در موزه حضرتی نگهداری می‌شود.

پرزیدنت دکتر حاج محمود آقا اوامر صادر فرموده‌اند که شمایل ممنوع.

تصویر ائمه اطهار را اصطلاحاً «شمایل» می‌گویند و انواع آن را بر در و دیوار خانه‌ها و مغازه‌ها و گهگاه پشت ویت‌رین‌ها در ایران دیده‌ایم.

شمایل بر دو قسم است. جمعی از تصویرگران، صورت ائمه را با نقاب مصور می‌کنند و جمع دیگر بی‌نقاب. تصاویر بی‌نقاب، البته می‌بایستی چشم‌نواز باشد و بر بیننده تأثیر بگذارد. به همین سبب چهره معصومین در اکثر تصاویر، شبیه به هم و ترکیبی است از صورت گرد، ریش توپی سیاه، ابروان هلالی، چشمان درشت، بینی باریک و لب‌های قله‌ای. نماد زیبایی مردانه در ایران.

مرحوم آشتیانی‌زاده، نماینده مجلس شورای ملی در ادوار پانزدهم و شانزدهم، حکایت می‌کرد که در غوغای ملی شدن نفت یک خبرنگار فرانسوی به تهران آمده بود و با من رفت و آمد داشت. یک روز هیجان‌زده آمد و گفت حضرت علی را در خیابان دیدم. حیرت کردم و توضیح خواستم. معلوم شد آقا شمس قنات‌آبادی را با حضرت علی اشتباه گرفته است. بدین معنی که چون در نقاط مختلف شهر شمایل امام اول شیعیان را با توصیفی که گذشت مشاهده می‌کرده و به او گفته بودند تصویر حضرت علی است به‌تصور این که «حضرت علی» از رهبران مذهبی و سیاسی ایران و متعلق به همین عصر و زمان است وقتی آقا شمس را با عمامه سیاه و قبای سفید و همان شکل و شمایل هنگام سخنرانی در یک میتینگ خیابانی می‌بیند می‌پندارد به دیدار حضرت علی نائل شده است!

این اواخر، شمایل دیگری از حضرت علی به بازار آمده بود که بکلی با تصویر معروف و موصوف تفاوت داشت.

دل نکه دارند و برای استفاده از آن در زمانی که تحقق اهداف و خواست‌هایش فرا برسد، آماده باشند». اما آن زمان چه موقع است؟ او می‌گوید: «خشم زمان مشخصی دارد و می‌تواند منفجر شود؛ اما اینکه چگونه منفجر شود، مسئولیت آن بر عهده کسانی است که نمی‌دانند و می‌کوشند علیه مقاومت و مردم اقدام کنند.»

این تهدید بیش از آنکه متوجه اسرائیل باشد، متوجه قدرت سیاسی داخلی خود لبنان است. همه‌چیز به زمان‌بندی جمهوری اسلامی و آمادگی برای رویارویی تا پایان بستگی دارد؛ درگیری‌ای بر سر منطقه «علی الطاهر» و تونل‌های حزب‌الله در آن. زیرا خلع سلاح گروه‌های وابسته به رژیم ایران در عراق، یک موقعیت مهم دیگر را نیز پس از سوریه از تهران می‌گیرد و پروژه منطقه‌ای آن را در هوا معلق می‌کند؛ پروژه‌ای که برای رسیدن به لبنان مصمم به خلع سلاح مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نفوذ آن، به یک پل هوایی نیاز خواهد داشت.

نبرد در بغداد میان نفوذ حکومت ایران و نفوذ آمریکا به اوج خود رسیده و اهرمی که واشنگتن در بغداد در اختیار دارد، از نفوذ جمهوری اسلامی و سلاح آن، و حتی از حضور نظامی خود آمریکا، قدرتمندتر است؛ و آن «دلار» است زیرا هنوز تمام پول حاصل از فروش نفت عراق در بانک فدرال مرکزی آمریکا واریز می‌شود و سپس با اجازه آمریکا به بغداد منتقل می‌گردد. عراق بدون ثبات، سرمایه‌گذاری، اجرای پروژه‌ها، گشایش و مشارکت با غرب و کشورهای عربی نمی‌تواند دوباره روی پای خود بایستد. همچنین با باقی ماندن سلاح در دست ۷۰ گروه مسلح که مستقیم با سپاه پاسداران آنهم شاخه تروریستی لشکر قدس ارتباط دارند، ثبات و سازندگی امکان‌پذیر نیست؛ گروه‌هایی که قادرند هر نقطه‌ای در خلیج فارس را هدف قرار دهند و بر موازنه‌های قدرت در سوریه و در نتیجه در لبنان تأثیر بگذارند.

معادله در لبنان بسیار حساس است و بار سنگینی از توازن‌های داخلی و وزن‌های خارجی را بر دوش دارد. حفظ سلاحی که رژیم ایران تلاش می‌کند حزب‌الله آن را نکه دارد، با این استدلال که این سلاح «سلاح ارتش امام مهدی غایب» است، به معنای تداوم اشغال اسرائیل و آمادگی برای دوره‌های جدید درگیریست؛ دوره‌هایی که به اشغال بیشتر و فروپاشی مالی، اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شوند.

خلع سلاح نیز به معنای پایان پروژه منطقه‌ای رژیم ایران است، صرف نظر از اینکه آیا این امر به صلحی پایدار منجر شود یا نه؛ و در عین حال آغاز احیای لبنان در چارچوب دولت ملی دارای حاکمیت به شمار می‌رود؛ دولتی که مانند هر کشور مستقل دیگری، اختیار جنگ و صلح را در دست خودش داشته باشد.

از همین‌جا خطر دوگانه برای لبنان شکل می‌گیرد: خطر تداوم اشغال اسرائیل، به بهانه سلاح حزب‌الله و ابقای نیروهای آن حتی در «منطقه زرد»، و خطر تداوم تداوم حفظ سلاح حزب‌الله حتی بدون استفاده موقت از آن.

حال اگر حزب‌الله در مرحله انتقال دکترین نظامی جمهوری اسلامی از دفاع به حمله، و در شرایطی که نبردها به سرزمین دشمن منتقل می‌شوند، تهدید به استفاده از این سلاح کند، وضعیت چگونه خواهد بود؟ و اگر خطرناک‌تر از خود سلاح، نفوذ رژیم ایران در جوامع عربی باشد، چه خواهد شد؟!

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: رفیق خوری

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن



ده افسر جوان در يك اتاق کاه‌گلی زندگی می‌کردیم و با کشتن شیش سرگرم می‌شدیم!

شاه در ملاقات با ملامصطفی به او پیشنهاد کرد همراه خانواده و افرادش به همدان بیاید و در آنجا کشت و زرع کند
من شهردار اشنویه شدم و روزی دو تومان جیره و مواجب می‌گرفتم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲ تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ - از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با
حمید احمدی (۸)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران - برلین

زربخت - مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در
بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را بازیافت و اکنون، در
هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید.

گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات
و تاریخ می‌خوانید...

وضع بارزانی‌ها با ما فرق داشت. آنها به علت سالها درگیری
و آوارگی، به هر آبادی که وارد می‌شدند چند تیر تفنگ به
هوا خالی می‌کردند و به راهنمایی کدخدا و یا به تشخیص
خودشان در خانه‌های ده سرشکن می‌شدند. و اهالی خوراک
و مسکن آنها را تأمین می‌کردند. البته اکثر دهقانان کردستان
در فقر به سر می‌بردند. خانه‌های خشت و گلی داشتند که
اطاق نشیمن و خواب آنها با آغل گوسفند و گاوشان سرهم
بود و از گرمای نفس حیوانات و... اتاق آنها گرم می‌شد، در
ضمن از دستبرد سارقین شبانه در امان بودند. این هموطنان
ما در چنین شرایطی در فقر و عدم بهداشت به سر می‌بردند
و ما با آن ایده و احساسات پاکی که داشتیم اگر از گرسنگی
می‌مردیم نمی‌توانستیم به خانواده‌های زحمتکش و فقیر
اجحاف کنیم. ما می‌خواستیم رفتار عادلانه‌ای داشته باشیم
و مایحتاج خود را با رضا و رغبت طرف خریداری کنیم. این
وضعیت حدود سه ماه ادامه داشت تا این که ارتشیان ایران
در روز ۲۴ اسفند حمله خود را به بارزانی‌ها آغاز کرد.

**احمدی: مذاکرات ملامصطفی بارزانی با حکومت مرکزی
در تهران و صحبت‌های او پس از مراجعت به اشنویه چه بود؟**
زربخت: ملامصطفی و همراهان در نیمه دوم دی‌ماه
۱۳۲۵ از تهران مراجعت کردند. ملامصطفی پس از مراجعت،
شیبی افسران و شماری از سرکردگان را به ضیافتی که ترتیب
یافته بود، دعوت کرد. در آن ضیافت، افسران خودش و
عده‌ای از سران بارزانی و ما ده نفر افسر هم بودیم. او
مذاکراتش با شاه، قوام‌السلطنه نخست وزیر و رزم‌آرا رئیس
ستاد ارتش را شرح داد. او گفت ما را به بازدید نیروی هوایی،
قورخانه و دیگر مراکز نظامی بردند. و در واقع، برای قدرت
نمایی، همه آنها را به ما نشان دادند. آخرین ملاقات با
شاه بود. در آن ملاقات، شاه گفت ما حاضریم محل امنی
در اطراف همدان در اختیار شما بگذاریم و بپایید به آنجا
و کشت و زرع بکنید و سلاحتان را به زمین بگذارید

بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب
توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی،
با دو هوایمیای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات
آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن
سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان
عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند.
در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت
کردند و شکست خوردند. پس از آن به خاک عراق پناه بردند و
به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹
به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم
شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها -
ابوالحسن تفرشیان - ابرام شد و چهار نفر - از جمله مرتضی

بین ارتش ایران و بارزانی‌ها (۲۴ اسفند ۱۳۲۵) چند بار به
اشنویه آمد. يك بار که برف سنگینی باریده بود، با عبور از
سلسله جبال زاگرس در آن منطقه، که می‌گفت در بعضی
مناطق تا کمر در برف فرو می‌رفته است، خودش را به
اشنویه رسانده و پنجاه دینار عراقی کمک حزب دموکرات
برای ما آورده بود. جوان پاك و شجاعی بود. بعدها که جنگ
فلسطین درگرفت، و حکومت نظامی در عراق اعلام شد،
سعید هم دستگیر شده بود و علی اصغری او را در زندان
مرکزی بغداد دیده بود.

کمک به بارزانی

ما هم کارمان این بود که به بارزانی‌ها کمک اداری
می‌کردیم. احسانی رئیس دادگاه متخلفین از مقررات شده
بود. اگر کسی شکایت داشت، نزد او می‌آمد. مثلاً دو نفر
دهقان از اهالی اشنویه، اگر برخوردی داشتند یا این که،
اگر کسی مال دیگری را دزدیده بود، اینان می‌آمدند پیش
احسانی و او حکم صادر می‌کرد. رفیقمان ارتشیار مسئول
عوارض گمرکات شده بود یعنی مال‌التجاره‌ای که از رضائیه
و از این ور و آن ور به اشنویه وارد می‌شد، داخل يك میدانی
می‌شد و او برای بارزانی‌ها عوارض می‌گرفت که بتوانند
امورشان را بگذرانند. من هم شهردار اشنویه شده بودم.
کارهای مربوط به شهرداری هم کار فوق‌العاده‌ای نبود،
یعنی کارهای عمران و آبادی شهر نبود، من قیمت اجناس را
تعیین می‌کردم و به جارچی می‌دادم که قیمت‌ها را در قصبه با
صدای بلند اعلام کند. مثلاً، می‌گفتم، امروز گوشت کیلویی
فلان قدر. با استخوان این قدر و بدون استخوان آن قدر. یا
قیمت کباب را تعیین می‌کردم که مثلاً دو تا سیخ کباب با
يك نان ۵ قران و یا دو عدد نان و يك سیخ کباب ۵ قران.
بارزانی‌ها هم در مقابل این خدمات، به هر يك از ما روزانه
دو تومان جیره و مواجب می‌دادند. در آن شرایط دشوار،
همین قدر بود که ما را زنده و سرپا نگه می‌داشت. البته

«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی
در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی
جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.
این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی
هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند.
مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان
نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه يك
زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹
(آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده
افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران
به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به‌عنوان
افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان
انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران

شیخ محمد صدیق که همواره به ما مهربانی می‌کرد،
گفت، نذره برای شما جای امنی نیست. شما وسیله خوبی
هستید برای تقرب جستن امثال این بخشدار به حکومت
مرکزی، لذا صلاح شما در این است به اشنویه بروید که کاملاً
در اختیار ما است.

اواخر آذر ۱۳۲۵ بود که ما ۱۰ نفر افسران آواره: تفرشیان،
احسانی، ارتشیار، تیوای، رئیس دانا، زربخت، علی اصغری،
توکلی، مارکارایان و دیباغ زاده با دو قبضه توپ ۷۵ میلی‌متری
کوهستانی به اشنویه رفتیم.

در اشنویه در خانه‌ای گلی، اتفاقی اجاره کردیم. زنی بود
به نام دراباجی. زن کردی بود و اتاقش را به ما اجاره داده
بود. در مدتی نزدیک به چهار ماه، هر ۱۰ نفر در این اتاق
بسربردیم. این زن، نان هم می‌پخت و به ما نان می‌داد. غذا
هم برای ما می‌پخت و ما هم روزی دو تومان بابت اجاره و
سایر خدمات به او می‌دادیم.

شرایط زندگی فوق‌العاده دشوار بود. از نظافت و حمام و
حتی توالت اثری نبود. شیش و کک هم فراوان بود. اغلب شبها،
ساعات فراغتمان به شیش کشی می‌گذشت. این هم نوعی
زندگی بود. جوان بودیم. اگر شیش بود، خنده هم همیشه
بود. شیش‌کشی هم بنوبه خود اسباب خنده فراوان بود.

روزها اغلب به «دیوان خانه» یعنی اتاق انجمن و رایزنی
شیخ احمد می‌رفتیم و به شور و مشورت می‌پرداختیم. در
آنجا، با چای از ما پذیرایی می‌شد. روزهایی که هوا خوش
بود، تفرشیان، رئیس دانا و دیباغ زاده با افراد تفنگچیان زبده
و جوان بارزانی به صحرا می‌رفتند و بار کردن و پیاده کردن
توپ و مشقهای پای قبضه را به آنان می‌آموختند.

در اشنویه بودیم که يك روز جوان گرد بلندقامتی به
دیدنمان آمد و خود را سعید معرفی کرد. او گفت که از
جانب حزب دموکرات کردستان عراق به اشنویه آمده تا با
لامصطفی تماس بگیرد. ضمناً پیام خوش‌آمدی از جانب
کمیته مرکزی آن حزب برای ما آورده بود. او تا شروع جنگ

➔ بروید به دنبال خانه و زندگی‌تان.

ملا مصطفی گفت، درباره آمدن به همدان، جواب دادم که این پیشنهاد را می‌پذیرم. منتها موافقت نهایی را باید با برادر بزرگ خودم شیخ احمد بکنم چون او هم رئیس دنیوی و هم رهبر روحانی قبیله است. من باید بروم و او را قانع کنم برای این پیشنهاد. شاه قبول کرد که من این کار را بکنم. بعد به شاه گفتم، توی این فاصله یک مقداری خواربار و ارزاق به ما بدهید. چون خانواده‌هایمان از لحاظ ارزاق فوق‌العاده در مضیقه هستند. شاه گفت. پیشنهاد شما مورد قبول است و شرطش این است که شما باید آن افسران ارتش ایران و توپها را تحویل ارتش بدهید. در جواب گفتم: قربان! شما راضی نشوید که حیثیت عشیره بارزانی قربانی شود و تف و لعنت نسلهای بعد هم برای ما بماند. رسم عشیره بارزانی نیست مهمانانی را که به او پناه آورده‌اند، تسلیم کند. من حاضرم به جای آن ۶ افسر فراری، ۱۸ نفر از فرزندان و برادرزادگان خود را در اختیار اعلیحضرت بگذارم ولی از تسلیم این عده افسران، معذورم بدارید.

تعداد افسرانی که با ملا مصطفی بودید، ده نفر بود. چرا از ۶ نفر نام برده شد؟

— افسران فراری ارتش موردنظر بودند و اینان جدا از افسران فرقه بودند که از نظر ارتش، افسر فراری از ارتش شناخته نمی‌شدند.

تحویل آن مواد غذایی پیشنهادی ملا مصطفی پذیرفته شد؟

— بله. پس از مراجعت ملا مصطفی از تهران طبق توافقی که به عمل آمده بود، بارزانی‌ها در ازای دریافت مقداری آرد و غله، نرده را تخلیه کردند. و منطقه اشغالی‌شان به اشنویه و حوالی آن محدود شد.

ملا مصطفی پس از مراجعت از تهران، در آن ماههای زمستان در مقابل حمله احتمالی ارتش دست به چه اقداماتی زد؟

— در آن مدت یعنی حدود سه ماه که از اقامت بارزانی‌ها در اشنویه می‌گذشت، هر دو طرف دست به اقداماتی زده بودند. ارتش در منطقه امر، اقدام به تجهیز و تسلیح عشایر آن منطقه که طرفدار حکومت مرکزی بودند، نمود. ملا مصطفی هم برای مذاکره با سران ایلهای هرکی و شکاک به شمال (منطقه ترگه‌ور) رفت. قصدش از این سفر این بود که آنها را به همکاری دعوت کند و پا آنها را هم‌قسم بکند و موافقت‌شان را جلب کند تا بارزانی‌ها بتوانند از این منطقه رد بشوند و خودشان را به منطقه شمال برسانند. این حرکت، تیوای و من همراه ملا مصطفی تا سیلوانا پیش رفتیم.

هدف از رفتن بارزانی‌ها به منطقه شمال و عبور از آنجا برای مقدمه طی راهپیمایی به طرف شوروی بود و یا آمدن به درون خاک عراق؟

— ملا مصطفی با رفتن به شوروی موافق بود، منتها برادرش شیخ احمد مخالف بود. شیخ احمد مقام روحانی و رئیس ایل بود و ملا مصطفی بدون نظر او نمی‌توانست کاری بکند. البته، کارهای نظامی و طرح‌ریزی‌های عملیاتی و غیره با ملا مصطفی بود و در این نوع مسایل با شیخ احمد مشاوره نمی‌کرد. او در طول سالیان نشان داده بود که سردار جنگی خوبی است. اما، در مورد این نوع تصمیم‌گیریها و حرکت به مناطقی این چنینی، نظر نهایی با شیخ احمد بود و ما افسران موافق رفتن به شوروی بودیم. ملا مصطفی به ما می‌گفت بروید برادرم را راضی کنید.

افسران توده‌ای در مقابل یکدیگر

به هرحال، در ۲۴ اسفند ۱۳۲۵، برخوردی بین بارزانی‌ها و واحدهای ارتش و چریکهای عشایری در منطقه «ترگه‌ور» روی داد که در آن عملیات، بارزانی‌ها ناگزیر به عقب‌نشینی شدند.

در همان روز، در «نالوس» حد فاصل بین اشنویه و نرده، برخوردی روی داد که در آن نبرد، ۳۰ تن از افراد بارزانی با پشتیبانی آتش توپخانه تفرشیان، یک گردان پیاده ارتش را متلاشی و اسیر کردند.

وقتی من به اتفاق تیوای به اشنویه برگشتیم، دیدیم که حدود ۳۰۰ نفر را اسیر گرفته و در مسجد اشنویه زندانی کرده‌اند. وقتی بررسی کردیم معلوم شد که این گردان از صوفیان راه افتاده بود. فرمانده آن گردان ارتش، سرگرد کلاشی بود. او که در عملیات زخمی شده بود، قبل از اسیر شدن، خودکشی کرد. بعدها می‌گفتند که سرگرد کلاشی سازمان

از اسناد دولتی مربوط به وقایع کردستان و آذربایجان

[نامه محرمانه رئیس شهربانی به وزارت کشور در مورد دسته بندی در مهاباد توسط شورویها، فروش تفنگ و فشنگ به کردها و تحریک مردم به شورش علیه دولت تهران]

[تاریخ] ۲۴/۸/۱۹

اداره: اطلاعات

دائرة: اخبار

**وزارت کشور
شهربانی کل کشور**

[شماره] ۱/۸۵۳۵/۱۰۴۵۳

محرمانه

وزارت کشور

تعقیب معروضه شماره ۱/۱۰۰۲/۱۵۹۶ [مورخ] ۱۳۲۴/۸/۸، شهربانی رضائیه گزارش می‌دهد [که] طبق اطلاع، کمیسیون متشکله در مهاباد خاغه یافته و عمرخان شریفی و زرو بهادری که جهت شرکت در کمیسیون به وسیله کامیونهای شوروی رفته بودند، عمرخان شریفی با کسان خود مسلماً وارد شده و زرو هم به ده کوچه چهارفرسخی رضائیه رفته است. گزارش بعدی شهربانی مزبور حاکی است [که] شورویها به طور محرمانه هر قبضه تفنگ را با صد فشنگ از قرار دویست تومان به اکراد می‌فروشدند و از بزرگان اکراد صورت اشخاصی را که بی‌تفنگ هستند خواسته‌اند و اخیراً پاسهای مرز خود را که در مرز ایران و عراق داشته [ند] جمع نموده‌اند و آنچه مستفاد می‌شود [این است که] قبل از جمع‌آوری پاسها دستور اغتشاش به اکراد داده شده که در واقع زمستان مقامات ایرانی را دچار مخمصه نمایند. رونوشت گزارش بالا در تعقیب معروضه شماره ۱/۱۰۰۲/۸۵۹۶ [مورخ] ۱۳۲۴/۸/۸ برای استحضار جناب آقای نخست‌وزیر تقدیم می‌گردد.

رئیس شهربانی کل کشور — سر تپ ضرابی امضاء

داده بودند.

مرحله دوم نبرد بارزانی‌ها با ارتش

حدود ده روز بعد از شکست آن گردان ارتش — در روز سوم فروردین ۱۳۲۶ — اسوارانی از نیروی ارتش در جبهه شمال به فرماندهی ستوان یکم امامی با پشتیبانی یک دسته مسلسل سنگین به منظور تصرف ارتفاعات مشرف به «خلیج» اقدام به تعرض کرد. این واحد نظامی، ناگهان در حالی که هیچ انتظار نداشت. با ارتش بارزانی‌ها مواجه شد. در این عملیات نظامی، ستوان یکم امامی و ۱۳ نفر از افرادش کشته شدند. فرمانده دسته آن اسواران ستوان دوم حمید جهانبانی پسر سپهبد امان‌الله جهانبانی با ۱۵ نفر از سربازانش به اسارت درآمدند و به اردوگاه اسرای اشنویه منتقل شدند.

اسکان متجاوز از ۳۰۰ اسیر و تغذیه و حفاظت آنها برای بارزانی‌ها مشکلی بزرگ بود. در روز نهم یا دهم فروردین پس از بازگشت ما افسران از ارتفاعات صوفیان — که جبهه عملیات شرق را تشکیل می‌داد — به اشنویه، به دیدار شیخ احمد رفتیم. به او پیشنهاد کردیم که برای کم کردن مشکلات ناشی از تغذیه و حفاظت اسراء موافقت کند تا سربازان درجه‌داران اسیر آزاد گردند و تنها به نگهداری افسران اکتفا شود. شیخ احمد این پیشنهاد را پذیرفت. درجه‌داران و سربازان اسیر را تحت‌الحفظ، حوالی خطوط مقدم جبهه نرده بردند و آزاد کردند.

دنباله دارد

جمهوری اسلامی خودش یک «عامل خارجی» در کشورهای منطقه است!

● در شرایط حمله خارجی و در زیر سایه جنگ، رژیم تهران تا کنون موفق شد صفحه اعتراضات گسترده مردم علیه نظام را تا حدی ببندد. اما در کشورهای دیگری که تهران با بازوها و شبه‌نظامیان نیابتی خود در آنها نفوذ کرده، نتیجه برعکس بوده است؛ چه در لبنان، چه عراق و چه یمن.

● حمایت نظام ایران از مسئله فلسطین صرفاً نتیجه باورهای عقیدتی نبوده، بلکه ابزاری برای دفاع از اهدافی همچون برنامه هسته‌ای، حضور منطقه‌ای و تلاش برای سلطه و مداخله در امور کشورهای دیگر نیز بوده است.

● تناقض موجود و تکان‌دهنده در گفتمان جمهوری اسلامی ایران این است: از یکسو حکومتی است که شعار دفاع از خاک در برابر حملات خارجی سر می‌دهد و از سوی دیگر هرگونه مداخله خارجی در امور منطقه را رد می‌کند؛ اما همزمان خود به «یک عامل خارجی» تبدیل شده که در کشورهای دیگر اعمال سلطه کرده و موجب شکاف در حاکمیت ملی آنها می‌شود!

عمرو الشوبکی (الشرق الاوسط) - صحنه‌های جنگ و آتش‌بس میان حکومت ایران و آمریکا نشان می‌دهد که رژیم تهران تلاش دارد تأکید کند که در این رویارویی همچنان مقاوم مانده است. جمهوری اسلامی از همه ابزارهای خود برای دفاع از موجودیت و منافع نظام استفاده کرده، حتی اگر این امر به قیمت نابودی همه کشورهای منطقه تمام شده باشد.

در شرایط حمله خارجی و در زیر سایه جنگ، رژیم تهران تا کنون موفق شد صفحه اعتراضات گسترده مردم علیه نظام را تا حدی ببندد. اما در کشورهای دیگری که تهران با بازوها و شبه‌نظامیان نیابتی خود در آنها نفوذ کرده، نتیجه برعکس بوده است؛ چه در لبنان، چه عراق و چه یمن. ما شاهد شکاف اجتماعی و سیاسی بی‌سابقه‌ای میان «حزب‌الله لبنان» که به نفع کشوری دیگر وارد جنگ «حمایت از جمهوری اسلامی ایران» شد، و دیگر گروه‌های لبنانی بودیم. در عراق نیز شکاف عمیقی که به وجود آمده تا جایی پیش رفته که شبه‌نظامیان نزدیک به رژیم ایران به عربستان سعودی نیز با همان شیوه «میلیشایی» حمله کردند؛ شیوه‌ای که نه برای دولت خود احترامی قائل است و نه ملاحظات همسایگی را رعایت می‌کند. این صحنه، نمونه‌ای آشکار از شکاف عمیق و سلب مشروعیت از این نیابتی‌ها در داخل کشورهاشان است: از یکسو دولتی که تلاش می‌کند حاکمیت خود را بر سراسر کشور اعمال کند و از سوی دیگر گروه‌های مسلحی که شکاف را عمیق‌تر می‌کنند و از تحویل سلاح خود به دولت سر باز می‌زنند.

این تناقض که رژیم ایران در برابر حملات خارجی جبهه داخلی خود را متحد کرده، در حالی که بازوهایش دقیقاً عکس آن عمل کرده و شکاف‌های داخلی و اختلافات اجتماعی را در هر کشوری که در آن حضور داشته‌اند عمیق‌تر کرده‌اند، نکته‌ای شایسته تأمل است و شاید درسی برای جمهوری اسلامی باشد تا سیاست‌های خود را در قبال کشورهای منطقه به صورت اساسی بازنگری کند.

درواقع پرسش این است: چرا در حالی که جبهه داخلی در ایران تا حدی آرام باقی مانده، جبهه‌ای که اعتراضاتش علیه نظام تا چند هفته پیش از جنگ نیز متوقف نشده بود، و در عین حال برخی نیز حملات آمریکا و اسرائیل به کشور



حمله به سفارت آمریکا توسط نیروهای نیابتی وابسته به سپاه در بغداد / ۱۳۹۹

صداور الگوی خود از طریق زور را کنار بگذارد. با آغاز جنگ کنونی، این جریان موقتاً عقب‌نشینی کرده است. اما نیابتی‌های رژیم ایران برای یک مسئله ملی نمی‌جنگند، بلکه به نفع یک ائتلاف عقیدتی و در چارچوب وابستگی سیاسی به کشوری دیگر عمل می‌کنند. سرزمین آنها اشغال نشده و پروژه ملی مستقلاً ندارند؛ بلکه در هر کشوری که حضور داشته‌اند، به شکاف اجتماعی و سیاسی دامن زده‌اند. این در تضاد با وضعیت ایران است که حکومت بطور انحصاری، قدرت و سلاح را در اختیار دارد و در برابر حمله خارجی، روایت‌های خودش را مطرح کرده تا انسجام اجتماعی خود را حفظ کند.

تفاوت میان حکومت ایران و بازوهای آن به نبوغ جمهوری اسلامی، پاکی الگوی آن یا بدی‌ها و خطاهای نیابتی‌هایش برمی‌گردد؛ بلکه از این واقعیت ناشی می‌شود که فارغ از اینکه روایت حکومت ایران درست باشد یا نه و فارغ از میزان خطاهای آن، نظام جنگ خود را به نام دفاع از بدیهیات ملی در برابر حملات خارجی آغاز کرده؛ حملاتی که انسجام آن را تقویت کرده‌اند. در مقابل اما «حزب‌الله» جنگی را به نمایندگی از رژیم ایران انجام داد که شکاف میان لبنانی‌ها را عمیق‌تر کرد. در یمن دچار شکاف نیز حوثی‌ها بر اختلافات و رنج مردم افزودند.

تناقض موجود و تکان‌دهنده در گفتمان جمهوری اسلامی ایران این است: از یکسو حکومتی است که شعار دفاع از خاک در برابر حملات خارجی سر می‌دهد و از سوی دیگر هرگونه مداخله خارجی در امور منطقه را رد می‌کند؛ اما همزمان خود به یک «عامل خارجی» تبدیل شده که در کشورهای دیگر اعمال سلطه کرده و موجب شکاف در حاکمیت ملی آنها می‌شود!

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*نویسنده: عمرو الشوبکی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

خود را رد کردند، و در حالی که رهبران کشورهای خلیج فارس برای توقف جنگ تلاش کردند و به همین منظور از تلاش‌های میانجیگری حمایت نموده و در برابر حملات رژیم ایران به کشورهای خلیج فارس با خردمندی و صبر فراوان رفتار کردند، اما در برابر تجاوز شبه‌نظامیان واکنش فوری نشان داده شد؟ به نظر می‌رسد تفاوت روشن است: چه در مورد انسجام جبهه داخلی ایران و چه در مورد نحوه برخورد کشورهای دیگر با حکومتی که با وجود مشکلات و بحران‌هایی که ایجاد کرده، همچنان پابرجاست، اما شبه‌نظامیان رفتنی هستند یا باید از میان بروند. واقعیت این است که سقوط هر نظامی، فارغ از ماهیت آن و میزان توافقی یا اختلاف با آن، در اثر حمله نظامی خارجی، پیامدهای فاجعه‌باری دارد. آنچه به آرامش نسبی داخلی رژیم ایران کمک کرد، استفاده از مفهوم «تجاوز خارجی» علیه «کشور» بود، نه علیه «نظام». ایران دارای حکومتی است که نهادهای آن انحصار قدرت را در اختیار دارند؛ حتی در ساختار دوگانه ارتش و «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» نیز هر دو تحت یک مرجع واحد، یعنی رهبر رژیم اسلامی در تهران، قرار دارند. در داخل ایران شبه‌نظامیان مستقلاً وجود ندارد که بتواند در صلح یا جنگ، بدون توجه به جهت‌گیری‌های رهبرشان یا ساختار حاکم، تصمیمی اتخاذ کند.

نکته قابل توجه این است که حمایت نظام ایران از مسئله فلسطین صرفاً نتیجه باورهای عقیدتی نبوده، بلکه ابزاری برای دفاع از اهدافی همچون برنامه هسته‌ای، حضور منطقه‌ای و تلاش برای سلطه و مداخله در امور کشورهای دیگر نیز بوده است. گفتمان ایدئولوژیک رژیم ایران نیز از منافع کشور جدا نبوده و صرفاً برای خدا و مسئله فلسطین دنبال نشده است. افزون بر این، جامعه ایران طی دهه‌ها جامعه‌ای زنده بوده که بخش بزرگی از آن با انتخاب‌های نظام مخالفت کرده و خواستار آن بوده است که حکومت فقط از منافع ملی کشور دفاع کند، در امور کشورهای دیگر دخالت نکند، و سیاست استفاده از بازوهای منطقه‌ای و

افول نقش رژیم ایران و شبه‌نظامیان در منطقه



علی خامنه‌ای و سایر مقامات حکومت برای هتیه «فراز میّت» می‌خوانند

حکومت طی دو دهه گذشته تصویر خود را به عنوان یک نظام قدرتمند و شکست‌ناپذیر بنا کرده بود؛ نه فقط در برابر اسرائیل، بلکه حتی در برابر ایالات متحده. افزون بر این، رژیم ایران مدعی بود که می‌تواند اسرائیل را ظرف چند روز نابود کند. اما همه این ادعاها در آزمون واقعیت، چیزی جز شعارهایی نبودند که خیلی زود اعتبار خود را از دست دادند. جمهوری اسلامی همچنین تصویر و جایگاه خود را به عنوان رهبر «محور مقاومت» نیز از دست داده است؛ چراکه در طول جنگ ویرانگر اسرائیل علیه غزه طی دو سال، از ورود مستقیم به جنگ خودداری کرد و «حماس» را به سرنوشت خود واگذاشت. همچنین از حمایت مؤثر از «حزب‌الله» که نگین شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران در منطقه محسوب می‌شد، فاصله گرفت؛ به ویژه پس از ضربات سنگینی که اسرائیل در پاییز ۲۰۲۴ به این گروه وارد کرد.

در عرصه خارجی، زبان‌های جمهوری اسلامی ایران شامل آشکار شدن ضعف ایده آن درباره جهان چندقطبی و نزدیک بودن فروپاشی آمریکا نیز می‌شود. روشن شد که مجموعه کشورهای «بریکس» یعنی چین، هند، روسیه، برزیل و آفریقای جنوبی، کارآمدی لازم را ندارند و در برابر آنچه آمریکا می‌خواهد یا انجام می‌دهد، چه در عرصه سیاسی و چه اقتصادی، فناوری یا نظامی، توان چندانی ندارند.

در مجموع، حکومت ایران خسارات زیادی متحمل شده؛ از جمله تلفات انسانی و خسارات مادی، آسیب به تأسیسات برنامه هسته‌ای و بخش‌هایی از زیرساخت‌ها. افزون بر این، اقدام جمهوری اسلامی در جلوگیری از کشتیرانی در خلیج فارس، در نهایت به زیان خودش تمام شد؛ زیرا آمریکا با بزرگترین حضور نظامی خود در منطقه، محاصره کامل بنادر ایران را به اجرا گذاشت.

منبع: روزنامه لبنانی النهار

نویسنده: ماجد کبالی

ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

تحولاتی که به نقش رژیم ایران پایان داد
با این حال، این روند تحت تأثیر دو عامل اصلی نیز قرار گرفت: نخست، عملیات «طوفان الاقصی» که به تشدید اقدامات نظامی اسرائیل علیه حماس و تلاش آن برای درهم شکستن نفوذ رژیم ایران در خاورمیانه، از جمله ضربه زدن به بازوهای شبه‌نظامی آن، منجر شد.

دوم، تلاش نظام ایران برای دستیابی به توان هسته‌ای و موشکی. عامل سومی نیز اخیراً پدیدار شده و آن تلاش جمهوری اسلامی برای به خطر انداختن اقتصاد جهانی از طریق تنگه هرمز به عنوان یک سلاح، همراه با تهدید کشورهای همسایه است. طنز ماجرا اینجاست که عملیات «طوفان الاقصی» حماس که اقدامی غافلگیرکننده برای اسرائیلی‌ها بود و اوج گزینه نظامی شبه‌نظامیان وابسته به اردوگاه موسوم به «مقاومت» به رهبری رژیم ایران محسوب می‌شد، در حالی رخ داد که «حزب‌الله» از «حماس» در غزه پشتیبانی می‌کرد و حوثی‌های یمن و گروه‌های مسلح در عراق نیز با حملات موشکی اسرائیل را هدف قرار داده و شعار «وحدت جبهه‌ها» را سر می‌دادند؛ اما همین عملیات در عین حال به اوج ناکامی حکومت ایران و شبه‌نظامیان وابسته به آن انجامید. یادآوری می‌شود که این ناکامی و تغییر نقش به شکلی شدید، آشکار و سریع رخ داد؛ به گونه‌ای که اسرائیل توانست ظرف فقط سه ماه قدرت «حزب‌الله» را تضعیف کند، توانمندی‌های ارتش سوریه را پس از فروپاشی نظام بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴ نابود کند و نفوذ شبه‌نظامیان عراقی را نیز محدود سازد.

همچنین، آمریکا و اسرائیل در همینجا متوقف نشدند و در دو مرحله جمهوری اسلامی ایران را مورد حملات هوایی و موشکی قرار دادند و در مرحله سوم نیز در ماه ژوئیه گذشته حملاتی نیز انجام دادند؛ جنگی که هنوز پایان نیافته است.

از دست رفتن روایت و جایگاه منطقه‌ای

بر این اساس، شاید مهم‌ترین چیزی که رژیم ایران در این جنگ ادامه‌دار از دست داده، روایتی است که از خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و در برابر مردم ساخته بود. این

● در کنار همه عواملی که سبب ظهور جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای شده بود، به نظر می‌رسید دولت‌های مختلف در آمریکا نیز با نوعی بی‌تفاوتی با اقدامات جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان وابسته به آن در عراق، سوریه، لبنان و یمن برخورد می‌کنند چرا که در آن دوران به سود آنها بود.

● اما عملیات «طوفان الاقصی» و اصرار رژیم ایران برای دستیابی به توان هسته‌ای و موشکی و همچنین اکنون با استفاده از تنگه هرمز به عنوان سلاح و به خطر انداختن اقتصاد جهانی، نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی را به زیان هم خودش و هم غرب تغییر داد.

ماجد کبالی (روزنامه لبنانی النهار) - رژیم جمهوری اسلامی توانست طی دو دهه تقریباً به یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه تبدیل شود، اما این امر نه به دلیل قدرت اقتصادی موفق یا فناوری نظامی، و نه به دلیل قدرت الگویی که به عنوان کشورداری ارائه می‌کرد، بلکه بیش از هر چیز حاصل فراهم شدن مجموعه‌ای از عوامل بود.

مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

نخست: سرمایه‌گذاری آمریکا و اسرائیل بر نقش کارکردی رژیم ایران در تلاش‌های خود برای تحمیل هژمونی‌اش بر منطقه از طریق نیابتی‌های مسلح. این امر به تضعیف ثبات سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی، به ویژه عراق و لبنان، انجامید؛ موضوعی که با منافع استراتژیک درازمدت اسرائیل به نوعی همخوانی داشت.

دوم: نبود یک محور عربی مؤثر در رقابت با رژیم به ویژه در سایه عدم توافقی که میان کشورهای عربی بر سر نیازها و اولویت‌ها وجود دارد.

سوم: حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سپس واگذاری این کشور، بدون هیچ محدودیتی، به شبه‌نظامیان وابسته به حکومت ایران.

چهارم: سرسختی اسرائیل در قبال روند صلح و حل و فصل مناقشه، که به حکومت ایران امکان داد از مسئله فلسطین بهره‌برداری کند و مدعی «مقاومت و ایستادگی» شود؛ به ویژه با توجه به حمایت نامحدود آن از «حزب‌الله» در لبنان و حماس در غزه.

پنجم: در کنار همه این عوامل، به نظر می‌رسید دولت‌های مختلف در آمریکا با نوعی بی‌تفاوتی با اقدامات جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان وابسته به آن در عراق، سوریه، لبنان و یمن برخورد می‌کنند؛ چراکه این اقدامات از دو جهت در خدمت سیاست‌های ایالات متحده بود:

نخست، تضمین امنیت بلندمدت اسرائیل، به دلیل ویرانی و بی‌ثباتی ایجادشده در کشورهای عربی منطقه؛

و دوم، استفاده از تهدید جمهوری اسلامی به عنوان یک عامل هراس‌افکن در برابر برخی نظام‌های عربی، جهت سوق دادن آنها به درخواست حمایت آمریکا؛ از جمله گشودن روابط با اسرائیل و عادی‌سازی مناسبات با آن، یا وارد کردن آنها به نوعی نظام منطقه‌ای مشترک در عرصه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی. اما همه این روندها چندان دوام نیاورد؛ زیرا دوره سرمایه‌گذاری آمریکا بر این نقش جمهوری اسلامی، که طی دو دهه (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۵) ادامه داشت، با تحولات رخ داده در خاورمیانه و از دست رفتن کارآمدی آن به پایان رسید.

فروپاشی و ناکامی پروژه‌های جمهوری اسلامی



صدام حسین و علی خامنه‌ای



سال‌ها، به ویژه در دوران اوباما پس از سال ۲۰۱۵، به قدرتی با نفوذ گسترده در دمشق تبدیل شد.

اما عراق پس از صدام مهم‌ترین جایزه برای رژیم ایران بود! پس از سقوط حکومت صدام حسین، تهران به اندازه‌ای بی‌سابقه در بافت سیاسی عراق نفوذ کرد. انتخابات سال ۲۰۱۰ نمونه روشنی از این وضعیت است: فهرست ایاد علاوی سیاستمدار لیبرال بیشترین تعداد کرسی‌ها را به دست آورد، اما نوری المالکی پس از مذاکرات و فشارهای سیاسی همچنان در سمت نخست‌وزیری باقی ماند و جمهوری اسلامی در این روند حرف آخر را می‌زد! عراق برای تهران فقط یک کشور همسایه نبود؛ بلکه گذرگاهی به سوریه و لبنان، یک بازار اقتصادی و یک دریچه و منفذ مهم برای ارسال سلاح محسوب می‌شد.

در یمن نیز تقریباً این حلقه کامل شد. تسلط حوثی‌ها بر صنعا در سال ۲۰۱۴، به رژیم ایران اهرمی در نزدیکی باب‌المندب، یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان در آب‌های دریای سرخ، داد. بدین ترتیب، شبکه نفوذ حکومت ایران در مقطعی از جنوب شبه‌جزیره عربستان تا شرق مدیترانه امتداد داشت. عجیب نبود که برخی مقامات رژیم ایران در آن زمان با زبان پیروزمندان سخن می‌گفتند. امروز اما تصویر تغییر کرده است.

سوریه در سال ۲۰۲۴ از معادلات جمهوری اسلامی خارج شد و یک مسیر مهم که تهران را به «حزب‌الله» متصل می‌کرد، قطع شد. این حزب ضربات سنگینی دریافت کرد که شمار زیادی از رهبران آن، از جمله حسن نصرالله، را از میان برداشت. توانایی آن برای تحرک منطقه‌ای نیز کاهش یافت و لبنان وارد واقعیتی متفاوت شد؛ واقعیتی همراه با فشارهای فزاینده داخلی و خارجی برای محدود کردن انحصار سلاح در دست دولت. این وضعیت دولت لبنان را به گشودن یک مسیر مذاکره مستقل ترغیب کرد.

در یمن نیز حوثی‌ها دیگر در همان محیطی که پیشتر امکان گسترش فعالیت آنان را فراهم می‌کرد، حرکت

مرحله افول شده و شاید این سرازیری دیگر مانند گذشته تدریجی نباشد، بلکه به شکستن و فروپاشی کامل نزدیک شده باشد. دوستش پرسید: «دلیل تو چیست؟» و سپس افزود: «خطرناک‌ترین شکل تحلیل، دست‌کم گرفتن قدرت رقیب است».

فرد اول گفت: «این را می‌دانم. برای رسیدن به پاسخی منطقی، باید کمی به گذشته برگردیم. پروژه جمهوری اسلامی ایران در دهه دوم این قرن به اوج گسترش خود رسید. در آن سال‌ها، تهران به صورت مستقیم با از طریق متحدانش، در پهنه‌ای گسترده از عراق و سوریه و لبنان تا یمن حضور داشت. توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با آمریکا، که «برنامه جامع اقدام مشترک» یا همان برجام و توافق ۵+۱ نامیده شد، از نگاه رهبران و متحدان رژیم ایران، نوعی اذعان به نقش منطقه‌ای و دریافت فرصتی برای تجدید قوای اقتصادی و سیاسی نظام بود».

در آن زمان، حسن نصرالله قدرتمندترین بازیگر لبنان بود. «حزب‌الله» از پول، سلاح، سازماندهی و رسانه برخوردار بود و توانسته بود بر تصمیم‌گیری سیاسی لبنان تأثیر بگذارد؛ گاهی با استقبال و گاهی با ایجاد رعب و وحشت. فعالیت آن نیز در مرزهای لبنان محدود نمانده بود. نیروهای این گروه در کنار نظام بشار اسد وارد جنگ سوریه شدند و در آموزش گروه‌های مرتبط با پروژه‌های جمهوری اسلامی در چندین منطقه عربی مشارکت کردند.

در سوریه، دخالت حکومت ایران از سال ۲۰۱۱ رو به گسترش گذاشت و تا سال ۲۰۱۵ به یک واقعیت نظامی و سیاسی تبدیل شد که نمی‌شد آن را نادیده گرفت. حسین امیرعبداللّه‌ای در کتاب خود به نام «صبح‌شام»، از تفاهم‌های اعلام‌نشده میان حکومت ایران و آمریکا سخن گفته است: تفاهم‌هایی که به تهران فضای مانور گسترده‌ای می‌داد، در مقابل اینکه در پرونده‌های دیگری، به ویژه پرونده هسته‌ای، ملاحظاتی را رعایت کند. چه این روایت‌ها درست باشند و چه نباشند، نتیجه پیش روی ماست: جمهوری اسلامی در آن

● حسین امیرعبداللّه‌ای در کتاب خود به نام «صبح‌شام»، از تفاهم‌های اعلام‌نشده میان حکومت ایران و آمریکا سخن گفته است: تفاهم‌هایی که به تهران فضای مانور گسترده‌ای می‌داد، در مقابل اینکه در پرونده‌های دیگری، به ویژه پرونده هسته‌ای، ملاحظاتی را رعایت کند. چه این روایت‌ها درست باشند و چه نباشند، نتیجه پیش روی ماست: جمهوری اسلامی در آن سال‌ها، به ویژه در دوران اوباما پس از سال ۲۰۱۵، به قدرتی با نفوذ گسترده در دمشق تبدیل شد.

● اما عراق پس از صدام مهم‌ترین جایزه برای رژیم ایران بود! عراق برای تهران فقط یک کشور همسایه نبود؛ بلکه گذرگاهی به سوریه و لبنان، یک بازار اقتصادی و یک دریچه و منفذ مهم برای ارسال سلاح محسوب می‌شد. و در یمن این حلقه تکمیل شد!

● امروز اما تصویر تغییر کرده است. سوریه در سال ۲۰۲۴ از معادلات جمهوری اسلامی خارج شد و یک مسیر مهم که تهران را به «حزب‌الله» متصل می‌کرد، قطع شد... در یمن نیز حوثی‌ها دیگر در همان محیطی که پیشتر امکان گسترش فعالیت آنان را فراهم می‌کرد، حرکت نمی‌کنند... عراق اما هنوز باقی مانده و گره اصلی نیز همین‌جاست. در اینجا مشکل عمیق‌تری در برابر تهران نمایان می‌شود. پروژه‌ای که طی سال‌ها بر ضعف کشورهای عربی بنا شده بود، اکنون خود را در برابر کشورهایی می‌بیند که در حال پس گرفتن بخشی از توانایی‌های خود هستند.

● تفاوت میان دیروز و امروز روشن است: نظام جمهوری اسلامی یک دهه پیش در حال پیشروی و گشودن عرصه‌های جدید بود، اما اکنون در تلاش است آنچه را از نفوذش باقی مانده حفظ کند. این مهم‌ترین تحول است.

محمد الرمیحي (الشرق الاوسط) - یکی در حالی که با دوستش خبرها و گزارش‌های خاورمیانه را دنبال می‌کردند، گفت: «احساس می‌کنم پروژه رژیم ایران در منطقه وارد

آژانس اطلاعاتی آلمان برای پناهندگان ایرانی، روسی و چینی خط ویژه کمک راهاندازی کرد



اداره فدرال حفاظت از قانون اساسی آلمان

برای افرادی که از دست رژیم‌های اقتدارگرا مانند روسیه، چین یا جمهوری اسلامی ایران به آلمان پناهنده شده‌اند، معرفی شده است.

این افراد که بیش از پیش با ارباب، نظارت، سرکوب و حتی تلاش برای آدم‌ربایی و ترور مواجه می‌شوند، تشویق شده‌اند اطلاعات خود را در اختیار اداره فدرال حفاظت از قانون اساسی آلمان قرار دهند تا این سازمان بتواند روش‌ها و استراتژی‌های سرکوب‌گرانه را تحلیل کرده و راه‌های مقابله با آنها را شناسایی کند.

این دفترچه افرادی را که به دلیل مخالف سیاسی بودن، روزنامه‌نگاری یا عضویت در جامعه دگرباشان جنسی در معرض تهدید قرار دارند، مورد خطاب قرار می‌دهد و حتی این امید را مطرح می‌کند که BfV بتواند از تهدیدهای مشخصی که متوجه تماس‌گیرندگان است، جلوگیری کند.

در بخشی از این بروشور ۱۶ صفحه‌ای آمده است: «سرویس اطلاعات داخلی، هم از طریق تحقیقات خود و هم با استفاده از اطلاعاتی که افراد در معرض تهدید ارائه می‌کنند، قادر است عاملان مسئول را شناسایی کند.»

این اقدام در شرایطی صورت می‌گیرد که آلمان در حال تلاش برای اعطای اختیارات جدید به سرویس‌های اطلاعاتی است تا بتوانند برای مقابله با آنچه مقام‌های آلمانی تهدید فزاینده ناشی از حملات سایبری و ترکیبی می‌خوانند، ارتباطات را هک و عملیات دشمنان خارجی را مختل کنند. این اقدامات که ماه‌هاست در دست بررسی هستند، اختیارات گسترده‌تری برای جمع‌آوری اطلاعات و مقابله با حملات در اختیار BfV و همچنین سرویس اطلاعات خارجی آلمان (BND) قرار خواهند داد.

● با افزایش تهدیدات برون‌مرزی علیه پناهجویان و پناهندگان از سوی عوامل رژیم‌های بدخیم و سرکوبگر، دستگاه امنیتی آلمان یک خط تماس حمایتی برای آنها به راه انداخته تا روند شناسایی عوامل تهدید و مقابله با آنها تقویت شود.

● خبرگزاری رویترز ۲۰ اوت (۲۹ مرداد) گزارش داد، افرادی که به دلیل تهدید یا حمله مأموران رژیم‌های سرکوبگر به آلمان تبعید یا پناهنده شده‌اند، می‌توانند از این خط تلفن که توسط سرویس اطلاعات داخلی آلمان راه‌اندازی شده استفاده کنند.

● در بخشی از بروشور ۱۶ صفحه‌ای سازمان اطلاعات داخلی آلمان آمده است که این سازمان «هم از طریق تحقیقات خود و هم با استفاده از اطلاعاتی که افراد در معرض تهدید ارائه می‌کنند، قادر است عاملان مسئول را شناسایی کند.»

با افزایش تهدیدات برون‌مرزی علیه پناهجویان و پناهندگان از سوی عوامل رژیم‌های بدخیم و سرکوبگر، دستگاه امنیتی آلمان یک خط تماس حمایتی برای آنها به راه انداخته تا روند شناسایی عوامل تهدید و مقابله با آنها تقویت شود.

خبرگزاری رویترز ۲۰ اوت (۲۹ مرداد) گزارش داد، افرادی که به دلیل تهدید یا حمله مأموران حکومت‌های سرکوبگر به آلمان تبعید یا پناهنده شده‌اند، می‌توانند از این خط تلفن که توسط سرویس اطلاعات داخلی آلمان راه‌اندازی شده استفاده کنند.

در همین ارتباط اداره فدرال حفاظت از قانون اساسی آلمان (BfV) دفترچه‌ای منتشر کرده که در آن یک خط ویژه

→ نمی‌کنند. خطوط تأمین دشوارتر شده، دریای سرخ از نیروها و ائتلاف‌های مخالف آنها پرتنش‌تر شده و دولت قانونی یمن نیز نسبت به سال‌های نخست جنگ آمادگی بیشتری پیدا کرده است. توانایی حوثی‌ها برای کنترل صحنه یمن یا استفاده مطلق از باب‌المندب به عنوان اهرم فشار، دیگر مانند گذشته نیست.

عراق اما هنوز باقی مانده و گره اصلی نیز همین‌جاست. تهران می‌داند که از دست دادن نفوذش در عراق به معنای قطع مهم‌ترین حلقه باقیمانده در پروژه‌ی مناطق عربی آن است. از این رو، با شدت به آن چنگ می‌زند. محمدباقر قالیباف را نیز برای حفظ این حلقه اعزام کرد، اما خود عراق در حال تغییر است.

دیگر توانایی رژیم ایران برای تحمیل افراد و گزینه‌های مورد نظرش در رأس هرم قدرت، مانند گذشته نیست. همچنین صحبت‌های رسمی درباره محدود کردن سلاح به دست دولت و پایان دادن به پدیده نیروهای مسلحی که خارج از نهادهای رسمی فعالیت می‌کنند، افزایش یافته. در همین حال، هزینه سیاسی و اقتصادی رابطه نامتوازن با ایران برای عراقی‌ها آشکارتر شده است.

در اینجا مشکل عمیق‌تری در برابر تهران نمایان می‌شود. پروژه‌ای که طی سال‌ها بر ضعف کشورهای عربی بنا شده بود، اکنون خود را در برابر کشورهایی می‌بیند که در حال پس گرفتن بخشی از توانایی‌های خود هستند. همچنین در برابر جوامعی که بهای سنگینی بابت جنگ‌های نیابتی پرداخته‌اند و دیگر مانند گذشته با همان شور و اشتیاق به شعارهای قدیمی نگاه نمی‌کنند.

نفوذی که زمانی یک دستاورد به نظر می‌رسید، در برخی مناطق به یک بار سنگین تبدیل شده. افزون بر این، رژیم ایران خود نیز در رویارویی‌های نظامی اخیر، بهای سنگینی از نظر توانمندی‌ها، منابع و اعتبار پرداخته است. حملاتی که کشورهای خلیج فارس را نیز هدف قرار داده، دامنه نگرانی از حکومت ایران را گسترش داده و توانایی آن برای معرفی خود به عنوان یک قدرت ثبات‌آفرین منطقه‌ای را تضعیف کرده است. آیا این بدان معناست که پروژه جمهوری اسلامی پایان یافته است؟ قطعاً نه! رژیم ایران دارای منافع و شبکه‌هایی است که همچنان فعال هستند. اشتباه است اگر تصور کنیم ضعف امروز این حکومت به معنای ناپدید شدن نفوذ آن در فرادست.

اما تفاوت میان دیروز و امروز روشن است: جمهوری اسلامی یک دهه پیش در حال پیشروی و گشودن عرصه‌های جدید بود، اما اکنون در تلاش است آنچه را از نفوذش باقی مانده حفظ کند. این مهم‌ترین تحول است.

امپراتوری‌های کوچک همیشه با یک ضربه فرو نمی‌ریزند. گاهی روند فروپاشی با از دست دادن مناطق پیرامونی آغاز می‌شود، سپس مسیرهای تأمین، بعد متحدان و در نهایت توانایی تحمیل اراده توسط آنها از میان می‌رود.

سخن آخر اینکه، پرسش دیگر این نیست که نفوذ جمهوری اسلامی تا کجا گسترش خواهد یافت؟ بلکه اینست که: تا چه اندازه می‌تواند آنچه را گسترش داده، حفظ کند!

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: محمد الریجی استاد جامعه‌شناسی سیاسی در دانشگاه کویت

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

از بغداد تا بیروت؛ سفر قالیباف به عراق برای تداوم محاصره دو کشور با سلاح شبه نظامیان

نظام سیاسی محافظت می‌کند.

همین صحنه در لبنان نیز تکرار می‌شود، اما عنوان آن اکنون رویارویی احتمالی در منطقه «تپه علی الطاهر» در تپه‌های استان نبطیه و برنامه‌ریزی اسرائیل برای تصرف آن است؛ اقدامی که به معنای اشغال شهر نبطیه و مناطق اطراف آن یا نابودی کامل آنها خواهد بود. در چنین شرایطی، دولت لبنان از جلوگیری از وقوع این فاجعه در جنوب و نبطیه ناتوان است.

اسرائیل بر کنترل این منطقه اصرار دارد و رژیم ایران نیز بر رویارویی پافشاری می‌کند؛ امری که باعث شکست یا ناکام گذاشتن تلاش‌ها برای واگذاری آن به ارتش لبنان شده است. از دید اسرائیل، این طرح پیشتر نیز در خارج کردن سلاح از مناطق جنوب رود لیتانی ناکام مانده است. در مقابل، جمهوری اسلامی بطور کامل با ایده عقب‌نشینی از «علی الطاهر» مخالفت کرده و برای تحویل سلاح «حزب‌الله» شروطی دشوار و غیرقابل قبول مطرح می‌کند.

از سوی دیگر، حکومت لبنان تلاش می‌کند حاکمیت خود را بر سرزمین‌اش اعمال کند، اما همزمان از رویارویی داخلی نیز پرهیز می‌کند؛ به ویژه آنکه نه اسرائیل آماده اجرای تعهدات خود و عقب‌نشینی تدریجی است و نه حکومت ایران حاضر است عقب‌نشینی «حزب‌الله» یا کنار گذاشتن بخشی از سلاح‌هایش را بپذیرد. در نتیجه، تصمیم مربوط به امنیت و ثبات جنوب لبنان بار دیگر در دست مذاکره‌کننده‌ی تهران (قالیباف) قرار می‌گیرد.

میان قالیباف و دولت‌های بغداد و بیروت، تعهدات، موعدها و مرزهایی در مجاورت میدان رویارویی وجود دارد؛ از «تنگه‌ی هرمز» تا «تپه‌ی علی الطاهر». اینها رویارویی‌هایی هستند که در آنها کنار گذاشتن سلاح دشوار است، هرچند پافشاری بر آن می‌تواند پیامدهای سنگینی داشته باشد. در عراق، با توجه به شکاف‌های موجود در ساختار قدرت و تعهدات خارجی دولت، این وضعیت می‌تواند به بحران‌هایی بسیار خطرناک منجر شود که موجودیت نظامی را که از سال ۲۰۰۳ روی کار آمده تهدید کرده و به هرج و مرج بینجامد. لبنان نیز میان دو خطر قرار گرفته است: رویارویی منطقه «علی الطاهر» و پیامدهای پس از آن و رویارویی داخلی و پیامدهای بعدی آن.

از این رو، هر دو دولت بر این باورند که باید از هر رویارویی که ممکن است به درگیری داخلی و هرج و مرج منجر شود، اجتناب کرد. اما از آنجا که حامیان شبه‌نظامیان و آنان که بر حفظ سلاح این شبه‌نظامیان اصرار دارند، حتی حاضر به مانور سیاسی نیز نیستند. تهران رویارویی با اسرائیل در «علی الطاهر» را به واگذاری آن به ارتش لبنان، ترجیح می‌دهد، در حالی که گروه‌های مسلح عراقی ترجیح می‌دهند سلاح خود را پنهان کنند تا اینکه آن را در اختیار دولت قرار دهند. در چنین شرایطی روشن است که «محدود کردن سلاح و انحصار آن در دست دولت» دشوار است؛ در حالی که واقعیت این است که این سلاح است که تصمیم‌گیری و حاکمیت دو کشور را در محاصره خود قرار داده است.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: مصطفی فصیح

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن



محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی

مقدم» دارد. منظور از «خطوط مقدم» در عمل، همان مرز عملیاتی میان تهران و تل‌آویو است؛ جایی که رویارویی مستقیم میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در داخل خاک لبنان و فارغ از اراده لبنان، چه به عنوان دولت و چه به عنوان ملت، به ویژه مردم جنوب این کشور، از ۸ اکتبر ۲۰۲۳ در جریان است.

از بغداد تا بیروت، از سلاح گروه‌های مسلح عراقی که شعار «مقاومت» سر می‌دهند تا سلاح «حزب‌الله» و شعار «مقاومت» آن، تهران از طریق قالیباف، اسماعیل قاتانی و دیگر مقاماتی که با جغرافیای منافع جمهوری اسلامی آشنایی دارند، پیوسته در پی «انسداد و اختلال در تصمیم‌گیری دو کشور برای در اختیار گرفتن سلاح» است، نه اینکه سلاح در خدمت تصمیم دولت باشد.

آنچه تهران می‌کوشد بر دولت عراق تحمیل کند، دولت لبنان نیز با آن مواجه است؛ و آنچه لبنان نتوانسته اجرا کند، عراق نیز عملاً نمی‌تواند اجرا کند. بر اساس برداشت قالیباف از نظام منطقه‌ای، که در عین جدید بودن، ریشه‌هایی قدیمی دارد، اولویت در عراق و لبنان نه دولت است، نه کمک به نظام سیاسی عراق برای عبور از بحران‌هایش و نه کاهش فاجعه‌ای که بر مردم جنوب لبنان تحمیل شده است؛ بلکه ادامه رویارویی علیه اسرائیل با توسل به ایده «مقاومت دائمی» است.

عراق با موضوع ۳۰ سپتامبر، یعنی موعد خروج کامل نیروهای آمریکایی و تحویل سلاح همه گروه‌های مسلح، روبروست؛ آنهم در شرایطی که درون ساختار سیاسی شیعه حاکم بر عراق، بر سر ضرورت سلاح، شعارهای مربوط به آن و نقش آن پس از خروج آخرین سرباز آمریکایی از این کشور، اختلافات شدیدی وجود دارد. در اینجا آزمونی واقعی میان دولت و ساختارهای فراتر از دولت آغاز می‌شود؛ میان سلاحی که از دولت حفاظت می‌کند و سلاحی که از ماهیت

● در این سفر، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و یکی از مذاکره‌کنندگان ارشد نظام بار دیگر به نخبگان سیاسی حاکم عراق یادآوری کرد که اصول ثابت رابطه میان عراق و حکومت ایران چیست، یا به بیان دیگر، تهران چه نوع رابطه‌ای با بغداد می‌خواهد و چه انتظاراتی از آن دارد. او همچنین مدعی شد که تجربه عراق از مرزهای دو کشور فراتر رفته و به نیرویی تأثیرگذار در سطوح منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است!

● آنچه تهران می‌کوشد بر دولت عراق تحمیل کند، دولت لبنان نیز با آن مواجه است؛ و آنچه لبنان نتوانسته اجرا کند، عراق نیز عملاً نمی‌تواند اجرا کند. بر اساس برداشت قالیباف از نظام منطقه‌ای، که در عین جدید بودن، ریشه‌هایی قدیمی دارد، اولویت در عراق و لبنان نه دولت است، نه کمک به نظام سیاسی عراق برای عبور از بحران‌هایش و نه کاهش فاجعه‌ای که بر مردم جنوب لبنان تحمیل شده است؛ بلکه ادامه رویارویی علیه اسرائیل با توسل به ایده «مقاومت دائمی» است.

● در عراق آزمونی واقعی میان دولت و ساختارهای فراتر از دولت آغاز می‌شود؛ میان سلاحی که از دولت حفاظت می‌کند و سلاحی که از ماهیت نظام سیاسی (تفکر شیعه) محافظت می‌کند؛ همین صحنه با عنوانی متفاوت در لبنان جریان دارد.

مصطفی فصیح (الشرق الاوسط) - رژیم تهران به جغرافیای نفوذ نزدیک خود یعنی مناطقی که در مجاورت عراق قرار دارند، و همچنین به جغرافیای نفوذ دورتر خود، یعنی مناطقی که در جنوب لبنان با دولت اسرائیل هم‌مرز هستند، توجه و حساسیت ویژه‌ای نشان می‌دهد. تهران در داخل مرزهای ملی دو کشور عراق و لبنان، مرزی برای نفوذ خود قائل است؛ مرزی که از مفهوم همسایگی نزدیک یا دور، منافع مشترک، پیوندهای اجتماعی و معنوی و حتی منافع ملی داخلی فراتر می‌رود و همه این موارد را در خدمت نظام جمهوری اسلامی و منافع منطقه‌ای خود قرار می‌دهد.

در بغداد، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و یکی از مذاکره‌کنندگان ارشد نظام بار دیگر به نخبگان سیاسی حاکم عراق یادآوری کرد که اصول ثابت رابطه میان عراق و حکومت ایران چیست، یا به بیان دیگر، تهران چه نوع رابطه‌ای با بغداد می‌خواهد و چه انتظاراتی از آن دارد. قالیباف از دریچه سلاح و تحت عنوان مبهم «مقاومت» وارد این موضوع شد و در آغاز مهم‌ترین سفر خود به عراق، از نظر شرایط داخلی و خارجی، گفت: «مقاومت در عراق به یکی از عناصر اساسی قدرت جهانی تبدیل شده است.» او همچنین مدعی شد که تجربه عراق از مرزهای دو کشور فراتر رفته و به نیرویی تأثیرگذار در سطوح منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است!

در چارچوب آنچه قالیباف درباره تولد یک نظام منطقه‌ای جدید به جهان نوید داد، چند روز پیش از این اظهارات نیز در بغداد سخنانی مطرح شده بود که از نظر حساسیت جغرافیایی و استراتژیک هم‌سنگ اظهارات او در سفر به عراق بود. او حدود یک هفته پیش اعلام کرده بود که خودش «ارتباط مستقیم با رزمندگان حزب‌الله در خطوط

الشرق الاوسط: جنگ معیشت مردم ایران را نابود کرده و بسیاری دیگر هیچ درآمدی ندارند



بندرعباس در روزهای جنگ

کشتی‌های خود، تجارت با ایران را به حالت تعلیق درآورد. تندرو می‌گوید: «واقعاً نمی‌داند این وضعیت چه تأثیری بر کارش خواهد گذاشت.»

او افزود: «مردم جنوب عمدتاً به تجارت یا ماهیگیری وابسته‌اند. اگر دریا و تجارت را از آنها بگیرد، عملاً چیزی برایشان باقی نمی‌ماند. اینجا کشاورزی نداریم؛ هرچه هست از دریا می‌آید.»

«اصلاً فروش نداریم»

با فرارسیدن شب و کاهش تدریجی گرمای طاقت‌فرسای تابستان، فروشندگان ماهی در امتداد خیابانی شلوغ بساط خود را برپا می‌کنند و در حالی که بوی صید روز در هوای مرطوب به مشام می‌رسد، کوسه، ماهی تُن و میگو می‌فروشند.

در میان آنها، انوش ملاح ۲۲ ساله نیز به کاسبی مشغول است. او اخیراً پس از افزایش شدید اجاره‌بها مجبور شد مغازه‌اش را در یکی از بازارهای شهر تعطیل کرده و در خیابان بساط پهن کند. او به خبرنگاری فرانسه گفت: «از زمانی که جنگ شروع شده، کسب و کار افتضاح است. اصلاً فروش نداریم، بازار بسیار ضعیف است.» او افزود: «مردم پول ندارند. ماهیگیرها هم به دریا نمی‌روند.»

بسیاری از ماهیگیران اطراف بندرعباس تنها در هفته‌های اخیر دوباره به دریا بازگشته‌اند؛ آنها ماه‌ها به دلیل ترس از گرفتار شدن در آتش جنگ میان آمریکا و جمهوری اسلامی در ساحل ماندند.

در این میان، تلاش‌های دیپلماتیک تا کنون نتوانسته به جنگ پایان دهد. برای ملاح، این بلاتکلیفی تنها فشارها را بیشتر می‌کند. او گفت: «بگذارید جنگ شروع شود و بالاخره به نتیجه‌ای برسد؛ چون الان ما را در یک وضعیت بلاتکلیف رها کرده‌اند.»

بزرگراه‌ها و زیرساخت‌های ریلی اطراف بندرعباس را هدف قرار داد؛ اقدامی که به گفته تحلیلگران، با هدف قطع ارتباط شهر و مختل کردن لجستیک نظامی رژیم ایران در جنوب انجام شد.

«دیگر چیزی باقی نمانده»

در بخش دیگری از این گزارش آمده، در داخل شهر، زیر مجسمه بتنی عظیمی از دو مرد مسلح که سلاح‌هایشان را به سمت آب‌های هرمز نشانه گرفته‌اند، فشار اقتصادی در صف‌های طولانی در مقابل پمپ‌بنزین‌ها و افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها در بازارهای محلی خود را نشان می‌دهد. فرودگاه این شهر که بارها هدف حمله قرار گرفته، در حال حاضر تعطیل است و مسافران مجبورند سفر خود را از راه‌های زمینی دشوار انجام دهند؛ سفرهایی که گاهی با پرواز و با عبور با قایق انجام می‌شد.

در خارج از شهر، گروه‌های عمرانی همچنان زیر آفتاب سوزان تابستان مشغول تعمیر پل گچین هستند؛ پلی که بر اثر حمله آمریکا تخریب شده و ماشین‌ها در مسیر خاک‌آلود زیر آن رفت و آمد می‌کنند. در امتداد ساحل، لنج‌ها در کنار قایق‌های ماهیگیری و تجاری پهلو گرفته‌اند؛ بخشی از یک شبکه تجاری چندصدساله که جنوب ایران را به کشورهای عربی آن سوی خلیج فارس متصل می‌کند.

آرش تندرو، ۴۵ ساله، با لنج خود میوه تازه و خشک ایرانی را به امارات متحده عربی منتقل می‌کرد و در بازگشت، کالاهای مصرفی و دیگر اقلام وارداتی را به ایران می‌آورد.

تندرو گفت: «درآمد من همان اول جنگ به صفر رسید.» او بعداً با مختل شدن مسیرهای دریایی منطقه و «هدف قرار گرفتن بسیاری از لنج‌ها توسط پهپادها»، بخشی از تجارت خود را از طریق بندر خصب عمان انجام داد. ولی امارات نیز در پی حمله موشکی جمهوری اسلامی به یکی از

● روزنامه «الشرق الاوسط» در گزارشی به پیامدهای جنگ اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران و معیشت مردم به ویژه در شهرهای جنوبی کشور پرداخته و به نقل از شهروندان این مناطق گزارش داده که قیمت‌ها به شدت افزایش پیدا کرده و درآمد بسیاری از مردم به صفر رسیده است.

● با وجود کاهش درگیری‌ها ساکنان مناطق جنوبی ایران همچنان زیر فشار قرار دارند. سعید تاجیک، ۴۲ ساله، پیشتر در یک کارخانه کشتی‌سازی کار می‌کرد، اما شغل‌اش را از دست داده و مجبور شده مسافرکشی کند. تاجیک می‌گوید: «قیمت مسکن و مواد غذایی به شدت بالا رفته. قیمت تقریباً همه اقلام ضروری مثل برنج، ماست و روغن دو برابر شده است.»

روزنامه «الشرق الاوسط» در گزارشی به پیامدهای جنگ اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران و معیشت مردم به ویژه در شهرهای جنوبی کشور پرداخته و به نقل از شهروندان این مناطق گزارش داده که قیمت‌ها به شدت افزایش پیدا کرده و درآمد بسیاری از مردم به صفر رسیده است.

در این گزارش که ۲۲ اوت (۳۱ امرداد) به زبان انگلیسی منتشر شد، آمده است که بندرعباس قطب تجاری جنوب ایران در خط مقدم جنگ با ایالات متحده قرار گرفته؛ جایی که ساکنان آن تلاش می‌کنند فعالیت‌هایی را که بر اثر ماه‌ها درگیری نظامی آسیب دیده، دوباره رونق دهند.

مانند دیگر نقاط ایران، فشارهای اقتصادی از زمانی که حملات آمریکا و اسرائیل آغاز شد، خانوارها را تحت فشار قرار داده است، اما برخلاف بسیاری از مناطق کشور، بندرعباس با جمعیتی حدود نیم میلیون نفر، حتی پس از آنکه آتش‌بس در دیگر مناطق موجب کاهش درگیری‌ها شد، همچنان در تیرس جنگ باقی ماند.

با وجود کاهش درگیری‌ها ساکنان این مناطق همچنان زیر فشار قرار دارند. سعید تاجیک، ۴۲ ساله، پیشتر در یک کارخانه کشتی‌سازی کار می‌کرد، اما شغل‌اش را از دست داده و مجبور شده مسافرکشی کند.

تاجیک می‌گوید: «قیمت مسکن و مواد غذایی به شدت بالا رفته. تقریباً قیمت همه اقلام ضروری مثل برنج، ماست و روغن دو برابر شده است.»

الشرق الاوسط می‌نویسد، کمبود سوخت مدت‌هاست در جنوب ایران امری معمولی است؛ جایی که مقام‌ها با ادعای مقابله با قاچاق گسترده سوخت، عرضه آن را محدود می‌کنند اما تاجیک در همین ارتباط توضیح می‌دهد: «صف‌ها طولانی‌تر شده‌اند... گاهی در صف طولانی سوخت منتظر می‌مانیم و وقتی به جایگاه می‌رسیم، به ما می‌گویند بنزین نیست!» او این سخنان را در حالی بیان کرده که از کنار پمپ‌بنزینی رد می‌شد که رانندگان زیر گرمای طاقت‌فرسای تابستان منتظر سوخت بودند.

تنگه هرمز پس از آنکه آتش‌بس و «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» نتوانست اختلافات میان واشنگتن و تهران بر سر مدیریت این تنگه را حل کند، به یکی از کانون‌های اصلی تنش تبدیل شده است.

در طول جنگ، حملات آمریکا تا اواسط ژوئیه پل‌ها،

سناریوی تکراری «کشته‌سازی از نیروهای خودی»؛ ابزاری برای بقاء، سرکوب و اعدام بیشتر



نیروی بسیجی مداح به شکلی فجیع و طعمه دیگری همچون روح‌الله عجمیان، تلاش می‌کند پیامی از «مظلوم‌نمایی» و «خشونت معترضان» که عمدتاً حامیان پهلوی‌ها هستند صادر کند تا دست نیروهای قضایی و امنیتی را برای صدور احکام سنگین، اعدام و سرکوب خشن‌تر در جامعه باز بگذارد.

در جریان قیام ملی ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، جمهوری اسلامی با موج بی سابقه پهلوی‌خواهی روبرو شد و از آنجا که در دو قدمی سقوط و در بدترین شرایط خود قرار گرفت با کشته‌سازی نیروهای خودی در جریان این خیزش سراسری، مدعی شد که تیم‌های تروریستی وابسته به موساد، سیا یا گروه‌های معاند، مأموران حکومتی را کشته‌اند، آنها از مأموران خودی کشته‌شده در جریان اعتراضات سراسری به عنوان «شهادی امنیت» یاد کردند و برای سناریوهایی جهت سرکوب و توجیه اعدام‌های بیشتر و منسجم کردن بدنه ایدئولوژیک و وفادار خود، تشیع جنازه‌های گسترده برای آنها برگزار کردند.

اینهمه در حالیست که ترفندهایی مانند «کشته‌سازی» از همان روزهای نخست شکل گرفتن انقلاب اسلامی اجرا می‌شد؛ در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ سینما رکس آبادان را آتش زدند و بیش از سیصد نفر را زنده در آتش سوزاندند. آن زمان انقلابیون و روح‌الله خمینی برای بدنام کردن پهلوی، انگشت اتهام را به سمت ساواک و حکومت محمدرضا شاه نشانه گرفتند. در قتل‌های زنجیره‌ای دهه ۷۰ خورشیدی، قتل شاپور بختیار و فریدون فرخزاد نیز دقیقاً همین الگوی

رجب‌زاده» مداح و عضو بسیج در مرداد ۱۴۰۵ و بازداشت ۹ متهم اصلی از جمله یک زن بلاگر و دوست پسرش به دلیل ماهیت مبهم و روایت‌های متناقض رسانه‌های حکومتی، تحلیل‌ها و گمان‌های متفاوتی را در افکار عمومی و شبکه‌های اجتماعی پیرامون علت قتل این مداح مطرح کرده است. سرخ اغلب این روایت‌ها به سناریوی تکراری جمهوری اسلامی یعنی «کشته‌سازی از نیروهای خودی» می‌رسد.

از سوی دیگر رسانه‌های نزدیک به حکومت نظیر خبرگزاری فارس، از حمیدرضا رجب‌زاده به عنوان «شهید» یاد کرده‌اند تا ادبیات «مظلوم‌نمایی» نیروهای مذهبی و خودی را تقویت کنند.

درباره موضوع «کشته‌سازی از نیروهای خودی» این روایت شکل گرفته که حکومت از حذف یا قربانی کردن برخی نیروهای وابسته به خود به عنوان یک ابزار امنیتی برای مظلوم‌نمایی نیروهای مذهبی با هدف سرکوب بیشتر و بقای خود استفاده می‌کند. از جمله استدلال‌های این روایت می‌توان به سخنان علی شکوری‌راد، پزشک و فعال سیاسی اصلاح‌طلب، اشاره کرد که در سخنانی فاش کرد که یکی از روش‌های سرکوب اعتراضات فراگیر (مانند حوادث دی‌ماه)، پروژه «کشته‌سازی از نیروهای خودی» توسط خود نهادهای امنیتی است. او بطور مشخص به پرونده‌هایی مانند روح‌الله عجمیان اشاره کرد و آن را طرحی از سوی نیروهای امنیتی برای ایجاد شوک در جامعه و مهار اعتراضات دانست.

بر اساس این تحلیل، حکومت با قربانی کردن رجب‌زاده،

محمد خوش بیان: «وقتی گنبد سامره منفجر شد این انفجارها را به القاعده عراق نسبت دادند در صورتی که من کاملاً در جریان بودم که این انفجار به دستور «محمدعلی تسخیری» دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی انجام شد، به دلیل اینکه می‌خواستند این مسئله را به مردم مذهبی القاء کنند که: شیعیان، اگر برای اهداف ما نیابید و در سوریه جنگید مقدسات شما اینگونه مثل سامرا مورد هتک حرمت قرار می‌گیرد!»

حکومت با قربانی کردن رجب‌زاده، نیروی بسیجی مداح به شکلی فجیع و طعمه دیگری همچون روح‌الله عجمیان، تلاش می‌کند پیامی از «مظلوم‌نمایی» و «خشونت معترضان» که عمدتاً حامیان پهلوی‌ها هستند صادر کند تا دست نیروهای قضایی و امنیتی را برای صدور احکام سنگین، اعدام و سرکوب خشن‌تر در جامعه باز بگذارد.

ترفندهایی مانند «کشته‌سازی» از همان روزهای نخست شکل گرفتن انقلاب اسلامی اجرا می‌شد؛ در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ سینما رکس آبادان را آتش زدند و بیش از سیصد نفر را زنده در آتش سوزاندند. آن زمان انقلابیون و روح‌الله خمینی برای بدنام کردن پهلوی، انگشت اتهام را به سمت ساواک و حکومت محمدرضا شاه نشانه گرفتند. در قتل‌های زنجیره‌ای دهه ۷۰ خورشیدی، قتل شاپور بختیار و فریدون فرخزاد نیز دقیقاً همین الگوی توحش را دنبال کردند.

فیروزه نوردستروم - پرونده ربودن و قتل «حمیدرضا

بنزین متانولی سپاه موتور را می خورد؟



جمهوری اسلامی اکنون به ترفندی متوسل شده که بجای افزایش واقعی تولید سوخت، با افزودن یک ماده شیمیایی به نام «متانول» تلاش می کند فاصله میان تولید و مصرف را کاهش دهد. اما پرسش اصلی اینجاست: آیا این راه حل، هزینه پنهان برای میلیون ها اتومبیل خواهد داشت؟

فرید خلیفی - بحران بنزین در ایران با نزدیک شدن به پایان فصل تابستان وارد مرحله تازه ای شده است. محدود شدن واردات به دلیل محاصره اقتصادی ناشی از سیاست های جنگ افروزانای حکومت، شکاف میان تولید و مصرف بنزین در کشور را عمیق تر از همیشه کرده. پس از ده ها ناتوانی در افزایش ظرفیت پالایش و رسیدن به تولید پایدار بنزین،

توحش را دنبال کردند.

محمد غفوریان خوش بیان، روحانی سابق و منتقد سیاسی جمهوری اسلامی، در این زمینه به «کیهان لندن» می گوید: «تفکرات رژیم در بیانات و پیام های روح الله خمینی در «صحیفه نور» انعکاس داده شده که من به آن «صحیفه ظلمت» می گویم در این کتاب اشاره شده که حفظ نظام از اوجب واجبات است یعنی قتل و غارت از توجیهات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است.»

به گفته این فعال سیاسی، «تفسیر صحبت های خمینی این است که اگر امام زمان هم یک روز مقابل جمهوری اسلامی قرار بگیرد باید کشته شود؛ این دیدگاه یک جزء از کلیتی را تشکیل می دهد که از اجزای مختلفی مانند قتل و غارت نیز تشکیل می شود. هر غارت و قتلی از دیدگاه اینها که برای حفظ نظام باشد اجر داده شده و قابل توجیه است و حتی ثواب دارد.»

وی در ادامه این گفتگو به انفجار گنبد حرم عسکرین در سامره در اسفند ۱۳۸۴ اشاره می کند و می گوید: «وقتی گنبد سامره منفجر شد این انفجارها را به القاعده عراق نسبت دادند در صورتی که من کاملاً در جریان بودم که این انفجار به دستور «محمدعلی تسخیری» دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی انجام شد، به دلیل اینکه می خواستند این مسئله را به مردم مذهبی القاء کنند که: شیعیان اگر برای اهداف ما نیایید و در سوریه نجنگید مقدسات شما اینگونه مثل سامره مورد هتک حرمت قرار می گیرد!»

محمد خوش بیان به مرگ فرزندان چند تن از سران حکومتی جمهوری اسلامی از جمله رشید حسنی پسر امام جمعه سابق ارومیه و احمد رضایی پسر محسن رضایی فرمانده اسبق سپاه پاسداران و دبیر کنونی «شورای عالی امنیت ملی» نیز اشاره می کند و معتقد است: «اگر به گذشته نگاه کنیم می رسم به مرگ پسر حسنی نماینده ولی فقیه در آذربایجان غربی که گفت اگر پسر مرا پیدا کنید و حکم ابد داشته باشد اعدامش کنید؛ یا محمدی گیلانی یا خود احمد جنتی که در منابع معتبر هم هست که گفته بود اگر پسر مرا بزداشت شود ۴۰ روز روزه شکر بجا می آورم. در طول تاریخ جمهوری اسلامی مرگ های مشکوکی هم مثل مرگ محمد فریدون پسر حسن روحانی یا مرگ پسر محسن رضایی رخ داده که نشان می دهد اینها حتی فرزندان خود را برای این انقلاب و منافع خود فدا کرده و کشته اند.»

این روحانی سابق توضیح می دهد: «رژیم جمهوری اسلامی از کشته سازی خودی ها منافع فراوانی می برد. وقتی می گویند حفظ نظام از اوجب واجبات است، کشتن نیروهای خودی هم حتی اجر داده شده یعنی عین ثواب است چون در افکار عمومی اینگونه مطرح می شود که اینها مظلوم واقع شده اند! حالا چرا این اعمال وحشیانه را به طرفداران شاهزاده رضا پهلوی منتسب می کنند، چون رژیم در ضعیف ترین وضعیت و در چند قدمی سقوط قرار دارد. رژیم همواره از خاندان پهلوی هراس داشته و این هراس سیستماتیک را در قالب پروپاگانداهای خودی به کار می گیرد تا تصویر جامعه را از پهلوی به عنوان «نهاد ایران مدرن و مرفه» مخدوش کند.»

با وجود دشمنی جمهوری اسلامی با پهلوی اما خاندان پهلوی از اقبال قابل توجهی در جامعه ایران برخوردار است به ویژه در میان نسل های جوان تر، که در واکنش به چند دهه حاکمیت ایدئولوژیک و سرکوبگر جمهوری اسلامی، خواستار انکاء بر هویت ملی و تاریخی و دستاوردهای فرهنگی خود هستند که نماد معاصر آن را در دوران پهلوی می بینند.

پایان مهلت تفاهم نامه اسلام آباد!

پس از پایان یافتن مهلت تفاهم نامه اسلام آباد، ترامپ اعلام کرد که دیگر با جمهوری اسلامی مذاکراتی نخواهد داشت. برای جمهوری اسلامی زمان عملاً از دست رفته است. شرایط پس از اتمام مهلت شصت روزه به چه سمتی خواهد رفت؟

کیهان
KAYHAN LONDON



© کیهان لندن / کارتون های بهنام محمدی

توفیق ممتاز؛ یار بی‌ادعا و ماندگار «کیهان لندن» و میهن‌دوستی فراتر از مرزبندی‌های سیاسی



توفیق ممتاز

در آن سال‌ها که هنوز بخش‌هایی از جامعه روشنفکری در تبعید زیر تأثیر شور و گرایش‌های انقلابی چپ قرار داشتند، شماری از روشنفکران چپ‌گرا آگاهانه از «کیهان لندن» فاصله می‌گرفتند. مواضع سنتی و میهن‌دوستانه این نشریه از نگاه آنان، چیزی جز حسرت و دل‌بستگی به نظامی نبود که با انقلاب ۵۷ سقوط کرده بود.

در چنین فضایی، توفیق ممتاز نقشی بسیار مهم، هرچند بی‌سرو صدا و دور از هیاهو، ایفا کرد. او کوشید آنان را متقاعد سازد که «کیهان لندن» نه در پی بازسازی مرزبندی‌ها و دشمنی‌های گذشته، بلکه خواهان آن است و این ظرفیت را نیز دارد که به تریبونی برای همه ایرانیان تبدیل شود. فضایی گشوده برای کسانی که فارغ از پیشینه و گرایش سیاسی خود، می‌خواهند در یک گفتگوی بزرگ ملی درباره سرنوشت و آینده ایران مشارکت داشته باشند. نخستین چهره محبوب و نامدار در میان روشنفکران چپ که به تلاش‌های توفیق ممتاز برای معرفی «کیهان لندن» به عنوان فضایی باز و فراگیر پاسخ مثبت داد، اسماعیل خویی، یکی از محبوب‌ترین شاعران معاصر ایران بود. او تازه‌ترین سروده‌های خود را برای انتشار در هفته نامه نوپای «کیهان لندن» در اختیار آن گذاشت.

با شکسته شدن این یخ، راه برای دیگران نیز گشوده شد و به تدریج چهره‌هایی از طیف‌ها و افق‌های سیاسی گوناگون برای همکاری پیشقدم شدند. برخی با پیوستن به جمع همکاران «کیهان لندن» و برخی دیگر با ارسال نوشته‌ها و آثار خود برای انتشار در آن.

شماری نیز، از جمله منوچهر محجوبی، طنزپرداز نام‌آشنا که پیش از انقلاب در «کیهان» ایران فعالیت کرده بود، پذیرفتند با «کیهان» در تبعید همکاری کنند، اما تنها به این شرط که نوشته‌هایشان بدون ذکر نام منتشر شود.

در فاصله کمتر از یک سال، «کیهان لندن» توانست

کوچک و ساده دوطبقه، از خانه‌های معمولی موسوم به «دو اتاق بالا و دو اتاق پایین» اجاره شده بود. مکانی محقر که در سال‌های نخست، تحریریه و فعالیت‌های «کیهان لندن» را در خود جای می‌داد.

دستمزدی که به او پرداخت می‌شد، به زحمت هزینه رفت و آمدش را تأمین می‌کرد و چیزی هم برای یک ساندویچ ساده پنیر «چدار» و خیارشور و یک لیوان یکبار مصرف قهوه در وقت ناهار باقی می‌گذاشت.

با اینهمه دیری نپایید که توفیق ممتاز به یکی از اعضای جدایی‌ناپذیر جمع سه نفره‌ای بدل شد که ستون فنی هفته‌نامه نوپای «کیهان لندن» را بر دوش داشت. زنده‌یاد کاظم گیلانپور، روزنامه‌نگار برجسته، مدیریت تحریریه را بر عهده داشت و شمسی رحیمی، که در حروفچینی به راستی دستی جادویی داشت، مسئول آماده ساختن و حروفچینی مطالب بود.

توفیق نیز صفحه‌آرایی، انتخاب و ویرایش عکس‌ها و آماده‌سازی نهایی صفحات روزنامه را برای ارسال به چاپخانه در ناتینگهام بر عهده داشت.

اگر کسی توفیق ممتاز را «مدیر فنی» می‌خواند، از فرط فروتنی سرخ می‌شد و از چنین عنوانی پرهیز داشت. اما واقعیت این بود که نقشی که در «کیهان لندن» ایفا می‌کرد، چیزی جز همین نبود.

پیش از تبعید، توفیق ممتاز از پیشگامان صنعت نوین تبلیغات در تهران بود و در این عرصه، بسیاری از شیوه‌ها و مفاهیم تازه را در چارچوب دنیای چندرسانه‌ای نوظهور آن روزگار به ایران معرفی کرده بود.

در تبعید نیز توفیق فعالیت حرفه‌ای خود را، هرچند در ابعادی محدودتر، ادامه داد و همزمان، در کنار کسب و کار خویش، همکاری و یاری صمیمانه‌اش با «کیهان لندن» را نیز پی گرفت.

● موضع فراجنبانی و فارغ از وابستگی‌های حزبی توفیق ممتاز به او امکان می‌داد بسیاری از ایرانیان تبعیدی را که همچنان در بند اختلافات، کدورت‌ها و رنجش‌های برجای مانده از گذشته بودند، گرد هم آورد و زمینه گفتگو و همکاری میان آنان را فراهم سازد.

● هنگامی که زنده‌یاد دکتر مصطفی مصباح زاده با یاری شماری از «کیهانی»های دوران پیش از انقلاب، انتشار «کیهان لندن» را آغاز کرد، توفیق ممتاز از نخستین کسانی بود که با آنکه پیشینه‌ای در مؤسسه کیهان نداشت، بی‌درنگ برای همکاری و یاری رساندن به این کوشش تازه پیشگام شد.

● نقش و سهم توفیق ممتاز در «کیهان لندن» تنها به معرفی نشریه و گسترش ارتباطات آن با جامعه ایرانیان در تبعید محدود نمی‌شد. او طراح جدول کلمات متقاطع و مسابقات اطلاعات عمومی «کیهان» نیز بود و با جلب همکاری کاریکاتورست‌ها، بر تنوع و غنای مجموعه مطالبی می‌افزود که این هفته‌نامه به خوانندگان خود عرضه می‌کرد.

امیر طاهری - توفیق ممتاز، از چهره‌های برجسته و شناخته شده حیات فکری و رسانه‌ای ایرانیان در تبعید، در سن ۸۴ سالگی در لندن چشم از جهان فرو بست.

توفیق، چنانکه دوستان و دوستداران بسیارش او را می‌خواندند، میهن‌دوستی راستین بود که سالیان دراز دل در گرو ایران داشت و در راه ترسیم آینده‌ای بهتر برای میهن خود می‌کوشید.

او فراتر از مرزبندی‌های ایدئولوژیک و صف‌بندی‌های سیاسی می‌اندیشید و همواره آماده بود از هر فرد، جریان یا گروهی که برای آزادی، کرامت انسانی و میهن‌دوستی مبارزه می‌کرد، حمایت کند. ارزش‌هایی که از نگاه او می‌بایست از اصول بنیادین ایران پس از جمهوری اسلامی و در فردای گذار از نظام برآمده از انقلاب ۱۳۵۷ باشد.

موضع فراجنبانی و فارغ از وابستگی‌های حزبی توفیق ممتاز به او امکان می‌داد بسیاری از ایرانیان تبعیدی را که همچنان در بند اختلافات، کدورت‌ها و رنجش‌های برجای مانده از گذشته بودند، گرد هم آورد و زمینه گفتگو و همکاری میان آنان را فراهم سازد.

هنگامی که زنده‌یاد دکتر مصطفی مصباح زاده با یاری شماری از «کیهانی»های دوران پیش از انقلاب، انتشار «کیهان لندن» را آغاز کرد، توفیق ممتاز از نخستین کسانی بود که با آنکه پیشینه‌ای در مؤسسه کیهان نداشت، بی‌درنگ برای همکاری و یاری رساندن به این کوشش تازه پیشگام شد.

در آن روزگار، «کیهان لندن» مؤسسه‌ای کوچک، نوپا و با امکاناتی بسیار محدود بود و توان پرداخت حقوق و دستمزدهای رایج را نداشت. توفیق از همان آغاز تأکید کرده بود که به خوبی از این محدودیت‌ها آگاه است و آماده همکاری و یاری رساندن است، بی‌آنکه چشمداشت مالی داشته باشد، جز آنکه هزینه رفت و آمدش از حومه‌ای دوردست در لندن تا «گریز این رود» در مرکز شهر تأمین شود.

دفتر تازه «کیهان» در آن زمان در همان خیابان، در خانه‌ای

توقف صادرات نفت ایران؛ نشست اعضای ناتو برای مشارکت احتمالی در بازگشایی تنگه هرمز



تنگه هرمز

نیروهای متحد ناتو در اروپا، به خبرگزاری رویترز گفت که مقرر فرماندهی عالی نیروهای متحد در اروپا، نشست ویدیویی با حضور فرماندهان نظامی کشورهای علاقمند برگزار کرده است.

هدف این نشست، بررسی ظرفیت و میزان مشارکت احتمالی کشورهای عضو برای کمک به تأمین آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز اعلام شده است.

سخنگوی فرمانده ارشد ناتو نیز تأکید کرد: «این مأموریت ناتو نیست.» او افزود، توانایی این پیمان در گرد آوردن اعضا و ارزیابی ظرفیت‌های نظامی آنها می‌تواند به هماهنگی چنین همکاری‌هایی کمک کند.

کشورهای عضو ناتو تلاش می‌کنند از ورود مستقیم این پیمان به جنگ با جمهوری اسلامی خودداری کرده و طرح‌های مربوط به بازگشایی تنگه هرمز را خارج از ساختار رسمی آن دنبال کنند.

همزمان، فرانسه و بریتانیا مذاکراتی را برای تشکیل ائتلافی متشکل از حدود ۱۲ کشور آغاز کرده‌اند. هدف این ائتلاف، تضمین عبور امن کشتی‌ها از تنگه هرمز پس از کاهش تنش‌ها یا پایان جنگ عنوان شده است. پیش از این و در جریان نشست ناتو در آنکارا نیز رئیس جمهوری ترکیه اعلام کرده بود که در مین‌روبی تنگه هرمز مشارکت خواهد کرد.

در ایران از سوی تحلیلگران حکومتی چنین مطرح می‌شود که باید تا انتخابات میاندوره‌ای آمریکا که اوایل نوامبر (آبان‌ماه) برگزار می‌شود تنگه هرمز را بحرانی نگه داشت تا بر نتیجه دلخواه دونالد ترامپ و جمهوریخواهان تأثیر منفی بگذارد. همچنین پیش‌بینی آنها بر این است که با فراسایشی کردن جنگ، موقعیت بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و ترامپ ضعیف خواهد شد، و با تحمل فشارهای اقتصادی و انجام «عملیات نظامی»، تهدید علیه موجودیت نظام کاهش پیدا می‌کند.

- سنتکام جمعه ۳۰ امرداد ۱۴۰۵ اعلام کرد، نیروهای آمریکایی برای اطمینان از رعایت مقررات محاصره دریایی علیه جمهوری اسلامی ایران، مسیر ۶۸ کشتی تجاری را تغییر دادند، سه کشتی را از کار انداختند و وارد دو کشتی شدند. - با ادامه محاصره دریایی ایران، صادرات نفت جمهوری اسلامی متوقف شده است. عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی تأیید کرده است که «در حال حاضر صادر نفت ایران قطع شده» و افزوده «به ذخایر ارزی دسترسی نداریم». طبق گزارش منابع غربی، دریافت نفت خام و فرآورده‌های نفتی ایران از سوی چین نیز به شدت آفت کرده است.

- کشورهای عضو ناتو در حال بررسی گزینه‌هایی برای حفاظت از کشتیرانی در تنگه هرمز هستند، اما مقامات این پیمان نظامی می‌گویند که یک همکاری احتمالی در قالب مأموریت رسمی ناتو انجام نخواهد شد.

- سخنگوی ناتو، ژنرال الکسیوس گرینکویچ فرمانده عالی نیروهای متحد ناتو در اروپا، به خبرگزاری رویترز گفت: «این مأموریت ناتو نیست.» او افزود، توانایی این پیمان در گرد آوردن اعضا و ارزیابی ظرفیت‌های نظامی آنها می‌تواند به هماهنگی چنین همکاری‌هایی کمک کند.

با ادامه محاصره دریایی ایران، صادرات نفت جمهوری اسلامی متوقف شده است. عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی تأیید کرده است که «در حال حاضر صادر نفت ایران قطع شده» و «به ذخایر ارزی دسترسی نداریم». طبق گزارش منابع غربی، دریافت نفت خام و فرآورده‌های نفتی ایران از سوی چین نیز به شدت آفت کرده است. همزمان اعضای پیمان نظامی ناتو برای بررسی وضعیت تنگه هرمز نشست آنلاین برگزار کردند.

در شرایطی که جمهوری اسلامی تنگه هرمز را با موشک‌پرانی، پهپاد، شهاب و مین‌پاشی ناامن کرده است، آمریکا تلاش می‌کند با پشتیبانی هوایی و دریایی ارتش، کشتی‌های بیشتری را از مسیر جنوبی تنگه (در قلمرو عمان) عبور دهد. همزمان نفتکش‌های جمهوری اسلامی در خلیج فارس و دریای عمان متوقف می‌شوند.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) جمعه ۳۰ امرداد ۱۴۰۵ اعلام کرد، نیروهای آمریکایی برای اطمینان از رعایت مقررات محاصره دریایی علیه جمهوری اسلامی ایران، مسیر ۶۸ کشتی تجاری را تغییر دادند، سه کشتی را از کار انداختند و وارد دو کشتی شدند.

سنتکام پیشتر اعلام کرده بود، بیش از ۲۰ ناو جنگی از محاصره دریایی آمریکا علیه جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کنند. بر اساس داده‌های شرکت کشتیرانی «کپلر»، این محاصره همچنین باعث شده بارگیری نفت خام ایران به حدود یک‌هفتم سطح پیش از جنگ کاهش یابد.

احتمال تشکیل ائتلاف خارج از ساختار ناتو

کشورهای عضو ناتو در حال بررسی گزینه‌هایی برای حفاظت از کشتیرانی در تنگه هرمز هستند، اما مقامات این پیمان نظامی می‌گویند یک همکاری احتمالی در قالب مأموریت رسمی ناتو انجام نخواهد شد.

سخنگوی ناتو، ژنرال الکسیوس گرینکویچ فرمانده عالی

دسته گلی رنگارنگ از نویسندگان، شاعران و اهل قلم را در کنار یکدیگر گرد آورد. از جمله نُعبت والا، ویکتوریا بهرامی، پیروز مجتهد زاده، محمود عبدالله زاده، احمد شکرینیا، عباس شمس، احمد احرار، هوشنگ وزیری، علیرضا نوریزاده و محمد پورداد.

و البته، شماری از «کیهانی»های قدیمی تهران نیز بار دیگر به این خانواده مطبوعاتی پیوستند. از جمله نصیر امینی، منصوره پیرنیا، محمدرضا حمیدی، صدرالدین الهی، جمشید بهادری و حمید حمیدی.

نقش و سهم توفیق ممتاز در «کیهان لندن» تنها به معرفی نشریه و گسترش ارتباطات آن با جامعه ایرانیان در تبعید محدود نمی‌شد. او طراح جدول کلمات متقاطع و مسابقات اطلاعات عمومی «کیهان» نیز بود و با جلب همکاری کاریکاتوریست‌ها، بر تنوع و غنای مجموعه مطالبی می‌افزود که این هفته‌نامه به خوانندگان خود عرضه می‌کرد.

شیوه نوآورانه توفیق در صفحه‌آرایی نیز از ویژگی‌های برجسته کار او بود. شیوه‌ای مبتنی بر این باور ساده اما راهگشا که «صفحه باید نفس بکشد»، او با پرهیز از انباشتگی متن و تصویر و با بهره‌گیری سنجیده از فضای سفید، به صفحات روزنامه نظم، وضوح و جلوه‌ای تازه می‌بخشید. این سبک صفحه‌آرایی بعدها دست کم از سوی دو روزنامه بریتانیایی، «ناتینگهام پست» و «گاردین» نیز مورد استفاده قرار گرفت.

انتخاب سنجیده نوع حروف، شیوه ویرایش و گزینش عکس‌ها از سوی توفیق ممتاز نیز، که بر اصل مورد علاقه‌اش یعنی «برجسته کردن آنچه اساسی است» استوار بود، سهمی مهم در شکل‌گیری هویت بصری و زیبایی‌شناختی «کیهان لندن» داشت.

توفیق مردی نیکخواه، خوش‌مشرب و سرشار از شور زندگی بود. ویژگی‌هایی که به او امکان می‌داد هر جا حضور پیدا می‌کرد، گرمی و شادی را نیز با خود به همراه ببرد و به دیگران منتقل کند. این خصلت در جامعه‌ای تبعیدی که اندوه دوری از میهن، خاطره گذشته و حسرت وطن بر آن سنگینی می‌کرد، امتیازی کمیاب و ارزشمند بود.

او در میان ایرانیان مهاجر تنها یک همکار حرفه‌ای و اهل رسانه نبود، حضورش می‌توانست از سنگینی فضای تبعید بکاهد و با خوشرویی، نیک خواهی و روحیه امیدوار خود، پیرامونش را روشن‌تر و تحمل غربت را برای دیگران اندکی آسان‌تر کند.

حتی هنگامی که سرطان، با یورش برق آسا، بر جان توفیق ممتاز افتاد و در مدتی کوتاه او را از میان ما ربود، آرامش، متانت و وقار همیشگی‌اش را از دست نداد.

تنها چند روز پیش از آنکه دروگر او را با خود ببرد، در گفتگویی تلفنی باز هم از دیداری دوستانه با چای و همدلی سخن گفت. دیداری که اگر مجال برگزاری می‌یافت، بی‌تردید یاد و خاطره «کیهان لندن» نیز در آن زنده می‌شد. نشریه‌ای که طی چندین دهه، استوار و استوارتر شد و جایگاه خود را در میان رسانه‌های ایرانی خارج کشور تثبیت کرد.

پس چه طبیعی است که امروز «کیهان لندن» نیز به یاد توفیق ممتاز باشد. مردی که در سال‌های دشوار آغازین، بی‌ادعا و بی‌هیاهو بخشی از توان، تجربه و خلاقیت خود را در خدمت آن گذاشت و سهمی ماندگار در شکل‌گیری و استواری آن داشت.

اکنون «کیهان لندن» با احترام و اندوه، یاد یکی از یاران صمیمی و وفادار سال‌های نخست خود را گرمی می‌دارد. یادی که همچون نام و نقش او در تاریخ این نشریه، ماندگار خواهد ماند.

پیامدها و چالش‌های تحریم جدید آمریکا

توانسته رابطه تجاری آن با جمهوری اسلامی را به شدت کاهش دهد. ۳، ۴

دولت‌ها تنها بازیگران این محاسبه نیستند. شرکت‌ها نیز جدا از دولت‌ها حساب خود را می‌کنند. پس از خروج ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸، توتال اعلام کرد بدون معافیت آمریکا از پروژه پارس جنوبی خارج خواهد شد و مرسک نیز فعالیت خود در ایران را متوقف کرد. برای شرکتی که تأمین مالی، بیمه و تجارتش به نظام مالی جهانی وابسته است، بازار ایران ممکن است ارزش خطر از دست دادن دسترسی به آمریکا را نداشته باشد. قدرت تحریم ثانویه آمریکا تا حد زیادی از همین‌جا می‌آید. ۵

اما قدرت اعمال فشار با توان حفظ آن یکی نیست. اگر هدف محاصره اقتصادی بلندمدت باشد، آمریکا باید این فشار را نه فقط بر جمهوری اسلامی، بلکه بر چین، ترکیه، عراق، شبکه‌های بانکی، شرکت‌های کشتیرانی و دیگر واسطه‌ها برای ماه‌ها یا شاید سالها حفظ کند. پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، گفته است ایالات متحده از نظر عملیاتی می‌تواند با چرخش شناورها محاصره دریایی را برای مدتی نامحدود ادامه دهد. ۶

مسئله این است که هزینه سیاسی چنین سیاستی هم نامحدود نیست. فشار بر عراق می‌تواند مشکلات برق و ثبات اقتصادی آن کشور را تشدید کند و برخورد جدی با بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ چین خطر واکنش متقابل پکن را بالا ببرد. از سوی دیگر، اگر تحریم در اصل ابزاری برای بالا بردن قیمت یک توافق باشد، بخشی از همین محدودیت‌ها ممکن است در برابر امتیازی که ترامپ کافی بداند کاهش یابد. بنابراین پایداری این سیاست به اندازه شدت آن اهمیت دارد. ۲

این مرحله تازه در زمانی آغاز می‌شود که اقتصاد ایران پیشاپیش بشدت آسیب دیده است. براساس آمار مرکز آمار ایران که رویترز گزارش کرده، نرخ تورم سالانه در ژوئیه به ۶۶ درصد و تورم مواد غذایی به ۱۲۸ درصد رسیده بود. حتی در بازار بنزین نیز شکاف دیده می‌شود: تولید روزانه حدود ۱۳۰ میلیون لیتر در برابر مصرف نزدیک ۱۳۷ میلیون لیتر. ۷ شواهد پژوهشی نشان می‌دهد این فشار میان همه گروه‌های جامعه به یک نسبت تقسیم نمی‌شود. مرتضی قومی، اقتصاددان پژوهشی بانک مرکزی اسپانیا، برآورد کرده است زیان تولید ناخالص داخلی واقعی ایران چهار سال پس از آغاز تحریم‌های ۲۰۱۲ در اوج خود به حدود ۱۹.۱ درصد رسید و آثار فقر نیز میان گروه‌های مختلف یکسان نبود. ۹ محمدرضا فرزنانگان، استاد اقتصاد خاورمیانه در دانشگاه ماربورگ آلمان، و نادر حبیبی، استاد اقتصاد خاورمیانه در دانشگاه برنابیس آمریکا، نیز نتیجه گرفته‌اند تحریم‌های پس از ۲۰۱۲، بسته به روش محاسبه، اندازه طبقه متوسط ایران را در فاصله ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ به‌طور متوسط سالانه حدود ۱۲ تا ۱۷ واحد درصد کمتر از وضعیتی کرده که بدون تحریم می‌توانست وجود داشته باشد. ۱۰

این اثر را می‌توان در مسیر انتقال هزینه دید: نفت با تخفیف فروخته می‌شود، انتقال پول گرانتر می‌شود، واسطه سهم خود را می‌گیرد و واردکننده هزینه را روی قیمت کالا می‌کشد. در انتهای این زنجیره خانواده‌ای قرار دارد که دیگر کسی نیست هزینه را به او منتقل کند. در جهت معکوس، عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی و وزیر پیشین اقتصاد، پس از تفاهم موقت رژیم تهران



دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا

چین مهمترین آزمون سیاست تازه واشنگتن است. بیش از ۸۰ درصد نفت دریافت ایران راهی چین شده و برآورد شرکت کپلر نشان می‌دهد این کشور در سال ۲۰۲۵ به‌طور متوسط روزانه حدود ۱.۳۸ میلیون بشکه نفت ایران را خریده است. ۳

در اطراف این تجارت، شبکه‌ای از پالایشگاه‌های مستقل، واسطه‌ها و روش‌های پرداختی شکل گرفته که تماس محدودی با نظام مالی آمریکا دارند. تحریم یک شرکت کوچک واسطه یک چیز است؛ وادار کردن پکن به توقف بخش بزرگی از خرید نفت ایران چیز دیگری. چین هزینه و فایده خود را می‌سنجد و واشنگتن نیز باید حساب کند تا کجا حاضر است اختلاف با پکن را به بانک‌ها، تجارت و زنجیره تأمین گسترش دهد. از بسنت هم وقتی از احتمال هدف قرار گرفتن چین به دلیل تجارت با جمهوری اسلامی پرسیده شد، وارد جزئیات نشد. همین احتیاط فاصله میان اعلام یک سیاست حداکثری و اجرای کامل آن را نشان می‌دهد. ۲

امارات نمونه متفاوتی است. این کشور در سال ۲۰۲۴ حدود ۳۰ درصد واردات ایران، به ارزش نزدیک ۲۱ میلیارد دلار، را تأمین می‌کرد و مقصد حدود ۱۳ درصد صادرات ایران بود؛ بخش مهمی از این تجارت از طریق صادرات مجدد دبی انجام می‌شد. ۳

اکنون امارات پس از تشدید تنش نظامی معاملات مالی و اقتصادی با حکومت ایران را متوقف کرده است. این تصمیم نشان می‌دهد تحریم زمانی اثر بیشتری پیدا می‌کند که محاسبه خود کشور ثالث نیز تغییر کند. اما ترکیه، عراق یا چین الزاماً همان محاسبه را ندارند. ترکیه سالانه حدود پنج تا شش میلیارد دلار با جمهوری اسلامی تجارت داشته و نزدیک ۱۳ درصد گاز وارداتی خود را از ایران گرفته است؛ تجارت رژیم ایران و عراق نیز در سال ۲۰۲۵ از ۱۰ میلیارد دلار فراتر رفت و بغداد برای بخشی از برق خود به گاز ایران وابسته است. در مقابل، هند نمونه‌ای است که فشار آمریکا

● دونالد ترامپ این بار تهدید اقتصادی علیه جمهوری اسلامی را یک گام جلوتر برده است. موضوع دیگر فقط تحریم یک بانک، شرکت، نفتکش یا مقام حکومتی نیست. او هشدار داده هر کشوری که «هر نوع راه تنفسی» برای جمهوری اسلامی فراهم کند، ممکن است خود با پیامدهای اقتصادی روبرو شود.

● تحریم شبیه بستن کامل شیر آب نیست. اقتصاد و تجارت بیشتر به جریان آب شباهت دارند؛ اگر مسیر اصلی بسته شود، آب به دنبال شکاف یا مجرای دیگری می‌گردد. تحریم می‌تواند جریان را کندتر، گرانتر و پرخطرتر کند، اما لزوماً آن را متوقف نمی‌کند. تجربه چند دهه تحریم جمهوری اسلامی نیز همین را نشان داده است: اروپا عقب رفته و آسیا جای بیشتری گرفته، بانک‌های بزرگ کنار کشیده‌اند و صرافی‌ها، شرکت‌های واسطه و روش‌های غیردلاری انتقال پول جای آنها را گرفته‌اند.

● براساس آمار مرکز آمار ایران که رویترز گزارش کرده، نرخ تورم سالانه در ژوئیه به ۶۶ درصد و تورم مواد غذایی به ۱۲۸ درصد رسیده بود. حتی در بازار بنزین نیز شکاف دیده می‌شود: تولید روزانه حدود ۱۳۰ میلیون لیتر در برابر مصرف نزدیک ۱۳۷ میلیون لیتر.

● فشار نظامی، محاصره و تحریم اقتصادی همگی ابزارند. اگر هدف تغییر رفتار جمهوری اسلامی است، باید معلوم باشد کدام رفتار و با چه معیار قابل سنجشی باید تغییر کند تا فشار پایان یابد. اگر هدف توافق است، چه توافقی؟ و اگر هدف سقوط حکومت است، چه زنجیره‌ای از فشار قرار است به آن نتیجه سیاسی منتهی شود؟ بدون نقطه پایان روشن، ابزار می‌تواند جای هدف را بگیرد.

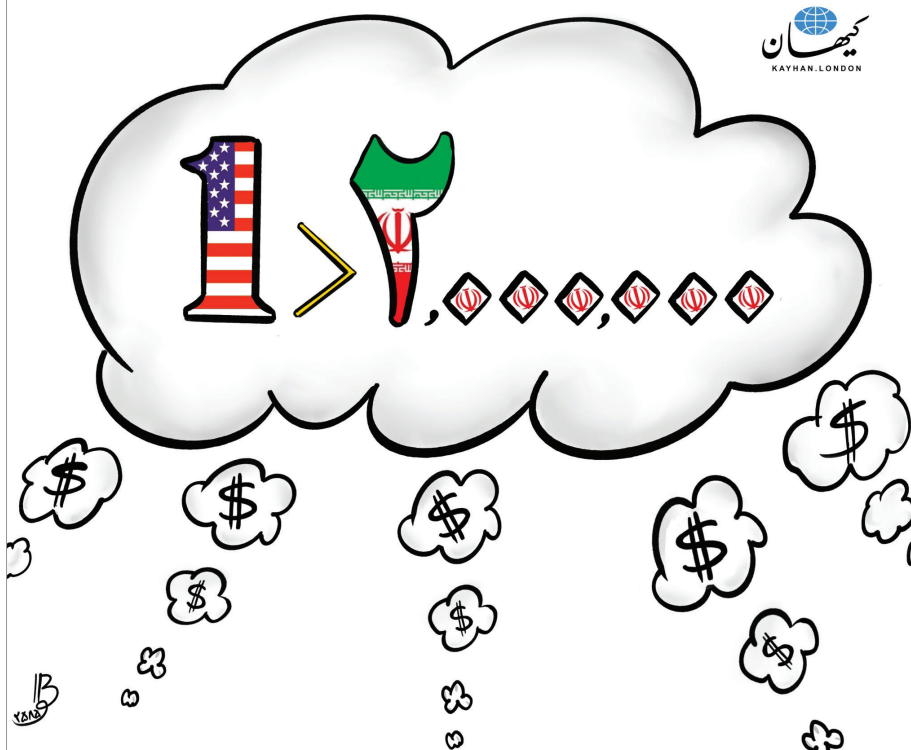
دیوید اعتباری* - دونالد ترامپ این بار تهدید اقتصادی علیه جمهوری اسلامی را یک گام جلوتر برده است. موضوع دیگر فقط تحریم یک بانک، شرکت، نفتکش یا مقام حکومتی نیست. او هشدار داده هر کشوری که «هر نوع راه تنفسی» برای جمهوری اسلامی فراهم کند، ممکن است خود با پیامدهای اقتصادی روبرو شود. ۱

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، نیز از «سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ» علیه حکومت ایران سخن گفته و هدف را تا حد «فروپاشاندن رژیم» بالا برده است. معنای عملی چنین سیاستی روشن است: شرکای جمهوری اسلامی باید حساب کنند که ادامه رابطه با رژیم تهران در برابر خطر محدود شدن دسترسی به اقتصاد، بانک‌ها و بازار آمریکا چه ارزشی دارد. اما این محاسبه برای همه یکسان نیست و واشنگتن نیز برای تحمیل آن باید هزینه سیاسی و اقتصادی بدهد. ۲

تحریم شبیه بستن کامل شیر آب نیست. اقتصاد و تجارت بیشتر به جریان آب شباهت دارند؛ اگر مسیر اصلی بسته شود، آب به دنبال شکاف یا مجرای دیگری می‌گردد. تحریم می‌تواند جریان را کندتر، گرانتر و پرخطرتر کند، اما لزوماً آن را متوقف نمی‌کند. تجربه چند دهه تحریم جمهوری اسلامی نیز همین را نشان داده است: اروپا عقب رفته و آسیا جای بیشتری گرفته، بانک‌های بزرگ کنار کشیده‌اند و صرافی‌ها، شرکت‌های واسطه و روش‌های غیردلاری انتقال پول جای آنها را گرفته‌اند. هر مجرای تازه البته هزینه دارد؛ تخفیف بیشتر می‌شود، واسطه سهم می‌گیرد و بخشی از درآمد در طول مسیر از دست می‌رود.

درست‌ترین نامعادله‌ی این روزها!

قیمت یک دلار آمریکا به بیش از دو میلیون ریال رسید. به عبارت دیگر در دوره حکومت جمهوری اسلامی، ارزش یک واحد پول آمریکا بیشتر از دو میلیون واحد پول ایران شده است.



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

و گرانتر به مردم می‌رسد، سهم جامعه‌ای است که نه در تصمیم‌های هسته‌ای و منطقه‌ای حکومت نقشی داشته، نه جنگ را انتخاب کرده و نه در وضع تحریم‌ها سهمی داشته است.

دیده شود، نه فقط در شدت درد اقتصادی. وگرنه همان الگوی آشنا تکرار می‌شود: مسیر اصلی آب بسته می‌شود، حکومت مجرای دیگری پیدا می‌کند، صاحبان دسترسی در طول مسیر سهم خود را برمی‌دارند و در انتها آنچه کمتر

* دیوید اعتباری نویسنده کتاب «فراتر از ایدئولوژی: نقشه راه فن‌سالارانه به‌سوی ایرانی آزاد»، از بنیانگذاران سازمان Stop Child Executions و از نظریه‌پردازان گذار ساختارمند، دموکراتیک و فن‌سالار در ایران است.

منابع

رویتز، ۲۰ اوت ۲۰۲۶، «ترامپ کشورهایی را که به جمهوری اسلامی کمک اقتصادی کنند به پیامدهای اقتصادی تهدید کرد»

رویتز، ۲۰ اوت ۲۰۲۶، گزارش اظهارات اسکات بسنت درباره تحریم‌های تازه حکومت ایران، چین و هدف اعلام‌شده دولت آمریکا

رویتز، ۲۰ اوت ۲۰۲۶، «ترامپ، جمهوری اسلامی را به انزوا تهدید می‌کند؛ شرکای تجاری رژیم ایران چه کشورهایی هستند؟»

رویتز، ۱۹ اوت ۲۰۲۶، گزارش درباره توقف معاملات مالی و اقتصادی امارات با حکومت ایران و نقش دبی در تجارت دو کشور

رویتز، ۲۰۱۸، گزارش درباره شرکت‌های بین‌المللی در

معرض تحریم‌های آمریکا پس از خروج واشنگتن از برجام رویتز، ۱۳ اوت ۲۰۲۶، گزارش درباره توان اعلام‌شده آمریکا برای ادامه محاصره دریایی جمهوری اسلامی و فشار بر عرضه نفت

رویتز، ۱۷ اوت ۲۰۲۶، گزارش درباره تورم، فشار معیشتی، وضعیت بنزین و نگرانی از تشدید فشار اقتصادی در ایران

رویتز، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۶، گزارش اظهارات عبدالناصر همتی درباره افزایش دسترسی به منابع ارزی و اختصاص دو میلیارد دلار مرتضی قومی، «چه کسی از تحریم می‌ترسد؟ آثار کلان اقتصادی و توزیعی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران»،

Economics & Politics, ۲۰۲۲

محمدرضا فرزنانگان و نادر حبیبی، «اثر تحریم‌های بین‌المللی بر اندازه طبقه متوسط ایران»، European Journal of Political Economy, ۲۰۲۵

رویتز، ۲۰ ژوئن ۲۰۲۶، گزارش درباره گسترش شبکه اقتصادی سپاه پاسداران در سال‌های تحریم

لیان استیکلند و نله وارینیر، پژوهش درباره آثار تحریم بر منافع اقتصادی نخبان سیاست‌گذار ایران، The Economic Journal, ۲۰۲۳

→ و واشنگتن در ژوئن گفته بود کاهش محدودیت صادرات نفت و بهبود دسترسی به دارایی‌های خارجی امکان اختصاص اولیه دو میلیارد دلار برای صنایع و واردات کالاهای ضروری را فراهم کرده است. همین گونه نشان می‌دهد باز یا بسته شدن این مجراها تا چه اندازه می‌تواند مستقیماً بر زندگی روزمره اثر بگذارد. ۸

بخش‌هایی از هسته سخت قدرت در موقعیت متفاوتی قرار دارند. گزارش رویتز در ژوئن امسال تأکید کرد که سپاه پاسداران طی سال‌های تحریم، شبکه اقتصادی بزرگی ساخته و مهارت و ابزار فعالیت در چنین محیطی را بدست آورده است. ۱۱

این به آن معنا نیست که تحریم برای نهادهای حکومتی بی‌هزینه بوده؛ پژوهش‌های دانشگاهی نشان داده‌اند منافع اقتصادی نخبان سیاسی نیز آسیب می‌بیند. تفاوت در توان سازگاری و انتقال هزینه است. وقتی تجارت رسمی عقب می‌نشیند و اقتصاد به مجوز، شبکه، دسترسی و واسطه وابسته‌تر می‌شود، کسانی که همین ابزارها را در اختیار دارند می‌توانند سهم بیشتری از اقتصاد محدودشده را کنترل کنند. در نتیجه، سیاستی که برای تضعیف ساختار قدرت طراحی شده ممکن است هم‌زمان جامعه را ضعیف‌تر و وزن نسبی بعضی از سخت‌ترین بخشهای همان ساختار را بیشتر کند. ۱۲

در نهایت، مسئله به هدف سیاسی برمی‌گردد. اگر هدف آوردن جمهوری اسلامی به میز مذاکره باشد، فشار اقتصادی می‌تواند اهرم ایجاد کند؛ تجربه منتهی به برجام، نشان داد فشار همراه با یک راه خروج سیاسی می‌تواند رژیم تهران را به پذیرش محدودیت‌های مشخص و قابل اندازه‌گیری وادار کند. اما مذاکره با تغییر پایدار رفتار یکی نیست. جمهوری اسلامی در برابر فشار بارها روشهای خود را عوض کرده: مجرای فروش نفت، شریک تجاری، شیوه انتقال پول و شبکه‌های واسطه. اگر هدف این بار تغییر رفتار بنیادین است، باید روشن باشد چرا انتظار می‌رود نتیجه متفاوت باشد. و اگر هدف، چنان‌که بسنت گفته، فروپاشی حکومت است، باید پرسید چه شواهدی وجود دارد که فشار اقتصادی بیشتر الزاما به فروپاشی سیاسی منجر می‌شود. ۲

جنگ ماه‌های اخیر همین پرسش را در سطحی بزرگتر مطرح کرده است. جنگی که با حملات آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه آغاز شد، نزدیک به شش ماه ادامه یافته و دو تلاش برای آتش‌بس نیز دوام نیاورده است. پیش از جنگ حدود یک‌پنجم نفت تجارت‌شده جهان از تنگه هرمز عبور می‌کرد و اختلال در این آبراه هزینه بحران را به بازار جهانی انرژی، کشتیرانی و کشورهای همسایه منتقل کرده است. ۱. فشار نظامی، محاصره و تحریم اقتصادی همگی ابزارند. اگر هدف تغییر رفتار جمهوری اسلامی است، باید معلوم باشد کدام رفتار و با چه معیار قابل سنجشی باید تغییر کند تا فشار پایان یابد. اگر هدف توافق است، چه توافقی؟ و اگر هدف سقوط حکومت است، چه زنجیره‌ای از فشار قرار است به آن نتیجه سیاسی منتهی شود؟ بدون نقطه پایان روشن، ابزار می‌تواند جای هدف را بگیرد.

آزمون واقعی تحریم جدید جمهوری اسلامی تعداد بشکه‌های حذف‌شده از بازار یا میزان سقوط ریال نیست. اینها شدت فشار را نشان می‌دهند، نه موفقیت سیاست را. مسئله اصلی این است که آیا ترامپ قصد و توان سیاسی دارد این فشار را تا رسیدن به هدفی روشن ادامه دهد و حتی اگر چنین کند، آیا جمهوری اسلامی رفتار بنیادین خود را تغییر خواهد داد یا بار دیگر مجرای تازه‌ای برای سازگاری پیدا می‌کند.

اگر این بار تفاوتی وجود دارد، باید در نتیجه سیاسی آن

تهدید به حملات نظامی از سوی جمهوری اسلامی در مقابل فشارهای اقتصادی آمریکا



نمایش ماکت یک موشک صورتی در میدان «امام حسین» (فوزیه) تهران

عملیات اقتصادی که تا کنون علیه هیچ کشوری انجام نشده» واقعا متفاوت خواهد بود؟!

وال استریت ژورنال اضافه کرده است، جهان اکنون باید آن را ببیند تا باور کند. هیچ رئیس جمهوری تاکنون نردبان تحریم‌های جمهوری اسلامی را با چین طی نکرده است؛ از پالایشگاه‌های کوچک و مستقل «قوری» که نفت ایران را می‌خرند، تا شرکت‌های دولتی چین که از آنها حمایت می‌کنند. همچنین هیچ رئیس جمهوری به دبی اولتیماتوم نداده که شبکه مالی غیرقانونی جمهوری اسلامی را تعطیل کند و در مقابل آن واقعا جدی بوده باشد.

ترامپ روز چهارشنبه اعلام کرده بود: «هر کشوری که به موسسات مالی، کسب و کارها، فرودگاه‌ها یا نهادهای دولتی خود اجازه دهد هرگونه خط حیاتی به جمهوری اسلامی ارائه دهند، خود با پیامدهای اقتصادی عظیم روبرو خواهد شد.» او افزود: «قاچاق نفت، خطوط سوآپ، انتقالات نقدی، صرافی‌ها، ثبت کشتی‌ها و شرکت‌های پوششی، همه باید همین حالا متوقف شوند. شما می‌دانید چه کسانی هستید.» آنها می‌دانند، و شاید به همین دلیل امارات متحده عربی پیش از ترامپ روز سه‌شنبه اعلام کرد: «تأم تجارت، مبادلات تجاری و تراکنش‌های مالی با جمهوری اسلامی تا اطلاع ثانوی متوقف شده است.»

در این میان جمهوری اسلامی اعتراف کرده است که محاصره دریایی توسط آمریکا صادرات نفت‌اش را در هم کوبیده اما تجارت دبی- تهران هرگز از خلیج فارس خارج نمی‌شود و در معرض فشارهای نیروی دریایی آمریکا نیست. سؤال این است که آیا اینها فقط تیر خبری است یا سیاست واقعی و عملی؟

تنها یک سیاست واقعی که اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا قول داده روز دوشنبه جزئیات آن را منتشر خواهد کرد، می‌تواند رژیم تهران را بطور اساسی به لرزه درآورد اما این سیاست به عزم و ثبات بیشتری از آنچه دونالد ترامپ در شش ماه گذشته نشان داده، نیاز دارد.

پرتاب موشک به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس که عمدتا رهگیری شده و ناکار ماندند؛ چه برسد به حالا که توان نظامی جمهوری اسلامی اعم از دریایی و هوایی تقریبا از بین رفته و با محاصره همه‌جانبه اختیار آسمان و دریای کشور را ندارد. در کنار این رجزخوانی‌ها، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و مذاکره‌کننده‌ی اصلی حکومت، با اذعان به فشارهای اقتصادی گفته است: «اگر مردم گرسنه باشند و گردش مالی، رشد اقتصادی و تولید ملی نداشته باشیم، زنده نخواهیم ماند.»

دور جدید جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی که از شش ماه پیش آغاز شده، همسایه‌های ایران در خلیج فارس را نیز درگیر و تنگه هرمز را به نقطه جوش این رویارویی تبدیل کرده است. حملات کوبنده‌ی آمریکا اقتصاد و نیروهای نظامی جمهوری اسلامی را به شدت تضعیف کرده اما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنان از طریق موشک و پهپاد به مختل کردن تردد نفتکش‌ها در تنگه‌ی هرمز و تداوم ناامنی منطقه‌ای می‌پردازد.

ژنرال الکسیوس گرینکوچ فرمانده عالی ناتو و نیروی هوایی آمریکا، چهارشنبه گذشته یک ویدئوکنفرانس در سطح رؤسای دفاعی کشورهای متحد ایالات متحده برگزار کرد تا راه‌های حمایت از آزادی ناوربری در تنگه هرمز را بررسی کند. سخنگوی وی گفته است: این تلاش جزو مأموریت ناتو نیست اما باتوجه به قابلیت‌های ائتلاف، منطقی است در تسهیل مسیر همراهی کند.

از سوی دیگر، در کنار اعلام فشار حداکثری ایالات متحده آمریکا و تهدیدات نظامی جمهوری اسلامی، آنچه بیشتر از همه مورد توجه تحلیلگران قرار دارد، تردید در اجرای اقداماتی است که از سوی دونالد ترامپ پیشتر به عنوان تهدید اعلام و بعد از انجام آنها منصرف شده است.

در همین ارتباط، وال استریت ژورنال با پرسشی به تازه‌ترین اظهارات دونالد ترامپ که در شبکه «تروث سوشال» منتشر شده پرداخته است: آیا این تهدید مبنی بر «شدیدترین

● به گزارش خبرگزاری رویترز و بر اساس آنچه در رسانه‌های داخلی ایران منتشر شده، رژیم ایران بلافاصله پس اظهارات مقامات آمریکا در خصوص فشارهای اقتصادی، واکنش نشان داد. علی عبدالهی رئیس ستاد نیروهای مسلح هشدار داده که پاسخ آنها به تهدیدهای جدید آمریکا «ویرانگر، کوبنده و تنبیهی» خواهد بود.

● در کنار این رجزخوانی‌ها، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و مذاکره‌کننده‌ی اصلی حکومت، با اذعان به فشارهای اقتصادی گفته است: «اگر مردم گرسنه باشند و گردش مالی، رشد اقتصادی و تولید ملی نداشته باشیم، زنده نخواهیم ماند.»

● وال استریت ژورنال: آیا این تهدید مبنی بر «شدیدترین عملیات اقتصادی که تا کنون علیه هیچ کشوری انجام نشده» واقعا متفاوت خواهد بود؟! جهان اکنون باید آن را ببیند تا باور کند.

در حالی که بر اساس گزارش‌ها و سخنان مقامات ارشد آمریکا، اعمال شدیدترین تحریم‌های اقتصادی علیه رژیم ایران با جدیت پیگیری می‌شود، مقامات جمهوری اسلامی ایالات متحده را به حمله نظامی تهدید می‌کنند.

با اعلام شدیدترین تحریم‌های اقتصادی از سوی ایالات متحده‌ی آمریکا، با هدف «تسلیم» یا «فروپاشی» جمهوری اسلامی، زمامداران رژیم ایران تهدید به حملات نظامی کرده‌اند. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در اینبار گفته است که پاسخ به اقدامات تازه‌ی آمریکا گسترده خواهد بود.

ایالات متحده‌ی آمریکا اعلام کرده است که سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی تاریخ را علیه جمهوری اسلامی اعمال خواهد کرد. قرار است وزیر خزانه‌داری آمریکا جزئیات این تحریم‌ها را روز دوشنبه ۲۴ اوت اعلام کند. به گفته‌ی اسکات بسنت، هدف این اقدام، فروپاشی حکومت جمهوری اسلامی است. این سخنان پس از هشدار دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا، درباره‌ی پیامدهای اقتصادی برای هر کشوری که «هر نوع خط حیاتی» به حاکمان ایران ارائه دهد، بیان شده است. اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا تحریم‌های جدید در کنار محاصره‌ی دریایی را اقدامی کارساز عنوان کرده و افزوده است: زمان آن رسیده است که متحدان و سایر کشورهای جهان تصمیم بگیرند. بسنت در گفتگو با شبکه سی‌ان‌بی‌سی تأکید کرد: هدف این دور از فشارها «فروپاشی رژیم ایران است.»

به گزارش خبرگزاری رویترز و بر اساس آنچه در رسانه‌های داخلی ایران منتشر شده، رژیم ایران بلافاصله پس اظهارات مقامات آمریکا در خصوص فشارهای اقتصادی، واکنش نشان داد. علی عبدالهی رئیس ستاد نیروهای مسلح هشدار داده که پاسخ آنها به تهدیدهای جدید آمریکا «ویرانگر، کوبنده و تنبیهی» خواهد بود. او تأکید کرده است، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در زمین، دریا، هوا، پدافند هوایی و فضای سایبری آماده هستند و با پاسخ‌های قاطع به دشمن واکنش نشان خواهند داد.

تهدیدهای تکراری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح رژیم ایران در حالی بیان می‌شود که در صحنه‌ی عمل در جریان درگیری‌های یک سال گذشته چیزی برای ارائه نداشت بجز

ادعای تبلیغاتی جمهوری اسلامی: فشارهای آمریکا، «حاکمیت فراسرزمینی» است!



نقاشی دیواری ضدآمریکایی و ضداسرائیلی در تهران

با این حال، رژیم توانسته با منتقل کردن تحمل درد اقتصادی بر دوش مردم، از آن به نفع خود استفاده نماید. تحریم‌های اقتصادی لزوماً به سرنگونی دیکتاتورهای منجر نمی‌شود اما، عمده تفاوت این دور از تحریم‌های آمریکا با ادوار گذشته، همزمانی محاصره‌ی سخت دریایی و فشار بر متحدان برای اجرای این تحریم‌ها است. تلاش جمهوری اسلامی اکنون این است که می‌خواهد از دچار شدن خود به سرنوشت کشورهایمانند کوبا یا کره شمالی که تحریم‌ها برای همیشه باقی می‌مانند، جلوگیری کند.

جمهوری اسلامی در تبلیغات روزانه‌ی خود در راستای عادی‌نمایی شرایط اقتصادی، نشان می‌دهد فروشگاه‌ها از کالاها پر هستند در حالی که قدرت خرید مردم و توان دسترسی آنان به پول را ملاک قرار نمی‌دهد.

برخی کارشناسان در حالی به مؤثر بودن فشارهای اقتصادی تازه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا علیه جمهوری به دیده‌ی تردید نگاه می‌کنند که به راحتی از کنار این مسئله که مردم ایران حتی بدون اعمال هیچگونه تحریم بین‌المللی، مورد تحریم خود جمهوری اسلامی هستند، می‌گذرند.

هلیما کرافت مدیرعامل و رئیس جهانی «استراتژی کالا در آرپی‌سی کاپیتال» گفته است: «ایران از قبل یکی از تحریم‌شده‌ترین کشورهای جهان است و مشخص نیست آمریکا علیه چین و روسیه به عنوان شرکای جمهوری اسلامی اقدام نماید؛ رژیم تهران هنوز با اصرار معتقد است می‌تواند آمریکا را از پای درآورد!»

با اینهمه، معمولاً تحلیلگران در مواجهه با تحریم‌های اقتصادی علیه زمامداران اسلامیت در تهران، این موضوع مهم را لحاظ نمی‌کنند که حتی اگر تمام تحریم‌ها لغو شوند، فشارهای اقتصادی و سرکوب‌ها علیه مردم، توسط جمهوری اسلامی حتی بیشتر هم می‌شوند و درآمدها از منابع سرزمینی ایران مانند همیشه صرف اهداف ایدئولوژیک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد شد.

عضو سازمان ملل» محسوب می‌شود. محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز از کشورهای اسلامی خواسته برنامه‌ای برای غلبه بر تحریم‌های «ظالمانه» تدوین کنند!

مسعود پزشکیان رئیس دولت اسلامی هم با ادعای پیروزی در جنگ با آمریکا، با اشاره به «یادداشت تفاهم» هفدهم ژوئن گفته است: «بهتر است جنگ امروز که جمهوری اسلامی در موقعیت قدرت و عزت است، پایان یابد!» اما خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بدون نام بردن از مسعود پزشکیان با اشاره به صحبت‌های او، مواضع وی را به «اعلام عجز راهبردی» تشبیه کرده است.

روزنامه تلگراف روز شنبه ۲۲ اوت، استدلال کرده است که «نرماندی اقتصادی» دونالد ترامپ بعید است ملاهای ایران را به سمت تسلیم خواست‌های او بکشاند. ترامپ گفته است: «این دیوانه‌ها روی یک بند راه می‌روند و این اقدامات تاریخی آنها را فلج می‌کند». اما بعضی تحلیلگران معتقدند او تحمل درد جمهوری اسلامی را به دلیل اینکه این رژیم بنا بر سابقه، دشواری‌ها را مستقیم به مردم منتقل می‌کند، نادیده گرفته است. الکس واتانکا پژوهشگر ارشد موسسه خاورمیانه می‌گوید: «جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی در وضعیت بسیار بدی قرار دارد و خود نیز می‌داند؛ اما دونالد ترامپ در طول درگیری شش‌ماهه آستانه‌ی درد جمهوری اسلامی و نحوه‌ی برخورد با آن را کمتر از واقع برآورد کرده است.»

اینهمه در حالیست که اقتصاد ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی زیر فشار شدید قرار دارد: قیمت نان باز هم دو برابر شده، حدود یک میلیون شغل از بین رفته، صادرات نفت به شدت کاهش یافته، تورم سالانه تا ژوئیه به ۸۷.۹ درصد رسیده (از شصت درصد ژانویه) و ارزش ریال نسبت به دلار حدود پنجاه درصد افت کرده است.

پیش از اعلام رسمی تحریم‌های آمریکا در روز دوشنبه ۲۴ اوت، جمهوری اسلامی به شدت واکنش نشان داده است. اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه رژیم تهران گفته است: «بسیار فراتر از ادامه‌ی جنگ اقتصادی غیرقانونی علیه یک کشور» است و «اعمال حاکمیت فراسرزمینی بر تمام کشورهای مستقل عضو سازمان ملل» محسوب می‌شود. محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز از کشورهای اسلامی خواسته برنامه‌ای برای غلبه بر تحریم‌های «ظالمانه» تدوین کنند!

رژیم ایران توانسته با منتقل کردن تحمل درد اقتصادی بر دوش مردم، از آن به نفع خود استفاده نماید. تحریم‌های اقتصادی لزوماً به سرنگونی دیکتاتورهای منجر نمی‌شود اما، عمده تفاوت این دور از تحریم‌های آمریکا با ادوار گذشته، همزمانی محاصره‌ی سخت دریایی و فشار بر متحدان برای اجرای این تحریم‌ها است.

برخی کارشناسان در حالی به مؤثر بودن فشارهای اقتصادی تازه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا علیه جمهوری به دیده‌ی تردید نگاه می‌کنند که به راحتی از کنار این مسئله که مردم ایران حتی بدون اعمال هیچگونه تحریم بین‌المللی، مورد تحریم خود جمهوری اسلامی هستند، می‌گذرند.

جمهوری اسلامی در حالی تحریم‌های شدید اقتصادی آمریکا را با هیاهوی تبلیغاتی «حاکمیت فراسرزمینی» می‌خواند که همزمان خواستار پایان جنگ از موضع قدرت نیز شده است.

در بحبوحه‌ی توقف نسبی حملات نظامی مستقیم، جنگ لفظی و اقتصادی میان ایالات متحده‌ی آمریکا و جمهوری اسلامی ادامه دارد. در حالی که آمریکا در آستانه‌ی اعلام «نرماندی اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی قرار دارد، زمامداران رژیم این اقدامات را تجاوز به حاکمیت کشورها می‌دانند و تحلیلگران تردید دارند که فشار اقتصادی رژیم ایران را به تسلیم وادارد.

بر اساس گزارش خبرگزاری‌های بین‌المللی از جمله گزارش سی‌ان‌بی‌سی، ایالات متحده قصد دارد روز دوشنبه جزئیات «سخت‌ترین و هماهنگ‌ترین انزوای اقتصادی تاریخ» علیه بقایای جمهوری اسلامی را اعلام کند. اسکات بست وزیر خزانه‌داری آمریکا به سی‌ان‌بی‌سی گفته، این اقدامات نیاز به عملیات نظامی بیشتر را از بین می‌برد و به متحدان خواهد گفت: «یا با ما هستید یا علیه ما».

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا نیز این برنامه را «کوبنده‌ترین عملیات اقتصادی تاریخ علیه هر کشوری» و «جنگ اقتصادی و انزوا در مقیاس بی‌سابقه» توصیف کرده و تهدید کرده هر کشوری که به جمهوری اسلامی ایران در دور زدن تحریم‌ها کمک کند با مجازات‌های شدید مالی روبرو خواهد شد. جی. دی. ونس معاون اول ترامپ فشار اقتصادی را «موثرترین ابزار» آمریکا علیه جمهوری اسلامی خوانده است.

حالا پیش از اعلام رسمی تحریم‌های آمریکا، جمهوری اسلامی به شدت واکنش نشان داده است. اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه رژیم تهران گفته است: «بسیار فراتر از ادامه‌ی جنگ اقتصادی غیرقانونی علیه یک کشور» است و «اعمال حاکمیت فراسرزمینی بر تمام کشورهای مستقل

رنسانس یک فرهنگ برای جهان؛ ما ملت کبیریم، ایران را پس می‌گیریم



می‌تواند فرهنگ دیگری را تحمل کند، وارد مرحله دیگری از تمدن شده است. این می‌تواند یکی از اصول ایران آینده نیز باشد: ایران بزرگ، ایرانی نیست که جهان را مجبور به ایرانی شدن کند؛ ایرانی است که بتواند جهان را به گفتگو با فرهنگ ایرانی دعوت کند.

از فردوسی تا امروز؛ مقاومت بدون نفرت

شاید بزرگترین نمونه این ویژگی را در فردوسی ببینیم. فردوسی با شمشیر به جنگ نفرت. با ارتش نیز به میدان نفرت. او کاری کرد که در تاریخ تمدن، گاهی از هزاران سپاه قدرتمندتر است:

زبان را حفظ کرد. شاهنامه فقط مجموعه‌ای از داستان‌های پهلوانی نیست؛ شاهنامه حافظه تاریخی و اسطوره‌ای یک تمدن است.

فردوسی می‌توانست زبان و فرهنگ دیگری را دشمن مطلق خود بداند؛ اما آنچه آفرید، بسیار بزرگتر بود؛ او جهان ایرانی را دوباره در قالب زبان فارسی بازآفرینی کرد.

از همین‌جا باید مفهوم «پس گرفتن ایران» را فهمید.

پس گرفتن ایران یعنی: پس گرفتن زبان از فراموشی؛ پس گرفتن تاریخ از تحریف؛ پس گرفتن اندیشه از جمود؛ پس گرفتن زیبایی از ابتدال؛ و پس گرفتن انسان ایرانی از تحقیر.

مغول آمد؛ اما فرهنگ ایران ماند

یکی از شگفت‌انگیزترین فصل‌های تاریخ ایران، برخورد ایران و مغول است. مغولان در قرن سیزدهم میلادی ویرانی عظیمی در ایران و بخش‌های وسیعی از آسیا ایجاد کردند. اما نتیجه نهایی در ایران تنها نابودی نبود.

حکومت ایلخانی به تدریج با نهادهای ایرانی، زبان و دانش ایرانی و سنت‌های اسلامی - ایرانی درآمیخت. خواجه نصیرالدین طوسی، رشیدالدین فضل‌الله و بسیاری از دیوانیان، دانشمندان و هنرمندان ایرانی در این دوره نقش مهمی داشتند.

این به کدام چم است؟

اسکندر آمد، اما چند قرن بعد جهان ایرانی - هلنی پدید آمد. اعراب مسلمان وارد ایران شدند و ساختار سیاسی ساسانی فروپاشید؛ اما زبان فارسی از میان نرفت. چند قرن بعد، فارسی نو نه تنها دوباره به زبان ادبی و فرهنگی منطقه تبدیل شد، بلکه زبان دربارها و اندیشه در بخش بزرگی از جهان اسلامی شد.

مغولان آمدند و یکی از سهمگین‌ترین ویرانی‌های تاریخ ایران را رقم زدند؛ اما چند نسل بعد، دستگاه سیاسی مغول در ایران تا اندازه زیادی در فرهنگ ایرانی و اسلامی جذب شد و دانشمندان، مورخان، هنرمندان و دیوان‌سالاران ایرانی در ساختن تمدن ایلخانی نقش اساسی داشتند.

این یک واقعیت بسیار مهم است: قدرت فرهنگ همیشه با قدرت شمشیر اندازه‌گیری نمی‌شود. گاهی شمشیر یک شهر را فتح می‌کند؛ اما فرهنگ، قرن‌ها بعد، فاتح فاتحان می‌شود.

کوروش؛ غونه‌ای از «فتح بدون نابودی»

در اینجا باید به یکی از نخستین نمادهای این سنت بازگردیم: کوروش. استوانه کوروش، که پس از فتح بابل در سال ۵۳۹ پیش از میلاد تهیه شد، در زبان و قالب سنت بابلی نوشته شده است و از بازگرداندن برخی پرستشگاه‌ها، بازگرداندن مردمان و پیکره‌های مذهبی جابه‌جا شده و برقراری نظم در بابل سخن می‌گوید.

موزه بریتانیا تأکید می‌کند که نباید آن را به معنای امروزی «منشور حقوق بشر» دانست؛ اما همین سند شواهد مهمی از سیاست مشروعیت بخشی و بازسازی فرهنگی در حکومت کوروش ارائه می‌دهد.

اهمیت اینجا دقیقاً در همین ظرافت است. بزرگی کوروش را نباید با افسانه‌سازی تاریخی ثابت کرد. اتفاقاً حقیقت تاریخی از افسانه زیباتر است؛ او می‌توانست پس از فتح بابل، فرهنگ بابل را نابود کند؛ اما چنین نکرد. قدرتی که برای اثبات خودش مجبور است دیگری را نابود کند، هنوز از ضعف خود می‌ترسد.

اما قدرتی که به اندازه کافی از خویش مطمئن است که

● تاریخ ایران سرشار از یورش و ویرانی است، اما فرهنگ ایرانی بارها توانسته مهاجمان را در خود هضم کند و از دل شکست‌های نظامی، حیات دوباره فرهنگی بیافریند؛ از اسکندر و اعراب تا مغولان، زبان فارسی، دانش، هنر و نهادهای ایرانی باقی ماندند و حتی بر ساختارهای سیاسی و فرهنگی فاتحان اثر گذاشتند.

● از سیاست کوروش در بابل تا پاسداری فردوسی از زبان فارسی، یکی از وجوه برجسته میراث ایرانی، حفظ هویت و بازسازی فرهنگی بدون نفی کامل دیگری است. در این نگاه، «پس گرفتن ایران» نه به معنای تحقیر فرهنگ‌های دیگر، بلکه بازپس‌گیری زبان، تاریخ، اندیشه و هویت ایرانی از فراموشی و تحریف است.

● اگر تحول آینده ایران تنها به تغییر حکومت محدود شود، فرصت یک دگرگونی عمیق‌تر از دست خواهد رفت؛ ایران به رنسانسی فکری، آموزشی، اخلاقی، علمی، هنری، اقتصادی و انسانی نیاز دارد؛ جامعه‌ای که در آن مدرسه انسان تربیت کند، دانشگاه اندیشه بسازد، رسانه فرهنگ گفتگو را گسترش دهد و شهروند در کنار حقوق خود، مسئولیت اجتماعی‌اش را نیز بشناسد.

● بلوغ تمدنی ایران در این است که تاریخ حمله‌ها و ویرانی‌ها را نه فراموش کند و نه به نفرت قومی تبدیل سازد. شناخت گذشته و تفکیک میان مهاجمان تاریخی و ملت‌های امروز می‌تواند زمینه‌ساز روابط تازه با همسایگان و دیگر ملت‌ها باشد؛ روابطی که در آن ادبیات، تاریخ و فرهنگ به جای انتقام، پلی برای گفتگو و تفاهم شوند.

سیروس کنگرلو* - گاهی یک جمله بیش از آنکه یک شعار باشد، نشانه‌ای از تغییر عمیق در ناخودآگاه یک ملت است. این جمله که بر دیواری نوشته شده، شاید در نگاه نخست فقط یک اعتراض سیاسی باشد؛ اما اگر اندکی عمیق‌تر به آن نگاه کنیم، می‌تواند حامل معنایی بسیار بزرگ‌تر باشد:

اعلام بازگشت یک ملت به خویشتن.

«پس گرفتن ایران» تنها پس گرفتن یک سرزمین نیست؛ ایران پیش از آنکه خاک باشد، یک حافظه، یک زبان، یک جهان‌بینی، یک اخلاق و یک شیوه زیستن است.

و «ملت کبیر بودن» نیز به معنای برتری‌جویی نسبت به دیگر ملت‌ها نیست. بزرگی حقیقی یک ملت آنجاست که بتواند از تاریخ خود چیزی بسازد که برای دیگران نیز ارزشمند باشد؛

یعنی از رنج، خرد؛ از شکست، تجربه؛ از خشونت، اخلاق؛ و از ویرانی، آفرینش بیافریند.

این شاید همان چیزی باشد که امروز در اعماق جامعه ایران در حال شکل‌گیری است: یک رنسانس درونی.

ایران؛ فرهنگی که با شمشیر از میان نرفت

تاریخ ایران، تاریخ بی‌تجاهمی یا شکست‌ناپذیری نیست. برعکس، ایران بارها مورد حمله قرار گرفته است؛ از یورش‌های باستانی گرفته تا حمله اعراب، مغولان و سپس تهاجمات اقوام و قدرت‌های گوناگون. اما یک ویژگی شگفت‌انگیز در تاریخ ایران وجود دارد: ایران بسیاری از مهاجمان خود را در نهایت در فرهنگ خود هضم کرد، بی‌آنکه الزاماً خود در آنان حل شود.

این شاید یکی از بزرگترین درس‌های تاریخ ایران باشد.

در چنین جهانی، ایران می‌تواند یک پیشنهاد متفاوت داشته باشد:

نه «من درست هستم و تو غلطی»، بلکه: «بیایید بفهمیم چگونه می‌توانیم متفاوت باشیم و همچنان انسان بمانیم.» این همان جایی است که فرهنگ ایرانی می‌تواند از یک میراث ملی به یک پیشنهاد جهانی تبدیل شود.

کوروش می‌تواند نماد سیاست تحمل و بازسازی باشد؛ البته بدون آنکه اسناد تاریخی را با مفاهیم امروزی خلط کنیم. فردوسی می‌تواند نماد حفظ هویت از راه زبان باشد.

سعدی می‌تواند نماد انسان‌دوستی باشد.

حافظ می‌تواند نماد آزادی روح و نقد ریا باشد.

مولانا می‌تواند نماد عبور از مرزهای هویتی و جست‌وجوی امر انسانی باشد.

باغ ایرانی می‌تواند نماد هماهنگی انسان و طبیعت باشد. و ایران امروز می‌تواند همه این عناصر را در یک پروژه تازه به جهان عرضه کند: فرهنگ انسان‌سازی.

«ایران را پس می‌گیریم» به کدام چمّ است؟

پس‌گرفتن ایران یعنی بازگرداندن ایران به گذشته نیست. ایران قرار نیست دوباره در قرن پنجم یا دهم یا بیستم زندگی کند. ایران باید از گذشته خود خردورزی بیاموزد، نیرو بگیرد تا آینده‌ای بسازد که هنوز در تاریخ وجود نداشته است. این تفاوت میان «باستان‌گرایی» و «رنسانس» است.

باستان‌گرایی می‌گوید: «چه بودیم؟»

رنسانس می‌پرسد: «با آنچه بودیم، چه می‌توانیم بشویم؟» و شاید معنای واقعی آن دیوارنویس همین باشد:

ما ملت کبیریم؛ ایران رو پس می‌گیریم.

بدین چمّ:

ما زبان‌مان را پس می‌گیریم؛ اما زبان دیگری را تحقیر نمی‌کنیم. تاریخمان را پس می‌گیریم؛ اما تاریخ دیگران را انکار نمی‌کنیم. هویت‌مان را پس می‌گیریم؛ اما انسانیت را قربانی هویت نمی‌کنیم.

دانش‌مان را پس می‌گیریم؛ اما از دانش جهان نمی‌گریزیم. آزادی‌مان را پس می‌گیریم؛ اما آزادی را فقط برای خودمان نمی‌خواهیم.

و سرانجام ایران را پس می‌گیریم؛ نه برای اینکه جهان را شکست دهیم، بلکه برای اینکه دوباره چیزی به جهان ببفzاییم. زیرا شاید بزرگترین پاسخ یک تمدن به قرن‌ها تجاوز و تحقیر، این نباشد که روزی خود به مهاجم تبدیل شویم.

بزرگترین پاسخ این است که بگویم:

«ما هنوز اینجا هستیم؛ اما دیگر با شمشیر با جهان سخن نمی‌گوییم.

با فرهنگ سخن می‌گوییم.

با دانش سخن می‌گوییم.

با زیبایی سخن می‌گوییم.

با انسانیت سخن می‌گوییم.»

و آن روز، «ملت کبیر» دیگر یک شعار روی دیوار نخواهد بود. تبدیل خواهد شد به یک مسئولیت تاریخی. مسئولیتی برای ساختن ایرانی که نه فقط برای ایرانیان، بلکه برای جهان، دوباره یک «فرهنگ راهنما» باشد. ایران اگر دوباره برخیزد، شاید بزرگترین دستاوردش این نباشد که ثابت کند چه کسی در گذشته بر چه کسی پیروز شده است؛ بلکه این باشد که نشان دهد:

یک ملت چگونه می‌تواند از دل هزاران سال رنج، به جای نفرت، خرد بیافریند. و این، شاید معنای واقعی «ما ملت کبیریم» باشد.

* سیروس کنگرلو، پژوهشگر فلسفه و جامعه‌شناسی.

طولانی» نیست. ایران یک ماشین تولید معنا بوده است.

آب را به باغ تبدیل کرده؛

سنگ را به معماری؛

کلمه را به شعر؛

رنج را به عرفان؛

حماسه را به شاهنامه؛

عشق را به حافظ؛

انسانیت را به سعدی.

و شاید همین توانایی است که باید در رنسانس آینده ایران دوباره فعال شود.

رنسانس ایران

اگر فقط سیاسی باشد، کافی نیست، اگر جنبش امروز ایران صرفاً به تغییر حکومت محدود شود، شاید بزرگترین فرصت تاریخی خود را از دست بدهد.

آنچه ایران نیاز دارد، فقط رنسانس سیاسی نیست. بلکه: رنسانس فکری،

رنسانس آموزشی،

رنسانس اخلاقی،

رنسانس علمی،

رنسانس هنری،

رنسانس اقتصادی،

و سرانجام رنسانس انسانی است.

ایران آینده باید مدرسه‌ای بسازد که کودک در آن فقط ریاضی و علوم بیاموزد؛ بلکه بیاموزد چگونه انسان باشد.

دانشگاه باید فقط مدرک تولید نکند؛ اندیشه تولید کند. رسانه نباید فقط خبر بدهد؛ فرهنگ گفتگو بسازد.

سیاستمدار نباید فقط قدرت بخواهد؛ مسئولیت تاریخی را بفهمد.

و شهروند نباید تنها از حقوق خود سخن بگوید؛ مسئولیت خود در برابر جامعه را نیز بشناسد.

این همان «فرهنگ‌آموزی ریشه‌ای» است که ایران می‌تواند به جهان ارائه کند.

ایران آینده و دشمنان دیروز

شاید یکی از زیباترین لحظات رنسانس ایران آن روزی باشد که ایرانی بتواند درباره مهاجمان تاریخی خود نه با کینه، بلکه با اعتمادبه‌نفس فرهنگی سخن بگوید.

نه اینکه جنایت را فراموش کند؛ بلکه آن را بفهمد.

نه اینکه تاریخ را پاک کند؛ بلکه آن را مطالعه کند.

نه اینکه از دشمن گذشته بت بسازد؛ بلکه از گذشته درس بگیرد.

و سرانجام به جهان بگوید: ما از شما انتقام نمی‌گیریم؛

ما از تاریخ خود چیزی بهتر از انتقام ساخته‌ایم.

این شاید بزرگترین پیروزی باشد. اگر روزی ایران بتواند با افغانستان رابطه‌ای بسازد که در آن شاهنامه و ادبیات فارسی پلی میان دو ملت باشد؛

اگر بتواند با جهان عرب رابطه‌ای برقرار کند که در آن اختلافات تاریخی به جای نفرت، به مطالعه مشترک تاریخ و گفتگوی تمدنی تبدیل شود؛

اگر بتواند با مغولستان و آسیای مرکزی رابطه‌ای فرهنگی بسازد که تاریخ مشترک را از زاویه‌ای تازه بررسی کند؛

آن‌گاه ایران نه با شمشیر، بلکه با فرهنگ دوباره حضور جهانی خود را تثبیت کرده است.

موجی که می‌تواند از ایران به جهان برود

جهان امروز بیش از هر زمان دیگری به یک چیز نیاز دارد: فرهنگ زندگی در کنار تفاوت‌ها. جهان از جنگ‌های قومی، مذهبی، نژادی و ایدئولوژیک خسته شده است.

→ یعنی تمدنی که از نظر نظامی شکست خورده بود، توانست در سطح فرهنگ و دانش دوباره خود را بازسازی کند. این شاید یکی از عمیق‌ترین درس‌های تاریخ ایران باشد: ممکن است یک تمدن در میدان جنگ شکست بخورد، اما اگر حافظه و آفرینندگی خود را حفظ کند، هنوز شکست نخورده است.

و این همان نقطه‌ای است که «بزرگی» معنا پیدا می‌کند، اگر امروز ایرانیان از «ملت کبیر» سخن می‌گویند، این در مقام هیچ نوع مقایسه‌ای نیست، تمرکز به ارزش‌های ریشه‌ایست و شاید که شاهد فرگشتی بسیار سترگ هستیم. این برداشت، هم از نظر اخلاقی درست است و هم از نظر تاریخی.

ملت بزرگ ملتی است که از آنچنان توشه فرهنگی، ادبی و فلسفی برخوردار باشد که قابلیت آموزش بزرگی را به جهان داشته باشد.

ملت بزرگ ملتی است که می‌تواند بدون کوچک کردن دیگری، خودش را بزرگ کند.

ایران می‌تواند به تاریخ حمله اعراب، مغول و افغان نگاه کند و از آن زخم داشته باشد؛ اما نباید اسیر نفرت قومی شود. باید میان مهاجم و انسان تفاوت گذاشت.

چنگیزخان شخصیتی است که تاریخ او را قضاوت کرده و خواهد کرد؛ ولی مردم مغولستان یک ملت امروزی‌اند.

محمود افغان و ویرانی‌های دوره او یک حافظه تاریخی‌اند؛ مردم افغانستان امروز میلیون‌ها انسانند که با فرهنگ و هنری که به آن پرداخته و از آن حفاظت کرده‌اند زندگی مستقلی دارند. و همین تمایز، خود نشانه بلوغ تمدنی است.

«تواضع»

ایران در برابر دیگران؛ نه تسلیم، بلکه اعتمادبه‌نفس. ایران اگر بخواهد دوباره به یک نیروی فرهنگی جهانی تبدیل شود، باید یک مفهوم بسیار مهم را بازتعریف کند: تواضع.

تواضع به معنای پذیرش تحقیر نیست.

تواضع به معنای فراموش کردن تاریخ نیست.

تواضع به معنای بخشیدن بدون فهمیدن گذشته هم نیست.

تواضع حقیقی یعنی: «من آن‌قدر به هویت خود اطمینان دارم که برای اثبات آن نیازی ندارم تو را تحقیر کنم.» این همان نقطه‌ای است که فرهنگ ایرانی می‌تواند از گذشته خود برای آینده‌سازی بیاموزد و همزمان منزلتی والا و جهانی بسازد.

سعدی می‌گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند،

که در آفرینش ز یک گوهرند

این فقط یک بیت زیبا نیست.

اگر آن را جدی بگیریم، تبدیل می‌شود به یک فلسفه سیاسی و اخلاقی جهانی.

و آن بدین چمّ است که اگر دیگری با من تفاوت دارد، انسان بودن او پیش از تفاوت او قرار دارد.

فرهنگ ایرانی؛ فرهنگ پیروزی از راه آفرینش

یکی از ویژگی‌های برجسته سنت ایرانی، تبدیل طبیعت و جهان به هنر و معناست.

باغ ایرانی نمونه روشنی از این جهان‌بینی است.

یونسکو باغ ایرانی را نمونه‌ای برجسته از تلفیق عناصر طبیعی و انسانی و یک الگوی باغ‌سازی می‌داند که در جهان گسترش یافته است؛ همین سنت با شعر فردوسی، سعدی و حافظ، معماری، فرش، موسیقی و هنر ایرانی پیوند خورده است.

این نکته بسیار مهم است. ایران فقط «کشوری با تاریخ

«قفس مقابله»؛ سپر دفاعی ابوظبی در برابر پهپادهای جمهوری اسلامی



امارات متحده عربی با قفس‌های فولادی از مخازن نفت در برابر حملات پهپادی محافظت می‌کند

● در ادامه‌ی تشدید تنش‌های منطقه‌ای که از شش‌ماه پیش میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی آغاز شده، امارات متحده عربی با نصب سازه‌های دفاعی ساده اما کارآمد موسوم به «قفس مقابله» (Cope Cages) در اطراف مخازن ذخیره‌سازی سوخت خود، برای حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی انرژی اقدام کرده است.

● احتمال می‌رود این تاکتیک از تجربه جنگ روسیه و اوکراین الهام گرفته شده باشد. روس‌ها سال‌هاست از قفس‌های فلزی و تور در اطراف تأسیسات ذخیره‌سازی نفت و زیرساخت‌های حساس دیگر برای کاهش آسیب حملات پهپادی اوکراین استفاده می‌کنند. مشابه این آرایش‌ها در اطراف وسایل نقلیه نظامی و تأسیسات انرژی روسیه و اوکراین نیز به کار رفته است.

● دفاع هوایی امارات در طول حملات جمهوری اسلامی ۵۵۱ موشک بالستیک، ۲۹ موشک کروز و ۲۲۶۵ پهپاد انفجاری- انتحاری را رهگیری کرده است. این آمار آسیب‌پذیری زیرساخت‌های ثابت بزرگ در برابر پهپادهای یکطرفه‌ی ارزان‌قیمت را برجسته کرد و مقامات اماراتی را بر آن داشت تا اقدامات حفاظتی بیشتری را در اطراف تأسیسات ذخیره‌سازی سوخت آغاز کنند.

● نصب قفس‌های مقابله در کنار پدافند هوایی فعال، لایه‌ای از بازدارندگی ایجاد کرده که می‌تواند در برابر تهدیدات جمهوری اسلامی ظرفیت مقاومت بیشتری فراهم آورد. با این حال، کارشناسان معتقدند که موفقیت کامل این تدابیر به تداوم سرمایه‌گذاری در فناوری‌های ضدپهپاد و هماهنگی منطقه‌ای بستگی دارد.

پس از حملات نظامی جمهوری اسلامی علیه امارات متحده عربی و اصابت یک پهپاد به ترمینال سوخت «مسافه»، این کشور اقدام به نصب دیوارهای فولادی به دور تأسیسات نفتی برای محافظت از آنها کرده است.

امارات متحده عربی پس از سلسله حملات پهپادی جمهوری اسلامی و اصابت یک پهپاد به ترمینال سوخت «مصفتح»، از ماه مه ۲۰۲۶ کار نصب دیوارهای فولادی به دور تأسیسات نفتی خود را آغاز کرد تا با ایجاد این موانع کم‌هزینه، آسیب‌پذیری تأسیسات نفتی و انرژی را در برابر پهپادهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کاهش دهد.

در ادامه‌ی تشدید تنش‌های منطقه‌ای که از شش‌ماه پیش میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی آغاز شده، امارات متحده عربی با نصب سازه‌های دفاعی ساده اما کارآمد موسوم به «قفس مقابله» (Cope Cages) در اطراف مخازن ذخیره‌سازی سوخت خود، برای حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی انرژی اقدام کرده است. این اقدام پاسخی مستقیم به حملات پهپادی جمهوری اسلامی است که از ماه مارس گذشته مخازن نفتی و سوختی امارات را هدف قرار می‌دهد. بر اساس گزارش‌ها، کار نصب این موانع فولادی از ماه مه آغاز شد و طی حدود چهار ماه بطور عمده در تأسیسات ابوظبی و نزدیک فرودگاه بین‌المللی دبی به پایان رسید. این سازه‌ها شامل چارچوب‌های سنگین فولادی و توری‌هایی هستند که بالای مخازن و اطراف آنها نصب شده‌اند.

هدف اصلی این دیوارهای فولادی، رهگیری پهپادهای تهاجمی یکطرفه یا مجبورکردن آنها به انفجار پیش از

رسیدن به مخازن است. سازه‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که با ایجاد فاصله‌ی حساب‌شده بین محموله‌ی انفجاری و ساختار ذخیره‌سازی، اثربخشی سلاح‌های انفجاری مهاجم کاهش یابد. این لایه‌های دفاعی، مکمل سامانه‌های پدافند پیشرفته‌ی امارات محسوب می‌شود، به ویژه زمانی که این سامانه‌ها با موج گسترده‌ای از پهپادهای ارزان‌قیمت مواجه می‌شوند.

احتمال می‌رود این تاکتیک از تجربه جنگ روسیه و اوکراین الهام گرفته شده باشد. روس‌ها سال‌هاست از قفس‌های فلزی و تور در اطراف تأسیسات ذخیره‌سازی نفت و زیرساخت‌های حساس دیگر برای کاهش آسیب حملات پهپادی اوکراین استفاده می‌کنند. مشابه این آرایش‌ها در اطراف وسایل نقلیه نظامی و تأسیسات انرژی روسیه و اوکراین نیز به کار رفته است. اگرچه این موانع نمی‌توانند هر حمله‌ای را کاملاً متوقف کنند اما می‌توانند خسارات ناشی از پهپادهای انتحاری را محدود ساخته و به عنوان لایه‌ی نهایی محافظتی در شرایط فشار بر سامانه‌های پیچیده‌ی پدافندی عمل نمایند.

علت این اقدامات دفاعی به حملات جمهوری اسلامی به کشورهای حاشیه خلیج فارس پس از آغاز جنگ با آمریکا و اسرائیل بازمی‌گردد. در سومین روز جنگ، جمهوری اسلامی با پهپاد انتحاری ترمینال مخازن سوخت «مصفتح» در ابوظبی را هدف قرار داد و باعث آتش‌سوزی شد. شرکت ملی نفت ابوظبی تأسیساتی در مصفح دارد که سوخت از آنجا با کامیون‌ها حمل می‌شود و شبکه‌ای ۱۶۰۰ کیلومتری از خطوط لوله، محصولات نهایی را در سراسر امارات توزیع می‌کند.

پیشتر در سال ۲۰۲۲ نیز حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی از یمن انبار سوخت مصفح را هدف قرار داده بودند. با ادامه‌ی حملات رژیم تهران، در ۱۶ مارس ۲۰۲۶ یک پهپاد انفجاری مستقیماً به مخزن سوخت فرودگاه بین‌المللی دبی اصابت کرد و حملات دیگری نیز به بندر فجیره و تأسیسات گاز طبیعی حبشان انجام شد.

در مجموع، دفاع هوایی امارات در طول حملات جمهوری اسلامی ۵۵۱ موشک بالستیک، ۲۹ موشک کروز و ۲۲۶۵ پهپاد انفجاری- انتحاری را رهگیری کرده است. این آمار آسیب‌پذیری زیرساخت‌های ثابت بزرگ در برابر پهپادهای یکطرفه‌ی ارزان‌قیمت را برجسته کرد و مقامات اماراتی را بر آن داشت تا اقدامات حفاظتی بیشتری را در اطراف تأسیسات ذخیره‌سازی سوخت آغاز کنند.

تصاویری از ماه مه ۲۰۲۶ ساخت و ساز نزدیک فرودگاه دبی را نشان می‌داد و عکس‌های جدیدتر حاکی از تکمیل عمده‌ی این اقدام در سایت‌های دبی و ابوظبی است. تحلیلگران نظامی تأکید دارند که در عصر جنگ‌های پهپادی نامتقارن، چنین تدابیر ساده اما عملی می‌تواند شکاف بین سامانه‌های پیشرفته و تهدیدات انبوه کم‌هزینه را پر کنند.

این تحولات نشان‌دهنده‌ی تعبیر مسیر استراتژیک امارات در حفاظت از دارایی‌های انرژی حیاتی این کشور است. با توجه به نقش کلیدی امارات در بازار جهانی نفت و سوخت، حفظ امنیت این تأسیسات نه تنها برای ثبات داخلی این کشور بلکه برای جریان انرژی منطقه و جهان اهمیت دارد.

نصب قفس‌های مقابله در کنار پدافند هوایی فعال، لایه‌ای از بازدارندگی ایجاد کرده که می‌تواند در برابر تهدیدات جمهوری اسلامی ظرفیت مقاومت بیشتری فراهم آورد. با این حال، کارشناسان معتقدند که موفقیت کامل این تدابیر به تداوم سرمایه‌گذاری در فناوری‌های ضدپهپاد و هماهنگی منطقه‌ای بستگی دارد.

تروریسم بدون مرز جمهوری اسلامی به دنبال فرزندان نتانیاهو و ترامپ



تصویری از ویدیوی منتشر شده در رسانه‌های جمهوری اسلامی که بارون ترامپ در آن تهدید به ترور شده است

● به گزارش اورشلیم‌پست، بنیامین نتانیاهو در مصاحبه‌ای با کانال ۱۴ اسرائیل اعلام کرد: «این یک پرونده باورنکردنی است. جمهوری اسلامی یکی از پسرانم را هدف گرفته و سعی کرد او را به قتل برساند.»

● همزمان شبکه ۳ صداوسیماي حکومت ویدیویی منتشر کرده که در آن مدعی رصد بارون ترامپ، پسر بیست ساله رئیس جمهور آمریکا و تعیین جایزه ده میلیون دلاری برای قتل او شده است.

● در این ویدئو از جایزه ۱۰ میلیون دلاری برای ترور او سخن گفته می‌شود و گوینده ادعا می‌کند که «بسیاری حاضرند» او را ترور کنند. ویدئو با این جمله به پایان می‌رسد: «این تازه اول راه است! بارون ترامپ، منتظر ما باش!»

● بیشتر در ماه ژوئیه نیز ویدئوی مشابهی با عنوان «کجا ملانیا را بکشیم؟» توسط جمهوری اسلامی پخش شده بود که مدعی دسترسی به ملانیا ترامپ همسر رئیس جمهور ایالات متحده بود. همچنین تابلویی در میدان «انقلاب» (۲۴ اسفند) تهران نصب شده که ترامپ را در تابوت نشان می‌دهد و با عبارت «ما ترامپ را می‌کشیم» از سوی «سازمان تبلیغات اسلامی» تهیه شده است.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در حالی به تازگی جمهوری اسلامی را متهم به تلاش برای ترور یکی از پسرانش کرده که جمهوری اسلامی برای ترور بارون ترامپ، پسر رئیس جمهور آمریکا، جایزه ۱۰ میلیون دلاری تعیین کرده است.

در واکنشی تازه، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل جمهوری اسلامی را متهم به تلاش برای ترور یکی از پسرانش کرده و همزمان جمهوری اسلامی با انتشار یک ویدئوی تبلیغاتی در رسانه‌های خود، برای ترور بارون ترامپ، فرزند رئیس جمهور آمریکا، جایزه ۱۰ میلیون دلاری تعیین کرده است. اینهمه همزمان با تشدید فشارهای اقتصادی آمریکا علیه رژیم ایران و ادامه‌ی مذاکرات دولت‌های اسرائیل و لبنان برای خلع سلاح گروه تروریستی حزب‌الله رخ داده است.

دو گزارش منتشر شده از سوی رسانه‌های آمریکایی و اسرائیلی، حاکی از تشدید تنش‌های لفظی و تهدیدهای امنیتی میان جمهوری اسلامی از یکسو و اسرائیل و ایالات متحده از سوی دیگر است. نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو، جمهوری اسلامی را متهم به تلاش برای ترور یکی از پسرانش کرده و همزمان شبکه ۳ صداوسیماي حکومت دست ه انتشار ویدیویی زده که در آن مدعی رصد بارون ترامپ، پسر بیست ساله رئیس جمهور آمریکا و تعیین جایزه ده میلیون دلاری برای قتل او شده است.

به گزارش اورشلیم‌پست، بنیامین نتانیاهو در مصاحبه‌ای با کانال ۱۴ اسرائیل اعلام کرد: «این یک پرونده باورنکردنی است. جمهوری اسلامی یکی از پسرانم را هدف گرفته و سعی کرد او را به قتل برساند.» وی افزود که به همین دلیل از نیروهای انتظامی اسرائیل خواسته تا تدابیر حفاظتی را برای هر نامزد نخست‌وزیری تقویت کنند. وی تأکید کرد: «مردم باید کمی خویشتنداری نشان دهند، به ویژه در دوران کارزار انتخاباتی.»

نتانیاهو در این گفتگو مشخص نکرد که کدامیک از دو پسرش هدف این توطئه بوده و جزئیاتی نیز از نحوه‌ی کشف این طرح توسط سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل ارائه نکرد.

بر اساس گزارش‌ها، سازمان امنیت داخلی اسرائیل (شین‌بت) از ماه ژوئیه حفاظت گسترده‌تری برای همسر نتانیاهو (سارا) و پسرانش فراهم کرده است. تلاش برای ترور یکی از پسران بنیامین نتانیاهو از سوی جمهوری اسلامی در حالی صورت گرفته که اسرائیل در جریان مذاکرات با لبنان برای خلع سلاح حزب‌الله و خروج نیروهایش از این کشور قرار دارد؛ جایی که هنوز با تروریست‌های مورد حمایت رژیم تهران درگیر است.

اسرائیل اخیراً انبار بزرگی از موشک، نارنجک، پهپاد، تفنگ‌های تک‌تیرانداز، انواع سلاح‌های خودکار، پرتاب‌کننده‌های ضدتانک، خمپاره و دیگر تجهیزات نظامی را که از حزب‌الله و حماس ضبط کرده، به نمایش گذاشته بود. این سلاح‌ها ساخت جمهوری اسلامی، روسیه، چین و تولیدکنندگان محلی در لبنان و غزه بودند و بخشی از ماشین جنگی مورد استفاده علیه غیرنظامیان و ارتش اسرائیل از زمان حمله‌ی تروریستی حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ محسوب می‌شوند. حزب‌الله و حماس به عنوان دو گروه نیابتی و تروریستی وابسته جمهوری اسلامی، طبق گزارش‌ها، بیش از ۳۰۰ شهروند آمریکایی را کشته‌اند.

از سوی دیگر، رسانه‌های بین‌المللی از حمله نیویورک پست در گزارش‌هایی به ویدئوی تبلیغاتی سه دقیقه‌ای پرداخته‌اند که جمهوری اسلامی منتشر کرده است. در این ویدئو با عنوان «کجا بارون ترامپ را بکشیم» ادعا می‌شود که بارون ترامپ بطور کامل تحت نظر قرار دارد. این ویدئو تصاویری از خوابگاه‌های مرکز آکادمیک جهانی خانواده‌ی کنستانس میلستین در دانشگاه نیویورک را نشان می‌دهد و مدعی شده حساب‌های بازی‌های ایکس‌باکس، فیفا و دیکورد بارون و همکلاسی‌هایش را کشف کرده و نام دو

نفر از آنها را نیز اعلام کرده است. در این ویدئو از جایزه ۱۰ میلیون دلاری برای ترور او سخن گفته می‌شود و گوینده ادعا می‌کند که «بسیاری حاضرند» او را ترور کنند. ویدئو با این جمله به پایان می‌رسد: «این تازه اول راه است! بارون ترامپ، منتظر ما باش!»

بیشتر در ماه ژوئیه نیز ویدئوی مشابهی با عنوان «کجا ملانیا را بکشیم؟» توسط جمهوری اسلامی پخش شده بود که مدعی دسترسی به ملانیا ترامپ همسر رئیس جمهور ایالات متحده بود. همچنین تابلویی در میدان «انقلاب» (۲۴ اسفند) تهران نصب شده که ترامپ را در تابوت نشان می‌دهد و با عبارت «ما ترامپ را می‌کشیم» از سوی «سازمان تبلیغات اسلامی» تهیه شده است. دونالد ترامپ در گذشته نیز با تهدیدات ترور از سوی جمهوری اسلامی روبرو بوده که ریشه‌ی آن به دستور ترامپ برای حمله پهپادی ژانویه‌ی ۲۰۲۰ علیه قاسم سلیمانی برمی‌گردد. جمهوری اسلامی با اینکه سال‌هاست تهدید به «انتقام سخت» و همچنین عدم مذاکره با دولت ترامپ می‌کند، اما نه‌تنها نتوانست انتقام سلیمانی را بگیرد بلکه رهبرش علی خامنه‌ای را به همراه ده‌ها تن از مقامات ارشد کشوری و فرماندهان لشکری خود در حملات آمریکا و اسرائیل از دست داد و باز هم پای میز مذاکره نشست!

تهدید به ترور اعضای خانواده‌های مقامات آمریکا و اسرائیل در حالی از سوی جمهوری اسلامی شدت یافته که دولت ترامپ فشارهای اقتصادی آمریکا علیه رژیم ایران را به شدت افزایش داده است. رئیس جمهور ایالات متحده در پاسخ به محمداقبر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و مذاکره‌کننده ارشد رژیم که گفته بود: «اگر مردم گرسنه باشند و گردش مالی و رشد اقتصادی نداشته باشیم، دوام نمی‌آوریم»، در شبکه «تروث سوشیال» با حروف بزرگ نوشت که جمهوری اسلامی «ایران کاملاً در حال فروپاشی است!»

عراق؛ الگوی آمریکا برای فشار بر شرکای تجاری جمهوری اسلامی



ورودی پایانه مرزی «پرویزخان» در استان کرمانشاه/ قصر شیرین

برای جریان درآمدهای نفتی و مالی خود وابسته است. اما این کشور همزمان متحد نادر جمهوری اسلامی و آمریکا نیز محسوب می‌شود. رویترز در اواخر سال ۲۰۲۴ شبکه قاچاق سوختی را افشا کرد که سالانه حداقل یک میلیارد دلار برای جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش در عراق تولید می‌کرد. همسایگان دیگر ایران که درگیر طرح‌های مشابه هستند، ممکن است تحت بررسی واشنگتن قرار گیرند. اگرچه اهرم آمریکا بر عراق نسبت به سایر شرکای تجاری اصلی جمهوری اسلامی منحصر به فرد و قوی‌تر است، اما جایگاه دلار به عنوان محور تجارت جهانی، قدرت بلامنازع ایالات متحده را برجسته می‌سازد.

اقدامات پیشین آمریکا علیه عراق

در آوریل ۲۰۲۶ رویترز گزارش داده بود که آمریکا محموله‌ی ۵۰۰ میلیون دلاری نقدی به عراق را متوقف کرده و بخش‌هایی از همکاری امنیتی را به حالت تعلیق درآورده است تا بغداد را بر سر شبه‌نظامیان تحت حمایت رژیم ایران تحت فشار قرار دهد. در ژانویه نیز واشنگتن تهدید کرد، اگر چنین گروه‌هایی وارد دولت بعدی شوند، سیاستمداران ارشد و همچنین درآمدهای نفتی عراق را تحریم خواهد کرد.

دولت‌های متوالی آمریکا تلاش کرده‌اند با تحریم بانک‌های عراقی این جریان دلاری به سوی جمهوری اسلامی را خفه کنند؛ هرچند برخی از بزرگترین بانک‌ها معاف ماندند. نخست‌وزیر فعلی عراق، به عنوان نامزدی قابل قبول برای دولت ترامپ، بطور مداوم بغداد را برای مهار نفوذ جمهوری اسلامی تحت فشار قرار داده است.

نیل کوبلیام همکار وابسته در اندیشکده‌ی چتم هاوس بریتانیا می‌گوید: «فشار آمریکا هزینه‌ها و ریسک‌های معاملات مالی با جمهوری اسلامی را افزایش داده و نهادهای عراقی را وادار به بهبود انطباق سیاست‌های خود

تحریم چندین بانک، هزینه‌های معامله با جمهوری اسلامی را بالا برده است. کشور عراق به دلیل موقعیت خاص خود بین رژیم تهران و آمریکا، می‌تواند نشان دهد چگونه فشار هدفمند بر شرکای تجاری جمهوری اسلامی، بدون فروپاشی کامل اقتصاد یک کشور امکان‌پذیر است. عراق اکنون می‌تواند به عنوان یک نمونه‌ی عملی از شیوه‌ی اجرای برنامه «طرد اقتصادی» ایالات متحده برای بیرون راندن کشورهای ادامه‌دهنده‌ی تجارت با جمهوری اسلامی از سیستم مالی مبتنی بر دلار عمل کند. واشنگتن پیشتر شماری از بانک‌های عراقی را به اتهام معامله با رژیم تهران تحریم کرده بود اما تا کنون از اقداماتی که اقتصاد این متحد استراتژیک - برای هر دو - را نابود کند، خودداری کرده است.

خبرگزاری رویترز در گزارشی با اشاره به اینکه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا هشدار داده هر کشوری که «خط حیاتی اقتصادی» به جمهوری اسلامی ارائه دهد، با عواقب شدید روبرو خواهد شد، می‌نویسد که این هشدار شرکای اصلی رژیم تهران در سال‌های اخیر مانند چین، امارات متحده عربی، ترکیه، هند، پاکستان، عمان و عراق را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا نیز روز دوشنبه ۲۴ اوت اعلام کرد که «حمله اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی با تحریم‌ها آغاز شده و شرکای تجاری آن نیز هدف قرار خواهند گرفت، ولی نامی از این شرکا نبرد.

نفوذ آمریکا بر اقتصاد عراق

از زمان حمله سال ۲۰۰۳ به عراق، ایالات متحده آمریکا کنترل مؤثری بر دلارهای درآمد نفتی این کشور داشته که عمدتاً از طریق بانک فدرال رزرو نیویورک اعمال می‌شود. این امر به واشنگتن اهرم فشار خارق‌العاده‌ای بر سیاست‌های بغداد می‌دهد. عراق که بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار ذخایر در آمریکا دارد، به شدت به حسن نیت واشنگتن

● خبرگزاری رویترز در گزارشی با اشاره به اینکه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا هشدار داده هر کشوری که «خط حیاتی اقتصادی» به جمهوری اسلامی ارائه دهد، با عواقب شدید روبرو خواهد شد، می‌نویسد که این هشدار شرکای اصلی رژیم تهران در سال‌های اخیر مانند چین، امارات متحده عربی، ترکیه، هند، پاکستان، عمان و عراق را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد.

● از زمان حمله سال ۲۰۰۳ به عراق، ایالات متحده آمریکا کنترل مؤثری بر دلارهای درآمد نفتی این کشور داشته که عمدتاً از طریق بانک فدرال رزرو نیویورک اعمال می‌شود. این امر به واشنگتن اهرم فشار خارق‌العاده‌ای بر سیاست‌های بغداد می‌دهد.

● جمهوری اسلامی پس از سقوط صدام، عراق را «ریه اقتصادی» و «سکوی ایدئولوژی» خود می‌بیند و نفوذ سیاسی- نظامی خود را از طریق مرزهای متعدد غربی ایران در این کشور گسترش داده است.

● بزرگترین خروجی‌های غرب کشور، به دلیل شرایط مساعد جاده‌ای و استراتژیک همیشه به عنوان بارانداز اقتصادی- امنیتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها، تهیه ارز، «قاچاق قانونی» سوخت و ارسال سلاح به عراق تا امروز مورد استفاده قرار گرفته است.

● فشار «حمله اقتصادی» باید تأثیرات خود را در کوتاه‌مدت نشان دهد. بسته شدن پایانه‌های مرزی با عراق، جهش قیمت دلار و حتی تعطیلی سفارتخانه‌ها در تهران می‌تواند میزان سنجش تأثیر و عملکرد این «فشار اقتصادی» باشد.

تجربه‌ی عراق نشان دهد که فشار هدفمند بر شرکای تجاری جمهوری اسلامی، بدون فروپاشی کامل اقتصاد یک کشور، ممکن است.

ایالات متحده از سال ۲۰۰۳ کنترل مؤثری بر درآمدهای نفتی عراق دارد و با توقف محموله‌ی ۵۰۰ میلیون دلاری و

رافائل گروسی: تا وضعیت «تنگه هرمز» روشن نشود، مسئله اتمی اولویت نیست!



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

را رد کرد، اما هیچ شواهد محکمی وجود ندارد که نشان دهد چنین اتفاقی در حال رخ دادن است. بنابراین مسئله همچنان مهم و حل‌نشده باقی مانده است.»

او افزود: «ما آماده‌ایم و امیدوارم هرچه سریع‌تر کار خود را در آنجا از سر بگیریم.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت، تا زمانی که مسائل کلیدی از جمله وضعیت تنگه هرمز و دیگر موضوعات گسترده‌تر روشن نشوند، مسئله هسته‌ای در اولویت قرار نخواهد داشت.

مخالفت با بازدید بازرسان آژانس از سایت‌های اتمی

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی تأکید کرده است، ایران همچنان در وضعیت جنگی قرار دارد و تأسیسات هسته‌ای هنوز برای انجام بازرسی‌های بین‌المللی ایمن‌سازی نشده‌اند.

او افزود، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنها پس از تدوین یک پروتکل مشخص می‌تواند خواستار بازرسی از این تأسیسات شود.

همزمان دونالد ترامپ تأکید کرد که جمهوری اسلامی نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد. ترامپ گفت: «آنها دیوانه‌اند و از این سلاح استفاده خواهند کرد». وی افزود که تا کنون دو بار مانع دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای شده است.

دونالد ترامپ می‌گوید، آمریکا در کنار اسرائیل جنگ علیه رژیم ایران را با هدف جلوگیری از برنامه هسته‌ای نظامی تهران آغاز کرد. با این حال، ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا به این نتیجه رسیده بود که حکومت ایران در حال برنامه‌ریزی برای ساخت بمب هسته‌ای نیست. در همین حال، گزارش‌های رسانه‌ای اکنون حاکی از آن است که ممکن است جنگ باعث شده باشد رژیم ایران تمایل بیشتری به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای پیدا کند.

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با روزنامه آرژانتینی «کلارین» گفت، مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی در حال حاضر در بن‌بست قرار گرفته است.

● رافائل گروسی گفت، مذاکرات اتمی به دلیل جنگ متوقف مانده است. او افزود که حدود ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت بالا که در اختیار جمهوری اسلامی ایران است، همچنان در همان مکانی قرار دارد که در زمان جنگ ۱۲ روزه قرار داشت.

● گروسی توضیح داد: «تأسیسات اتمی ایران آسیب‌های قابل توجهی دیده‌اند. شاید آنها شروع به بازسازی بخشی از زیرساخت‌های خود کرده باشند؛ نمی‌توان این احتمال را رد کرد، اما هیچ شواهد محکمی وجود ندارد که نشان دهد چنین اتفاقی در حال رخ دادن است. بنابراین مسئله همچنان مهم و حل‌نشده باقی مانده است.»

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت، تا زمانی که مسائل کلیدی از جمله وضعیت تنگه هرمز و دیگر موضوعات گسترده‌تر روشن نشوند، مسئله هسته‌ای در اولویت قرار نخواهد داشت.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با روزنامه آرژانتینی «کلارین» گفت، مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی در حال حاضر در بن‌بست قرار گرفته است.

رافائل گروسی گفت که مذاکرات اتمی به دلیل جنگ متوقف مانده است. او افزود، حدود ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت بالا که در اختیار جمهوری اسلامی ایران است، همچنان در همان مکانی قرار دارد که در زمان جنگ ۱۲ روزه قرار داشت.

گروسی توضیح داد: «تأسیسات اتمی ایران آسیب‌های قابل توجهی دیده‌اند. شاید آنها شروع به بازسازی بخشی از زیرساخت‌های خود کرده باشند؛ نمی‌توان این احتمال

→ کرده است. با این حال، این فشار روابط اقتصادی عراق با رژیم ایران را قطع نکرده و بغداد را بین نزدیکی با آمریکا و نفوذ جمهوری اسلامی گیر انداخته است.»

کویلیام می‌افزاید: «کشورهایی مانند چین یا ترکیه اقتصادهای بزرگتری دارند و فضای بیشتری برای جذب فشار اما عراق جایگزین‌های محدود و تاب‌آوری مالی بسیار کمتری دارد».

روابط تجاری عراق با جمهوری اسلامی

تجارت عراق با جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۵ مطابق ارقام رسمی از ۱۰ میلیارد دلار فراتر رفته که عمدتاً ناشی از صادرات مواد غذایی و کالاهای مصرفی از ایران به بازار عراق بوده است. این تجارت در سال ۲۰۲۶ پس از آغاز جنگ کاهش یافته زیرا ریسک‌های امنیتی افزایش پیدا کرده، گذرگاه‌های مرزی مختل شده و هزینه‌های حمل و نقل بالا رفته است.

جمهوری اسلامی پس از سقوط صدام، عراق را «ریه اقتصادی» و «سکوی ایدئولوژی» خود می‌بیند و نفوذ سیاسی- نظامی خود را از طریق مرزهای متعدد غربی ایران در این کشور گسترش داده است. گذرگاه‌های مرزی «پرویزخان» و «خسروی» در قصرشیرین به عنوان بزرگترین خروجی‌های غرب کشور، به دلیل شرایط مساعد جاده‌ای و استراتژیک همیشه به عنوان بارانداز اقتصادی- امنیتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها، تهیه ارز، «قاچاق قانونی» سوخت و ارسال سلاح به عراق تا امروز مورد استفاده قرار گرفته است.

انرژی و سوخت محور اصلی این رابطه است. عراق سالانه ۴ تا ۵ میلیارد دلار به جمهوری اسلامی برای گاز طبیعی مورد استفاده در تولید برق پرداخت می‌کند. به گفته مقامات انرژی عراق، مسئولان هشدار می‌دهند که اقدامات جدید آمریکا می‌تواند این پرداخت‌ها را به خطر بیندازد.

اثر بخشی اقدامات تازه آمریکا

تام کیتینج مدیر مرکز مالی و امنیت در مؤسسه خدمات سلطنتی متحد بریتانیا گفته است: «عراق سال‌ها مسیر مؤثر دور زدن تحریم‌ها برای جمهوری اسلامی بوده است. حالا با فشرده‌تر شدن اتصالات رژیم ایران با سیستم مالی بین‌المللی، آسیب‌های بیشتری به وجود خواهد آمد. از این نظر، سیستم بانکی و بخش مالی غیررسمی عراق با مشکلات فزاینده‌ای روبرو می‌شوند.»

همچنین از سوی دیگر، آمریکا در اجرای طرح فشار اقتصادی، پیامدهای گسترده‌ای برای سیستم مالی در نظر گرفته است. وقی از اسکات بسنت پرسیده شده چرا از مجازات مستقیم جمهوری اسلامی یا نام بردن از کشورهای هدف خودداری کرده، پاسخ داد: «چرا باید سیستم مالی بین‌المللی را نابود کنیم؟!»

به این ترتیب، اگرچه عراق الگویی برای فشار بر شرکای جمهوری اسلامی به شمار می‌رود، اما واشنگتن محتاطانه عمل می‌کند تا از فروپاشی اقتصادی متحد کلیدی خود نیز جلوگیری کند و ثبات منطقه‌ای را حفظ نماید.

با اینهمه، فشار «حمله اقتصادی» که توسط اسکات بسنت اعلام شده، باید تأثیرات خود را در کوتاه‌مدت نشان دهد. طبق آنچه بسنت در کنفرانس خبری اعلام کرد، مبنی بر اینکه فشار اقتصادی علیه جمهوری اسلامی بدون نشت خواهد بود، بسته شدن پایانه‌های مرزی با عراق، جهش قیمت دلار و حتی تعطیلی سفارتخانه‌ها در تهران می‌تواند میزان سنجش تأثیر و عملکرد این «فشار اقتصادی» باشد.

سفر بی سر و صدای رئیس سی آی ای به مسکو؛ منابع حکومتی: «آمریکا از طریق روسیه به ایران پیام داد»



جان رتکلیف رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA)

یک عضو «کمیسیون امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی: قالیباف برای طلب ۱۲ میلیارد دلاری و موضوع خلع سلاح شبه نظامیان به عراق رفت



احمد بخشایش اردستانی

● احمد بخشایش اردستانی از نمایندگان عضو «کمیسیون امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی که طرفدار ساخت پمپ اتم برای حفظ نظام است می‌گوید، یکی از دلایل سفر محمدباقر قالیباف به عراق، پیگیری طلب ۱۲ میلیارد دلاری ایران از دولت آن کشور است.

● بخشایش اردستانی در مصاحبه با وبسایت «دیده بان ایران» که اول شهریور ۱۴۰۵ منتشر شد، ضمن اعتراف ضمنی به ایجاد ناامنی توسط گروه‌های نیابتی وابسته به رژیم گفت: «قالیباف برای دو مطلب به عراق رفته است. یکی اینکه برای ۱۲ میلیارد دلار که از آنها طلب داریم و دیگر اینکه عراقی‌ها شروع کرده‌اند امنیت‌شان را افزایش دهند و با توجه به پروژه‌هایی که قرار است با آمریکا اجرا کنند، فضا را از امنیت به سمت اقتصاد برده‌اند. بنابراین احتمال دارد که بخواهند سلاح‌های گروه‌های حشدالشعبی و گروه‌های دیگر را بگیرند».

● او مدعی شد: «جمهوری اسلامی ایران می‌تواند کمک کند و بخشی از این سلاح‌هایی که داده را به ایران برگرداند» اما در عین حال تأکید کرد: «حشدالشعبی را نگه می‌دارد».

احمد بخشایش اردستانی از نمایندگان عضو «کمیسیون امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی که طرفدار ایده ساخت پمپ اتم برای حفظ نظام است می‌گوید، یکی از دلایل سفر محمدباقر قالیباف به عراق، پیگیری طلب ۱۲ میلیارد دلاری ایران از دولت آن کشور است.

بخشایش اردستانی در مصاحبه با وبسایت «دیده بان ایران» که اول شهریور ۱۴۰۵ منتشر شد، ضمن اعتراف ضمنی به ایجاد ناامنی توسط گروه‌های نیابتی وابسته به رژیم گفت: «قالیباف برای دو مطلب به عراق رفته است. یکی اینکه برای ۱۲ میلیارد دلار که از آنها طلب داریم و دیگر اینکه عراقی‌ها شروع کرده‌اند امنیت‌شان را افزایش

اینهمه پیش از آنکه رتکلیف به مسکو برسد یکی از بزرگترین پالایشگاه‌های نفت روسیه هدف حملات اوکراین قرار گرفت. گزارش سفر رتکلیف در شرایطی منتشر شده که مذاکرات با میانجیگری آمریکا برای پایان دادن به تهاجم روسیه علیه اوکراین متوقف شده است.

دلیل اصلی این سفر مشخص نیست، اما سی‌آی‌ای در گذشته در تبادل زندانیان میان آمریکا و روسیه نقش میانجی داشته است. این سازمان همچنین در تبادل زندانیان سال ۲۰۲۴ که به آزادی ایوان گرشوکیچ خبرنگار وال‌استریت ژورنال و پل ویلان تفنگدار سابق نیروی دریایی آمریکا انجامید، مشارکت داشت. بخشی از گمان‌ها نیز بر وضعیت جنگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی متمرکز شده است؛ موضوعی که همچنان یکی از نقاط اختلاف میان مسکو و واشنگتن محسوب می‌شود. آمریکا از دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ کارزار «طرد اقتصادی ایران» را آغاز کرد.

برخی منابع غیررسمی از جمله منابعی که نزدیک به جمهوری اسلامی هستند، گزارش دادند که یکی از محورهای اصلی این سفر موضوع امنیتی ایران بوده است. همچنین گزارش شده که «مقام‌های روسی به زمامداران ایران اطلاع داده‌اند که سفر رئیس سی‌آی‌ای به مسکو حامل پیامی از سوی آمریکا بوده است؛ پیامی که در آن واشنگتن از مسکو خواسته تا [رژیم] ایران را برای بازگشایی تنگه هرمز تحت فشار قرار دهد».

در این پیام همچنین هشدار داده شده بود که بانک‌ها، بازرگانان و شرکت‌ها و نهادهای کشتیرانی روسی مرتبط با نفت، طلا و هوانوردی ایران، در صورت خودداری مسکو از بستن این کانال‌ها، طی این عملیات تحریم خواهند شد. به گفته دو منبع ارشد جمهوری اسلامی که از جزئیات این گزارش مطلع‌اند، روسیه این درخواست را رد کرده و گفته است که اقدامات تهدیدآمیز پیامدها و اهمیت محدودی دارند.

● جان رتکلیف رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی‌آی‌ای)، سه‌شنبه سوم شهریور ۱۴۰۵ در برنامه‌ای اعلام‌نشده به روسیه سفر کرد. او و همراهان با یک هواپیمای نظامی ترابری آمریکا پس از عبور از آسمان لتونی در فرودگاه مسکو فرود آمدند و پس از آن، یک کاروان از اتومبیل‌های دیپلماتیک آمریکا در این شهر مشاهده شد.

● برخی منابع غیررسمی از جمله منابعی که نزدیک به جمهوری اسلامی هستند، گزارش دادند که یکی از محورهای اصلی این سفر موضوع امنیتی ایران بوده است. همچنین گزارش شده که «مقام‌های روسی به [رژیم] ایران اطلاع داده‌اند که سفر رئیس سی‌آی‌ای به مسکو حامل پیامی از سوی آمریکا بوده است؛ پیامی که در آن واشنگتن از مسکو خواسته زمامداران ایران را برای بازگشایی تنگه هرمز تحت فشار قرار دهد».

● در این پیام همچنین هشدار داده شده که بانک‌ها، بازرگانان و شرکت‌ها و نهادهای کشتیرانی روسی مرتبط با نفت، طلا و هوانوردی ایران، در صورت خودداری مسکو از بستن این کانال‌ها، طی این عملیات تحریم خواهند شد.

جان رتکلیف رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی‌آی‌ای)، سه‌شنبه سوم شهریور ۱۴۰۵ در برنامه‌ای اعلام‌نشده به روسیه سفر کرد. او و همراهان با یک هواپیمای نظامی ترابری آمریکا پس از عبور از آسمان لتونی در فرودگاه مسکو فرود آمدند و پس از آن، یک کاروان از اتومبیل‌های دیپلماتیک آمریکا در این شهر مشاهده شد.

این نخستین سفر رتکلیف به روسیه از زمان تصدی ریاست سازمان سیا محسوب می‌شود. چند مقام آمریکایی و روسی این سفر را تأیید کرده‌اند. فایننشال تایمز گزارش داد که دولت ترامپ از کی‌یف خواسته است در جریان این سفر، حملات دوربرد خود به شهرهای بزرگ روسیه را متوقف کند؛ با

جمهوری اسلامی مجید آدینه، شهروند بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴، را اعدام کرد

اسلامی ادعا شده این شهروند هنگام بازداشت یک قبضه کلت کمری، سه خشاب، ۳۰ فشنگ، دو شوکر برقی، دو افشانه گاز اشک‌آور، یک اهر برقی شارژی و یک بطری بنزین به همراه داشته است.

قابل توجه اینکه در گزارش قوه قضاییه نیز تأکید شده مجید آدینه همه اتهامات وارده از جمله ایجاد آتش‌سوزی عمدی در جریان اعتراضات را رد کرده است اما قوه قضاییه با انجام «بررسی‌های آزمایشگاهی» او را متهم شناخته است!

مجید آدینه با وجود رد اتهامات، در دادگاه انقلاب کرج با اتهاماتی از جمله «اقدام عملیاتی به نفع کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی»، «محاربه از طریق تحریک عمدی»، «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی کشور»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «نگهداری

● خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی گزارش داده حکم اعدام مجید آدینه، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ در کرج، سحرگاه یکشنبه اول شهریورماه ۱۴۰۵ اجرا شده است.

● مجید آدینه با وجود رد اتهامات، در دادگاه انقلاب کرج با اتهاماتی از جمله «اقدام عملیاتی به نفع کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی»، «محاربه از طریق تحریک عمدی»، «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی کشور»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «نگهداری غیرمجاز سلاح گرم، شوکر و افشانه گاز اشک‌آور» روبرو شد.

● او در نهایت بر اساس قانون موسوم به «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم» به اعدام و مصادره اموال محکوم شد.



اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴

غیرمجاز سلاح گرم، شوکر و افشانه گاز اشک‌آور» روبرو شد. او در نهایت بر اساس قانون موسوم به «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم» به اعدام و مصادره اموال محکوم شد.

درباره روند دادرسی، جزییات پرونده، دسترسی این شهروند به وکیل انتخابی و دیگر موارد پرونده این شهروند اطلاعی در دسترس نیست.

جمهوری اسلامی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا، روند سرکوب داخلی علیه مردم ایران را نیز تشدید کرده است. از جمله اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی و بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ است. بر اساس آمارهای جمع‌آوری شده طی شش ماه گذشته بیش از ۵۰ زندانی سیاسی و شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ اعدام شده‌اند. همچنین ده‌ها تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات در شهرهای مختلف کشور نیز به اعدام محکوم یا خطر صدور و اجرای احکام اعدام علیه آنها وجود دارد.

● درباره روند دادرسی، جزییات پرونده، دسترسی این شهروند به وکیل انتخابی و دیگر موارد در پرونده این شهروند اطلاعی در دسترس نیست.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام مجید آدینه، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، خبر داد. مجید آدینه ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ در محمدرضا کرج بازداشت شده بود.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی گزارش داده حکم اعدام مجید آدینه سحرگاه روز یکشنبه اول شهریورماه ۱۴۰۵ اجرا شده است.

«میزان» اعتراضات دی ۴۰۴ را «کودتا آمریکایی- صهیونیستی» خوانده و نوشته بازداشت مجید آدینه به اتهام «اقدام عملیاتی به نفع اسرائیل، آمریکا و گروه‌های متخاصم» بازداشت شده است.

در سناریوی منتشر شده توسط قوه قضاییه جمهوری

→ دهند و با توجه به پروژه‌هایی که قرار است با آمریکا اجرا کنند، فضا را از امنیت به سمت اقتصاد برده‌اند. بنابراین احتمال دارد که بخواهند سلاح‌های گروه‌های حشدالشعبی و گروه‌های دیگر را بگیرند.

او مدعی شد: «جمهوری اسلامی ایران می‌تواند کمک کند و بخشی از این سلاح‌هایی که داده را به ایران برگرداند» اما در عین حال تأکید کرد: «حشدالشعبی را نگه می‌دارد». این نماینده در بخش دیگری از این مصاحبه مدعی شد تحریم‌های آمریکا بی‌نتیجه خواهد بود.

او گفت: «وقتی کسی در جنگ نظامی پیروز نشود، در جنگ اقتصادی هم پیروز نخواهد شد. علاوه بر آن، اولین بار نیست که ایران تحت سیطره تحریم قرار می‌گیرد، ما ۴۷ سال است که با تحریم مواجه هستیم. از سوی دیگر، ایران در زمینه خرید کالا با آمریکا ارتباط مستقیم ندارد، بجز دو شرکت برزیل که در زمینه تولید گندم، جو، سویا و سایر محصولات فعالیت دارد و جهاد کشاورزی از طریق بورس لندن محصولات این دو شرکت آمریکایی را خریداری می‌کند. البته این شرکت‌ها هم نیاز دارند که محصولات خود را به ایران بفروشند.»

او افزود: «ترامپ قصد دارد با محاصره دریایی، ایران را تحت فشار قرار دهد؛ به این معنا که ایران نتواند نفت بفروشد و کشتی‌های ایرانی هم نتوانند وارد بنادر شوند.» بخش دیگری از مصاحبه بخشایش اردستانی به فساد شرکت‌های دلال موسوم به «تراستی» اختصاص داشت. او گفت: «تعداد زیادی شرکت تراستی مورد اعتماد شورای عالی امنیت ملی، وزارت نفت و... سراغ داریم که می‌گویند نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار را پس نداده‌اند. این تراستی‌ها متعلق به آقازاده‌ها است که در کشورهای مختلف از جمله دبی، عمان، هرات و اقلیم کردستان فعالیت می‌کنند و برای دور زدن تحریم شکل گرفته‌اند. مادامی که آنها باشند، بدشان نمی‌آید که تحریم‌ها وجود داشته باشد، چرا که با دور زدن تحریم از آن منتفع می‌شوند. همانطور که در گذشته تحریم را دور زدند. علاوه بر این ایران می‌تواند از مسیر کشورهایی مانند روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و حتی مغولستان کالاهای اساسی وارد کند. در کریدور شرق به غرب هم می‌تواند از مسیر پاکستان و چین استفاده کند. البته ظرفیت‌های دیگری هم برای دور زدن محاصره اقتصادی وجود دارد.»

این نماینده مجلس تأکید کرد: «آمریکا به حد و اندازه مشخصی می‌تواند در برابر مقاومت کشورها تاب بیاورند. پس از چهار پنج ماه که متوجه می‌شوند محاصره اثر ندارد، آن را رها می‌کنند. یعنی آمریکا نمی‌تواند محاصره را طولانی‌مدت نگه دارند. به نظر می‌رسد امارات و عربستان آمریکا را بیشتر برای مشخص شدن تکلیف برنامه هسته‌ای و موشکی ایران تحریک می‌کنند. پس از امضای تفاهم‌نامه هم این دو کشور امارات و عربستان بودند که آمریکا (مارکو روبیو) و کشورهای عربی را در برنامه بحرین جمع کردند تا از طریق عمان تنگه هرمز را باز کنند و با ضایع کردن ایران این ابزار قدرت را از دست جمهوری اسلامی در بیاورند.»

بخشایش اردستانی درباره متوقف کردن تمام تجارت، مبادلات تجاری و ترانکشن‌های مالی کشورهای دیگر با ایران نیز تهدید کرد: «امارات اعلام کرده که مبادلات با ایران را توقف می‌کند. اگر قرار باشد که اموال ایرانی‌ها گرفته شوند، این توقف با سه موشک لغو می‌شود! به نظر آنها یکبار تجربه فشارهای اقتصادی را داشته‌اند، می‌دانند در این زمینه هم موفق نخواهند شد و به هدف خود نمی‌رسند. البته احتمال دارد که ضرر و خسارات اقتصادی در ایران ایجاد شود و افزایش نرخ دلار و طلا به وجود می‌آید، اما بعید است که اقتصاد ایران به مرحله فروپاشی برسد.»

تداوم کمبود بنزین؛ تعطیلی شماری از پمپ‌بنزین‌ها در تهران



آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و توزیع فرآورده‌های نفتی تهران در جریان جنگ، توزیع سوخت در پایتخت با محدودیت‌هایی روبرو است، اما پس از افزایش تقاضا، با فعال‌سازی فوری مسیرهای تأمین سوخت از سایر استان‌ها، تأمین سوخت تهران به‌صورت پایدار در حال انجام است.»

فریدون یاسمی از افزایش ۳۰ درصدی توزیع بنزین در پایتخت خبر داده و گفته: «با اقدام‌های انجام‌شده برای تقویت مسیرهای تأمین و توزیع، محدودیت‌های ایجادشده در حال برطرف شدن است و پیش‌بینی می‌شود طی چند روز آینده این محدودیت‌ها به‌صورت کامل رفع شود.»

مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه تهران در حالی کمبود بنزین را به افزایش تقاضا مرتبط دانسته که کمبود بنزین در ایران بحرانی جدی است و در هفته‌های گذشته با توقف امکان واردات بنزین به علت محاصره دریایی جمهوری اسلامی توسط ایالات متحده این بحران تشدید شده است.

یاسر میرزایی، معاون سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، به تازگی اعلام کرده مدیریت بحران کمبود بنزین نیازمند واردات روزانه حدود ۱۵ میلیون لیتر بنزین است.

حمید حسینی، سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، نیز کمبود روزانه بنزین در ایران را ۲۰ میلیون لیتر اعلام کرده و گفته: «حداکثر ظرفیت تولید پالایشگاه‌های کشور حدود ۱۱۰ میلیون لیتر در روز است، در حالی که مصرف روزانه بنزین به حدود ۱۳۰ میلیون لیتر می‌رسد.»

حمید حسینی گفته: «این اختلاف به معنای کسری ←

تعطیلات بوده است.

در روزهای گذشته تصاویر و ویدئوهایی از صف‌های طولانی مقابل جایگاه‌های سوخت و همچنین بسته بودن برخی پمپ‌بنزین‌ها در نقاط مختلف تهران منتشر شده است. بر اساس گزارش‌ها برخی جایگاه‌ها در ساعات مختلف روز امکان ارائه خدمات عادی را نداشته‌اند و در مقابل، در تعدادی از جایگاه‌های فعال صف‌های طولانی شکل گرفته است. رسانه‌های داخلی گزارش دادند در چنین شرایطی، افزایش مراجعه مردم به جایگاه‌های فعال، خود به تشدید تراکم و طولانی‌تر شدن صف‌ها منجر شد.

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران با تأیید این اخبار اعلام کرده تعطیلی پمپ بنزین‌ها به معنای توقف گسترده یا سراسری عرضه بنزین در تهران نبوده است؛ بلکه تعدادی از جایگاه‌ها به دلیل تمام شدن موقت موجودی، برای چند ساعت فعالیت خود را متوقف کرده‌اند.

فریدون یاسمی مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران در توضیح وضعیت کمبود سوخت در پایتخت گفته: «در روزهای اخیر، به دلیل انتشار برخی شایعات در رسانه‌ها و در پیش بودن تعطیلات ۱۷ ربیع‌الاول [تولد پیامبر اسلام]، تقاضای سوخت در تهران افزایش قابل توجهی داشته است.»

او افزوده: «با توجه به افزایش ناگهانی تقاضا و ترافیک در مسیرهای مواصلاتی، ارسال محمولات سوختی با تأخیر انجام شد و همین موضوع در مقطعی کوتاه سبب اتمام بنزین در تعداد محدودی از جایگاه‌ها و توقف چندساعته فعالیت آنها شد.»

با این‌همه مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه تهران کمبود سوخت را نیز تأیید کرده و گفته: «با توجه به

● انتشار خبرهایی درباره تعطیلی برخی پمپ‌بنزین‌های تهران بار دیگر موضوع کمبود سوخت و احتمال افزایش قیمت بنزین را برجسته کرد.

● شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران با تأیید تعطیلی برخی پمپ‌بنزین‌ها مدعی شده علت تمام شدن سوخت در برخی جایگاه‌ها افزایش تقاضا در پی انتشار شایعاتی درباره افزایش قیمت بنزین و در پیش بودن تعطیلات بوده است.

● مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه تهران کمبود سوخت را تأیید کرده و گفته: «با توجه به آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و توزیع فرآورده‌های نفتی تهران در جریان جنگ، توزیع سوخت در پایتخت با محدودیت‌هایی روبرو است.»

● کمبود بنزین در ایران یک بحران جدی است و در هفته‌های گذشته با توقف امکان واردات بنزین به علت محاصره دریایی جمهوری اسلامی توسط ایالات متحده تشدید شده است.

● یاسر میرزایی معاون «سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی» به تازگی اعلام کرده مدیریت بحران کمبود بنزین نیازمند واردات روزانه حدود ۱۵ میلیون لیتر بنزین است.

انتشار خبرهایی درباره تعطیلی برخی پمپ‌بنزین‌های تهران بار دیگر موضوع کمبود سوخت و احتمال افزایش قیمت بنزین را برجسته کرد. شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران با تأیید تعطیلی برخی پمپ‌بنزین‌ها گفته علت تمام شدن سوخت در برخی جایگاه‌ها افزایش تقاضا در پی انتشار شایعاتی درباره افزایش قیمت بنزین و در پیش بودن

مصاحبه تلویزیونی عنوان کرد که جمهوری اسلامی ابتدا با دولت‌های همسایه مذاکره و «با زبان خوش» تلاش می‌کند آنها را از آمریکا جدا کند، در مرحله دوم به کشورهای همکار با آمریکا مهلتی برای تجدیدنظر داده می‌شود، «اما در مرحله سوم قطعاً وارد عمل خواهیم شد».

او مدعی شد که آمریکا در اقدامات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران شکست خورده و امیدوار است «با فشار اقتصادی وحدت ایران را در هم شکسته و موجب اعتراضات خیابانی شود».

دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی گفت: «نه اینکه آنها می‌خواهند اقدامات نظامی را کنار بگذارند، ولی امیدوارند که اگر بشود اول با فشارهای اقتصادی وحدت ما را بشکنند. یک عده معترض بریزند در خیابان‌ها و کمک کنند به اف‌۳۵‌های آمریکا».

محسن رضایی تهدید کرد که در صورت مشارکت کشورهای منطقه در جنگ اقتصادی آمریکا، جمهوری

محسن رضایی همسایگان ایران را تهدید کرد: منافع هر کشوری را که در تحریم‌ها مشارکت کند، هدف می‌گیریم



محسن رضایی

اسلامی مسیرهای جایگزین صادرات نفت در خلیج فارس را نیز هدف قرار خواهد داد. با پایان مهلت ۶۰ روزه جمهوری اسلامی برای دستیابی به یک «توافق نهایی»، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد که «کوبنده‌ترین عملیات اقتصادی» علیه رژیم ایران را آغاز خواهد کرد.

رضایی در بخشی از این گفتگوی تلویزیونی افزود: «اگر کشوری به دلیل همکاری با آمریکا از ارائه مواد اولیه دارو به ایران خودداری کند، اجازه نمی‌دهیم حتی یک قطره نفت نه تنها از تنگه هرمز، بلکه از خلیج فارس خارج شود. فعلاً تنگه هرمز بسته شده و با نفت خلیج فارس کاری نداریم، زیرا از راه‌های دیگر خارج می‌شود، اما در صورت لزوم این مسیرها نیز مورد هدف قرار خواهند گرفت».

رضایی در بخشی دیگر از سخنان خود ادعا کرد که اقدامات آمریکا علیه ایران «جاذبه و اشتیاق مردم به مپ اتم را بیشتر کرده است».

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا پیشتر گفته بود ترکیب محاصره دریایی و «سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ» توانایی جمهوری اسلامی برای حمایت مالی از نیروهای نیابتی و پرداخت هزینه نیروهای نظامی آن را محدود خواهد کرد. او گفت: «اقتصاد این حکومت آدمکش را درهم خواهیم شکست» و افزود: «این حکومت را به فروپاشی خواهیم رساند».

● محسن رضایی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی تهدید کرد، در صورتی که کشورهای همسایه ایران به کارزار آمریکا برای فلج کردن اقتصاد این کشور بپیوندند، با آنها به عنوان دشمن رفتار می‌شود و منافع‌شان هدف قرار خواهد گرفت.

● محسن رضایی شنبه شب ۳۱ مرداد ۱۴۰۵ در یک مصاحبه تلویزیونی عنوان کرد که جمهوری اسلامی ابتدا با دولت‌های همسایه مذاکره و «با زبان خوش» تلاش می‌کند آنها را از آمریکا جدا کند، در مرحله دوم به کشورهای همکار با آمریکا مهلتی برای تجدیدنظر داده می‌شود، اما در مرحله سوم «قطعاً وارد عمل خواهیم شد».

● وی همچنین با اشاره به سیاست آمریکا گفت: «نه اینکه آنها می‌خواهند اقدامات نظامی را کنار بگذارند، ولی امیدوارند که اگر بشود اول با فشارهای اقتصادی وحدت ما را بشکنند. یک عده معترض بریزند در خیابان‌ها و کمک کنند به اف‌۳۵‌های آمریکا».

محسن رضایی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی تهدید کرد، در صورتی که کشورهای همسایه ایران به کارزار آمریکا برای فلج کردن اقتصاد این کشور بپیوندند، با آنها به عنوان دشمن رفتار می‌شود و منافع‌شان هدف قرار خواهد گرفت. محسن رضایی شنبه شب ۳۱ مرداد ۱۴۰۵، در یک

→ روزانه نزدیک به ۲۰ میلیون لیتر بنزین است؛ شکافی که فشار زیادی بر نظام تأمین سوخت وارد کرده و مدیریت آن را با دشواری‌های فراوان همراه ساخته است.

مقامات حکومتی تلاش دارند موضوع کمبود بنزین را گردن شهروندان بیاندازند و به «مصرف بالا» و «قاچاق بنزین» مرتبط کنند. این در حالیست که قاچاق بنزین توسط مافیاهای وابسته به حکومت در جریان است و البته علت اصلی کمبود بنزین عدم توسعه صنعت پتروشیمی طی چهار دهه گذشته است.

در همین رابطه اسماعیل سقاب اصفهانی، معاون مسعود پزشکیان و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، اخیراً در مصاحبه به مناسبت دومین سال فعالیت دولت مسعود پزشکیان، گفت: «هر دو جناح در قاچاق سوخت منافع دارند» و در صورتی که او بخواهد جلوی قاچاق سوخت را بگیرد شیشه‌هایش را «خرد می‌کند».

محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه و نماینده مجلس شورای اسلامی نیز اعلام کرده که بیشترین میزان قاچاق بنزین، نه از پمپ‌بنزین‌ها یا توسط قاچاقچیان خرد، بلکه مستقیماً از خود پالایشگاه‌ها صورت می‌گیرد. بر اساس اظهارات او، خلأهای نظارتی و ساختار روابط مالی میان وزارت نفت و مجموعه‌های تولیدی، بستر اصلی قاچاق بنزین در ایران است.

در این میان عدم توسعه‌یافتگی صنعت پتروشیمی کمبود بنزین را به صورت تصاعدی افزایش خواهد داد. وبسایت «فرارو» هفته گذشته در گزارشی اعلام کرد ادامه روند فعلی ناهمخوانی تولید و مصرف بنزین در ایران می‌تواند کمبود روزانه این سوخت را تا سال ۱۴۰۸ به بیش از ۳۰ میلیون لیتر برساند.

در آنسو دولت پزشکیان به دنبال افزایش با هدف جبران کسری بودجه به دنبال حذف بخشی از یارانه بنزین است؛ اقدامی که سبب افزایش قیمت بنزین و ایجاد موج جدیدی از تورم با افزایش قیمت همه کالاها و خدمات خواهد شد. محسن حاجی میرزایی رئیس دفتر مسعود پزشکیان اعلام کرده: «کاهش سهمیه‌های بنزین قطعی است. کسی بیش از سهمیه بخواهد بنزین خریداری کند قیمت بالاتری خواهد داشت اما هنوز این قیمت تعیین نشده است».

کاهش سهمیه بنزین یارانه‌ای به این معناست که شهروندان باید سوخت مورد نیاز که با سهمیه ارائه نمی‌شود را با قیمت آزاد خریداری کنند که سرآغاز روند افزایش هزینه حمل و نقل و در نتیجه آغاز موج تورمی جدید در اقتصاد ایران است.

کارشناسان هشدار می‌دهد در شرایطی که تورم فزاینده و کاهش قدرت خانوارها به شدت معیشت مردم را متأثر کرده، هر اقدامی که سبب افزایش بیشتر تورم شود می‌تواند سبب بروز اعتراضات گسترده شود.

در همین رابطه حسین راغفر، اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی، هشدار داده: «در هیچ جای جهان در زمان جنگ، سیاست‌هایی از جنس افزایش شدید قیمت حامل‌های انرژی به این شکل اجرا نمی‌شود» و «سیاست‌گذار در شرایط جنگی باید بیش از هر زمان دیگری به پیامدهای اجتماعی تصمیم‌های اقتصادی توجه داشته باشد».

به عقیده حسین راغفر، جامعه ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری مستعد تلاطم اجتماعی و اقتصادی است. او با اشاره به تشدید شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی گفت که جامعه ایران در مقایسه با گذشته با سطح بالاتری از گسست اجتماعی مواجه شده است. در چنین شرایطی تصمیم‌هایی که زمینه انفجار اجتماعی ایجاد کنند، می‌توانند بسیار پرهزینه باشند.

هشدار درباره بروز «اعتراضات سراسری» در نیمه دوم سال



حضور میلیون‌ها نفر در انقلاب ملی ایران، دی ۱۴۰۴

ساخت قدرت دارد.» در این مطلب همچنین تأکید شده: «سخن گفتن از احتمال اعتراض، سیاه‌نمایی نیست، بلکه تلاشی برای جلوگیری از هزینه‌های بزرگ‌تر است. سکوت در برابر انباشت نارضایتی، نوعی چشم‌پوشی از واقعیت است، نه بی‌طرفی. هنوز دیر نشده است؛ اگر اراده‌ای برای شنیدن و اصلاح وجود داشته باشد، می‌توان بسیاری از بسترهای بحران را در نطفه تضعیف کرد. تحقق نیافتن این پیش‌بینی، تنها در صورتی مایه خرسندی است که نتیجه تدبیر و اصلاح باشد نه صرفاً تعویق مساله‌ای که همچنان در اعماق جامعه زنده است.» اینهمه در حالیست که دولت ایالات متحده ساز و کار تشدید فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار داده که به گفته دونالد ترامپ «شدیدترین عملیات اقتصادی» است که تا کنون در مقابل هر کشوری انجام شده است. فعال شدن طرح جدید فشار اقتصادی حداکثری در پی پایان مهلت دو ماهه داده شده به جمهوری اسلامی برای رسیدن به توافق با ایالات متحده بر اساس «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» در دستور کار دولت ایالات متحده قرار گرفته است.

افزایش فشارهای اقتصادی به معنای شکننده‌تر شدن شرایط اقتصادی ایران، تضعیف جمهوری اسلامی و افزایش احتمال بروز اعتراضات سراسری مردم علیه حکومت است. در همین رابطه خبرگزاری رویترز همین هفته گزارش داد مقامات جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر نگران هستند تهدید آمریکا به اعمال فشارهای عمیق‌تر اقتصادی، بحران‌های معیشتی در ایران را افزایش دهد و سبب دامن زدن به اعتراضات مردم و تضعیف بیشتر مشروعیت جمهوری اسلامی شود.

در این گزارش به نقل از یک مقام پیشین جمهوری اسلامی، دو فرد مطلع از محافل سیاسی و نیز ۱۲ شهروند ایرانی تأکید شده که تشدید فشارهای اقتصادی آمریکا به اعتراضات سراسری منجر خواهد شد.

قیمت بنزین سبب «انفجار اجتماعی» در ایران خواهد شد. این نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ۳۷ درصد خانواده‌ها در پنج دهک پائین قرار دارند، یادآور شد: «این افزایش احتمالی قیمت بنزین، هزینه‌های خانوارهای فوق را شش تا هشت میلیون تومان در ماه افزایش می‌دهد. این امر برای خانواده‌های پنج دهک پایین جامعه شوک بزرگی است و موجب انفجار اجتماعی می‌شود.»

کارشناسان زیادی نیز طی ماه‌های گذشته بر احتمال بروز اعتراضات گسترده اجتماعی به علت تشدید مشکلات اقتصادی و افزایش فقر هشدار داده‌اند. دامنه هشدارها به رسانه‌های داخلی نیز رسیده است.

روزنامه «اعتماد» روز پنجشنبه ۲۹ مرداد در گزارشی درباره احتمال بروز و گسترش اعتراضات در نیمه دوم سال هشدار داده و «بحران معیشت» را مهم‌ترین منشأ نارضایتی عمومی دانسته است.

در این مطلب آمده: «اگر بخواهیم مهم‌ترین منشأ نارضایتی عمومی را برجسته کنیم، بی‌تردید «بحران معیشت» در صدر است. طبق گزارش‌های اخیر، هزینه‌های «سبد معیشت» با درآمد اکثریت جامعه شکافی عمیق یافته است. وقتی درآمد یک خانواده تنها برای ۱۰ روز از ماه کفایت می‌کند، مساله صرفاً کاهش قدرت خرید نیست، بلکه فرسایش کرامت انسانی و سست شدن پیوند فرد با نظم اجتماعی است. در چنین شرایطی، تورم دیگر یک شاخص اقتصادی نیست، بلکه «تجربه‌ای زیسته» است که سفره‌های مردم را به میدان اعتراض تبدیل می‌کند.»

روزنامه «اعتماد» با تأکید بر اینکه «نارضایتی اجتماعی تنها از جیب خالی زاده می‌شود، بلکه از احساس بی‌شنیده ماندن و بی‌اعتنایی نهادی نیز تغذیه می‌کند» به اعتراضات دی ۴۰۴ اشاره کرده و نوشته: «جامعه‌ای که برای عزا فضا می‌سازد و برای جشن و سرزندگی میدان نمی‌گذارد، به تدریج دچار فقر عاطفی و انسداد اجتماعی می‌شود؛ لذا بخشی از بحران کنونی، ریشه در شکاف ارتباطی میان نسل جوان و

● در حالی که نزدیک به نیم قرن ناکارآمدی، سوء مدیریت و فساد رانتی در ساختار جمهوری اسلامی اقتصاد ایران را از مسیر توسعه دور کرده و بحران‌های در هم تنیده و انباشته‌ای در بخش‌های مختلف اقتصادی ایجاد کرده، اکنون فشارهای اقتصادی ایالات متحده به ابزاری جدی برای تضعیف جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

● روزنامه «اعتماد» روز پنجشنبه ۲۹ مرداد در گزارشی درباره احتمال بروز و گسترش اعتراضات در نیمه دوم سال هشدار داده و «بحران معیشت» را مهم‌ترین منشأ نارضایتی عمومی دانسته است.

● خبرگزاری رویترز این هفته گزارش داد مقامات جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر نگران هستند تهدید آمریکا به اعمال فشارهای عمیق‌تر اقتصادی، بحران‌های معیشتی در ایران را افزایش دهد و سبب دامن زدن به اعتراضات مردم و تضعیف بیشتر مشروعیت جمهوری اسلامی شود.

● میثم ظهوریان نائب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هشدار داده که افزایش قیمت بنزین سبب «انفجار اجتماعی» در ایران خواهد شد.

روزنامه «اعتماد» چاپ تهران نسبت به بروز «اعتراضات سراسری» در نیمه دوم سال جاری خورشیدی به دلیل افزایش بحران‌های اقتصادی خانوارها هشدار داده است. این مطلب کاهش فشار معیشتی، افزایش متناسب حقوق، شفافیت با مردم، شنیدن صدای منتقدان و گشودن کانال‌های ارتباطی را راهکاری برای کاهش زمینه‌های بروز بحران اجتماعی خوانده است.

اقتصاد ایران طی ماه‌های گذشته به علت فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ و محاصره دریایی بیش از پیش دچار رکود توری می‌شده است. در حالی که نزدیک به نیم قرن ناکارآمدی، سوء مدیریت و فساد رانتی در ساختار جمهوری اسلامی اقتصاد ایران را از مسیر توسعه دور کرده و بحران‌های در هم تنیده و انباشته‌ای در بخش‌های مختلف اقتصادی ایجاد کرده، اکنون فشارهای اقتصادی ایالات متحده به ابزاری جدی برای تضعیف جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

در این میان دولت با خزانه خالی و نداشتن تدبیر برای عبور از بحران اقتصادی در شرایط جنگ، راهکارهایی برای جبران کسری بودجه در دست اجرا دارد که همگی محرکی مهم برای افزایش تورم هستند. هزینه‌های خانوارها در چنین شرایطی با افزایش روبرو می‌شود اما در آنسو هیچ برنامه حمایتی مؤثری از سوی دولت برای تحت پوشش قرار دادن اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر وجود ندارد. اینهمه سناریویی را رقم زده است که در آن بخش اکثریت جامعه هر ماه و هر هفته بیش از پیش به زیر خط فقر رانده می‌شود. کارشناسان نیز مدت‌هاست نسبت به پایان تحمل مردم و فوران خشم عمومی هشدار می‌دهند. برای نمونه دولت تصمیم دارد در بدترین زمان ممکن قیمت بنزین را افزایش دهد. هدف دولت کاهش فشار مالی از بودجه دولت با حذف یارانه بنزین است. این اقدام اما به علت افزایش هزینه حمل و نقل بطور مستقیم و غیرمستقیم بر افزایش قیمت تمامی کالاها و خدمات اثر خواهد داشت.

در همین رابطه میثم ظهوریان نائب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هشدار داده که افزایش

بحرانی‌تر شدن وضعیت خشکسالی در ایران



رئیس کمیسیون آب و محیط زیست اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان «رضوی» افزوده «مجموع هدررفت آب در شبکه‌های مشهد و مناطق اطراف حدود ۶۵ میلیون مترمکعب برآورد می‌شود.»

در این میان عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب ایران با ارائه جدیدی درباره خشکسالی گفته سال گذشته حدود ۶۵ درصد کشور، یعنی نزدیک به دو سوم سرزمین، درگیر خشکسالی بود و امسال نیز در حدود یک‌سوم کشور با کم‌بارشی روبرو است.

او همچنین با اشاره به آمار کاهش بارندگی‌ها گفته استان‌های تهران و قم با ۳۲ درصد کمبود بارش در صدر قرار دارند. استان‌های مرکزی، یزد، قزوین، اصفهان، سمنان، البرز، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری و اردبیل با ۱۰ تا ۲۲ درصد کاهش پایین‌تر از میزان نرمال خود بارش دریافت کرده‌اند.

خشکسالی در ایران اگر چه بخش کشاورزی را به شدت متأثر و سبب بروز فرونشست در همه استان‌های کشور شده که اکنون هشدارها درباره تهدید جانی شهروندان به علت افزایش خشکسالی افزایش یافته است.

به گزارش «صندوق کودکان ملل متحد» (یونسف) آلودگی هوا تهدیدی جدی علیه سلامت کودکان در ایران است. بر اساس «مخاطرات اقلیمی کودکان ۲۰۲۶» که توسط یونسف تنظیم شده ایران در شاخص «هوا» با امتیاز ۹/۳۹ از ۱۰، یکی از بالاترین سطوح مواجهه کودکان با آلودگی هوای محیطی را در این سنجش به خود اختصاص داده است.

دومین تهدید اقلیمی، توفان‌های شن و گرد و غبار هستند. امتیاز ۷/۸۶ در این بخش نشان می‌دهد گرد و غبار سهم بزرگی در افزایش ریسک اقلیمی کودکان دارد. سومین تهدید کودکان، گرماست که یونسف آن را در دو شاخص «گرمای شدید» با امتیاز ۷/۵۴ و «موج‌های گرما» با امتیاز ۶/۹۷ سنجیده است. خشکسالی نیز با امتیاز ۶/۶۵ در میان مهم‌ترین مخاطرات اقلیمی کودکان در ایران قرار دارد.

شهری و بی‌توجهی به مدیریت مصرف هشدار داد و گفت: «بزرگ‌ترین مشکل آب در ایران، نفهمیدن مسئله و در نتیجه ارائه راهکارهای نادرست است.»

همچنین خبرگزاری «ایرنا» گزارش داده سیستان و بلوچستان با میانگین بارش سالانه کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر، از کم‌بارش‌ترین مناطق کشور به شمار می‌رود و ۹۴ درصد مساحت آن با درجات مختلف خشکسالی مواجه است.

بر اساس این گزارش، خشکسالی در سیستان و بلوچستان، تأمین آب آشامیدنی را به یکی از چالش‌های پایدار استان تبدیل کرده؛ موضوعی که دولت چهاردهم برای مدیریت آن، همزمان توسعه شبکه، افزایش ذخیره‌سازی و استفاده از ظرفیت‌های جدید تأمین آب را دنبال می‌کند.

بهنام بخشی، سخنگوی شرکت آب و فاضلاب استان تهران، نیز به تازگی از کاهش ذخایر سدهای پنجگانه تهران از حدود ۳۰ درصد در ابتدای تابستان به ۲۶ درصد خبر داد و بر تداوم مدیریت مصرف آب تأکید کرد.

او افزود پایتخت ششمین سال خشکسالی را پشت سر می‌گذارد و برای رسیدن به شرایط ایده‌آل آبی به حدود ۲۸۰ میلی‌متر بارندگی نیاز دارد، در حالی که میزان بارندگی امسال هنوز به ۱۷۵ میلی‌متر نرسیده است.»

کارشناسان می‌گویند برای تأمین آب آشامیدنی تهران در یک سال نرمال باید حدود ۸۵۰ میلیون متر آب در پنج سد تأمین‌کننده آب تهران ذخیره باشد اما اکنون مجموع حجم آب موجود در مخازن سدهای پایتخت ۵۷۴ میلیون مترمکعب است.

اگر چه اخبار مرتبط با خشکسالی در ایران بر تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی متمرکز است اما یکی از دلایل بحران کم‌آبی در ایران سوء مدیریت جمهوری اسلامی در حوزه آب و توسعه شبکه توزیع آب بوده است. به گفته محمد علایی «هدررفت آب در مشهد حدود ۱۸ درصد است و در شهرها و روستاهای اطراف نیز میزان هدررفت بالاست. در شاندیز و طبقه این رقم به حدود ۶۵ درصد می‌رسد.»

● میزان ورودی مخازن سدهای کل کشور از ابتدای سال آبی (ابتدای مهرماه) تا ۲۴ مردادماه، معادل ۴۶/۲۵ میلیارد مترمکعب بود که در مقایسه با سال گذشته که ۲۷/۳۸ میلیارد مترمکعب بوده، ۶۹ درصد افزایش داشته است.

● همچنین در شش سد مهم کشور شامل سدهای لار، دوستی، طرق، پانزده خرداد، بارزو و ساوه میزان پرشدگی کمتر از ۱۰ درصد است.

● محمد علایی، رئیس کمیسیون آب و محیط زیست اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان «رضوی»، با اشاره به وضعیت منابع آب مشهد، نسبت به ادامه روند برداشت از منابع زیرزمینی، توسعه شهری و بی‌توجهی به مدیریت مصرف هشدار داده است.

با وجود افزایش بارندگی و ورود آب به سدها نسبت به سال گذشته، تا ۲۴ مردادماه هنوز ۴۵ درصد ظرفیت مخازن سدهای ایران خالی است و میزان پرشدگی سدها در یک هفته دو درصد کاهش یافته است.

بر اساس آخرین آمارها از شرکت مدیریت منابع آب ایران، میزان ورودی مخازن سدهای کل کشور از ابتدای سال آبی (ابتدای مهرماه) تا ۲۴ مردادماه، معادل ۴۶/۲۵ میلیارد مترمکعب بوده که در مقایسه با سال گذشته که ۲۷/۳۸ میلیارد مترمکعب بوده، ۶۹ درصد افزایش داشته است.

همچنین میزان کل خروجی سدهای کشور نیز نسبت به سال قبل ۱۸ درصد افزایش داشته است. حجم آب موجود مخازن اکنون ۲۸/۷۲ میلیارد مترمکعب ثبت شده که این میزان نسبت به سال قبل که ۲۱/۰۵ میلیارد مترمکعب بوده ۲۶ درصد افزایش داشته است. حجم پرشدگی سدهای کشور نیز تا این تاریخ ۵۵ درصد است که در مقایسه با حجم پرشدگی تا تاریخ ۱۷ مردادماه (۵۷ درصد)، دو درصد کاهش یافته است.

همچنین در شش سد مهم کشور شامل سدهای لار، دوستی، طرق، پانزده خرداد، بارزو و ساوه میزان پرشدگی کمتر از ۱۰ درصد است. مجموع بارش کشور از ابتدای سال آبی تاکنون ۲۳۷/۵ میلی‌متر بوده است. این میزان اگرچه به میانگین بلندمدت ۲۳۹/۷ میلی‌متر نزدیک است و نسبت به ۱۴۶/۸ میلی‌متر بارش سال گذشته افزایش محسوسی دارد، اما افزایش بارندگی تا کنون نتوانسته مانع کاهش ذخایر برخی سدهای مهم شود.

ادامه خالی بودن نزدیک به نیمی از ظرفیت مخازن سدها، همراه با کاهش میزان پرشدگی در فاصله تنها یک هفته، بار دیگر نگرانی‌ها درباره وضعیت منابع آب ایران و تداوم بحران کم‌آبی در بخش‌هایی از کشور را افزایش داده است. بحران خشکسالی در همه مناطق ایران یکسان نیست و برخی استان‌ها با شرایط بحرانی‌تری روبرو هستند. استان خراسان «رضوی» از جمله استان‌هایی است که با کاهش چشمگیر منابع آبی روبروست. چهارده شهر و ۵۲۳ روستای خراسان «رضوی» با تنش آبی روبرو و در وضعیت قرمز آبی هستند. همچنین، ۹۸ درصد از پهنه شهرستان مشهد در شرایط خشکسالی شدید قرار دارد. همچنین از مجموع ۳۷ دشت استان خراسان «رضوی»، نیمی در وضعیت «ممنوعه بحرانی» قرار دارند. محمد علایی، رئیس کمیسیون آب و محیط زیست اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان «رضوی»، با اشاره به وضعیت منابع آب مشهد، نسبت به ادامه روند برداشت از منابع زیرزمینی، توسعه

افزایش تکانه‌دهنده ۵۰۰ تا ۷۰۸ درصدی قیمت برخی داروها!



آنتی‌بیوتیک پرکاربرد «کلاریترومایسین» که برای مهار عفونت‌های باکتریایی و تنفسی استفاده می‌شود، جهش ۳۰۸ درصدی را ثبت کرده است. کپسول «اورسوداکسی کولیک اسید» برای درمان سنگ کیسه صفرا و بیماری‌های کبدی، و همچنین «میرین» که دارویی کلیدی در کنترل سندرم روده تحریک‌پذیر است، به ترتیب با رشدهای ۱۸۴ و ۱۸۰ درصدی مواجه شده‌اند.

از سوی دیگر این موج افزایشی به داروهای عمومی‌تر نیز رسیده است. شربت سرماخوردگی ترکیبی، کپسول «امپرازول» برای مشکلات معده و قرص «کافو کلد»، همگی افزایش قیمت بالای ۱۲۷ تا ۱۳۵ درصدی داشته‌اند. قرص «کوآموکسی کلاو» با ۱۱۵ درصد و کپسول ضدالتهاب «ایندومتاسین» با ۱۰۰ درصد رشد در همین کانال قرار دارند. در سطوح پایین‌تر نیز، از «آموکسی سیلین» با رشد ۸۷ درصدی تا «سفالکسین» با ۶۸ درصد تغییر قیمت دیده می‌شود. این داده‌ها فراتر از گزارش‌های مالی، نشان می‌دهند که چگونه افزایش هزینه تمام‌شده در کارخانه‌ها، دسترسی به برخی نیازهای پایه درمانی را بازتعریف کرده است.

این گزارش تأکید کرده اهمیت شرکت «لقمان» در بازار سلامت به دلیل سهم بالای آن در تولید داروهای عمومی و پرمصرفی است که مستقیماً در سبد روزانه اقشار مختلف قرار دارند.

داده‌های مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه تولیدکننده در بخش ساخت محصولات دارویی، مواد شیمیایی و گیاهی از تورم عمومی اقتصاد بیشتر شده و به ۱۱۴ درصد رسیده است.

در کنار افزایش قیمت دارو، کمبود اقلام دارویی نیز برای بیماران از جمله مبتلایان به بیماری‌های خاص به

وبسایت «تجارت نیوز» در توضیح بحران دارو نوشته «اینکه بسیاری از بیماران سرطانی به دلیل افزایش بی‌رویه قیمت دارو مجبور به ترک درمان شده‌اند و بسیاری از داروها به دلایل گوناگون از شمول بیمه خارج شده واقعیتهایی است که کسی نمی‌تواند آن را انکار کند. از سوی دیگر کمبود داروهای اعصاب و روان و برخی بیماری‌های خاص نیز معضل دیگری است که بیماران با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.»

روزنامه «جوان» نیز نوشته «در یک سوی جامعه، شهروند برای تهیه دارو یا تأمین هزینه‌های ضروری زندگی گرفتار است و در سوی دیگر، خبر از منابع میلیاردی، پرونده‌های کلان ارزی و شبکه‌های سازمان‌یافته اقتصادی منتشر می‌شود.»

در این مطلب آمده «مشکل جامعه فقط «مفسد» نیست، ساختاری است که گاهی به مفسد فرصت می‌دهد برای مدت طولانی مفسد کند؛ و شاید مهم‌ترین اصلاح از همین‌جا آغاز شود: به جای آنکه دائماً منتظر افشای فسادهای بزرگ بمانیم، ساختار حکمرانی را چنان اصلاح کنیم که فساد بزرگ اساساً نتواند در تاریکی رشد کند.»

روزنامه «هم‌میهن» گزارش داده بررسی فهرست جدید قیمت ۵۰ قلم از محصولات شرکت داروسازی «لقمان» نشان می‌دهد قیمت برخی داروها بیش از ۵۰۰ درصد و در یک مورد تا ۷۰۸ درصد افزایش یافته است.

بر اساس این گزارش، «تادالافیل» ۲۰ میلی‌گرمی با افزایش ۷۰۸ درصدی بیش‌ترین رشد قیمت را در این فهرست داشته است. «دنیزیل» ۱۰ میلی‌گرمی، از داروهای مورد استفاده برای کنترل علائم آلزایمر، ۵۴۳ درصد و دوز پنج میلی‌گرمی آن ۴۲۷ درصد گران شده است.

گزارش روزنامه «هم‌میهن» افزوده در رتبه‌های بعدی،

● بحران کمبود و گرانی دارو و تجهیزات پزشکی ادامه دارد و افزایش تعرفه خدمات درمانی و قیمت دارو سبب شده بسیاری از شهروندان درمان را از سبد مصرفی خود کاملاً حذف کنند.

● بر اساس گزارش‌ها، تنها در یک شرکت داروسازی ۵۰ قلم از محصولات تولیدی با افزایش قیمت روبرو شده و قیمت برخی داروها بیش از ۵۰۰ درصد و در یک مورد تا ۷۰۸ درصد افزایش یافته است.

● داده‌های مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه تولیدکننده در بخش ساخت محصولات دارویی، مواد شیمیایی و گیاهی از تورم عمومی اقتصاد بیشتر شده و به ۱۱۴ درصد رسیده است.

● بحران در بخش درمان ایران فقط مربوط به هزینه بالای دارو نیست و دیگر هزینه‌های درمان از خدمات ویزیت تا انجام امور آزمایشگاهی و دندانپزشکی نیز با افزایش سرسام‌آور تعرفه روبرو شده است. افزایش هزینه‌ها سبب رها کردن درمان از سوی شهروندان شده است؛ موضوعی که کارشناسان نسبت به پیامدهای آن هشدار می‌دهند.

بحران کمبود و گرانی دارو و تجهیزات پزشکی ادامه دارد و افزایش تعرفه خدمات درمانی و قیمت دارو سبب شده بسیاری از شهروندان درمان را از سبد مصرفی خود کاملاً حذف کنند. قیمت دارو اواخر امرداد امسال با موج دیگری از گرانی روبرو شد بطوری که بر اساس گزارش‌ها، تنها در یک شرکت داروسازی ۵۰ قلم از محصولات تولیدی با افزایش قیمت روبرو شدند و قیمت برخی داروها بیش از ۵۰۰ درصد و در یک مورد تا ۷۰۸ درصد افزایش یافته است.

زنگ خطر در بخش صنعت ایران؛ تورم تولیدکننده در بهار امسال ۱۰۹ درصد شد



کالاهای تولیدی و در نتیجه افزایش بیش از پیش گرانی کالاها است.

جزییات آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تورم فصلی صنعت از ۲۷/۱ درصد در زمستان به ۳۶/۲ درصد در بهار رسیده است. تورم نقطه به نقطه نیز از ۶۶/۳ درصد به ۱۰۹ درصد افزایش یافته و تورم سالانه از ۵۱/۸ درصد به ۷۰/۹ درصد رسیده است. بنابراین رشد قیمت‌های تولیدکننده در صنعت تنها به اثر مقایسه‌ای با سال گذشته محدود نیست و در خود فصل بهار نیز شتاب گرفته است.

بر اساس این گزارش در صنایع غذایی تولید محصولات غذایی با ضریب اهمیت ۹/۸۵ درصد در بهار تورم فصلی ۳۵/۳ درصدی و تورم نقطه به نقطه ۱۳۷/۶ درصدی را ثبت کرده است.

این نرخ نشان می‌دهد یکی از بخش‌هایی که ارتباط مستقیم‌تری با سبد مصرف خانوار دارد، با افزایش شدید قیمت‌های تولیدکننده مواجه شده است. در چنین شرایطی، میزان انتقال این افزایش به قیمت نهایی به قدرت خرید، وضعیت تقاضا و شرایط رقابتی بازار بستگی خواهد داشت.

در بخش مواد شیمیایی نیز تورم فصلی ۵۵/۳ درصد و تورم نقطه به نقطه ۱۲۹ درصد ثبت شده است. اهمیت این ارقام از آنجا بیشتر می‌شود که محصولات شیمیایی در بسیاری از صنایع به‌عنوان مواد اولیه و نهاده تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند.

همچنین تورم نقطه به نقطه تولید در بخش فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی به ۱۶۳/۴ درصد، کاغذ و محصولات کاغذی به ۱۳۸/۸ درصد، مواد شیمیایی به ۱۲۹ درصد و تجهیزات برقی به ۱۱۵ درصد رسیده است.

● بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه به نقطه بخش صنعت از ۶۶/۳ درصد در زمستان گذشته به ۱۰۹ درصد در بهار امسال افزایش یافته و تورم سالانه از ۵۱/۸ درصد به ۷۰/۹ درصد رسیده است.

● اقتصاد ایران از جمله در بخش صنعت به شدت به واردات مواد اولیه و تکنولوژی وابسته است. این وابستگی سبب می‌شود افزایش نرخ ارز به سرعت هزینه‌های تولید را تحت تأثیر قرار داده و در نهایت قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات با افزایش روبرو شود.

● بخش صنعت مدت‌هاست با بحران رکود تورمی روبروست و شوک جدید ناشی از افزایش بی‌سابقه قیمت ارز در روزهای گذشته ممکن است سبب خاموش شدن چرخ تولید در بسیاری از صنایع شود.

● فعالان بخش صنعت معتقدند اقدامات دولت کاملاً ضدتولید است و صنایع را قربانی کمبودها می‌کند. یکی از بارزترین نمونه‌های تحمیل خسارت به صنایع توسط دولت، جیره‌بندی برق است که بلافاصله پس از تعطیلات نوروز امسال آغاز شد و همچنان ادامه دارد.

محاسبات مرکز آمار ایران از شاخص قیمت تولیدکننده در بهار ۱۴۰۵ از تشدید فشار قیمتی در بخش صنعت حکایت دارد؛ بطوری که شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت به ۶۰۵/۳ رسیده و تورم فصلی این بخش ۳۶/۲ درصد، تورم نقطه به نقطه ۱۰۹ درصد و تورم سالانه ۷۰/۹ درصد ثبت شده است.

افزایش هر سه شاخص تورم در بهار امسال نسبت به فصل پیشتر نشان می‌دهند تورم عمومی اقتصاد فشار مضاعفی در بخش صنعت ایجاد کرده است. از سوی دیگر افزایش هزینه‌ها در این بخش به معنای افزایش قیمت تمام شده

→ بحران تبدیل شده است. گزارش‌های میدانی حاکی از آنست که گاهی بیماران برای یافتن دارو روزهای متوالی در داروخانه‌ها سرگردان هستند.

محمد هاشمی، سخنگوی سازمان غذا و دارو، روز چهارشنبه چهارم شهریورماه اعلام کرده کمبود دارو نتیجه یک عامل واحد نیست و از اختلال هم‌زمان در چند بخش زنجیره تأمین ناشی می‌شود. به گفته او این مشکلات «از تأمین مواد اولیه و تخصیص و انتقال ارز گرفته تا نقدینگی، قیمت‌گذاری، تولید و توزیع» را شامل می‌شود.

به گفته محمد هاشمی، تحریم‌ها و محدودیت‌های حمل‌ونقل فشار ایجاد کرده‌اند، اما مشکلات داخلی مانند تأخیر در اصلاح قیمت و کمبود نقدینگی نیز نقش مهمی در کاهش صرفه اقتصادی تولید برخی اقلام دارند.

سخنگوی سازمان غذا و دارو همچنین از تقویت ذخایر راهبردی دارو با اختصاص ۷۰۰ میلیون دلار و هزینه حدود ۲۱ هزار میلیارد تومان خبر داده و تأکید کرده است برای جلوگیری از تکرار کمبودها، تخصیص ارز، تأمین نقدینگی، اصلاح قیمت، پوشش بیمه‌ای و ذخایر راهبردی باید هم‌زمان مدیریت شوند. به گفته او، هدف باید عبور از «رفع کمبود» به «پیشگیری از کمبود» و مدیریت زنجیره تأمین ماه‌ها پیش از خالی شدن قفسه‌های داروخانه باشد.

بحران در بخش درمان ایران فقط مربوط به هزینه بالای دارو نیست و دیگر هزینه‌های درمان از خدمات ویزیت تا انجام امور آزمایشگاهی و دندانپزشکی نیز با افزایش سرسام‌آور تعرفه روبرو شده است. افزایش هزینه‌ها سبب رها کردن درمان از سوی شهروندان شده است؛ موضوعی که کارشناسان نسبت به پیامدهای آن هشدار می‌دهند.

سلمان اسحاقی سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز تشکیل کمیته ویژه با حضور نهادهای نظارتی برای بررسی افزایش هزینه‌های آزمایشگاهی خبر داده است.

سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با اشاره به نشست اعضای این کمیسیون با مدیرکل تجهیزات پزشکی سازمان غذا و دارو با حضور نهادهای امنیتی، ضمن تأکید بر اعلام هشدار تعطیلی از سوی جامعه علوم آزمایشگاهی به دلیل افزایش هزینه‌ها و ناتوانی در تأمین تجهیزات و تجهیزات مصرفی آزمایشگاهی، گفت: «نکته مهم‌تر بحث عدم توانایی بیماران برای انجام آزمایشات تشخیصی به دلیل هزینه بالا است؛ که بعضاً مراجعه می‌کنند و وقتی می‌بینند هزینه‌ها بالا است، از ادامه درمان صرف نظر می‌کنند و یا درمان خودخواسته را جایگزین می‌کنند یا با تصمیم خود درمان‌هایی را انجام می‌دهند که این باعث خطر جدی برای نظام سلامت است.»

سلمان اسحاقی گفته مقامات سازمان غذا و دارو حذف ارز ترجیحی از تجهیزات آزمایشگاهی را انکار کردند و «سوال ما از مدیر کل تجهیزات پزشکی سازمان غذا و دارو این بود که اگر حذف ارز دولتی انجام نشده، چرا افزایش هزینه‌ها را شاهد هستیم؟! که متأسفانه شاهد عدم پاسخگویی و عدم اطلاع مدیر کل تجهیزات پزشکی سازمان غذا و دارو بودیم، که مقرر شد حسب دستور رئیس جلسه، رضا جباری از اعضای کمیسیون و مهدی فلاح، رئیس کمیته تجهیزات پزشکی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، در کمیته‌ای ویژه با همراهی نهادهای وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه و سازمان بازرسی کل کشور، ظرف مدت ۱۰ روز کاری، تحقیق و بررسی‌های لازم را انجام دهند و در صورتی که این بررسی‌ها نشان‌دهنده سوء مدیریت، ترک فعل و تصمیمات نادرست باشد، قطعاً با اقدامات سلبی، حقوقی و قضایی برخورد جدی خواهد شد.»

گسترش اعتراضات صنفي کارگران و بازنشستگان با تشديد بحران‌های اقتصادی

«ما ديگه جنگ می‌خوايم، فقر و گرونی نمی‌خوايم»، «جنگ و مذاکره بهانه است، زندگی‌مون نشانه است»، «نان گران، دارو گران. دولت شده دشمن جان» از جمله شعارهای بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در تجمعات شهرهای مختلف بوده است.

= بازنشستگان شرکت مخابرات ایران نیز تجمعات هفتگی خود در روزهای دوشنبه را ادامه می‌دهند. آنها روز دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵، تجمعی سراسری و همزمان را در شهرهای مختلف کشور از جمله کرمانشاه، بیجار، شیراز، اراک، اهواز، همدان، سنج، بندرعباس و ارومیه برگزار کردند.

= «جنگ طلبی کافیه، سفره ما خاليه» نیز شعاری بود که روز دوشنبه دوم شهریورماه از سوی بازنشستگان فولاد مبارکه و ذوب آهن اصفهان که در تجمع و راهپیمایی مشترکی در شهر اصفهان شرکت کرده بودند سر داده شد.

= اعتراضات کارگران شاغل در بخش‌های مختلف صنعتی، تولیدی و خدماتی نیز در روزهای گذشته با افزایش روبرو بوده است. اخراج با عدم تهدید قرارداد کار، پرداخت نشدن ماه‌ها حقوق و مزایای شغلی، پرداخت نشدن حق بیمه کارگران، عدم افزایش دستمزد و شرایط دشوار کاری از دلایل برگزاری تجمعات اعتراضی توسط کارگران است.

= پایه مزد کارگران در سال جاری، ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان تعیین شده که با نرخ دلار امروز ۸۳ دلار است. بر اساس گزارش‌های جهانی، مزدبگیران ایران با دستمزد متوسط ۸۵ دلاری، در بین کشورهایی که کمترین دستمزد را دریافت می‌کنند، رتبه سوم را به خود اختصاص داده‌اند. = مسعود پزشکیان گفته «دولت با محدودیت‌های مالی مواجه است، وقتی شعار می‌دهيم، بايد سختی آن را هم بپذيريم!»

بحران‌های مالی خانوارهای حقوق‌بگیر با افزایش تورم و کاهش ارزش واقعی درآمدها افزایش یافته آنهم در حالی که برنامه‌های حمایتی دولت نیز بی‌اثر و ناکافی هستند. این شرایط سبب گسترش فقر و گرسنگی شده و اعتراضات صنفی اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران و بازنشستگان را گسترده‌تر کرده است.

در هفته‌های گذشته بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی و شرکت مخابرات ایران بطور هفتگی تجمعات اعتراضی سراسری در شهرهای مختلف کشور را برگزار کرده‌اند.

بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی یکشنبه هفته جاری برای چندمین هفته پیاپی در سال جدید تجمعاتی همزمان در چند شهر ایران را برگزار کردند. شعار بازنشستگان علیه جمهوری اسلامی تندتر شده است. «ما ديگه جنگ نمی‌خوايم، فقر و گرونی نمی‌خوايم»، «جنگ و مذاکره بهانه است، زندگی‌مون نشانه است»، «نان گران، دارو گران. دولت شده دشمن جان» از جمله شعارهای بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در تجمعات شهرهای مختلف بوده است.

بازنشستگان شرکت مخابرات ایران نیز تجمعات

هجوم می‌آورد»، قطع برق صنایع را اقدامی «ضد تولید ملی» خواند و نوشت محدودیت‌های برق باید بطور عادلانه میان بخش‌های خانگی، تجاری، خدماتی و صنعتی توزیع شود و بخش تولید و صنعت نباید به تنهایی بار بحران انرژی کشور را به دوش بکشد.

دولت پزشکیان با وجود شرایط جنگی حتی از صنایع حیاتی مانند صنایع غذایی و دارویی هم حمایت نکرده و این صنایع با بحران‌های مضاعفی روبرو هستند.

مسعود بختیاری، رئیس هیئت مدیره سندیکای صنایع کسرو ایران، به تازگی در گفتگو با وبسایت «دیدبان ایران» اعلام کرده «واحدهای تولیدی در حال حاضر با چالش‌های بسیار جدی در زمینه تأمین مواد اولیه مواجه هستند و این مشکلات هم در حوزه دسترسی به مواد اولیه و هم در بخش قیمت، فشار زیادی به تولیدکنندگان وارد کرده است.»

وی با تأکید بر اینکه تولیدکنندگان در شرایط فعلی با یک معادله دو سر باخت مواجه هستند، گفته «اگر تولیدکننده قیمت محصولات خود را متناسب با افزایش هزینه‌ها اصلاح نکند، ناچار است محصولاتش را با زیان به فروش برساند و اگر به سمت منطقی‌سازی قیمت حرکت کند، با توجه به کاهش قدرت خرید مردم، با کاهش تقاضا و افت شدید فروش مواجه خواهد شد. بختیاری تصریح کرد: تولید در شرایط اضطراری قرار گرفته و وضعیت موجود به دلیل همزمانی تورم و رکود، بسیار نگران‌کننده است. از یک سو تورم هزینه‌های تولید را افزایش داده و از سوی دیگر رکود حاکم بر بازار موجب شده قدرت خرید مردم کاهش پیدا کند.»

مهدی میرصالحی رئیس سازمان غذا و دارو، نیز گفته که توقف و یا کندی انتقال ارز پس از جنگ ۱۲ روزه در سال ۱۴۰۴، عامل اصلی کمبود دارو ماه‌های فروردین و اردیبهشت امسال بوده است. او گفته در این دوره انتقال پول برای کشور کند شد؛ بطوری که در یک بازه یک تا دو ماهه، این انتقال تقریباً متوقف و در چهار ماه بعدی نیز با سرعت بسیار پایینی انجام شد.

رئیس سازمان غذا و دارو افزوده این اختلال در روند انتقال ارز به شرکت‌های خارجی، باعث ایجاد زنجیره‌ای از مشکلات در بازه‌ای شش ماهه و کمبود دارو در فروردین و اردیبهشت ماه امسال شد. مهدی میرصالحی با اشاره به اینکه «از ماه‌ها قبل مکاتبات و هشدارهای لازم انجام شده بود»، اعلام کرد که «گفته بودیم اگر ارز دارو و تجهیزات پزشکی به موقع منتقل نشود، کشور با چالش مواجه خواهد شد.»

روزنامه «جهان صنعت» هفته گذشته هشدار داد زنگ‌های خطر برای صنعت ایران به‌صدا درآمده است؛ جایی که چرخ‌های تولید در گذار از دویبحران همزمان، یکی فشار بی‌سابقه هزینه‌ها از سمت تأمین‌نهاد و دیگری ریزش تقاضای موثر از سوی مصرف‌کننده، با سرعتی نگران‌کننده درحال از حرکت بازایستادن هستند.

«جهان صنعت» تأکید کرده تولیدکنندگان از یک‌سو با افزایش هزینه‌ها و کاهش حاشیه سود مواجه هستند و از سوی دیگر، قدرت خرید مصرف‌کنندگان نیز به‌دلیل تورم عمومی کاهش یافته و تقاضا برای کالاهای غیرضروری افت پیدا کرده است. بزرگ‌ترین زنگ خطر، احتمال انتقال موج تورمی به قیمت مصرف‌کننده است. اگرچه افزایش شاخص قیمت تولیدکننده همیشه یک‌به‌یک به تورم مصرف‌کننده منتقل نمی‌شود اما تداوم و شدت آن، جبران این فشار از سوی تولیدکنندگان را غیرممکن می‌سازد و به‌ناچار به افزایش قیمت کالاها در بازار خرده‌فروشی خواهد انجامید.

خبرگزاری «مهر» در گزارشی با اشاره به آمارهای تورم بخش صنعت در بهار امسال نوشته افزایش تورم در صنعت نشان می‌دهد فشار هزینه‌ای علاوه بر صنایع تولیدکننده مواد اولیه، در بخش‌هایی که مستقیماً با بازار کالاهای نهایی ارتباط دارند نیز ادامه داشته است. این موضوع می‌تواند تصمیم‌بنگاه‌ها درباره قیمت‌گذاری، تولید و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهد.

این گزارش افزوده تورم تولیدکننده می‌تواند ابتدا هزینه بنگاه را افزایش دهد، سپس قیمت فروش را تحت فشار قرار دهد و در صورت محدود بودن قدرت خرید، بخشی از این فشار را به حاشیه سود و سرمایه‌گذاری منتقل کند. در نهایت، اگر کاهش تولید یا سرمایه‌گذاری رخ دهد، سمت عرضه نیز می‌تواند تحت تأثیر قرار گرفته و زمینه برای تداوم فشار قیمتی فراهم شود.

اینهمه در حالیست که از ابتدای تابستان و طی دو ماه گذشته نرخ ارز در ایران با افزایش قابل توجهی روبرو شده و در هفته جاری قیمت دلار با ثبت رکوردی تاریخی از مرز ۲۰۰ هزار تومان عبور کرده است. اقتصاد ایران، از جمله بخش صنعت، به شدت به واردات مواد اولیه و تکنولوژی وابسته است. این وابستگی سبب می‌شود افزایش نرخ ارز به سرعت هزینه‌های تولید را تحت تأثیر قرار داده و در نهایت قیمت تمام شده کالاها و خدمات با افزایش روبرو شود.

از سوی دیگر بخش صنعت در ایران به دلیل مشکلات ساختاری اقتصاد، نظام رانتی و مافیایی حکومت، و تحریم با رکود مزمن روبرو بوده و این رکود در ماه‌های گذشته در پی جنگ با آمریکا تشدید شده است. عمیق شدن رکود در کنار تورم فزاینده باعث شده صنایع به سختی فعالیت خود را ادامه دهند. شوک جدید ناشی از افزایش بی‌سابقه قیمت ارز اما ممکن است سبب خاموش شدن چرخ تولید در بسیاری از صنایع شود.

این خطر آنقدر جدی بوده است که رئیس کل بانک مرکزی نیز در اظهارات اخیرش ادعای تخصیص منابع برای صنایع را مطرح کرده است. عبدالناصر همتی گفته عبدالناصر همتی روز گذشته در نشست با اعضای مجمع کارآفرینان ایران اعلام کرد که ۱۶ میلیارد دلار ارز برای بخش صنعت تأمین شده و این رقم تا پایان سال به ۲۰ میلیارد دلار خواهد رسید. ادعای در نظر گرفتن منابع ارزی برای حمایت از صنایع در شرایطی مطرح می‌شود که فعالان بخش صنعت معتقدند اقدامات دولت کاملاً ضدتولید است و صنایع را قربانی کمبودها می‌کند. یکی از بارزترین نمونه‌های تحمیل خسارت به صنایع توسط دولت، جیره‌بندی برق است که بلافاصله پس از تعطیلات نوروز امسال آغاز شد و همچنان ادامه دارد.

سعید شجاعی، معاون برنامه‌ریزی وزارت صنعت، معدن و تجارت، ماه گذشته اعلام کرد «عدم‌النفع» ناشی از قطع برق صنایع از حدود ۳۰۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ به حدود ۴۷۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ افزایش یافته است و در صورت تداوم شرایط کنونی، احتمال تشدید بیکاری در نیمه دوم سال وجود دارد.

عدم‌النفع به معنای سود یا درآمدی است که فعالان اقتصادی به‌دلیل بروز موانعی بیرونی مانند قطع برق، فرصت به‌دست آوردن آن را از دست داده‌اند.

همچنین روزنامه «اطلاعات» نیز در مطلبی انتقادی هشدار داده که تداوم و افزایش خاموشی برق صنایع در ایران می‌تواند پیامدهای سنگینی برای اقتصاد کشور، از جمله افزایش آمار بیکاری، به دنبال داشته باشد.

این روزنامه در گزارشی با عنوان «برق که می‌رود، بیکاری

امروز ۸۳ دلار است. این گزارش افزوده پایه مزد کارگران ایرانی در حالی به ۸۳ دلار تنزل یافته است که بر اساس گزارش‌های جهانی، مزدبگیران ایران با دستمزد متوسط ۸۵ دلاری، در بین کشورهایی که کمترین دستمزد را دریافت می‌کنند، رتبه سوم را به خود اختصاص داده‌اند. خبرگزاری «ایلنا» تأکید کرده «این سقوط، یک سقوط با شیب تند و بسیار بی‌سابقه است؛ از یک طرف، علیرغم نرخ رسمی ۴۲ میلیون تومانی سید معیشت در اسفند ۱۴۰۴، نمایندگان شرکای اجتماعی در نهادهای به نام شورای عالی کار که زیر استیلای دولت و کارفرمایان قرار دارد و بطور مداوم و سیستماتیک، دستمزد کارگران را سرکوب می‌کند، پایه مزد فقط ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان تعیین شد که دریافتی کارگران مجرد را به کمی بیش از ۲۱ میلیون و کارگران متاهل و صاحب یک فرزند را به ۲۴ میلیون تومان رساند؛

کارگران، عدم افزایش دستمزد و شرایط دشوار کاری از دلایل برگزاری تجمعات اعتراضی توسط کارگران است. کارگران شاغل در شرکت «فنی مهندسی ارگ و پی چابهار» روز گذشته در اعتراض به سه ماه معقات مزدی تجمع کردند. کارگران معترض اعلام کردند به دلیل تأخیر در دریافت معوقات، قادر به تنظیم هزینه‌های زندگی خود نیستند؛ چراکه تأخیر در پرداخت دستمزد، گاه و بیگاه اتفاق می‌افتد و نظام زندگی کارگران را برهم می‌ریزد. این کارگران همچنین حق بیمه فروردین را دریافت نکرده و می‌گویند پیمانکار حتی در توزیع غذا بین کارگران و مهندسان و مدیران تبعیض قائل می‌شود. جمعی از کارگران اخراجی فولاد شادگان نیز که پس از جنگ از کار بیکار شدند در هفته‌های گذشته و از جمله در اول و دوم شهریورماه جاری تجمعاتی را مقابل این شرکت برگزار کردند. این کارگران که تعداد آن‌ها حدود صد نفر است و در

هفتگی خود در روزهای دوشنبه را ادامه می‌دهند. آنها روز دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵، تجمعی سراسری و همزمان را در شهرهای مختلف کشور از جمله کرمانشاه، بیجار، شیراز، اراک، اهواز، همدان، سنج، بندرعباس و ارومیه برگزار کردند. اجرای قانون همسان‌سازی حقوق، پرداخت مطالبات و معوقات، به‌روزرسانی و افزایش مزایای رفاهی و سامان‌دهی بیمه تکمیلی درمانی از جمله مطالبات بازنشستگان است. «این همه بی‌عدالتی، هرگز ندیده ملت»، «تا حق خود نگیریم، دوشنبه‌ها همین جا»، «جنگ طلبی کافیه، سفره ما خالیه» و «دزدی‌ها رو رها کنید، فکری به حال ما کنید» از جمله شعارهای بازنشستگان در این تجمعات بود. «جنگ طلبی کافیه، سفره ما خالیه» نیز شعاری بود که روز دوشنبه دوم شهریورماه از سوی بازنشستگان فولاد مبارکه و ذوب آهن اصفهان که در تجمع و راهپیمایی مشترکی در شهر اصفهان شرکت کرده بودند سر داده شد.



از سوی دیگر، پس از جنگ و بحران‌های اخیر، نرخ دلار بی‌محبا افزایش یافت و در عرض چند ماه، به رقم عجیب و بی‌سابقه‌ای ۲۰۰ هزار تومان رسید. در ادامه آمده «از آنجا که بسیاری از کالاهای مصرفی وارداتی هستند یا مواد اولیه‌شان با نرخ دلار وارد می‌شوند و همچنین افزایش قیمت دلار، تأثیرات اساسی و گسترش‌یافته روی قیمت تقریباً تمام کالاها و خدمات دارد، «دستمزد واقعی کارگران» که براساس قدرت خرید سنجیده می‌شود، به کمترین میزان در دهه‌های اخیر سقوط کرده است؛ بسیاری از کارگران و بازنشستگان ایرانی با دستمزد کمتر از ۱۰۰ دلار یا در همین حدود زندگی می‌کنند.» در مقابل اما مقامات حکومتی نسبت به فاجعه معیشتی جاری در میان میلیون‌ها خانوار در ایران با فرافکنی و بی‌مسئولیتی برخورد می‌کند. مسعود پزشکیان، رئیس دولت، در مجمع عمومی «انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران» با اشاره به محدودیت‌های مالی و محاصره دریایی و جنگ گفته «این در شرایطی است که برای افزایش اعتبار کالا، رفع تعهدات مالی گندم‌کاران، بیمه‌ها، معیشت کارگران، بازنشستگان و کارمندان با محدودیت مواجه می‌شویم.» مسعود پزشکیان گفته «دولت با محدودیت‌های مالی مواجه است، وقتی شعار می‌دهیم، باید سختی آن را هم بپذیریم!»

بخش ساخت و تکمیل مجتمع به صورت پیمانکاری مشغول به کار بوده‌اند، می‌گویند در حالیکه چند سال سابقه کار در این واحد تولیدی-صنعتی را داشته‌اند اخراج شده‌اند. کارگران نگهدار خطوط ریلی محور ایران‌شهر در استان سیستان و بلوچستان نیز نسبت به پرداخت نشدن پنج ماه حقوق و مزایای شغلی اعتراض دارند. این کارگران در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته‌اند «دریافتی ماهانه ما حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار است که تأمین‌کننده معاش خانواده‌هایمان نیست». آنها افزوده‌اند «کارگران نگهدار که وظیفه نگهداری و مراقبت از خطوط ریلی و جلوگیری از سرقت و بازشدن پیچ‌های ریل را از ایستگاه شهردراز تا ایستگاه نایگون و از آنجا در مسیر بزپیران بر عهده دارند، در حال حاضر پرداخت حقوق‌شان با تأخیر ۵ ماهه مواجه شده‌اند.» خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی با اشاره به سقوط قدرت خرید کارگران و دیگر حقوق‌بگیران ایران نوشته تا دوم شهریورماه، قیمت دلار در بازار ایران به مرز ۲۰۰ دلار رسیده است؛ امسال حداقل دستمزد کارگران متاهل با یک فرزند، با احتساب همه‌ی مزایا، ۲۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است که فقط ۱۲۴ دلار است. پایه مزد کارگران در سال جاری، ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان تعیین شده است که با نرخ دلار

دامنه اعتراضات صنفی نیز در حال گسترده‌تر شدن است. برای نمونه روز دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵، کارکنان عملیاتی شرکت نفت و گاز پارس در مناطق عملیاتی عسلویه و کنگان و همچنین سکوهای دریایی، در اعتراض به شرایط نامناسب شغلی و معیشتی دست به تجمع اعتراضی زدند. کارکنان معترض خواستار اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، حذف تبعیض در پرداخت حقوق و مزایا، بهبود شرایط کار و ایمنی، پرداخت منظم و عادلانه دستمزدها، اجرای صحیح فوق‌العاده‌های شغلی و بدی آب‌وهوا، تأمین امکانات رفاهی و درمانی و پایان دادن به تبعیض میان نیروهای رسمی، قراردادی و پیمانکاری هستند. منابع صنفی صنعت نفت گزارش داده‌اند تجمع روز گذشته در شرایطی برگزار شد که بخش قابل توجهی از تولید و فعالیت اقتصادی صنعت نفت بر دوش نیروهای عملیاتی و کارگرانی است که در محیط‌های سخت و پرخطر، به‌ویژه سکوهای دریایی، کار می‌کنند اما سهم آنان از دستمزد و مزایای متناسب با این شرایط همچنان با تبعیض و بی‌عدالتی روبرو است. اعتراضات کارگران شاغل در بخش‌های مختلف صنعتی، تولیدی و خدماتی نیز در روزهای گذشته با افزایش روبرو بوده است. اخراج با عدم تمدید قرارداد کار، پرداخت نشدن ماه‌ها حقوق و مزایای شغلی، پرداخت نشدن حق بیمه

دکتر اسدالله نصر اصفهانی، وزیر کشور دولت جمشید آموزگار، در کالیفرنیا درگذشت



همچنین کتاب «راهنمای ارث» را تالیف کرد؛ اثری کاربردی که با استفاده از جدول‌های محاسباتی، تعیین سهم وراث را برای حقوقدانان و سردفتران آسان‌تر می‌کرد و در زمان انتشار، ابتکاری تازه در این حوزه بشمار می‌رفت.

او پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران را ترک کرد و در ایالات متحده اقامت گزید. نصر اصفهانی در سالهای تبعید نیز فعالیت‌های سیاسی خود را ادامه داد و در شماری از تشکلهای مخالف جمهوری اسلامی حضور یافت. وی از چهره‌های فعال و هماهنگ‌کنندگان «کنگره همبستگی ایرانیان» بود؛ ائتلافی که هدف خود را گردهم‌آوردن جریان‌های سیاسی و ایجاد همکاری برای گذار از جمهوری اسلامی اعلام کرده بود. برنامه‌های تلویزیونی کنگره همبستگی ایرانیان از طریق ماهواره و اینترنت برای مخاطبان داخل ایران و ایرانیان ساکن اروپا و آمریکای شمالی پخش می‌شود. نصر اصفهانی در بسیاری از این برنامه‌ها حضور داشت و درباره تحولات سیاسی، اقتصادی و نیروهای مخالف جمهوری اسلامی سخن می‌گفت.

بخشی از خاطرات و روایت‌های تاریخی نصر اصفهانی در برنامه تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران ثبت شده است. این مصاحبه که در سپتامبر ۱۹۸۲ در نیویورک انجام شد، موضوعاتی چون پیشینه خانوادگی و تحصیلی، استانداری‌های کرمان و فارس، شیوه تصمیم‌گیری در کابینه آموزگار، آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، استعفای دولت آموزگار و رویدادهای ماه‌های پایانی حکومت پهلوی را در بر می‌گیرد. این روایت اکنون از منابع دست اول برای مطالعه ساختار اداری و تحولات سیاسی ایران در سال‌های پیش از انقلاب به شمار می‌رود.

دکتر اسدالله نصر اصفهانی از واپسین بازماندگان نسل مدیران و دولتمردانی بود که در دهه‌های پایانی دوران پهلوی در ساختار اداری و سیاسی ایران مسئولیت داشتند. زندگی حرفه‌ای طولانی او، از خدمت در شهرداری و مدیریت دانشگاه پلیس تا استانداری، وزارت کشور و کنشگری سیاسی در تبعید، با بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران پیوند خورده بود.

پژوهشی خود را ادامه داد و از چهره‌های فعال «کنگره همبستگی ایرانیان» شد؛ بخشی از خاطرات و روایت‌های او درباره ساختار اداری و تحولات سیاسی ماه‌های پایانی حکومت پهلوی نیز در برنامه تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران ثبت شده است. هنوز جزئیاتی درباره علت درگذشت وی منتشر نشده است.

اسدالله نصر اصفهانی ۲۰ بهمن ۱۳۰۵ در اصفهان متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه، وارد آموزشگاه عالی شهرداری شد و فعالیت حرفه‌ای خود را در این نهاد آغاز کرد. او همزمان تحصیلات دانشگاهی خود را ادامه داد و مدارک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای حقوق را از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دریافت کرد. نصر اصفهانی همچنین در رشته مدیریت در دانشگاه ایندیانا در ایالات متحده تحصیل کرد.

او در دوران خدمت در شهرداری مسئولیت‌های مختلفی برعهده داشت و تا ریاست اداره طرح و برنامه‌ریزی شهرداری و ریاست دانشگاه پلیس پیش رفت. نصر اصفهانی با درجه سرهنگی از شهرداری بازنشسته شد و پس از مدتی فعالیت در بخش خصوصی، بار دیگر به مدیریت دولتی بازگشت. در اوایل دهه ۱۳۵۰، جمشید آموزگار که در آن زمان وزیر کشور بود، نصر اصفهانی را به استانداری کرمان منصوب کرد. او پس از دوره‌ای فعالیت در این استان، استاندار فارس شد. دوران استانداری وی با اجرای برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای و تلاش برای بهبود ارتباط میان دستگاه اداری دولت و جامعه محلی همراه بود. با تشکیل کابینه جمشید آموزگار در مرداد ۱۳۵۶، نصر اصفهانی به وزارت کشور رسید و تا پایان کار این دولت در شهریور ۱۳۵۷ در این سمت باقی ماند. دوران وزارت او با یکی از پرتنش‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران، گسترش اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی و افزایش فشار بر دولت آموزگار همزمان بود. او در سال ۱۳۵۶ به عضویت دفتر سیاسی حزب رستاخیز نیز درآمد.

نصر اصفهانی افزون بر مسئولیت‌های اجرایی و سیاسی، در حوزه‌های حقوق، مدیریت و اقتصاد نیز فعالیت‌های علمی و پژوهشی داشت. کتاب «نقش سرمایه‌گذاری در توسعه اقتصادی» از آثار او در حوزه اقتصاد توسعه بود. وی

● دکتر اسدالله نصر اصفهانی، حقوقدان و دولتمرد دوران پهلوی و وزیر کشور دولت جمشید آموزگار، در ۹۹ سالگی در کالیفرنیا درگذشت؛ او پیش از رسیدن به وزارت کشور، استانداری کرمان و فارس و چندین مسئولیت مهم در شهرداری و دانشگاه پلیس را برعهده داشت.

● دکتر نصر اصفهانی که فعالیت حرفه‌ای خود را از شهرداری آغاز کرده بود، همزمان تحصیلات دانشگاهی خود را ادامه داد و سرانجام مدرک دکترای حقوق را از دانشگاه تهران و تحصیلاتی در رشته مدیریت از دانشگاه ایندیانا دریافت کرد و با درجه سرهنگی از شهرداری بازنشسته شد.

● او در اوایل دهه ۱۳۵۰ با انتصاب به استانداری کرمان و سپس فارس، در اجرای برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای و بهبود ارتباط دستگاه اداری با جامعه محلی نقش داشت و در مرداد ۱۳۵۶ با تشکیل کابینه جمشید آموزگار به وزارت کشور رسید؛ دوره‌ای که با اوج‌گیری اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی همراه بود.

● دکتر نصر اصفهانی پس از انقلاب ۱۳۵۷ به آمریکا مهاجرت کرد و در دوران تبعید نیز فعالیت سیاسی خود را ادامه داد؛ او از چهره‌های فعال و هماهنگ‌کنندگان «کنگره همبستگی ایرانیان» بود و در برنامه‌های این تشکل درباره تحولات ایران و ضرورت همکاری نیروهای مخالف جمهوری اسلامی سخن می‌گفت.

● بخشی از خاطرات دکتر نصر اصفهانی در برنامه تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران در سال ۱۹۸۲ ثبت شده است؛ روایتی دست‌اول که موضوعاتی از استانداری‌های کرمان و فارس و تصمیم‌گیری‌های کابینه آموزگار تا آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، استعفای دولت و ماه‌های پایانی حکومت پهلوی را دربرمی‌گیرد.

دکتر اسدالله نصر اصفهانی، حقوقدان، دولتمرد و از مدیران ارشد دوران پهلوی که در دولت جمشید آموزگار وزارت کشور را برعهده داشت و پیش از آن نیز استاندار کرمان و فارس و از مدیران ارشد شهرداری و دانشگاه پلیس بود، در ۹۹ سالگی در کالیفرنیا درگذشت. او پس از انقلاب ۱۳۵۷ به آمریکا مهاجرت کرد و فعالیت‌های سیاسی و

تحمیل فشار تورمی ناشی از افزایش قیمت بنزین بر مردم «قطعی» اعلام شد



● دولت با هدف جبران کسری بودجه به دنبال حذف بخشی از یارانه بنزین است؛ اقدامی که سبب افزایش قیمت بنزین و موج جدیدی از تورم با افزایش قیمت همه کالاها و خدمات خواهد شد.

● محسن حاجی میرزایی رئیس دفتر مسعود پزشکیان اعلام کرده: «کاهش سهمیه‌های بنزین قطعی است. کسی بیش از سهمیه بخواهد بنزین خریداری کند قیمت بالاتری خواهد داشت اما هنوز این قیمت تعیین نشده است.»

● جلال رشیدی‌کوچی نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی گفته سناریوهای دولت برای بنزین محکوم به شکست هستند و افزایش قیمت بنزین تنها هزینه زندگی بیشتری را به مردم تحمیل خواهد کرد.

با وجود تأیید و تکذیب‌های هفته‌های گذشته، رئیس دفتر مسعود پزشکیان کاهش سهمیه بنزین یارانه‌ای را «قطعی» اعلام کرد و گفت هنوز قیمت بنزین آزاد مشخص نشده است. کارشناسان نسبت به اقدامات دولت -از جمله افزایش قیمت بنزین- که با هدف جبران کسری بودجه در دستور کار قرار دارد هشدار می‌دهند و معتقدند مردم توان تحمیل هزینه‌های بیشتر را ندارند.

قیمت دلار در نخستین روز شهریورماه با ثبت رکوردی جدید در بازار ارز ایران به ۲۰۰ هزار تومان رسید. دیگر ارزهای رایج در بازار ارز ایران و همزمان، طلا نیز با افزایش قیمت روبرو شده است. کارشناسان تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی توسط ایالات متحده و ناامیدی درباره ازسریگیری مذاکرات را علت افزایش قیمت‌ها در بازارهای ارز و طلا عنوان می‌کنند. در آنسو اما اقدامات در دست اجرای دولت، از جمله خبرهایی درباره افزایش قیمت بنزین و راهکارهای بانک مرکزی برای جبران کسری بودجه نیز به عنوان محرک‌های اثرگذار بر افزایش قیمت ارز و طلا ارزیابی می‌شود. امران سلطانی، دبیر پیشین کانون صرافان ارز، خبرها درباره احتمال افزایش قیمت بنزین را به عنوان محرکی در افزایش قیمت ارز مطرح کرده است. او همچنین هشدار داده «هرگونه افزایش شدید قیمت سوخت می‌تواند موج تازه‌ای از تورم را به اقتصاد تحمیل کرده و کنترل بازار ارز، طلا و سطح عمومی قیمت‌ها را دشوارتر کند.»

دولت با هدف جبران کسری بودجه به دنبال حذف بخشی از یارانه بنزین است؛ اقدامی که سبب افزایش قیمت بنزین و ایجاد موج جدیدی از تورم با افزایش قیمت همه کالاها و خدمات خواهد شد. اگر چه طی هفته‌های گذشته برخی مقامات دولت مانند فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت موضوع افزایش قیمت بنزین را قطعی اعلام نکردند اما در جدیدترین اظهارنظر در اینباره محسن حاجی میرزایی رئیس دفتر مسعود پزشکیان اعلام کرده کاهش سهمیه بنزین یارانه‌ای قطعی است. محسن حاجی میرزایی گفته «کاهش سهمیه‌های بنزین قطعی است. کسی بیش از سهمیه بخواهد بنزین خریداری کند قیمت بالاتری خواهد داشت اما هنوز این قیمت تعیین نشده است.»

در این میان برخی خبرهای غیررسمی از موکول شدن زمان افزایش قیمت بنزین به سال آینده حکایت دارد. در صورت درستی این خبر هم مسئله اصلی که افزایش هزینه خانوارها با افزایش قیمت بنزین است پابرجا خواهد بود تنها زمان آن

چند ماه عقب می‌افتد!

کاهش سهمیه بنزین یارانه‌ای به این معناست که شهروندان باید سوخت مورد نیاز که با سهمیه ارائه می‌شود را با قیمت آزاد خریداری کنند که سرآغاز روند افزایش هزینه حمل‌ونقل و در نتیجه آغاز موج تورمی جدید در اقتصاد ایران است. در همین رابطه حسین راغفر، اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی، هشدار داده «در هیچ جای جهان در زمان جنگ، سیاست‌هایی از جنس افزایش شدید قیمت حامل‌های انرژی به این شکل اجرا نمی‌شود» و «سیاست‌گذار در شرایط جنگی باید بیش از هر زمان دیگری به پیامدهای اجتماعی تصمیم‌های اقتصادی توجه داشته باشد.»

حسین راغفر با انتقاد از دیدگاه‌هایی که بر واگذاری گسترده امور اقتصادی به بازار تأکید دارند، گفت چنین رویکردهایی بدون توجه به شرایط اجتماعی و حساسیت‌های دوره جنگ می‌تواند پیامدهای سنگینی داشته باشد.

این اقتصاددان افزود در شرایطی که کشور با بحران‌های متعدد مواجه است، هر تصمیم اقتصادی باید با الزامات اجتماعی و معیشتی جامعه هماهنگ باشد و نمی‌توان بدون فراهم کردن امکان جایگزینی، یک کالا یا خدمت را از سبد خانوار حذف کرد.

این استاد دانشگاه با اشاره به وضعیت درآمدی خانوارها گفت اگر افزایش قیمت بنزین موجب شود بخش بیشتری از درآمد خانوارها صرف تأمین هزینه سوخت شود، باید همزمان مسئله دستمزد نیز مورد توجه قرار گیرد.

به عقیده حسین راغفر جامعه ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری مستعد تلاطم اجتماعی است. او با اشاره به تشدید شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی گفت جامعه ایران در مقایسه با گذشته با سطح بالاتری از گسست اجتماعی مواجه شده است. در چنین شرایطی تصمیم‌هایی که زمینه انفجار اجتماعی ایجاد کنند، می‌توانند بسیار پرهزینه باشند.

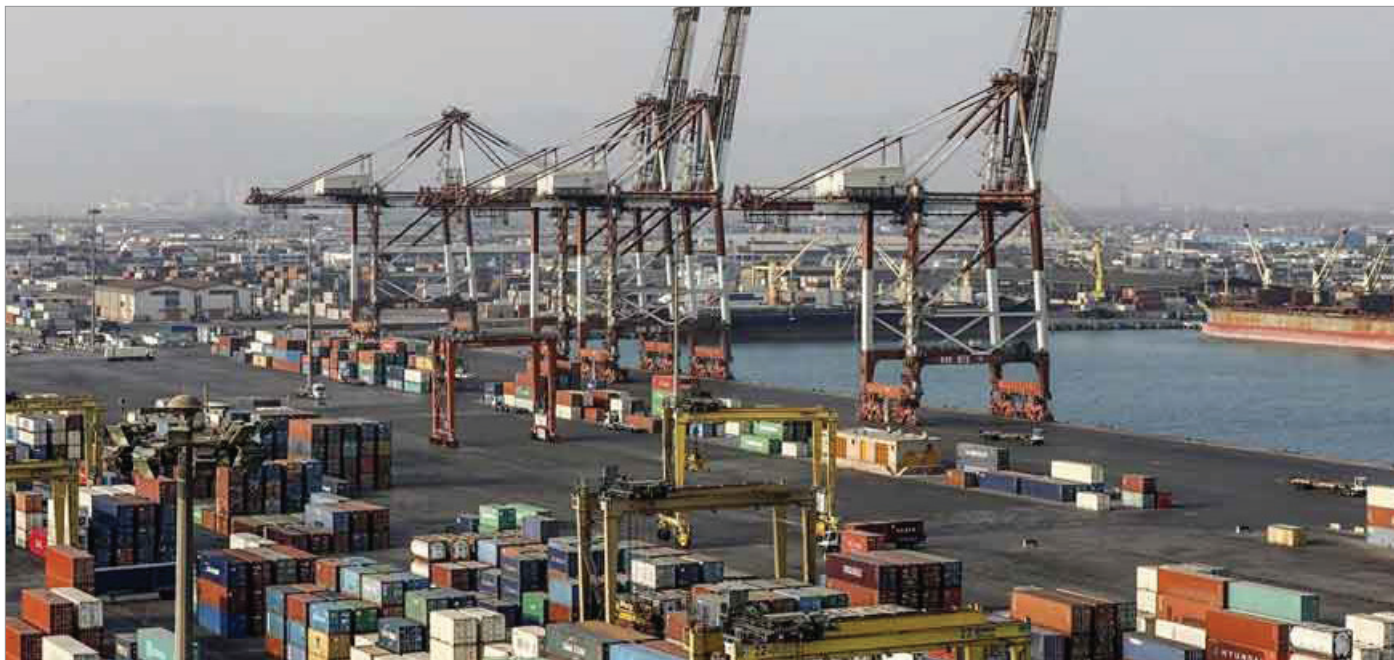
جلال رشیدی‌کوچی نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی روز دوشنبه دوم شهریورماه در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» اعلام کرد، سناریوهای دولت برای بنزین محکوم به شکست هستند و افزایش قیمت بنزین تنها هزینه زندگی بیشتری را به مردم تحمیل خواهد کرد.

نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی افزوده: «وقتی بنزین گران می‌شود، همه چیز گران خواهد شد. مثال ساده می‌زنم؛ فردی را در نظر بگیرید که با بنزین سه یا پنج هزار تومانی به دریا می‌رود، ماهی می‌گیرد و برمی‌گردد و ماهی‌اش را می‌فروشد. وقتی شما قیمت بنزین را ۵۰ هزار یا ۸۰ هزار تومان می‌کنید، او هم مجبور است هزینه سوخت را روی قیمت ماهی که صید کرده بکشد.»

خبرگزاری «ایبنا» نیز در مطلبی انتقادی به اظهارات اخیر مسعود پزشکیان اشاره کرده که گفته بود: «چه کسی گفته دولت باید بنزین ۱۳۰ هزار تومانی بخرد و بعد آن را ۱۵۰۰ تومان بفروشد؟» و نوشته، اگر دولت از مردم می‌خواهد درباره هزینه واقعی بنزین پاسخ منطقی را بپذیرند، مردم نیز حق دارند درباره هزینه واقعی خودرو، هزینه واردات، نرخ ارز مورد استفاده برای واردات، حقوق ورودی، مالیات‌ها، سود زنجیره توزیع و چرا قیمت یک خودروی کارکرده خارجی در ایران چند برابر بازار منطقه‌ای آن می‌شود سؤال کنند. در بخش دیگری از مطلب خبرگزاری «ایبنا» آمده: «اگر دولت معتقد است بنزین برای کشور لیتری ۱۳۰ هزار تومان تمام می‌شود، جامعه حق دارد بداند: قیمت جهانی نفت و فرآورده در محاسبه چه جایگاهی دارد؟ چه مقدار از مصرف کشور از تولید داخلی تأمین می‌شود و چه مقدار وارداتی است؟ هزینه حمل و بیمه و انتقال سوخت چقدر است؟ نرخ ارز مورد استفاده در محاسبه کدام نرخ است؟ هزینه پالایش داخلی چقدر است؟ هزینه واقعی توزیع و انتقال تا جایگاه چقدر است؟»

خبرگزاری «ایبنا» همچنین نوشته: «یک طرف ترازوی دولت، هزینه سوخت است؛ طرف دیگر آن، هزینه‌ای است که شهروند ایرانی برای خرید همان خودرو، همان قطعه، همان دارو یا همان کالایی می‌پردازد که در کشورهای دیگر با قیمت بسیار پایین‌تری عرضه می‌شود. اگر قرار است درباره «قیمت واقعی» صحبت کنیم، این گفت‌وگو باید همه‌جانبه باشد. بنزین ۱۳۰ هزار تومانی یک سؤال است؛ اما قیمت ۱۵ میلیارد تومانی یک لکسوس ۲۰۱۷ نیز سؤال است. و مردم حق دارند بدانند پاسخ این دو سؤال، چرا نباید همزمان روی یک میز قرار بگیرد.»

پیامدهای توقف مبادلات تجاری امارات با ایران؛ هشدار کارشناسان درباره تشدید فشارهای اقتصادی



با محدود شدن مبادلات با امارات می‌تواند هزینه‌هایی هنگفت برای صادرکنندگان و واردکنندگان ایرانی ایجاد کند؛ از افزایش هزینه حمل و نقل و انتقال مالی گرفته تا طولانی‌تر شدن فرآیند تأمین کالا و دشوار شدن دسترسی برخی صادرکنندگان به بازارهای منطقه‌ای قطع شریان‌های تجاری امارات با ایران، نه تنها درآمدهای دولت را تحت تأثیر قرار خواهد داد بلکه بخش خصوصی تجارت خارجی ایران که در سال‌های گذشته به سختی در شرایط تحریم توانسته بودند با ایجاد شبکه‌هایی در امارات حیات خود را حفظ کنند را به نابودی خواهد کشاند.

در همین رابطه علی شریعتی عضو اتاق بازرگانی نسبت به مسدود شدن منابع متعلق به ایران و بانک‌های ایرانی در امارات متحده عربی، در پی توقف مبادلات مالی و تجاری دو کشور، هشدار داده است.

علی شریعتی گفت: «امیدوارم قانون جدید باعث مسدودی منابع ایران در این کشور نشود». او افزود در صورت بلوکه شدن منابع ایرانیان، شرکت‌های واسطه یا بانک‌های ایرانی، رقم مورد نظر «ممکن است عدد بزرگی باشد».

مجیدرضا حریری، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین، در گفتگو با خبرنگاری «ایرنا» تأکید کرده دلیل اصلی تبدیل شدن امارات به یک هاب بزرگ در تجارت خارجی ایران طی دو تا سه دهه گذشته، تحریم‌ها بوده است؛ به این معنا که امارات به یکی از مسیرهایی تبدیل شد که برای تسهیل تجارت و دور زدن محدودیت‌های ناشی از تحریم مورد استفاده قرار گرفت.

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین همچنین معتقد است: «اگر امارات در مبادلات مالی ایران اختلال ایجاد کند، بدون تردید بر تجارت خارجی کشور اثر خواهد گذاشت». اکنون فعالان اقتصادی با تصمیم امارات با دو مشکل جدی روبرو هستند: «مسیر تازه برای تأمین کالا» ←

این کشور پرتاب کرد، در بیانیه‌ای از قطع همه روابط تجاری دبی با تهران خبر داد. وزارت دفاع امارات متحده اعلام کرده یکی از دو راکت بالستیک شلیک شده به سوی امارات در آب‌های سرزمینی این کشور فرود آمده و یکی دیگر از موشک‌ها در خارج از آب‌های امارات سقوط کرده است.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، با صدور بیانیه‌ای اظهارات امارات متحده عربی مبنی بر شلیک راکت از طرف رژیم تهران به آن کشور را رد کرده است.

البته با گذشت چند روز از این بیانیه همچنان ابعاد این قطع همکاری تجاری با ابهام روبروست. با اینهمه نقش ویژه امارات در پیشبرد مسیر تجاری ایران به ویژه در شرایط تحریم، نگرانی‌های جدی برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده و هشدار کارشناسان را در پی داشته است.

امارات طی دو دهه گذشته و در شرایط تحریم جمهوری اسلامی، به یکی از مهم‌ترین مراکز تجارت، ترانزیت، تأمین مالی، بیمه، حمل و نقل و صادرات مجدد کالا برای فعالان اقتصادی ایران تبدیل شده است. به بیان دیگر بخش قابل توجهی از واردات و صادرات ایران در سال‌های گذشته از شبکه تجاری امارات و با دور زدن تحریم‌ها انجام می‌شود. حجم تمرکز اقتصاد ایران در دبی به حدی گسترده بوده که تسویه با درهم امارات یکی از گزینه‌های فعالان تجاری ایران در مراودات مالی با شرکای خارجی بوده است.

بر اساس آخرین آمار رسمی تجارت خارجی، در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴ حدود ۱۴/۸ میلیارد دلار کالا از امارات وارد ایران شده و این کشور با سهم حدود ۳۰/۲ درصدی از ارزش کل واردات، در رتبه نخست مبادی وارداتی ایران قرار داشته است. در همین مدت، صادرات ایران به امارات نیز حدود ۶۰۵ میلیارد دلار بوده و مجموع تجارت دوطرفه به حدود ۲۱/۳ میلیارد دلار رسیده است.

در چنین شرایطی و با توجه به برنامه ایالات متحده برای تشدید فشارهای اقتصادی بر جمهوری اسلامی، توقف

قطع کلیه روابط تجاری امارات متحده عربی با ایران در پی شلیک دو موشک بالستیک به سوی این کشور توسط جمهوری اسلامی سبب ایجاد فصل جدیدی از بحران در اقتصاد زیر فشار و تحریم‌شده ایران شده است.

البته ابعاد این قطع همکاری تجاری همچنان با ابهام روبروست؛ با اینهمه نقش ویژه امارات در پیشبرد مسیر تجاری ایران به ویژه در شرایط تحریم، نگرانی‌های جدی برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده و هشدار کارشناسان را در پی داشته است.

بخش قابل توجهی از واردات و صادرات ایران در سال‌های گذشته از شبکه تجاری امارات و با دور زدن تحریم‌ها انجام می‌شود.

اکنون فعالان اقتصادی با تصمیم امارات با دو مشکل جدی روبرو هستند: «مسیر تازه برای تأمین کالا» و «یافتن مسیر جایگزین برای پرداخت و تسویه معامله». این دو مشکل نه تنها برای مدتی روند واردات کالا به ایران را با اختلال روبرو می‌کند و با کاهش عرضه سبب افزایش قیمت‌ها می‌شود بلکه هزینه واردات را نیز افزایش داده و قیمت تمام‌شده کالاهای وارداتی را افزایش می‌دهد.

محمد مهدی بهکیش، اقتصاددان، هشدار داده اگر جنگ و محاصره دو تا سه ماه دیگر ادامه یابد، ذخایر کشور به شدت کاهش خواهد یافت.

قطع کلیه روابط تجاری امارات متحده عربی با ایران در پی شلیک دو موشک بالستیک به سوی این کشور توسط جمهوری اسلامی سبب ایجاد فصل جدیدی از بحران در اقتصاد زیر فشار و تحریم‌شده ایران شده است. کارشناسان نسبت به شکنندگی اقتصاد در برابر این فشارهای پی در پی هشدار می‌دهند.

وزارت خارجه امارات متحده ایران سه‌شنبه گذشته و پس از آنکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دو موشک به سوی

حکایت تکاندنده گرانی افسارگسیخته و سقوط قدرت خرید خانوارها در ایران



و گوشت را گرمی، و میوه و تخم مرغ را دانه‌ای می‌خرند. بر اساس آمارها قیمت برنج نسبت به پیش از جنگ چهل روزه ۶۰ درصد و قیمت گوشت ۱۵۰ درصد افزایش یافته. هر کیلو گوشت با قیمتی بین یک میلیون و هشتصد هزار تا دو میلیون تومان به فروش می‌رسد و قیمت هر کیلو دنبه به رقم باورنکردنی یک میلیون و صد هزار تومان افزایش یافته‌است.

گزارش‌های میدانی همچنین نشان می‌دهد قیمت هر شانه تخم‌مرغ به ۷۰۰ هزار تومان و قیمت هر کیلو چای خارجی به بیش از دو و نیم میلیون تومان رسیده است. افزایش قیمت‌ها فقط شامل مواد غذایی نیست و در دیگر بازارها نیز گرانی بیداد می‌کند. قیمت دارو نیز در پی حذف ارز ترجیحی و مشکل کمبود نقدینگی در این صنعت با موج جدید دیگری از افزایش روبرو شده بطوری که برخی اقلام دارویی بیش از ۵۰۰ درصد افزایش قیمت داشته و شش برابر گرانتر شده‌اند.

هفته گذشته یک شرکت دارویی فعال در بورس ایران از افزایش قیمت ۸۲ قلم محصول خبر داد؛ میانگین قیمت این اقلام از حدود ۱۸۰ هزار تومان به ۳۹۰ هزار تومان رسیده، یعنی رشد نزدیک به ۱۲۰ درصدی. بیشترین افزایش مربوط به قرص دنزیل با حدود ۵۴۳ درصد است. کلاریترومایسین نیز ۳۰۸ درصد و برخی داروهای دیگر بین ۱۱۵ تا ۱۸۴ درصد گران شده‌اند.

در بازار موبایل قیمت‌ها طی چند ماه چهار برابر افزایش یافته است. قیمت گوشی گلکسی A۰۶ شرکت سامسونگ با افزایش حدود ۳۵۰ درصدی از ۷ میلیون تومان به ۳۲ میلیون تومان رسیده است. قیمت گوشی آیفون ۱۶ نیز با افزایش ۲۰۰ درصدی، از حدود ۹۰ میلیون تومان به ۲۷۰ میلیون تومان رسیده است.

همچنین قیمت محصولات خنک‌کننده ساخت ایران در بازه یکساله‌ای منتهی به ۲۲ مرداد، بیش از نرخ ارز

● هر کیلو گوشت با قیمتی بین یک میلیون و هشتصد هزار تا دو میلیون تومان به فروش می‌رسد و قیمت هر کیلو دنبه به رقم باورنکردنی یک میلیون و صد هزار تومان افزایش یافته. قیمت هر شانه تخم‌مرغ به ۷۰۰ هزار تومان و قیمت هر کیلو چای خارجی به بیش از دو و نیم میلیون تومان رسیده است.

● قیمت دارو نیز در پی حذف ارز ترجیحی و مشکل کمبود نقدینگی در این صنعت با موج جدید دیگری از افزایش روبرو شده بطوری که برخی اقلام دارویی بیش از ۵۰۰ درصد افزایش قیمت داشته و شش برابر گرانتر شده‌اند.

● فروشنده‌گان از کاهش بی‌سابقه فروش به علت کاهش قدرت خرید مردم گزارش می‌دهند و می‌گویند بسیاری از خریداران کالاهایی مثل برنج و گوشت را گرمی، و میوه و تخم مرغ را دانه‌ای می‌خرند.

● دولت ادعا دارد از دی‌ماه سال گذشته تا کنون با ارائه کالا بر یک میلیون تومانی از قدرت خرید خانوار در بخش مواد غذایی و کالاهای ضروری مانند پوشک بچه حمایت کرده است. کارشناسان این ادعای دولت را رد کرده و معتقدند قدرت خرید بارانه یک میلیون تومانی تنها چند هفته پس از آغاز این طرح، و به دلیل تورم فزاینده، از دست رفته است.

● روزنامه «جهان صنعت» نوشته، یک میلیون تومان دی‌ماه با یک میلیون تومان امرداد فقط در دفتر حسابداری برابر است. در سفره خانوار اما این دو یکی نیستند!

تورم در ایران سبب گرانی افسارگسیخته کالاها و خدمات شده و شهروندان را برای تهیه ضروری‌ترین نیازهای زندگی در بازارها سرگردان کرده است. فروشنده‌گان از کاهش بی‌سابقه فروش به علت کاهش قدرت خرید مردم گزارش می‌دهند و می‌گویند بسیاری از خریداران کالاهایی مثل برنج

و «یافتن مسیر جایگزین برای پرداخت و تسویه معامله». این دو مشکل نه تنها برای مدتی روند واردات کالا به ایران را با اختلال روبرو می‌کند و با کاهش عرضه سبب افزایش قیمت‌ها می‌شود بلکه هزینه واردات را نیز افزایش داده و قیمت تمام‌شده کالاهای وارداتی را افزایش می‌دهد. در روزهای گذشته قیمت ارز در بازار ایران افزایش قابل توجهی یافت و قیمت دلار از مرز ۲۰۰ هزار تومان گذشت. اگرچه علت اصلی این افزایش قیمت آغاز ساز و کار جدید تحریم جمهوری اسلامی توسط ایالات متحده بوده اما تحلیلگران مسدود شدن مسیر تجاری امارات با ایران را نیز در افزایش قیمت ارز موثر می‌دانند.

روزنامه «خراسان» در شماره روز دوشنبه دوم شهریورماه با اشاره به عبور دلار از مرز ۲۰۰ هزار تومان نوشت: «وزن اصلی تقاضای ارز بر دوش «تقاضای تجاری» است؛ بازرگانان برای تسویه حساب‌های بین‌المللی در پایان سال میلادی و سال نو چینی، به ددلاین‌های مشخصی پایبندند و این باعث افزایش فشار خرید ارز می‌شود. در سمت عرضه، به دلیل شرایط تحریمی، بخش قابل توجهی از شبکه پرداخت بر پایه شرکت‌های واسط و حساب‌های ترانستی در خارج از ایران عمل می‌کند. این ساختار پیچیده، یکی از نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ایران است.»

در این مطلب تأکید شده «آنچه به هیجان اخیر بازار دامن زده، اقدامات جدید پیرامون حساب‌های ترانستی ایران در امارات است؛ شبکه‌ای که بخش مهمی از تجارت خارجی از مسیر آن انجام می‌شود. بسته جدید فشارهای تحریمی که از امروز آغاز می‌شود، با هدف ایجاد اختلال در این حساب‌ها اعمال می‌شود. هرگاه امنیت حساب‌های واسط در تأمین مالی واردات کالاهای اساسی تهدید شود، بازار ارز واکنش نشان می‌دهد.»

روزنامه «خراسان» افزوده «با توجه به فشار ددلاین‌های تجاری و ناامنی در کانال‌های پرداخت امارات، تداوم فشار بر بازار ارز را نمی‌توان منتفی دانست. برخی سناریوها، نرخ ۲۴۰ تا ۲۵۰ هزار تومان را به عنوان محدوده محتمل پایان سال مطرح می‌کنند. مسیر نرخ ارز تا حد زیادی به توانایی بانک مرکزی در جایگزینی مسیرهای پرداخت و مدیریت منابع ارزی وابسته است.»

در آنسو تجارت غیرنفتی ایران در پنج ماه نخست سال جاری میلادی حدود ۲۷ درصد کاهش یافته و کارشناسان هشدار می‌دهند محرک‌های جدید از جمله تداوم جنگ و محاصره دریایی، دور جدید تحریم‌ها، و اختلال در مسیر تجارت خارجی می‌تواند تأمین کالاهای اساسی را با اختلال جدی روبرو و ضربه مهلکی به اقتصاد شکننده ایران وارد کند.

پویا فیروزی، کارشناس اقتصادی، کاهش همزمان صادرات و واردات را نشانه رکود تجاری و صنعتی ارزیابی کرده و گفته «بخشی از کالاهای اساسی و نهاده‌های تولید به دلیل تأمین‌نشدن ارز، در گمرک یا روی کشتی‌ها معطل مانده است.»

محمد مهدی بهکیش، اقتصاددان، نیز روز دوشنبه دوم شهریورماه در گفتگو با روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته اگر جنگ و محاصره دو تا سه ماه دیگر ادامه یابد، ذخایر کشور به شدت کاهش خواهد یافت. این اقتصاددان تأمین مواد اولیه دارو، خوراک مرغ و واردات بنزین را درگیر بحران ارزیابی کرد و گفت کمبود خوراک دام می‌تواند قیمت مرغ و تخم‌مرغ را بطور قابل توجه بالا ببرد.

محمد بهکیش هشدار داده ظرفیت مسیرهای زمینی جایگزین اشباع شده و مرزهایی مانند بازرگان یا مسیر ریلی سرخس نمی‌توانند جای تجارت دریایی را بگیرند.

کاهش تعداد مشمولان، یک هزینه تازه به بودجه اضافه می‌کند. بنابراین درست در زمانی که تورم می‌گوید «بیشتر پرداخت کن»، دخل دولت ممکن است بگوید «کمتر خرج کن»!

مهدی پازوکی، اقتصاددان، نیز پیشتر در گفتگو با وبسایت «فرارو» با اشاره به آمارهای کسری بودجه گفته بود «دامنه کسری بودجه دولت بین ۸۰۰ همت تا ۱۵۰۰ همت برآورد شده است. حتی اگر ناترازی‌های حداقلی را هم ملاک قرار دهیم، همین حالا با کسری بودجه شدیدی مواجهیم؛ آن هم در شرایطی که دولت مبالغ هنگفتی را از طریق بانک مرکزی و خلق پول تأمین کرده است. بنابراین، شعار دادن در خصوص حمایت از مردم یا افزایش رقم کالابری، با اجرای عملی آن زمین تا آسمان تفاوت دارد.»

وی تأکید کرده بود هرگونه وعده برای افزایش یارانه‌ها بدون معرفی منابع جدید، در نهایت از جیب خود مردم و از طریق تورم پرداخت خواهد شد و تأکید کرده بود «غی‌شود با احساسات و هیجانات به مردم وعده‌ای داد که تحقق آن در عمل غیرممکن است. دولت در حال حاضر با کسری‌های متعدد مالی دست‌وپنجه نرم می‌کند. هنگامی که دولت درآمد کافی ندارد و هم‌زمان تصمیم به دو برابر کردن کالابری می‌گیرد، مفهوم اقتصادی آن دخالت بانک مرکزی و خلق پول است. این خلق پول، فشار تورمی را چند برابر کرده و مشکلات معیشتی مردم را تشدید می‌کند. دولت تا زمانی که از تخصیص منابع بودجه کالابری اطمینان کامل حاصل نکرده، نباید به جامعه وعده‌ای بدهد.»

شدت کاهش یافته است.»

بی‌خاصیت شدن طرح حمایتی کالابری از سوی دیگر کارشناسان و تحلیلگران نیز مورد تأکید قرار گرفته است. روزنامه «جهان صنعت» نوشته، یک میلیون تومان دی‌ماه با یک میلیون تومان امرداد فقط در دفتر حسابداری برابر است. در سفره خانوار اما این دو یکی نیستند!

در این مطلب آمده: «اگر قیمت همان سبب غذایی بالا برود، اعتبار ثابت به معنی کاهش حمایت است. خانوار ممکن است همچنان همان عدد را در حساب خود ببیند اما مقدار کمتری روغن، مرغ، لبنیات و برنج بخرد. در این نقطه است که موفقیت کالابری دیگر با تعداد مشمولان یا مبلغ اسمی سنجیده نمی‌شود؛ باید دید چه نسبتی از سبب غذایی را می‌تواند پوشش دهد. از همین رو فشار برای بالا بردن اعتبار کالابری از همان ماه‌های نخست قابل پیش‌بینی بود.» به نوشته «جهان صنعت»، اگر قرار باشد قدرت خرید واقعی حفظ شود، دولت باید اعتبار را همراه با افزایش قیمت‌ها بالا برد. اینجا یک تناقض بزرگ ظاهر می‌شود. ارزش ترجیحی مشکل «منابع ارزی محدود» داشت و کالابری مشکل «منابع ریالی محدود.» با انتقال یارانه از واردکننده به مصرف‌کننده، کشور از کمبود منابع فرار نکرده فقط نوع منبع تغییر کرده است.

در ادامه این مطلب آمده است که داده‌های پنج‌ماهه نخست سال نشان می‌دهد منابع عمومی دولت کمتر از سطحی که در بودجه انتظار می‌رفت تحقق یافته است. در چنین شرایطی هر افزایش در اعتبار ماهانه کالابری، بدون

افزایش یافته است. بر اساس داده‌ها، کولر برند جی‌پلاس با ثبت رشد ۱۶۶/۱ درصدی، از ۵۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به ۱۴۵ میلیون تومان رسید. این در حالیست که نرخ دلار در همین بازه حدود ۱۰۰ درصد افزایش یافته است!

محمد محمدی رئیس اتحادیه تولیدکنندگان قطعات و تعمیرکاران دوچرخه و موتورسیکلت نیز از افزایش شدید قیمت لوازم یدکی موتورسیکلت خبر داد. به گفته این فعال صنفی برخی از اقلام پرمصرف و وارداتی طی ماه‌های گذشته بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد گران شده‌اند. به گفته او، تحریم‌ها و نوسانات نرخ ارز از عوامل اصلی این افزایش قیمت هستند. مجید دوستعلی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، اعلام کرده «بازارهای ما خالی از جنس نیست و کالاهای مورد نیاز مردم در قفسه فروشگاه‌ها وجود دارد؛ بنابراین مسئله اصلی، گرانی این کالاهاست.»

نماینده کرمان در مجلس شورای اسلامی تأکید کرده: «در حال حاضر عمده دغدغه مردم این است که به معیشت و موضوع گرانی رسیدگی شود؛ چراکه با حقوقی که به ویژه کارمندان و کارگران دریافت می‌کنند، ادامه این وضعیت می‌تواند زندگی آنها را با مشکل مواجه کند.»

در این میان دولت ادعا دارد از دی‌ماه سال گذشته تا کنون با ارائه کالابری یک میلیون تومانی از قدرت خرید خانوار در بخش مواد غذایی و کالاهای ضروری مانند پوشک بچه حمایت کرده است. کارشناسان این ادعای دولت را رد کرده و معتقدند قدرت خرید یارانه یک میلیون تومانی تنها چند هفته پس از آغاز این طرح، و به دلیل تورم فزاینده، از دست رفته است.

در همین رابطه حمید حاج اسماعیلی، حقوقدان و تحلیلگر بازار کار، با اشاره به افزایش قابل توجه تورم از پایان سال گذشته و ورود به سال جدید گفت: «با وجود افزایش قیمت‌ها و حتی صدور مجوز رسمی برای افزایش برخی قیمت‌ها، ارزش واقعی اعتبار کالابری به شدت کاهش یافته است. نرخ اعتبار کالابری نسبت به گذشته به کمتر از یک‌سوم رسیده و این در شرایطی اتفاق افتاده که خود دولت نیز در افزایش تعرفه‌ها و قیمت‌ها نقش داشته است.»

حمید حاج اسماعیلی افزود: «ما نمی‌توانیم سیاست «یک بام و دو هوا» را دنبال کنیم. اگر قرار است قیمت کالاها افزایش پیدا کند و دولت نیز در این روند نقش داشته باشد و عملاً به افزایش تورم منجر شود، باید متناسب با آن از مردم حمایت کند. یا باید منابع درآمدی مردم را افزایش دهیم، یعنی حقوق و درآمدها را بالا ببریم، یا از راهکارهای دیگری مانند کالابری برای حمایت از مردم استفاده کنیم.»

این تحلیلگر بازار کار تأکید کرده: «دولت در حال حاضر هیچکدام از این دو مسیر را به شکل مؤثر دنبال نمی‌کند. نتیجه این وضعیت آن است که حقوق‌ها یا امکان افزایش ندارند یا افزایش آنها با محدودیت‌های جدی مواجه است و از سوی دیگر، اعتبار کالابری نیز افزایش پیدا نکرده است.» او افزود: «همان یک میلیون تومان اعتباری که در دی‌ماه تعیین شد، اگر حتی تا بهمن‌ماه هم ادامه پیدا کرده باشد، قدرت خرید خود را از دست داده و دیگر توان مقابله با تورم را ندارد. از سوی دیگر، برنامه مشخص و مؤثری برای حمایت از معیشت مردم وجود ندارد.»

حاج اسماعیلی نیز به بازارهای خالی و فروشگاه‌های بی‌مشتري اشاره کرده و گفته: «این روزها تصاویری از بازارها منتشر می‌شود که در آنها کالا وجود دارد، اما خریدار نیست. این وضعیت نشان می‌دهد قدرت خرید مردم به

برگزاری «رالی جاویدنامان» در لندن



محله «گلدزگرین» در شمال لندن و سپس به سمت سفارت جمهوری اسلامی حرکت کرد.

ایده «رالی جاویدنامان» با حرکت تریلی و کاروان اتومبیل‌های تزئین شده، حاصل زحمات چندین نفر از اعضای دو گروه «دیوار جاویدنامان» و «رالی جاویدنامان» بود. طراحی و آماده‌سازی تصاویر و پلاکاردها و بنرهای مربوط به جاویدنامان میهن، چندین هفته ادامه داشته و تنها نصب تصاویر بر روی تریلی بیش از ۱۲ ساعت به طول انجامید. طراحی و اجرای این برنامه با هزینه شخصی اعضای این دو گروه انجام شد.

تصاویر جاویدنامان میهن بر روی دیوار یادبود محله «گلدزگرین لندن» بعد از وقفه‌ای کوتاه، اینبار به شیوه‌ای جدید مقابل دیدگان مردم بریتانیا قرار گرفت. در روز شنبه ۲۴ امرداد ۱۴۰۵ برابر با ۱۵ اوت ۲۰۲۴، «رالی جاویدنامان» با به نمایش درآمد تصویر جان‌باختگان اعتراضات دی ۴۰۴ در سطح شهر لندن انجام شد.

در «رالی جاویدنامان» که با همراهی بسیاری از خودروهای تزئین شده با پرچم شیروخورشید و نمادهای ملی‌گرایانه انجام شد، تریلی حامل تصاویر جاویدنامان انقلاب شیروخورشید بعد از آماده‌سازی، ابتدا به سمت

تشدید فشار اقتصادی آمریکا بر ناکارآمدی‌های یک حکومت!



صف بنزین در کرمان

درمی‌آید.

بازنشستگان تامین اجتماعی، مخابرات و صنعت نفت در هفته‌های اخیر در تهران، اهواز، اصفهان، شوش، کرمانشاهان، شیراز و شهرهای گیلان تجمع کرده‌اند. شعارهایی که آنها تکرار می‌کنند، حول ناکافی‌بودن مستمری نسبت به سید معیشت، بیمه‌ی درمانی ناکارآمد و اجرایی‌نشدن ماده‌ی ۹۶ قانون تامین اجتماعی می‌چرخد.

ریشه‌ی این فشارها، در بحران‌های چندلایه‌ی اقتصاد رانتی- باندی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار دارد. جمهوری اسلامی پیش از هر تحریم یا جنگی، همواره در حال فشار علیه جامعه به دلیل سوء مدیریت و ناکارآمدی، و در نتیجه، اقتصاد پریشان و تورم بوده و حالا مانند همیشه این ناتوانی را به عوامل خارجی و شرایط جنگی و تحریمی که خود عامل آن است ربط می‌دهد.

خیزش گسترده‌ی دی‌ماه که از بازار تهران آغاز شد و در نهایت با کشتار ده‌ها هزار شهروند سرکوب شد، در حافظه‌ی جمعی ملت ایران حک شده است. بقایای جمهوری اسلامی به شدت نگرانند که تشدید درد اقتصادی بار دیگر به شکل نارضایتی عمومی، انقلاب شیروخورشید را که چون آتشفشان در زیر پوست جامعه غلیان دارد، دوباره فعال سازد.

آنچه وال‌استریت ژورنال «فشار فزاینده» نامیده، ترکیبی از کمبود مزمن و ملموس در زندگی روزانه، بی‌اعتمادی به پایداری نظام و بازگشت اعتراض‌های خیابانی است. صف‌های بنزین و خرید شتابزده‌ی مواد غذایی نشانه‌ای از تپش نبض اجتماع و نگاه شهروندان نسبت به آینده است.

آغاز اعتراضات صنفی که به روشنی با شعارهای سیاسی نیز همراه هستند، پس از چند ماه انتظار و سرکوب بعد از کشتار دی‌ماه و همزمان با اعدام‌های کنونی، نشان می‌دهد که جامعه در حال گردآوری و سنجش ظرفیت‌های بی‌پایان خود و آماده شدن برای تکمیل نبرد علیه رژیم است که نزدیک به نیم قرن یک زندگی عادی را به کام آنان تلخ و خونین کرده است.

می‌افزاید، مردم نه تنها سوخت بلکه مواد غذایی را هم شتابزده تهیه می‌کنند که نشانه‌ای از بدترشدن سطح زندگی و ترس از اختلال در عرضه‌ی اقلام ضروریست که پیامد آن عدم دسترسی به نیازمندی‌های روزانه است.

گزارش‌های همزمان از تهران و شهرهای دیگر مانند مشهد و کرمان این تصویر را تأیید می‌کنند. صف ماشین‌ها در شرق و جنوب پایتخت که با جایگاه‌های تعطیل یا اختلال در عرضه‌ی سوخت مواجه هستند، طولانی شده است. توزیع بنزین در تهران، فقط در یک روز به بیش از ۲۶ میلیون لیتر رسید؛ رقمی بی‌سابقه در سال جاری که حدود ۳۰ درصد فراتر از حد معمول است.

شرکت پخش فرآورده‌های نفتی، در حالی که کمبود روزانه‌ی پانزده میلیون لیتر بنزین نسبت به تقاضای کشور گزارش شده، این افزایش را عمدتاً ناشی از خرید هیجانی و شایعه‌ی کمبود دانسته و ادعا کرده است که زنجیره‌ی تامین سوخت، عادی و «پایدار» است.

دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشکیان هنوز بطور واضح از افزایش سراسری قیمت بنزین سخن نگفته اما مقامات از «اصلاحات ساختاری» و احتمال کاهش سهمیه بنزین و افزایش نرخ سوخت غیرسهمیه‌ای صحبت می‌کنند. تجربه‌ی افزایش ناگهانی قیمت بنزین در آبان ۱۳۹۸ و اعتراض‌های خونین آن سال، هرگونه تغییر را در این حوزه حساس کرده است.

همزمان با صف‌های بنزین، اعتراض‌های صنفی دوباره در نقاط مختلف کشور گزارش شده است. وال‌استریت ژورنال نیز تأکید می‌کند که این تجمعات که در جریان حملات هوایی انجام نمی‌شدند، اکنون بار دیگر در حال شکل گرفتن هستند. کارگران نفت، بازنشستگان و معلمان به کاهش ارزش ریال و افزایش هزینه‌ی زندگی اعتراض دارند.

اهمیت این تجمعات در این است که در جنبش‌های اعتراضی مانند جویبارهای کوچک عمل می‌کنند و یکباره، از بهم پیوستن آنان رودخانه‌ی اعتراضی یک ملت به حرکت

● اعتراضات کارگران نفت، بازنشستگان و معلمان که موج دیگری از آن دوباره به راه افتاده، نشان می‌دهد فشارهای معیشتی روزانه در حالی رو به افزایش است که جمهوری اسلامی و دستگاه فربه اجرایی آن، یعنی دولت و ادارات و سازمان‌های مربوطه، عملاً هیچ توان و اراده‌ای برای کنترل اوضاع ندارند.

● به گزارش وال‌استریت ژورنال، صف‌های چند کیلومتری برای حداقل چند لیتر بنزین، همراه با هجوم و نگرانی از کمبود مواد غذایی و کالاهای اساسی، بعد از اعلام تشدید تحریم‌ها افزایش یافته است. مردم نه تنها سوخت بلکه مواد غذایی را هم شتابزده تهیه می‌کنند.

● همزمان با صف‌های بنزین، اعتراض‌های صنفی دوباره در نقاط مختلف کشور گزارش شده است. وال‌استریت ژورنال نیز تأکید می‌کند که این تجمعات که در جریان حملات هوایی انجام نمی‌شدند، اکنون بار دیگر در حال شکل گرفتن هستند.

● اهمیت این تجمعات در این است که در جنبش‌های اعتراضی مانند جویبارهای کوچک عمل می‌کنند و یکباره، از بهم پیوستن آنان رودخانه‌ی اعتراضی یک ملت به حرکت درمی‌آید.

● آغاز اعتراضات صنفی که به روشنی با شعارهای سیاسی نیز همراه هستند، پس از چند ماه انتظار و سرکوب بعد از کشتار دی‌ماه و همزمان با اعدام‌های کنونی، نشان می‌دهد که جامعه در حال گردآوری و سنجش ظرفیت‌های بی‌پایان خود و آماده شدن برای تکمیل نبرد علیه رژیم است که نزدیک به نیم قرن یک زندگی عادی را به کام آنان تلخ و خونین کرده است.

اعتراضات کارگران نفت و بازنشستگان و فرهنگیان علیه شرایط موجود در حالیست که تشدید فشارهای اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی، از یکسو مردم را به خرید شتابزده‌ی مواد غذایی و سوخت واداشته و از سوی دیگر، حکومت هیچ توان و اراده‌ای برای کنترل اوضاع ندارد.

آغاز تشدید تحریم‌های آمریکا در کنار ازهم‌پاشیدگی جمهوری اسلامی و ناکارآمدی در تأمین سوخت و کنترل تورم، مردم را به سوی تلاش طبیعی و منطقی برای بقا در شرایط سخت با خرید شتابزده‌ی مواد غذایی و سوخت واداشته است. اعتراضات کارگران نفت، بازنشستگان و معلمان که موج دیگری از آن دوباره به راه افتاده، نشان می‌دهد فشارهای معیشتی روزانه در حالی رو به افزایش است که جمهوری اسلامی و دستگاه فربه اجرایی آن، یعنی دولت و ادارات و سازمان‌های مربوطه، عملاً هیچ توان و اراده‌ای برای کنترل اوضاع ندارند.

با اعلام آغاز فشارهای اقتصادی از سوی ایالات متحده در هفته جاری، فشارهای اقتصادی فزاینده در گوشه و کنار کشور بیش از پیش آشکار شده است. قحطی بنزین که ابتدا در نواحی مرزی آغاز شده بود، اینک در تهران و کل کشور گسترش یافته و مردم در صف‌های طولانی بنزین در جایگاه‌های سوخت که اعلام می‌کنند «موجود نیست» منتظر می‌مانند.

خبرگزاری وال‌استریت در همین زمینه گزارش داده است، صف‌های چند کیلومتری برای حداقل چند لیتر بنزین، همراه با هجوم و نگرانی از کمبود مواد غذایی و کالاهای اساسی، بعد از اعلام تشدید تحریم‌ها افزایش یافته است. این گزارش

رکورد تاریخی قیمت طلا و ارز در ایران؛ دلار از مرز ۲۰۰ هزار تومان عبور کرد



همانگونه که در تاریخ جهان خواهد بود. تشدید فشار اقتصادی علیه حکومت با پایان مهلت دو ماهه پیش‌بینی شده برای رژیم تهران در «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» جهت رسیدن به یک «توافق نهایی» با ایالات متحده آغاز شده است.

بازارهای ارز و طلا در حالی پیشاپیش به فعال شدن تحریم‌های جدید واکنش نشان داده‌اند که به نظر می‌رسد عوامل دیگری نیز در افزایش قیمت ارز و طلا مؤثر بوده است.

دیوان محاسبات در گزارشی جدید از شناسایی ۷۷ هزار میلیارد تومان سود خالص در صورت‌های مالی سال ۱۴۰۴ بانک مرکزی خبر داد. بر اساس گزارش دیوان محاسبات، بخش مهمی از سود ثبت شده برای بانک مرکزی ناشی از جهش نرخ ارز، تسعیر دارایی‌های ارزی، فروش طلا و درآمدهای ناشی از تأمین نقدینگی بانک‌ها شکل گرفته است.

نرخ دلار طی یک سال گذشته ۱۱۰ درصد جهش داشته است. پیشتر نیز کارشناسان اقتصادی از افزایش قیمت ارز به عنوان راهکاری برای جبران کسری بودجه خبر داده بودند. با افزایش نرخ ارز، دولت به ازای هر دلاری که نزد بانک مرکزی به ریال تبدیل می‌کند، میزان ریالی بالاتری دریافت کرده و به این ترتیب بخش بیشتری از کسری بودجه را تأمین می‌کند. از سوی دیگر بانک مرکزی همواره با دخالت مستقیم در عرضه ارز در بازار، قیمت‌ها را دستکاری کرده و در مقاطع مختلف سودآوری بالایی از این اقدام به سود خزانه دولت ایجاد می‌کند.

با اینهمه، منابع مالی جمهوری اسلامی طی ماه‌های گذشته و در شرایط جنگی به شدت محدود شده است. عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی هفته گذشته در یک برنامه خبری در صداوسیماي حکومت «توقف

قیمت‌ها در بازار ارز و طلا در ایران با افزایش قابل توجهی روبرو شده و هر دلار آمریکا با ثبت رکورد قیمتی جدید به بیش از ۲۰۰ هزار تومان رسیده است. همچنین قیمت هر سکه طلا از مرز ۲۱۷ میلیون تومان عبور کرده است.

طی روزهای گذشته با تشدید تنش میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده و آغاز ساز و کار تحریمی جدید علیه جمهوری اسلامی توسط ایالات متحده، قیمت ارز و طلا در ایران با افزایش روبرو شد.

افزایش قیمت در بازارهای ارز و طلا در روز یکشنبه اول شهریورماه با ثبت رکوردهای جدید همراه بود. قیمت هر دلار آمریکا در ظهر یکشنبه از مرز ۲۰۰ هزار تومان عبور کرد و به ۲۰۰ هزار و ۳۰۰ تومان رسید.

همزمان هر یورو ۲۳۴ هزار و ۱۰۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۲۷۳ هزار و ۲۰۰ تومان، هر یوان چین ۲۹ هزار و ۸۰۰ تومان، هر درهم امارات ۵۴ هزار و ۵۰۰ تومان و هر لیر ترکیه ۴۲۷۰ تومان معامله شد.

در بازار طلا نیز قیمت‌ها با افزایش قابل توجهی روبرو شده است. هر سکه طلا با قیمت ۲۱۷ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان به فروش رسید و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۲۰ میلیون و ۳۳۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شد.

رکوردهای جدید قیمتی در بازار ارز و طلا بعد از آن ثبت شد که دولت ایالات متحده از ایجاد ساز و کار تحریمی شدیدی علیه حکومت ایران خبر داد. دونالد ترامپ اعلام کرده طرح جدید «شدیدترین عملیات اقتصادی» که تا کنون انجام شده، علیه جمهوری اسلامی به اجرا خواهد گذاشت.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، نیز پنجشنبه گذشته گفت طرح واشنگتن برای افزایش شدید تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی «بزرگترین انزوای اقتصادی

● افزایش قیمت‌ها در بازار ارز در روز یکشنبه اول شهریورماه با ثبت رکوردهای جدید همراه بود. قیمت هر دلار آمریکا در ظهر یکشنبه از مرز ۲۰۰ هزار تومان عبور کرد و به ۲۰۰ هزار و ۳۰۰ تومان رسید.

● در بازار طلا نیز قیمت‌ها با افزایش قابل توجهی روبرو شده. هر سکه طلا با قیمت ۲۱۷ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان به فروش رسید و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۲۰ میلیون و ۳۳۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شد.

● رکوردهای جدید قیمت در بازار ارز و طلا بعد از آن ثبت شد که دولت ایالات متحده از ایجاد ساز و کار تحریمی شدید علیه جمهوری اسلامی خبر داد. دونالد ترامپ اعلام کرده طرح «شدیدترین عملیات اقتصادی» را که تا کنون انجام شده علیه جمهوری اسلامی به اجرا می‌آورد.

● از سوی دیگر امارات متحده عربی سه‌شنبه گذشته، ۲۷ امرداد ۱۴۰۵، اعلام کرد به دلیل موشک‌پرانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه این کشور، همه مبادلات تجاری و تراکنش‌های مالی با ایران را تا اطلاع ثانوی متوقف کرده است. تحلیلگران این اقدام امارات را نیز در افزایش قیمت ارز در ایران مؤثر می‌دانند.

● کامران سلطانی، دبیر پیشین کانون صرافان ارز، خبرها درباره احتمال افزایش قیمت بنزین را به عنوان محرکی در افزایش قیمت ارز مطرح کرده است. او همچنین هشدار داده: «هرگونه افزایش شدید قیمت سوخت می‌تواند موج تازه‌ای از تورم را به اقتصاد تحمیل کرده و کنترل بازار ارز، طلا و سطح عمومی قیمت‌ها را دشوارتر کند.»

● منابع مالی جمهوری اسلامی طی ماه‌های گذشته و در شرایط جنگی به شدت محدود شده است. عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی «توقف کامل صادرات نفت ایران» را تأیید کرده و گفته درآمدهای مالیاتی دولت نیز به دلیل رکود تورمی در اقتصاد ایران با کاهش روبرو شده است.



اعتصاب غذای تر کیمیا داودی، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، در زندان اوین

گروه‌های معاند و اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام محکوم شدند؛ کیمیا به ۱۰ سال و تارا به ۶ سال زندان.»
او اضافه کرد: «پس از دستگیری و در جریان مراحل بازجویی، برای کیمیا در پزشکی قانونی پرونده اعصاب و روان تشکیل شد و طبق گفته‌های خودش و آزمایش و تأیید پزشکی قانونی داروهایی را برایش تجویز کردند. البته شرایط بازجویی کیمیا بسیار سخت بود؛ در طول مدت ۴۰ روز بازداشت حدود ۱۳ کیلو وزن کم کرده بود به طوری که زمانی که او را به بند عمومی آوردند به خاطر حال عمومی و ضعف بدنی چند بار حالش بد می‌شد.»

به گفته این فرد مطلع، «در زندان، همزمان سه عدد از دندان‌های عقل کیمیا شروع به رشد کردند. او حدود سه ماه فشار و درد زیادی تحمل کرد تا به شرایطش رسیدگی شود اما به تمام همراهی و پذیرفتن شرایط از طرف خودش و خانواده او به پزشک ارجاع نشده است. از طرفی، او از قبل پرونده روانپزشکی داشت همراه با نامه محرمانه از طرف پزشک معالجش و همه مدارک، حتی نسخه دارویی او را با زندان تحویل دادیم.»

این فرد نزدیک به خانواده تارا و کیمیا داودی عدم ارجاع به دندانپزشک متخصص با توجه به تأیید پزشک زندان برای رسیدگی فوری را از دلایل اعتصاب غذای کیمیا داودی عنوان کرد. او همچنین پذیرفتن دندانپزشک مورد نظر زندان از طرف زندانی با وجود اختلاف قیمت بسیار زیاد نسبت به سایر کلینیک‌ها و عدم بررسی و ارجاع پرونده روانپزشکی زندانی به پزشکی قانونی را از دیگر دلایل اعتصاب غذای کیمیا داودی عنوان کرد.

این منبع آگاه به آزار کیمیا و عدم رسیدگی عمدی به شرایط او توسط رئیس زندان زنان، خانم یگانه، اشاره کرد و گفت: «حدود سه هفته پیش، یک روز کیمیا نامه اعتصاب غذای خود را نوشت و به رئیس زندان تحویل داد اما خانم یگانه نامه کیمیا را پاره کرد. خانم یگانه با وجود اینکه می‌داند حال جسمانی کیمیا اصلاً خوب نیست همچنان بررسی شرایط پزشکی کیمیا را به تعویق می‌اندازد. کیمیا از دو هفته پیش، دست به اعتصاب غذا زده و فقط آب و چای و داروهای خود را مصرف می‌کند، یکبار در این مدت دچار حمله عصبی شد و از روز یکشنبه -اول شهریورماه- خوردن داروهای خود را هم قطع کرده است.»

این فرد نزدیک به خانواده تارا و کیمیا داودی در پایان گفت: «این دو خواهر متولد شهر مسجدسلیمان هستند. پدر و مادر آنها یک دختر دیگر هم دارند که با او در تهران زندگی می‌کنند.»

● «حدود سه هفته پیش، یک روز کیمیا نامه اعتصاب غذای خود را نوشت و به رئیس زندان تحویل داد اما رئیس زندان زنان نامه کیمیا را پاره کرد. رئیس زندان زنان با وجود اینکه می‌داند حال جسمانی کیمیا اصلاً خوب نیست همچنان بررسی شرایط پزشکی کیمیا را به تعویق می‌اندازد. کیمیا از ۲ هفته پیش، دست به اعتصاب غذا زده و فقط آب و چای و داروهای خود را مصرف می‌کند، یکبار در این مدت دچار حمله عصبی شد و از روز یکشنبه خوردن داروهای خود را را هم قطع کرده است.»

● «کیمیا ۲۹ ساله دانش‌آموخته رشته حقوق دانشگاه رازی کرمانشاه و تارا ۲۳ ساله دانشجوی مهندسی نقشه‌برداری دانشگاه اصفهان هستند. مأموران امنیتی در ۲۴ دی‌ماه به خانه پدری این دو خواهر در شهر تهران یورش بردند و با ضرب و شتم آنها را بازداشت کردند.»

● پس از دستگیری و در جریان مراحل بازجویی، برای کیمیا در پزشکی قانونی پرونده اعصاب و روان تشکیل شد و طبق گفته‌های خودش و آزمایش و تأیید پزشکی قانونی داروهایی را برایش تجویز کردند.

● شرایط بازجویی کیمیا بسیار سخت بود، در طول مدت ۴۰ روز بازداشت، حدود ۱۳ کیلو وزن کم کرده بود به طوری که زمانی که او را به بند عمومی آوردند به خاطر حال عمومی و ضعف بدنی چند بار حالش بد می‌شد.»

یک منبع آگاه در گفتگو با «کیهان لندن» خبر داده، کیمیا داودی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، از دو هفته پیش، دست به اعتصاب غذا زده است. این شهروند زندانی یکبار در طول اعتصاب غذا دچار حمله عصبی شده است و از روز یکشنبه اول شهریورماه حتی مصرف داروهایش را هم قطع کرده است. کیمیا همراه با خواهرش تارا از ۲۴ دی‌ماه در جریان انقلاب شیروخورشید بازداشت و به بند زنان زندان اوین منتقل شدند.

منبع آگاه نزدیک به خانواده کیمیا و تارا داودی در گفتگو با «کیهان لندن» توضیح داد که «کیمیا ۲۹ ساله دانش‌آموخته رشته حقوق دانشگاه رازی کرمانشاه و تارا ۲۳ ساله دانشجوی مهندسی نقشه‌برداری دانشگاه اصفهان هستند. مأموران امنیتی در ۲۴ دی‌ماه به خانه پدری این دو خواهر در شهر تهران یورش بردند و با ضرب و شتم آنها را بازداشت کردند.»

به گفته این منبع آگاه «کیمیا و تارا کافه‌دار بودند و در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه از سوی دادگاه انقلاب تهران به اتهام حضور در اعتراضات، ارتباط با شبکه‌ها و

کامل صادرات نفت ایران» را تأیید کرد و گفت درآمدهای مالیاتی دولت نیز به دلیل رکود تورمی در اقتصاد ایران با کاهش روبرو شده است.
او همچنین گفت، در حال حاضر ناترازی بودجه، تحریم‌ها، محاصره دریایی و... به شدت کشور را تحت فشار قرار داده است.

عبدالناصر همتی افزود که یکی از بندهای «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» به آزاد ساختن بخشی از پول‌های کشور مرتبط بود و «در قطر توافق شد ۱۲ میلیارد دلار در این چارچوب آزاد شود و تأیید هم شده بود، اما نیمه‌کاره ماند و فعلاً اتفاق خاصی نیفتاده است.»

پیش از این مسعود پزشکیان نیز بارها بر کاهش درآمدهای دولت طی ماه‌های گذشته تأکید کرده بود. او هفته گذشته اعلام کرد: «درآمدان کاهش یافته و نمی‌توانیم نفت بفروشیم، مسیر واردات طولانی‌تر شده است.»

محاصره دریایی جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده سبب محدود شدن صادرات و کاهش ارزآوری برای حکومت شده است. بر اساس آمارها، صادرات نفت ایران در ماه اوت به حدود ۵۳۴ هزار بشکه در روز کاهش یافته؛ رقمی که در مقایسه با میانگین حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز در سال گذشته، کاهش قابل توجهی یافته است.

از سوی دیگر امارات متحده عربی سه‌شنبه گذشته، ۲۷ امرداد ۱۴۰۵، اعلام کرد به دلیل موشک‌پرانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه این کشور، همه مبادلات تجاری و تراکنش‌های مالی با ایران را تا اطلاع ثانوی متوقف کرده است.

علی شریعتی عضو اتاق بازرگانی نیز روز گذشته نسبت به مسدود شدن منابع متعلق به ایران و بانک‌های ایرانی در امارات متحده عربی، در پی توقف مبادلات مالی و تجاری دو کشور، هشدار داد.

علی شریعتی گفت: «امیدوارم قانون جدید باعث مسدودی منابع ایران در این کشور نشود». وی افزود در صورت بلوکه شدن منابع ایرانیان، شرکت‌های واسطه یا بانک‌های ایرانی، رقم مورد نظر «ممکن است عدد بزرگی باشد.»

وبسایت «پایگاه طلا و ارز» نیز گزارش داده، افزایش شدید قیمت دلار در شرایطی رخ داده که بازار ارز تحت فشار مجموعه‌ای از ریسک‌های سیاسی و تجاری قرار دارد. خبرهای مربوط به محدود شدن مرادوات تجاری و مالی با امارات متحده عربی در همین چارچوب اهمیت پیدا می‌کنند. امارات یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری ایران است و اختلال در این مسیر می‌تواند آثار خود را فراتر از کاهش ساده روابط تجاری نشان دهد.

این گزارش افزوده، مسئله اصلی، تأثیر احتمالی این محدودیت‌ها بر انتقال پول، واردات، تسویه حساب‌های تجاری و دسترسی به منابع ارزی است. هرچه این مسیرها دشوارتر شوند، هزینه تأمین ارز نیز می‌تواند افزایش پیدا کند و همین موضوع در نهایت فشار بیشتری بر بازار آزاد وارد خواهد کرد.

در این میان، کامران سلطانی، دبیر پیشین کانون صرافان ارز، خبرها درباره احتمال افزایش قیمت بنزین را به عنوان محرکی در افزایش قیمت ارز مطرح کرده است. او همچنین هشدار داده «هرگونه افزایش شدید قیمت سوخت می‌تواند موج تازه‌ای از تورم را به اقتصاد تحمیل کرده و کنترل بازار ارز، طلا و سطح عمومی قیمت‌ها را دشوارتر کند.»

وضعیت بحرانی کارگران در پروژه‌های صنعت نفت؛ از خودکشی به علت مشکلات مالی تا مرگ بر اثر گرمزدگی



● بسیاری از کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری صنعت نفت با شرایط دشوار و ناعادلانه کار می‌کنند و حقوق و مزایای شغلی آنها نیز ماه‌ها پرداخت نمی‌شود.

● پس از جنگ و تشدید کسری بودجه، بسیاری از شرکت‌های پیمانکاری اقدام به اخراج شمار زیادی از کارگران کردند. موضوعی که معیشت صدها کارگر حرفه‌ای صنعت نفت را تحت تأثیر قرار داده است.

● دبیر اجرایی «خانه کارگر» ماهشهر با اشاره به مشکلات کارگران شاغل در صنایع نفت منطقه گفته، یکی از کارگران اخراجی پتروشیمی‌های ماهشهر پس از مراجعه به اداره کار و در پی بی‌پاسخ ماندن مطالباتش، اقدام به خودکشی کرد که با مداخله کارگران زنده ماند.

● کارگران اخراج‌شده پتروشیمی «سلمان فارسی» در بندر ماهشهر طی هفته‌های گذشته چند دوره تجمع در مقابل این پتروشیمی برگزار کرده و خواستار بازگشت به کار شدند.

کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری صنعت نفت ایران از سال‌ها پیش با مشکلات صنفی از جمله حقوق ناچیز، نداشتن امنیت شغلی، شرایط دشوار و شیفت‌های طولانی و عدم ارائه مزایای عادلانه شغلی روبرو بودند. شرایط اشتغال این کارگران طی ماه‌های گذشته و پس از جنگ جمهوری اسلامی با آمریکا بحرانی‌تر شده است.

بسیاری از کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری صنعت نفت با شرایط دشوار و ناعادلانه کار می‌کنند و حقوق و مزایای شغلی آنها نیز ماه‌ها پرداخت نمی‌شود. از سوی دیگر پس از جنگ و تشدید کسری بودجه، بسیاری از شرکت‌های پیمانکاری اقدام به اخراج شمار زیادی از کارگران کردند. موضوعی که معیشت صدها کارگر حرفه‌ای صنعت نفت را تحت تأثیر قرار داده است.

خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی به وضعیت دشوار کاری و نارضایتی کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری پتروشیمی‌های بندر ماهشهر پرداخته است. ابراهیم پیرایش دبیر اجرایی «خانه کارگر» ماهشهر در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به مشکلات کارگران شاغل در صنایع نفت منطقه گفته، یکی از کارگران اخراجی پتروشیمی‌های ماهشهر پس از مراجعه به اداره کار و در پی بی‌پاسخ ماندن مطالباتش، اقدام به خودکشی کرد که با مداخله کارگران زنده ماند.

همکاران این کارگر نیز به خبرگزاری «ایلنا» گفته‌اند: «طی شش ماه گذشته وی بسیار نگران وضعیت شغلی خود بوده و مشکلات زندگی او بعد از اخراج و با داشتن دو فرزند و پدر و مادری پیر و برادری بیمار دو چندان شده است.»

ابراهیم پیرایش همچنین از اخراج تعدادی از کارگران شرکت پتروناد، مشکلات دستمزدی کارگران و عدم اجرای برخی آرای هیئت‌های حل اختلاف و احکام قضایی از سوی شرکت‌های منطقه انتقاد کرد. او تأکید کرد که همزمانی بحران اشتغال، معیشت و عدم اجرای مطالبات قانونی، شرایط کارگران بندر ماهشهر را حساس‌تر از گذشته کرده است.

به گزارش خبرگزاری «ایلنا»، مشکلات تنها به اخراج‌ها محدود نمی‌شود و کارگران شاغل نیز با مسئله پایین بودن دستمزد و دشواری تأمین هزینه‌های زندگی روبرو هستند. در کنار مشکلات معیشتی، گزارش‌هایی از خودداری برخی

تهیه‌های ایمنی و شرایط مناسب برای کار را فراهم کند. در صورتی که کارفرما بدون رعایت این الزامات، کارگر را در چنین شرایطی به کار بگیرد و در ادامه، عارضه‌ای مانند گرمزدگی، حمله قلبی یا فوت رخ دهد، امکان بررسی رابطه میان شرایط کار و فوت وجود دارد.

علیرضا مقدم با اشاره به مرگ کارگران در شرایط دشوار کاری و گرمای هوا گفته: «در مناطقی مانند عسلویه که کارگران ممکن است در معرض دمای بسیار بالا قرار داشته باشند، یا در برخی محیط‌های کاری مانند عملیات جوشکاری در داخل لوله‌ها که شرایط دمایی دشواری وجود دارد، باید شرایط محیط کار و میزان تأثیر آن بر وضعیت جسمانی کارگر بطور تخصصی بررسی شود.»

در آنسو به گزارش فعالان کارگری، ایمنی در محیط کار نیز پس از جنگ بیش از گذشته حادثه‌ساز شده و برخی کارفرمایان در رسته‌های مختلف شغلی به بهانه مشکلات مالی ناشی از شرایط جنگ به استانداردهای ایمنی در محیط کار بی‌اعتنا هستند.

داود کشوری رئیس انجمن صنفی گچکاران استان قم در اینباره گفته: «متأسفانه امروز به جای اینکه نظارت جدی بر پروژه‌های ساختمانی و کارگاه‌ها انجام شود و ایمنی محیط کار افزایش پیدا کند، فشار زیادی متوجه خود کارگران ساختمانی است.»

او گفته: «کارگر ساختمانی هر روز با خطرات مختلف از جمله سقوط، ریزش آوار و حوادث کاری روبرو هستند. انتظار ما این است که سازمان تأمین اجتماعی به جای بازرسی‌هایی که باعث نگرانی و فشار بر کارگران می‌شود، به محل پروژه‌ها برود و وضعیت ایمنی کارگاه‌ها را بررسی کند.»

این فعال کارگری تأکید کرده: «با مرگ یک کارگر، فقط یک خانواده داغدار نمی‌شود؛ هزینه‌های سنگین اجتماعی و اقتصادی نیز به جامعه، سازمان تأمین اجتماعی و حتی نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد تحمیل می‌شود. بنابراین پیشگیری از حادثه باید اولویت اصلی باشد.»

شرکت‌ها از اجرای آرای مراجع حل اختلاف و حتی دستورات و احکام قضایی منتهی شده است. این وضعیت موجب شده شماری از کارگران با وجود طی کردن مسیرهای قانونی و دریافت رای، همچنان نتوانند حقوق و مطالبات خود را دریافت کنند.

در هفته‌های گذشته کارگران رسمی و پیمانی صنعت نفت اعتراضاتی را نیز برگزار کردند. در سومین هفته امرداد کارگران رسمی شاغل در سکوی استخراج نفت دست به تجمع زدند. «شورای سازماندهی اعتراض کارگران پیمانی نفت» ۲۶ امرداد و در چهارمین روز این تجمعات اعلام کرد که شرایط دشوار کار در هوای گرم و عدم پرداخت مزایای شغلی و اجرای قوانینی که سبب افزایش حقوق این کارگران می‌شود از جمله دلایل اعتراضات آنها بوده است.

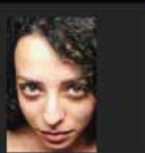
همچنین کارگران اخراج‌شده پتروشیمی «سلمان فارسی» در بندر ماهشهر طی هفته‌های گذشته چند دوره تجمع در مقابل این پتروشیمی برگزار کرده و خواستار بازگشت به کار شدند.

منابع کارگری همچنین از شرایط دشوار شغلی کارگران در عسلویه خبر می‌دهند. از جمله مرگ یک کارگر در لوله جوشکاری و به علت گرمای شدید هوا. کارگران شاغل در عسلویه طی سال‌های گذشته بارها به دلیل بی‌توجهی مقامات وزارت نفت و مدیران شرکت‌های پیمانکاری اعتراضات و اعتصابات را برگزار کردند. فعالان کارگری می‌گویند طی ماه‌های گذشته و پس از آغاز جنگ شرایط کارگران دشوارتر شده و مدیران شرکت‌های پیمانکاری هم به بهانه شرایط جنگی، وضعیت دشوارتری را برای کارگران ایجاد کرده و حق و حقوق آنها را پرداخت نمی‌کنند.

در این میان حتی با بروز حادثه یا مرگ کارگران نیز حمایتی از آنها و بازماندگان انجام نمی‌شود. علیرضا مقدم کارشناس حقوق کار و وکیل دادگستری گفته، اگر شرایط محیط کار به گونه‌ای باشد که انجام فعالیت در دمای بالا برای کارگر خطرناک باشد، کارفرما مکلف است الزامات و

مسابقه نمایشنامه‌نویسی «زن، زندگی، آزادی» با موضوع اعتراضات دی ۴۰۴ برگزار می‌شود

برگزیدگان نخستین مسابقه نمایشنامه‌نویسی «زن، زندگی، آزادی»

برگزیده (آثر هفتم): آیا زن یک انسان است؟ نویسنده: تهمنه محمدی ایران	برگزیده (آثر ششم): آقا نویسنده: نوید ایزدیار ایران	برگزیده (آثر پنجم): یکساعت و نیم قبل از طلوع صبح نویسنده: مهشاد فاضلی ایران	برگزیده (آثر چهارم): آفتابی که کم تابید نویسنده: سیاوش طهماسبی ایران
			
• متولد سال ۱۳۵۷ در تهران • کارشناسی ارشد ادبیات • نمایشی دانشگاه تهران • نگارش بیش از ده نمایشنامه • نگارش پنج فیلمنامه و سه داستان کوتاه • سه اثر پژوهشی • فعالیتهای اجرایی در تئاتر • عضویت در انجمن • کارگردان خانه تئاتر و کانون • نمایشنامه‌نویسان خانه تئاتر	• متولد سال ۱۳۶۵ در کرج • لیسانس سینما از دانشگاه • سوره تهران • نگارش بیش از ۱۰ نمایشنامه کوتاه و بلند از سال ۱۳۸۵ تاکنون • نگارش بیش از ۵ فیلمنامه	• متولد سال ۱۳۶۳ در اهواز • کارشناسی ارشد ادبیات • نمایشی از دانشکده هنر و معماری تهران • فعالیت در زمینه‌های نقاشی و مجسمه سازی، نویسندگی هنری و پژوهشی • فعالیتهای هنری در حیطه فیلم کوتاه و عکاسی و فیلمبرداری پشت صحنه، منشی صحنه، کارگردانی هنری و مدیر هنری	• متولد سال ۱۳۶۳ • کارشناسی ارشد هنرهای نمایشی از دانشکده هنرهای زیبا • شرکت در جشنواره‌های استانی و ملی با نمایش‌های مختلف به عنوان نویسنده، کارگردان و طراح صحنه

کانون هنرمندان ایرانی فیلم و تئاتر برون مرز AIFTAA
 Association of Iranian Film and Theatre Artists Abroad

● کانون هنرمندان فیلم و تئاتر برون مرز «آیفتا» (AIFTA) دومین سال برگزاری مسابقه نمایشنامه‌نویسی «زن، زندگی، آزادی» را با تأکید بر خیزش مردم ایران در دی‌ماه ۱۴۰۴ برگزار می‌کند.

● فراخوان این مسابقه در زمانی داده می‌شود که به دلیل وجود اختناق در ایران و موج عظیم دستگیری شهروندان و هنرمندان با اتهامات بی‌اساس در چند ماه گذشته، راه گفتگوی با هنرمندان داخل را بسیار سخت کرده است.

● خانم‌ها بهرخ بابایی، نیلوفر بیضایی، شعله پاکروان، سپیده شکری‌پور، سمانه زندی‌نژاد و آقایان علی‌اکبر عزیزاد، و علیرضا مجلل هیئت داوران دومین دوره مسابقه نمایشنامه‌نویسی «زن، زندگی، آزادی» هستند.

کتابیون حلاجان - کانون هنرمندان فیلم و تئاتر برون مرز «آیفتا» (AIFTA) دومین سال برگزاری مسابقه نمایشنامه‌نویسی «زن، زندگی، آزادی» را با تأکید بر خیزش مردم ایران در دی‌ماه ۱۴۰۴ برگزار می‌کند. این کانون به صورت مستقل و بدون حمایت مالی، و توسط اعضای آن اداره می‌شود.

فراخوان این کانون در زمانی داده می‌شود که به دلیل وجود اختناق در ایران و موج عظیم دستگیری شهروندان و هنرمندان با اتهامات بی‌اساس در چند ماه گذشته، راه گفتگوی با هنرمندان داخل را بسیار سخت کرده است.

مهدی اکبری نائب رئیس کانون هنرمندان فیلم و تئاتر برون مرز و مدیر اجرایی دومین مسابقه نمایشنامه‌نویسی «زن، زندگی، آزادی»، در بیانیه این کانون می‌گوید: «امروز که فاجعه به سرنوشت میهن و مردمانش گره زده شده، نوشتن نمودی از زیستن می‌شود و قلم بیان کننده رنج‌ها و امیدها. ما بر این باوریم که هنرمندان ایران همواره می‌نویسند تا فراموشی پیروز نشود و امید داریم که با ریشه کن شدن بختک اختناق، نمایش‌نامه‌های هنرمندان ایران دوباره به دست ما برسند؛ زیرا که این مسابقه به منظور حمایت از هنرمندان مستقل و در راستای آرمان‌های جنبش‌های مردمی ایران برگزار می‌شود.»

محمد علی بهبودی هنرپیشه و کارگردان سینما و تئاتر در آلمان و یکی از بنیانگذاران کانون و سخنگوی این مسابقه می‌گوید: «سال گذشته مسابقه نمایشنامه‌نویسی ما برگزار شد و به سه نفر جایزه نقدی دادیم و به همت و کمک انتشارات فروغ آنها را چاپ کردیم.»

او افزوده «آثار نفرت چهارم تا هفتم نیز در سایت کانون در اختیار عموم قرار گرفت و ورکشاپ نویسندگی به همت آقای محمد یعقوبی برای ایشان برگزار شد. از نظر اجرایی ما نمی‌توانستیم جشنواره تئاتر برگزار کنیم، زیرا نیاز به حضور فیزیکی هنرمندان داشتیم که میسر نمیشد. به این دلیل مسابقه نمایشنامه‌نویسی را انتخاب کردیم. سه نفر اول جایزه نقدی دریافت می‌کنند و مانند سال گذشته آثار این سه نفر در انتشارات «فروغ» با مدیریت آقای حمید مهدی‌زاده و خانم مینو عجله در شهر کلن در آلمان چاپ خواهد شد.»

محمد علی بهبودی افزوده «امسال در مراسم اعلام نتایج قصد داریم در شهر کلن برنامه‌ای برگزار کنیم و یکی

از نمایشنامه‌های سال گذشته را در آن اجرا و یا هر سه را نمایشنامه‌خوانی کنیم. سال گذشته موضوع ما مسابقه مبارزات اجتماعی و سیاسی مردم و نقش زنان در این مبارزات بود که بیش از ۹۵ درصد نمایش‌هایی که به دست ما رسید به این موضوع پرداخته بودند و ۲۵ نفر نویسنده زن در میان آنها بود.»

او افزوده «قوانین مسابقه ما این است: نمایشنامه‌ها می‌توانند تألیفی و یا اقتباسی باشند. در اقتباسی‌ها حتما باید نام مرجع ذکر شود. هیچ کدام از این آثار نباید در ایران چاپ و به روی صحنه رفته و در جشنواره‌ای شرکت کرده باشند. ما یک گروه تحقیق داریم که به این کار رسیدگی می‌کنند. به طور مثال سال گذشته یکی از نمایشنامه‌ها که به دست ما رسیده بود با نام دیگری در جشنواره‌ای داخلی اجرا شده بود که ما آن را از مسابقه حذف کردیم.»

مهلت ارسال آثار به این مسابقه تا ۲۶ آگوست ۲۰۲۶ (چهارم شهریورماه ۱۴۰۵) بوده است و رأی نهایی توسط هیئت داوران در مراسمی در کلن اعلام خواهد شد.

خانم‌ها بهرخ بابایی، نیلوفر بیضایی، شعله پاکروان، سپیده شکری‌پور، سمانه زندی‌نژاد و آقایان علی‌اکبر عزیزاد، و علیرضا مجلل هیئت داوران دومین دوره مسابقه نمایشنامه‌نویسی «زن، زندگی، آزادی» هستند.

مسابقه نمایشنامه‌نویسی
زن، زندگی، آزادی
دومین دوره
مقام با خیزش اعتراضی مردم ایران در دی‌ماه ۱۴۰۴



چاپ آثار برگزیده
و اهدای جوایز نقدی:
نفر اول: ۴۰۰ یورو
نفر دوم: ۳۰۰ یورو
نفر سوم: ۲۰۰ یورو

لینک ارسال آثار:
aiftaa.com/wlfpf-2026
info@aiftaa.com

برای شرکت، اسکن نمائید




گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره تورم؛ بحرانی که محصول عملکرد جمهوری اسلامی است



هم میزان تورمی که مردم احساس می‌کنند افزایش یافته و هم انتظار آنها برای افزایش بیش از پیش قیمت‌ها بیشتر شده است.

اینهمه در حالیکه از زمستان گذشته تا کنون و پس از آغاز جنگ فشارهای تورمی در اقتصاد ایران با سرعت بیشتری نسبت به گذشته ادامه یافته است. رقم تورم نقطه به نقطه به مرز ۹۰ درصد رسیده و تورم مواد غذایی از مرز ۱۲۰ درصد عبور کرده است.

افزایش تورم در سال ۱۴۰۵ فصل جدیدی از فقر و فلاکت تحمیل شده به مردم در کارنامه جمهوری اسلامی را ثبت کرده است. حذف بسیاری از مواد غذایی ضروری از سفره خانوارها، ناتوانی از تأمین هزینه مسکن، حذف درمان از سبد مصرفی و پایان دادن به روند درمان حتی در بیمارستان مبتلا به بیماری‌های خاص، از جمله پیامدهای عمیق شدن فقر در پی افزایش تورم در ایران است.

گسترش فقر و تورم هشدارهایی از سوی برخی «خودی»ها را نیز در پی داشته است. در همین رابطه فتح‌الله توسلی، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، با استناد به گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده: «تورم خوراکی‌ها در سه ماه اخیر به بالای ۱۲۰ درصد رسیده و نگران امنیت غذایی مردم هستیم. موضوع خوراکی‌ها و افزایش سرسام‌آور قیمت آنها بر وضعیت مردم اثر دارد.»

در این میان آغاز تشدید فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی توسط ایالات متحده که از هفته جاری آغاز شده نیز پیش‌بینی‌ها درباره افزایش رکود تورمی و سقوط بیش از پیش قدرت خرید را در پی داشته است.

در این میان اما مقامات دولت نه تنها با توسل به واژه‌های «جنگ» و «دشمن» در حال فرافکنی هستند بلکه

مجلس شورای اسلامی تأکید کرده هزینه اجاره باعث شده مسکن حتی در ماههایی که شوک تورمی شدیدی وجود نداشته، سهم بالایی در افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده داشته باشد.

افزایش قیمت مواد غذایی، سوخت و اجاره‌بها عواملی هستند که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی سبب شده تورم نقطه به نقطه که مقایسه قیمت‌ها در هر ماه با ماه مشابه سال پیش است- طی سال‌های گذشته همواره بالای ۳۰ درصد باقی بماند.

یکی از شاخص‌های مهم تورم در ایران نیز تورم تولیدکننده است که افزایش آن بطور مستقیم بر افزایش قیمت تمام شده کالاها اثر دارد. بر اساس بررسی مرکز پژوهش‌ها، تورم تولیدکننده از دی‌ماه ۱۴۰۳ وارد مسیر افزایشی شد و در شهریور ۱۴۰۴ به بیش از ۴۱ درصد رسید. این شاخص تغییر هزینه کالاها و خدمات در سطح تولیدکننده را نشان می‌دهد و افزایش آن می‌تواند با فاصله زمانی به قیمت‌های مصرف‌کننده منتقل شود.

تورم تولیدکننده که از جمله شاخص‌های «پیش‌بینی» در اقتصاد است شامل افزایش قیمت همه کالاها و خدماتی است که در تولید کالا یا خدمات نقش دارند؛ مانند هزینه مواد اولیه، تکنولوژی، سوخت، انرژی، دستمزد نیروی کار و حمل و نقل.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، جهش‌های قیمت ارز طی سال‌های گذشته در کنار قطع برق و گاز بخش صنعت در فصول مختلف از عوامل مهم افزایش هزینه تولید بوده‌اند.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد دو شاخص «ادراک تورمی» و «انتظارات تورمی» نیز از پاییز ۱۴۰۳ روندی صعودی داشته‌اند. به این معنا که

● شاخص‌های اقتصادی طی سال‌های گذشته در مسیری حرکت کرده‌اند که تورم در مرز ۹۰ درصد و رکود عمیق اقتصادی امروز را رقم زده‌اند. از سوی دیگر جنگ و تشدید فشارهای اقتصادی ایالات متحده سبب برجسته شدن بحران‌های اقتصادی و نمایان‌تر شدن پیامدهای آنها شده است.

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش داده، متوسط نرخ تورم ماهانه که تا پایان سال ۱۴۰۳ کمتر از ۳ درصد بود، در شش ماه نخست سال ۱۴۰۴ به حدود ۳/۴ درصد رسید. تورم تولیدکننده نیز در شهریور ۱۴۰۴ از ۴۱ درصد عبور کرد.

● بر اساس این گزارش، آب و برق و گاز و سایر سوخت‌ها در کنار مواد غذایی سهم قابل توجهی در تورم ماهانه داشته‌اند. اجاره‌بهای مسکن نیز از شاخص‌های اثرگذار بر افزایش تورم عمومی اقتصاد کشور ارزیابی شده است.

● از زمستان گذشته تا کنون و پس از آغاز جنگ اخیر، فشارهای تورمی در اقتصاد ایران با سرعت بیشتری نسبت به گذشته ادامه یافته است. رقم تورم نقطه به نقطه به مرز ۹۰ درصد رسیده و تورم مواد غذایی از مرز ۱۲۰ درصد عبور کرده است.

● کارشناسان اقتصادی معتقدند در صورت عدم توافق جمهوری اسلامی با آمریکا، و با ادامه شرایط کنونی یا تداوم جنگ میان حکومت و آمریکا، قیمت دلار به ۳۰۰ هزار تومان خواهد رسید.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در گزارشی با بررسی روند تورم طی سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ نشان داده مشکل تورم در اقتصاد ایران زائیده جنگ نیست و محصول عملکرد جمهوری اسلامی بوده است. شاخص‌های اقتصادی طی سال‌های گذشته در مسیری حرکت کرده‌اند که تورم در مرز ۹۰ درصد و رکود عمیق اقتصادی امروز را رقم زده‌اند. از سوی دیگر جنگ و تشدید فشارهای اقتصادی ایالات متحده سبب برجسته شدن بحران‌های اقتصادی و نمایان‌تر شدن پیامدهای آنها شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش داده، متوسط نرخ تورم ماهانه که تا پایان سال ۱۴۰۳ کمتر از ۳ درصد بود، در شش ماه نخست سال ۱۴۰۴ به حدود ۳/۴ درصد رسید. تورم تولیدکننده نیز در شهریور ۱۴۰۴ از ۴۱ درصد عبور کرد.

در این گزارش تأکید شده، در دوره‌هایی که اقتصاد با شوک تورمی روبرو شده، خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها بیشترین سهم را در افزایش ماهانه قیمت‌ها داشته‌اند. افزایش قیمت مواد غذایی همچنین همسو با قیمت ارز در بازار آزاد رخ داده که علت آن وابستگی قابل توجه تولید مواد غذایی به نهادهای وارداتی و همچنین امکان صادرات برخی محصولات غذایی ارزیابی شده است.

بر اساس این گزارش، آب و برق و گاز و سایر سوخت‌ها در کنار مواد غذایی سهم قابل توجهی در تورم ماهانه داشته‌اند. اجاره‌بهای مسکن نیز از شاخص‌های اثرگذار بر افزایش تورم عمومی اقتصاد کشور ارزیابی شده است. مرکز پژوهش‌های

جنگ روایت‌ها؛ مهمترین میدان نبرد در ایران، از ۵۷ تا امروز



● در دهه‌های گذشته، تعریف «قدرت» در عرصه بین‌الملل دستخوش تغییری بنیادین شده است. اگر تا اواخر قرن بیستم، وزن یک کشور را با تعداد تانک‌ها، حجم اقتصاد یا وسعت مرزهایش متر می‌کردند، در قرن بیست‌ویکم فاکتور دیگری هم‌وزن آنها شده است: توانایی تسخیر افکار عمومی.

● در سال ۱۳۵۷ تصویری غلط از ایران پهلوی ساخته شد که تماماً بر «وابستگی، خفقان سیاسی و شکاف طبقاتی» تأکید می‌کرد. این تصویر که در فضای روشنفکری، چپ و مذهبی دست‌به‌دست می‌شد، کم‌کم به باور بخشی از جامعه تبدیل شد؛ روایتی که هیچ راهی برای اصلاح سیستم باقی نمی‌دید و «انقلاب» را تنها گزینه ممکن معرفی می‌کرد.

● جمهوری اسلامی از دامن یک انقلاب روایی متولد شد؛ بنابراین طبیعی بود که از همان روز اول، حکمرانی ضدتوسعه‌اش را با تفسیر مداوم مفاهیمی مثل «انقلاب»، «بحران» و «دشمن» پیش برد.

● تولید روایت‌هایی که می‌گویند «آینده بن‌بست است»، «هیچ جایگزینی وجود ندارد» یا «هر کنشی بی‌فایده است»، فارغ از اینکه از طرف چه کسی صادر شوند، یک کارکرد مشخص دارند: تزریق ناتوانی آموخته‌شده به جامعه.

● اگر قرن بیستم زمانه جنگ بر سر زمین و چاه‌های نفت بود، قرن بیست‌ویکم قرن فتح ذهن انسان‌هاست. ماندگاری یا فروپاشی سیستم‌ها بیش از آنکه به «قدرت سخت» آنها وابسته باشد، به توانایی‌شان در ساختن روایتی پایدار و باورپذیر از مشروعیت و آینده گره خورده است.

پائولا متکی *

تحلیلی بر دگرگونی مفهوم قدرت و کارزار شناختی در نیم قرن اخیر

مقدمه: وقتی ذهن‌ها به خط مقدم تبدیل می‌شوند

در دهه‌های گذشته، تعریف «قدرت» در عرصه بین‌الملل دستخوش تغییری بنیادین شده است. اگر تا اواخر قرن بیستم، وزن یک کشور را با تعداد تانک‌ها، حجم اقتصاد یا وسعت مرزهایش متر می‌کردند، در قرن بیست‌ویکم فاکتور دیگری هم‌وزن آنها شده است: توانایی تسخیر افکار عمومی.

به همین دلیل است که امروز اصطلاحاتی مثل «جنگ روایتی» (Narrative Warfare)، «جنگ اطلاعاتی» و «جنگ شناختی» پای ثابت تحلیل‌های امنیتی و سیاسی شده‌اند. در این پارادایم جدید، دعوا دیگر صرفاً بر سر تصرف خاک نیست؛ جنگ واقعی بر سر این است که چه کسی روایت را می‌سازد، به افکار عمومی جهت می‌دهد و برداشت مردم از «واقعیت» را دستکاری می‌کند.

در چنین دنیایی، موفقیت یک جریان سیاسی لزوماً در گرو برتری نظامی یا اقتصادی‌اش نیست. برنده کسی است که بتواند بحران‌ها را به نفع خود تفسیر کند، حافظه جمعی جامعه را بسازد و امید، اعتماد و هویت مردم را هدایت کند. به زبان ساده: اگر در گذشته خط مقدم در مرزهای جغرافیایی بود، امروز این خط به درون ذهن انسانها کوچ

→ هیچ برنامه مشخص و هماهنگی برای مدیریت وضعیت بحرانی اقتصاد کشور در «شرایط جنگی» ندارند. همانطور که در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز تأکید شده، و کارشناسان اقتصادی نیز توضیح داده‌اند، علت اصلی بحران امروز اقتصاد ایران «جنگ» نیست بلکه محصول عملکرد نزدیک به نیم قرن جمهوری اسلامی است.

در همین رابطه مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز در گفتگو با روزنامه «جهان صنعت» تأکید کرده: «بخشی از این وضعیت، نتیجه سیاست‌های نادرستی است که طی سه یا چهار دهه گذشته دنبال شده است.»

این اقتصاددان توضیح داده که برخلاف شعارهایی که همواره درباره کاهش وابستگی به خارج مطرح می‌شد، سیاست‌گذاری‌ها در حوزه کشاورزی به شکلی پیش رفت که تمرکز زیادی صرفاً بر تولید محصولاتی مانند گندم قرار گرفت، در حالی که می‌شد سیاست‌های دیگری نیز در پیش گرفت تا نیازهای غذایی و اساسی کشور تا این اندازه به خارج وابسته نباشد.

مرتضی افقه با اشاره به پیامدهای طرح «دی دی اقتصادی» ایالات متحده برای تشدید فشارهای حداکثری علیه جمهوری اسلامی گفته: «اگر تولید یا واردات مواد غذایی با مشکل مواجه شود و فشار جدید نیز به این بخش وارد شود، در گام نخست آسیب‌پذیری دهک‌های پایین جامعه افزایش خواهد یافت. به نظر من، در شرایط فعلی حتی شش‌دهک نخست جامعه می‌تواند تحت‌تأثیر مستقیم این وضعیت قرار بگیرند و فشار بیشتری را متحمل شوند. این مسئله می‌تواند برخی از این خانواده‌ها را وارد مرحله بحران کند و حتی ممکن است بخشی از آنها به زیر خط فقر سقوط کنند.»

این اقتصاددان تأکید کرده، در کنار تبعات اقتصادی، این وضعیت می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی نیز به‌دنبال داشته باشد، به ویژه اگر حکومت نتواند برای شرایط جدید راهکار مناسبی پیدا کند.

کارشناسان اقتصادی معتقدند در صورت عدم توافق جمهوری اسلامی با آمریکا، و با ادامه شرایط کنونی یا تداوم جنگ حکومت و آمریکا، قیمت دلار به ۳۰۰ هزار تومان خواهد رسید. افزایش قیمت دلار بطور مستقیم بر قیمت کالاها و خدمات مؤثر خواهد بود و فشارهای اقتصادی را چه بر بخش صنعت و تولید، و چه بر مصرف‌کنندگان افزایش خواهد داد.

امیرمحمد گلوانی تحلیلگر اقتصادی و پژوهشگر بازار ارز می‌گوید، در صورت ادامه محاصره اقتصادی یا از سر گرفته شدن درگیری‌های نظامی، قیمت دلار تا پایان سال می‌تواند بین ۲۵ تا ۵۰ درصد افزایش یابد و به محدوده ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان برسد.

او با اشاره به اختلال در ارزآوری و صادرات نفت گفته هزینه‌های محاصره اقتصادی می‌تواند چندین برابر جنگ نظامی باشد و تداوم وضعیت فعلی تنگه هرمز، اقتصاد و معیشت مردم را با موج‌های سنگین‌تر تورمی مواجه کند.

این اقتصاددان افزایش نرخ ارز را ناشی از تورم مزمن، رشد نقدینگی، خسارت‌های جنگ، محدودیت صادرات و ادامه محاصره اقتصادی ارزیابی و تأکید کرده است که فشار همزمان جنگ و تحریم، ظرفیت تولید، ارزآوری و ثبات بازارها را هدف گرفته و چشم‌انداز نرخ ارز را بیش از گذشته به تحولات سیاسی و امنیتی وابسته کرده است.

کرده است. نویسندگان متعددی این چرخش بزرگ را تحلیل کرده‌اند. مثلاً شان مک‌فیت در کتاب قوانین جدید جنگ می‌گوید قواعد بازی در قرن جدید با فرمول‌های کلاسیک همخوانی ندارد. از نظر او، پیروزی یعنی نفوذ به اراده سیاسی و ذهن جامعه هدف؛ حتی بدون اینکه تانکی شلیک شده باشد. به همین خاطر، عملیات روانی و مدیریت روایت‌ها به رکن اصلی استراتژی‌های امنیتی تبدیل شده‌اند.

پی. دابلیو. سینگر و امرسون بروکینگ نیز در کتاب (Like-War) این ماجرا را از زاویه شبکه‌های اجتماعی دیده و معتقدند این پلتفرم‌ها دیگر ابزار ساده انتقال پیام نیستند، بلکه خود میدان جنگند. جایی که یک ویدئوی چند ثانیه‌ای یا یک هشتگ می‌تواند کاری کند که سابقاً فرستنده‌های گول‌پیکر تلویزیونی با دولت‌ها هم از پس آن بر نمی‌آمدند. اما هدف این جنگ همیشه قانع کردن مخاطب نیست. توماس رید در کتاب اقدامات مخرب نشان می‌دهد که هدف اصلی در مواجهه مدرن، ایجاد شک و گسترش بی‌اعتمادی است. گاهی موفق‌ترین روایت آن نیست که شما را به باور یک دروغ وادار کند؛ بلکه روایتی است که شما را نسبت به وجود هرگونه «حقیقتی» بدبین کند.

اینجاست که تحلیل مارتین گوری در کتاب شورش توده معنا پیدا می‌کند. او می‌گوید انقلاب دیجیتال انحصار دولت‌ها بر اطلاعات را شکست، اما در عوض، جامعه را با سیلابی از روایت‌های متناقض روبرو کرد؛ نتیجه؟ سرگیجه شناختی و سقوط اعتماد عمومی.

تیموتی اسنایدر نیز در کتاب راهی به سوی ناآزادی دست روی همین نقطه می‌گذارد و توضیح می‌دهد که چطور برخی حکومت‌ها با تولید انبوهی از روایت‌های متضاد، عملاً امکان توافق بر سر یک «واقعیت مشترک» را در جامعه نابود می‌کنند.



وقتی در ایران ارائه آمار فقر هم «منع امنیتی» دارد

● فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در یک گفتگوی ویدئویی، از پاسخ به پرسشی درباره میزان تعداد تنگدستان در ایران خودداری کرد و گفت که اعلام این آمار، «منع امنیتی» دارد. سخنگوی دولت تأکید کرده: «انتشار اطلاعات درباره میزان فقر مردم، و رفتار آنها در شرایط فقر، نیاز به مجوز شورای عالی امنیت ملی دارد.»

● وبسایت «فرارو» گزارش داده، فشار اقتصادی به جایی رسیده که برخی خانواده‌های دارای کودک مبتلا به سوء تغذیه حتی توان تهیه ساده‌ترین خوراک‌ها را نیز برای فرزندان ندارند.

● وبسایت «عصر ایران» به رواج پدیده فروش قسطی کالا و خدمات پرداخته و نوشته ماجرا زمانی نگران‌کننده می‌شود که «قسطی‌بخر» از کالاهای بادوام عبور کرده و به خریدهای سوپرمارکتی رسیده است؛ یعنی کالایی که امروز مصرف می‌شود و تمام می‌شود، اما پولش باید در آینده پرداخت شود.

سخنگوی دولت پزشک‌ها در حالی به تازگی اعلام آمار فقر در ایران را دارای «منع امنیتی» و نیازمند به داشتن مجوز از سوی شورای عالی امنیت ملی دانسته که گزارش‌ها نشان می‌دهد جمعیت زیر خط فقر در کشور با افزایش روبروست. بسیاری از خانواده‌های دارای کودک دچار سوءتغذیه حتی توان درست کردن سوپ ساده پای مرغ برای فرزندان خود را هم ندارند!

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در یک گفتگوی ویدئویی، از پاسخ به پرسشی درباره میزان تعداد تنگدستان در ایران خودداری کرد و گفت اعلام این آمار، «منع امنیتی» دارد. سخنگوی دولت تأکید کرده «انتشار اطلاعات درباره میزان فقر مردم، و رفتار آنها در شرایط فقر، نیاز به مجوز شورای عالی امنیت ملی دارد.»

اگر چه جمهوری اسلامی آمار دقیق و رسمی افراد زیر خط فقر در ایران را منتشر نمی‌کند اما کارشناسان و برخی از مقامات حکومتی آمارهایی را ارائه می‌کنند که بیانگر قرار گرفتن دست‌کم ۷۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر است. بر اساس تحلیل‌ها قشر متوسط در ایران محو شده و خانواده‌های متوسط طی سال‌های گذشته به زیر خط فقر سقوط کرده‌اند.

در ماه‌های گذشته تورم با سرعت بیشتری نسبت به قبل از جنگ جمهوری اسلامی با آمریکا در حال افزایش بوده و جمعیت زیر خط «فقر مطلق» نیز با افزایش روبرو شده است. خانواده‌های زیادی با وجود اشتغال و داشتن درآمد، از تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های ماهانه نیز ناتوان هستند. وبسایت «فرارو» در یک گزارش به گسترش سوءتغذیه کودکان و ناتوانی خانواده‌ها در تأمین نیازهای غذایی و درمانی فرزندانشان پرداخته است. در این گزارش تأکید شده که فشار اقتصادی به جایی رسیده که برخی خانواده‌های دارای

نیست. این میدان پر از بازیگران رسمی و غیررسمی است؛ از صدواسیما و رسانه‌های حکومتی گرفته تا شبکه‌های ماهواره‌ای، کانال‌های تلگرامی، اینفلوئنسرها و کاربران شبکه‌های اجتماعی.

نکته کلیدی اینجاست که هدف این شبکه عظیم، دیگر «اطلاعرسانی» به معنای سنتی آن نیست؛ هدف، مهندسی «ادراک» است. در جنگ شناختی مدرن، مهم نیست چه اتفاقی افتاده؛ مهم این است که شما چطور آن اتفاق را معنا می‌کنید. موفقیت یک روایت را دیگر با متر و معیار «حقیقت» نمی‌سنجند، بلکه با میزان تأثیری که روی احساسات، اعتماد و رفتار جامعه می‌گذارد، ارزیابی می‌کنند.

ناامیدسازی؛ وقتی آینده مصادره می‌شود

یکی از استراتژیک‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین لایه‌های این جنگ، دستکاری مفهوم «امید» است. امید یک حس فانتزی نیست؛ یک موتور محرک سیاسی است که تعیین می‌کند جامعه چقدر انگیزه مشارکت یا توان تغییر برای بقا و مطالبات حق زندگی آزاد و شاد را دارد.

در این فضا، تولید روایت‌هایی که می‌گویند «آینده بن‌بست است»، «هیچ جایگزینی وجود ندارد» یا «هر کنشی بی‌فایده است»، فارغ از اینکه از طرف چه کسی صادر شوند، یک کارکرد مشخص دارند: تخریب ناتوانی آموخته‌شده به جامعه. این ناامیدی ساختاری، لزوماً از یک اتاق فکر واحد هدایت نمی‌شود؛ بلکه محصول فرعی تصادم روایت‌های متضاد داخلی و خارجی است که در نهایت، سرمایه اجتماعی را ذوب می‌کند و افق آینده را تیره می‌سازد.

نتیجه‌گیری: قرن تسخیر ذهن‌ها

برای فهم دقیق جامعه و سیاست در ایران، باید از تحلیل‌های سطحی محدود به انتخابات یا تنش‌های خیابانی عبور کنیم. قصه اصلی ایران در لایه‌های عمیق‌تر جریان دارد؛ جایی که واقعیت‌های عینی روزمره با روایت‌های رقیب در چالشند.

از ۵۷ تا امروز، سیاست در ایران حول این پرسش چرخیده است: «کدام روایت صندلی قدرت را تصاحب می‌کند؟» این پرسش، گاهی از خود شاخص‌های اقتصادی یا امنیتی هم حیاتی‌تر بوده است. قدرت واقعی دیگر فقط در دست کسی نیست که اسلحه یا پول دارد، بلکه در دست کسی است که چارچوب فهم جامعه از دنیا را تعیین می‌کند.

تجربه ایران، آینه تمام‌نمای سیاست مدرن است؛ جایی که روایت‌ها جایگزین واقعیت نمی‌شوند، اما زاویه دید ما به واقعیت را کاملاً تغییر می‌دهند. این فاصله میان «خود رویداد» و «برداشت ما از رویداد»، همان منطقه جنگی اصلی است.

اگر قرن بیستم زمانه جنگ بر سر زمین و چاه‌های نفت بود، قرن بیست‌ویکم قرن فتح ذهن انسان‌هاست. ماندگاری یا فروپاشی سیستم‌ها بیش از آنکه به «قدرت سخت» آنها وابسته باشد، به توانایی‌شان در ساختن روایتی پایدار و باورپذیر از مشروعیت و آینده گره خورده است. در نهایت، بزرگترین درس تاریخ معاصر این است: انسان‌ها بر اساس «واقعیت» دست به عمل نمی‌زنند، بلکه بر اساس «برداشت خود از واقعیت» تانک‌ها را متوقف می‌کنند یا حکومت‌ها را تغییر می‌دهند. از همین رو، برنده نهایی کسی است که در این کارزار شناختی، دست بالا را داشته باشد.

البته این بازی ریشه‌ای قدیمی دارد. کتاب‌های کلاسیکی مثل پروپاگاندا یا تولید رضایت سال‌ها پیش نشان داده‌اند که قدرت همیشه با کنترل اطلاعات گره خورده است. چیزی که امروز تغییر کرده، سرعت نورآسای انتشار، عمق تأثیر و تکرار بازیگرانی است که وارد این معرکه شده‌اند. با این عینک نظری، بهتر می‌توان تحولات نیم‌قرن اخیر ایران را تماشا کرد. واقعیت این است که از سال‌های منتهی به سال ۱۳۵۷ تا همین امروز، دعوای اصلی در ایران تنها بر سر صندلی‌های قدرت یا کنترل خیابان نبوده؛ بلکه نبردی مستمر برای تعریف «مشروعیت»، «واقعیت»، «حافظه تاریخی» و «آینده» در جریان بوده است. ذهن جامعه ایرانی، شلوغ‌ترین میدان این نبرد است.

انقلاب ۵۷؛ غلبه تصویر بر واقعیت‌های پیچیده

اگر انقلاب سال ۱۳۵۷ را صرفاً یک جابجایی سیاسی ببینیم، بخش مهمی از سناریو را گم کرده‌ایم. آن روزها فقط یک رژیم تغییر نکرد؛ بلکه یک «روایت» بر روایتی دیگر پیروز شد. در یک سوی این میدان، تصویری غلط از ایران پهلوی ساخته شد که تماماً بر «وابستگی، خفقان سیاسی و شکاف طبقاتی» تأکید می‌کرد. این تصویر که در فضای روشنفکری، چپ و مذهبی دست‌به‌دست می‌شد، کم‌کم به باور بخشی از جامعه تبدیل شد؛ روایتی که هیچ راهی برای اصلاح سیستم باقی نمی‌دید و «انقلاب» را تنها گزینه ممکن معرفی می‌کرد.

اما در سوی دیگر، واقعیت چندلایه وجود داشت: ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، در کنار همه روایت‌ها و نقدها، موجی از رشد اقتصادی، صنعتی‌سازی، توسعه زیرساخت‌ها و ورود زنان به جامعه و در یک کلام توسعه را تجربه می‌کرد. اما در نهایت، این «ادراک بحران» بود که بر «تجربه توسعه» غلبه کرد.

با نگاهی به گذشته، می‌توان گفت برگ برنده انقلابیون، توانایی آنها در ساده‌سازی یک واقعیت پیچیده بود. آنها توانستند مفاهیمی مثل غرب‌زدگی و فساد را در یک روایت منسجم و جذاب بسته‌بندی کنند؛ روایتی که برای جامعه تشنه تغییر، به مراتب جذاب‌تر از گزارش‌های توسعه‌محور حکومت وقت بود. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که نظریه‌پردازان جنگ روایت‌ها به آن می‌گویند: «برتری انسجام قصه بر پراکندگی داده‌ها».

جمهوری اسلامی؛ بازتولید قدرت در بستر کلان‌روایت‌ها

جمهوری اسلامی از دامن یک انقلاب روایی متولد شد؛ بنابراین طبیعی بود که از همان روز اول، حکمرانی ضدتوسعه‌اش را با تفسیر مداوم مفاهیمی مثل «انقلاب»، «بحران» و «دشمن» پیش ببرد.

در تمام این چهار دهه، هیچ پدیده سیاسی یا اجتماعی در ایران یک رخداد ساده باقی نمانده است؛ بلکه بلافاصله به سطح «تفسیر» پرتاب شده است. اعتراضات، بحران‌های معیشتی یا تنش‌های دیپلماتیک، همگی در قالب کلان‌روایت‌هایی مثل «توطئه خارجی»، «جنگ اقتصادی» یا «پروژه نفوذ» بازتعریف شده‌اند تا واقعیت جاری، ذیل این مفاهیم فرمول‌بندی شود.

این شیوه مدیریت افکار عمومی، شباهت عجیبی به همان الگوهایی دارد که مک‌فیت و اسنایدر توصیف می‌کنند؛ جایی که روایت، ابزار دست قدرت نیست، بلکه خود ساختار قدرت است.

بازوهای نبرد؛ از رسانه‌های رسمی تا ارتش‌های سایبری
در صحنه واقعی ایران، جنگ روایت‌ها تک‌صدایی

* پائولا متکی، کارشناس توسعه پایدار.

فروش قسطی کالا و خدمات پرداخته و نوشته ماجرا زمانی نگران‌کننده می‌شود که «قسطی‌بخر» از کالاهای بادوام عبور کرده و به خریدهای سوپرمارکتی رسیده است؛ یعنی کالایی که امروز مصرف می‌شود و تمام می‌شود، اما پولش باید در آینده پرداخت شود.

این گزارش افزوده آمارها نشان می‌دهد که این پدیده، دیگر یک استثنا نیست. گزارش‌های تخصصی حاکی از آن است که حجم اعتبار مصرف‌شده در بازار «الان بخر، بعداً پرداخت کن» در سال ۱۴۰۳ به حدود ۷۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. گزارش‌های بزرگ‌ترین پلتفرم‌های خرید آنلاین نیز از رشد ۱۲۹ درصدی خرید اعتباری نسبت به سال قبل

هزینه‌های سلامت به ۵۵ تا ۷۰ درصد رسیده و قیمت برخی داروها نیز سه تا هشت برابر شده است.

روزنامه «اعتماد» با اشاره به گسترش آگهی‌های خرید اقساطی در ایران نوشته است که خرید قسطی از کالاهای بادوام عبور کرده و اکنون به کالاهای مصرفی روزمره و حتی خریدهای سوپرمارکتی و آجیل رسیده است.

گزارش روزنامه «اعتماد» افزوده است گسترش اعتبار به چنین کالاهایی نشان می‌دهد درآمد آینده خانوارها دیگر صرفاً برای «ساختن آینده» هزینه نمی‌شود، بلکه برای تأمین مصرف امروز به کار می‌رود.

این روزنامه این وضعیت را نشانه تشدید فشار اقتصادی

→ کودک مبتلا به سوءتغذیه حتی توان تهیه ساده‌ترین خوراک‌ها را نیز برای فرزندانشان ندارند.

در این گزارش به نقل از یک والد که به یک پزشک اطفال در مناطق محروم مراجعه کرده بود نوشته «پیش‌تر راحت‌تر می‌شد به نسخه پزشک عمل کرد، اما حالا حتی پختن یک سوپ قوت‌دار هم خارج از دسترس شده است». پزشک شاغل در این کلینیک گفته «به این مادر بودم حداقل مثل دفعات قبل پای مرغ بگیرد اما پاسخ داده بود «آن برای زمانی بود که هر بسته پای مرغ ۱۰ هزار تومان قیمت داشت نه ۲۵۰ هزار تومان»؛ با شنیدن این پاسخ دیگر توصیه‌ای هم مگر وجود داشت؟»



حکایت دارد. برخی پلتفرم‌ها نیز خبر از رشد ۲۳۰ درصدی حجم اعتبار تخصیص‌یافته در سال جاری می‌دهند. اعداد به‌وضوح نشان می‌دهند که «خرید با پول آینده» به رفتاری عادی تبدیل شده است.

در این گزارش آمده علت این امر، محصول مستقیم گسترش فقر و ناتوانی خانوارهاست؛ اما ماجرا وقتی متفاوت می‌شود که «اقتصاد مصرفی» وارد میدان می‌شود. در حالی که درآمد واقعی خانوار تحت فشار است، دستگاه تبلیغات همچنان وظیفه دارد «خواسته‌های تازه» ایجاد کند. اینجاست که قشر فقیر با دو پیام متناقض روبه‌روست: واقعیت اقتصادی می‌گوید «کمتر بخر»، اما تبلیغات می‌گوید «بیشتر بخواه». «عصر ایران» همچنین تأکید کرده که «وقتی قسط‌گوشی کنار قسط لوازم خانگی و بدهی خرید اینترنتی قرار می‌گیرد، بخشی از حقوق ماه آینده، قبل از آغاز ماه، پیش‌خور شده است. اینجا خرید قسطی از ابزار رفاه به عامل فشار تبدیل می‌شود. یکی از زنده‌ترین تصاویر این فرآیند، تبلیغ «آجیل قسطی» است؛ چرا که میان قسط بیست‌ساله برای مسکن با قسط آجیل که چند روزه تمام می‌شود، تفاوتی بنیادی وجود دارد.»

بر اساس این گزارش «وقتی اعتبار به کالاهای مصرفی زودگذر می‌رسد، مرز مهمی جابه‌جا می‌شود: درآمد آینده دیگر برای ساختن آینده خرج نمی‌شود، بلکه صرف تأمین مصرف امروز می‌شود. به این ترتیب، ما در حال «قسط‌بندی فقر» هستیم؛ فشار اقتصادی امروز را به ماه‌های بعد منتقل می‌کنیم تا فقط بتوانیم بقای امروز را حفظ کنیم. و برای ماه‌های بعد... خدا رحم کند!»

بر خانوارها دانسته و نوشته است: «آرام‌آرام فقر را هم قسط‌بندی می‌کنیم. مردم فشار اقتصادی امروز را به ماه‌های بعد منتقل می‌کنند تا بتوانند زندگی امروز را ادامه دهند.»

بر اساس استانداردهای بین‌المللی از جمله تعاریف کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (ITUC)، درآمد ماهانه کمتر از ۱۰۰ دلار، کارگران را در دسته «فقیر مطلق» و در معرض گرسنگی و قحطی قرار می‌دهد. با جهش اخیر نرخ ارز و رسیدن قیمت دلار به محدوده ۲۰۰ هزار تومان، بخش اعظم کارگران و بازنشستگان در ایران وارد این محدوده بحرانی شده‌اند. در سال جاری، پایه مزد ماهانه ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان تعیین شده که معادل ۸۳ دلار است؛ رقمی که میانگین دستمزد کارگران را در رتبه سوم پایین‌ترین دستمزدهای جهان قرار داده است. همچنین دریافتی کارگران متأهل دارای یک فرزند با احتساب کلیه مزایا حدود ۲۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان (معادل ۱۲۴ دلار) است، در حالی که نرخ رسمی سید معیشت در اسفند ۱۴۰۴ بیش از ۴۲ میلیون تومان برآورد شده بود.

در همین رابطه خبرگزاری «ایلنا» نوشته عدم افزایش عادلانه دستمزدها، در کنار جهش‌های ارزی و وابستگی کالاهای مصرفی و مواد اولیه به نرخ ارز، قدرت خرید جامعه کارگری را به کمترین میزان در دهه‌های اخیر تنزل داده و شکاف عمیقی میان حداقل معیشت و دریافتی واقعی نیروهای کار ایجاد کرده است. بسیاری از کارگران و بازنشستگان ایرانی با دستمزد کمتر از ۱۰۰ دلار یا در همین حدود زندگی می‌کنند.

وبسایت «عصر ایران» نیز در گزارشی به رواج پدیده

مریم، زن ۳۲ ساله سرپرست خانوار هم به «فرارو» گفته «می‌دانم که دندان شیری فرزندم را با به شدت اذیت می‌کند، اما برای کشیدن همان دندان نیاز به رادیولوژی و غیره و ذلک بود. مراجعه را عقب انداختم و شب‌ها با دمنوش می‌خک سعی می‌کنم دندان را آرام کنم.»

علیرضا، پدر ۳ فرزند نیز گفته «وقتی یکی از آنها سرما می‌خورد، بلافاصله ۲ فرزند دیگرم نیز ویروس را دریافت می‌کنند؛ گاهی به جای اینکه هر یک را جدا جدا به درمانگاه ببریم، نسخه دیگری را برای آن یکی می‌گیریم تا حداقل هزینه ویزیت ندهم.»

مرضیه، زن ۳۶ ساله و مادر ۲ فرزند نیز که پس از جنگ به همراه همسرش شغل خود را از دست داده‌اند نیز می‌گوید: «اغلب توان تهیه قرص‌های مکمل و تقویتی را نداریم چون تحت پوشش بیمه نیستند. بیمه بیکاری هم معلوم نیست چه زمانی تمام شود که مشکل دردناکی است.»

مرضیه گفته «می‌دانید تورم ۱۵۰ درصدی یعنی چه؟ اگر گوشت حدود یکسال است که حذف شده، لبنیاتی هم دیگر در یخچال وجود ندارد به جز پنیر. بیشتر به سمت خوراکی‌های سیرکننده می‌رویم. مثل نان و برنج هندی.»

خانواده‌ها همچنین از ناتوانی در تأمین هزینه‌های دندانپزشکی و مکمل‌های غذایی کودکان خبر داده‌اند. پزشکان تأکید کرده‌اند سوءتغذیه الزاماً به معنای گرسنگی نیست و بسیاری از کودکان غذا می‌خورند، اما غذای آنها پروتئین، ویتامین و مواد معدنی کافی ندارد.

این وضعیت در شرایطی گزارش می‌شود که به گفته رئیس کمیسیون بهداشت مجلس، سهم پرداخت مستقیم مردم از



۳۶ جایگاه سوخت ناپیمن
در تهران



صدور حکم اعدام برای
حسین نظری، از بازداشت‌شدگان
اعتراضات دی ۴۰۴



هشدار درباره ورود فرونشست
در چند محله تهران



کسب نایب‌قهرمانی رزمی کار
مستقل ایرانی در ترکیه



شاهزاده رضا پهلوی درباره بحران سوخت
و ضرورت استقرار یک دولت ملی و کارآمد در ایران:
خود جمهوری اسلامی ریشه‌ی این نابسامانی‌هاست!



فروپاشی و ناکامی پروژه‌های
جمهوری اسلامی
نگاه دیگران



وزیر خزانه‌داری آمریکا:
عملیات «طرد اقتصادی» علیه
جمهوری اسلامی را آغاز کردیم



همزمان با آغاز کارزار «D-Day»
اقتصادی «۷۸ فرد، نهاد، شرکت و کشتی
مرتبط با جمهوری اسلامی تحریم شدند



۲۰۰ دلار هزار تومانی میراث ۴۷ سال
فساد ساختاری جمهوری اسلامی



پامادهای توقف مبادلات تجاری امارات با ایران:
هشدار کارشناسان درباره تشدید
فشارهای اقتصادی



ناپدید شدن سنگ قبرها
در «بهشت زهرا»



۳۰۰ دلار هزار تومانی
در راه است؟



سریلانکا ۱۱ نفتکش ایرانی
تحت تحریم آمریکا را در نزدیکی
سواحل خود زیر نظر دارد



افزایش دو برابری قیمت
لپ‌تاپ طی هشت ماه



دبیر کل فدراسیون صنعت نفت:
«در فصل سرد با کمبود گاز
مواجه خواهیم بود»



وزیر اقتصاد دولت رئیسی:
تمامی نشانه‌ها از آشوب و جنگ در
شهریور و مهر حکایت دارد!



اجرای ۵۰۰ حکم اعدام
از ابتدای سال ۲۰۲۶



جمهوری اسلامی مجید آدینه،
شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات
دی ۴۰۴، را اعدام کرد



قیمت گوشت طی یک سال
۱۶۰ درصد افزایش یافت و سرانه
مصرف نصف شد!



بحران کمبود سوخت:
تأیید استفاده از متانول در بنزین
تولیدی «ستاره خلیج فارس»



با عبور قیمت دلار از مرز ۲۰۰ هزار
تومان، فروش در بازار لوازم یدکی اتومبیل
متوقف شد



رکورد تاریخی قیمت طلا و ارز در ایران:
دلار از مرز ۲۰۰ هزار تومان عبور کرد



تلگراف:
هک‌های جمهوری اسلامی یک نیروگاه
بریتانیا را چهار روز از کار انداختند



کاهش ذخایر سدهای
تهران به ۲۶ درصد



در واکنش به تشدید فشار اقتصادی
آمریکا بر جمهوری اسلامی:
قیمت دلار به مرز ۲۰۰ هزار تومان رسید



صدور حکم اعدام علیه علی پیشه‌ورزاده از بازداشت‌شدگان دی ۴۰۴



امیرمحمد مجل چوبری، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، به اعدام محکوم شد



اجرای حکم «شلاق» دو زن بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴



احتمال افزایش ۵۰ درصدی قیمت ارز تا پایان امسال



کاهش قیمت جهانی نفت؛ رویترز: امیدواری به بازگشایی تنگه هرمز قیمت‌ها را کاهش داد



حملات سنگین ارتش اسرائیل به پایگاه‌های حزب الله در جنوب لبنان



قطع برق کمیسیون انرژی مجلس در نشست بررسی علل کمبود برق



قیمت دلار به مرز ۲۰۶ هزار تومان رسید



زنگ خطر در بخش صنعت ایران؛ تورم تولیدکننده در بهار امسال ۱۰۹ درصد شد



گسترش اعتراضات صنفی کارگران و بازنشستگان با تشدید بحران‌های اقتصادی



تهدید به حملات نظامی از سوی جمهوری اسلامی در مقابل فشارهای اقتصادی آمریکا



خطر صدور حکم اعدام علیه رضا زنگنه به اتهام «محاربه» و «همکاری با موساد»



قیمت میلیاردی آیفون ۱۷ پرومکس در ایران



نیویورک پست: اثر قطع روابط تجاری امارات با ایران، فلج کننده است



خط تولید پتروشیمی اروند به علت کمبود برق خاموش شد



پلتانیه جمعی از فعالان و زندانیان سیاسی زندان اوین درباره اعدام‌های غیرانسانی و غیرقانونی جمهوری اسلامی غیرایرانی



واشنگتن پست: جمهوری اسلامی ممکن است پیش از انتخابات آمریکا به دنبال «غافلگیری اکتبر» باشد



پروا خواننده «شاه‌ماهی‌ها» در ۷۶ سالگی در اتریش درگذشت



اعمال تحریم علیه گروه‌های تروریستی خشونت طلب چپ افراطی



پدیده «پیک پیاده» در تهران به علت افزایش هزینه‌ها!



تکرار سناریوی «کشته‌سازی از نیروهای خودی»؛ ابزاری برای بقا، سرکوب و اعدام بیشتر فیروزه نوردستروم



تحمیل فشار تورمی ناشی از افزایش قیمت بنزین بر مردم «قطعی» اعلام شد



قیمت دلار به بیش از ۲۰۳ هزار تومان رسید



اختلال شدید جی‌پی‌اس‌ها در تهران



قطع برق معابر عمومی در پایتخت؛ افزایش آمار تصادف‌های شبانه با ۱۳۰ جان‌باخته و چهار هزار مجروح



عکس هفته | معمار ایران نوین

راه آهن سراسری ایران هشتاد و هشت سال پیش، در چهارم شهریورماه ۱۳۱۷، بطور رسمی توسط رضاشاه پهلوی افتتاح شد. این کلان پروژه ملی که بدون استقراض خارجی و با اتکا به منابع مالی داخلی به بهره‌برداری رسید، نه تنها شمالی‌ترین تا جنوبی‌ترین نقاط کشور را به هم متصل کرد بلکه سرآغاز حرکت قطار نوسازی، توسعه و پیشرفت بود و جان تازه‌ای بر پیکر اقتصاد ایران نوین دمید.